

پروشنامه

مجموعه مقالات پژوهشی

اداره کل میراث فرهنگی استان تهران

عناوین مقالات

- ◀ مرمت درهای دوازده عمارت
سر در باغ ملی تهران
- ◀ گزارش بررسی و شناسایی آثار
فرهنگی - تاریخی حوزه فرمانداری
فیروزکوه و معرفی احتمالی آنها
- ◀ سفالگری یا ((کباره)) و
((نانی)) سازی در مین
- ◀ مطالعات انسان شناسی در
شهر سوخته ۱۳۷۶ - ۱۳۷۹
- ◀ نگاهی تحلیلی به نقوش کاشی
کاری مجموعه کاخ گلستان
- ◀ بررسی بازارهای ایران از دیدگاه
سیاحان خارجی دوران صفویه
و قاجار
- ◀ گروه باستان شناسی دشت لوت
گزارش دوازدهمین فصل کاوش
در محوطه باستانی شهداد

BULLETIN

THE COLLECTION OF INVESTIGATIVE ESSAYS OF THE
IRANIAN CULTURAL HERITAGE ORGANIZATION (ICHO),
TEHRAN PROVINCE OFFICE

SECOND VOLUME SUMMER 2001

TABLE OF CONTENTS:

- 1 - Publisher introduction
- 2 - The renovation of the entrance doors of Sardar-e bagh-e mellî
(Gate of National Garden) building of Tehran. A. BAHREMAN
- 3 - The report of research & recognition of cultural historical monuments
of Firoozkooh area & their brief introduction. N. PAZOOIKI TOROODI
- 4 - Pottery or manufacture of KABARE & NANI in Maibod.
M.S. DAVANBOLLAHI
- 5 - Anthropological studies in Shahr-e sukhteh. 1997-1999
M. SAIED SAJJADI & F. FOROOZANFAR
- 6 - Analysing the tile working designs of Golestan Palace
F. KHANLARIKHANI & S. SALIMI MOAIEDI
- 7 - The study of Bazar in Iran from foreign tourists' viewpoint
in safavid & Qajar eras. M. FATHIHI SHIRAZI
- 8 - Archaeological expedition of Dasht-e loot, Report of 12th
excavation in Shahdad site. M. A. KABOLI

نقش کاسه سفالی، مکشوفه از اسماعیل آباد شهرستان هشتگرد، هزاره پنجم قبل از میلاد

ISBN 964-6027-79-2

قیمت ۱۶۰۰۰ ریال

شماره ۲ - ۷۹ - ۶۰۲۷ - ۹۶۴



تألیف: سازمان میراث فرهنگی، تهران



پژوهشنامه

مجموعه مقالات پژوهشی آثار علی حیدر نورمحمدی استاد محترم

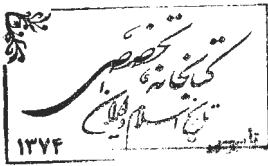
تعداد صفحات: ۱۰۰
تعداد جلد: ۱
تعداد کپی: ۱

بسم الله الرحمن الرحيم



پژوهشنامه

مجموعه مقالات پژوهشی اداره کل میراث فرهنگی استان تهر



دفتر دوم، تابستان ۱۳۸۰

پژوهشنامه، مجموعه مقالات پژوهشی اداره کل میراث فرهنگی استان تهران.--تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، اداره کل میراث فرهنگی استان تهران، ۱۳۷۹.-
ج.: مصور، نقشه، جدول.

ISBN 964-6027-79-2: ریال ۱۳۵۰۰

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
"دفتر دوم کتاب حاضر توسط سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، اداره کل میراث فرهنگی استان تهران با همکاری انتشارات فیلم گرافیک در سال ۱۳۸۰ منتشر شده است.
کتابنامه.

دفتر دوم: تابستان ۱۳۸۰

ISBN 964-6027-99-7: ریال ۱۶۰۰۰

۱. پژوهشهای فرهنگی -- ایران -- مقاله ها و خطابه ها. ۲. پژوهشهای فرهنگی -- ایران -- تهران (استان). ۳. تهران (استان) -- باستان شناسی. الف. سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه). اداره کل میراث فرهنگی استان تهران.

۳۰۰/۹۵۵

۴پ/۱۰۱ HM

م ۷۹-۱۷۹۷۸

کتابخانه ملی ایران
محل نگهداری:



اداره کل میراث فرهنگی استان تهران

پژوهشنامه، مجموعه مقالات پژوهشی، دفتر دوم

چاپ اول: تابستان ۱۳۸۰

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

ناشر: اداره کل میراث فرهنگی استان تهران

حروف چینی و صفحه آرایی: فیلم گرافیک / محمودی

مشاور فنی: ایمانی نامور

لیتوگرافی: فیلم گرافیک

چاپ و صحافی: نقشینه

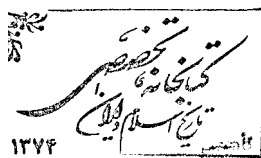
نشانی: تهران، خیابان امام خمینی (ره)، نبش خیابان سی تیر، اداره کل میراث فرهنگی استان تهران

تلفن: ۶۷۰۲۶۷۶، نمابر ۶۷۰۱۶۳۵

کلیه حقوق برای «اداره کل میراث فرهنگی استان تهران» محفوظ است

ISBN 964-6027-79-2

شابک ۹۶۴-۶۰۲۷-۷۹-۲



فهرست مطالب

صفحه

عنوان:

مقدمه

ناشر ۷

مرمت درهای دروازه عمارت سردریاغ ملی تهران

بهرمان - علیرضا ۹

گزارش بررسی و شناسائی آثار فرهنگی - تاریخی حوزه فرمانداری فیروزکوه و معرفی اجمالی آنها

پازوکی طرودی - ناصر ۴۷

سفالگری یا «کباره» و «نانی» سازی در میبد

جانب اللهی - محمدسعید ۵۹

مطالعات انسان شناسی در شهر سوخته ۱۳۷۶-۱۳۷۹

دکتر سید سجادی، سید منصور و فروزانفر - فرزاد ۱۰۳

نگاهی تحلیلی به نقوش کاشی کاری مجموعه کاخ گلستان

خانلر خانی - فرزانه و سلیمی مؤید - سلیم ۱۷۵

بررسی بازارهای ایران از دیدگاه سیاحان خارجی دوران صفویه و قاجار

فقیهی شیرازی - مهناز ۲۰۷

گروه باستان شناسی دشت لوت گزارش دوازدهمین فصل کاوش در محوطه باستانی شهداد

کابلی - میرعابدین ۲۳۹

خدای بزرگ را سپاسگزارم که توفیق انتشار دومین شماره پژوهشنامه را با اهداف، نیت و سیاست‌های زیر نصیب فرمود.

سازمان میراث فرهنگی کشور بر حسب وظایف قانونی محوله، تلاش می‌نماید تا نسبت به پژوهش، حفظ و احیاء، معرفی و آموزش میراث فرهنگی گذشته این سرزمین اقدام نماید. میراث فرهنگی که حاصل تفکر، اندیشه، خلاقیت، نوآوری، ابتکار و در یک کلام عصاره وجودی نخبه‌ترین و برگزیده‌ترین انسانهای این سرزمین یعنی هنرمندان و اندیشمندان و دانشمندان است. حاصل تلاش کارشناسان، باستان‌شناسان، مردم‌شناسان، مهندسان، معماران و هنرمندان هنرهای سنتی در سازمان میراث فرهنگی اینست که دقیق‌ترین، علمی‌ترین، مستندترین و قطعی‌ترین حقایق مربوط به تاریخ، تمدن، فرهنگ و هنر این سرزمین را یافته و به نسلهای آینده انتقال دهند.

پژوهشنامه حاضر کتابی است که تلاش خواهد نمود تا جدیدترین یافته‌های علمی و تحقیقاتی حاصل از کار میدانی کارشناسان اداره کل میراث فرهنگی استان تهران و دیگر اساتید و صاحب‌نظران درباره پیشینه و تاریخ و فرهنگ استان تهران را جهت استفاده علاقمندان و دانشجویان عرضه نماید. علاوه بر آن تحقیقاتی که به صوت عام، در موضوعات مرتبط با وظایف سازمان میراث فرهنگی نظیر باستان‌شناسی، مردم‌شناسی، معماری و هنرهای سنتی تدوین گردد، قابل چاپ در مجلدات آینده پژوهشنامه خواهد بود.

بدین ترتیب امیدواریم ضمن برداشت گامی موثر در ارتقاء سطح علمی جامعه، بستر مناسب جهت معرفی پژوهشهای انجام شده در سازمان و امکان استفاده از آنها برای عموم فراهم گردد.

محتوای مقالات مندرج در پژوهشنامه صرفاً بیانگر تفکرات خاص هر پژوهشگر نسبت به موضوع مورد بحث بوده و نقطه نظرات سازمان میراث فرهنگی تلقی نمی‌شود. ترتیب درج مقالات بر مبنای نام خانوادگی نویسنده تنظیم شده و دلیل دیگری بر آن مترتب نیست. امیدوارم اساتید و صاحب‌نظران محترم برای بهبود کیفیت پژوهشنامه این اداره کل را یاری نمایند.

ناصر پازوکی

مدیر کل میراث فرهنگی استان تهران

تابستان ۱۳۸۰

مرمت درهای دروازه عمارت سردر باغ ملی تهران

علی رضا بهرمان

هیئت علمی پژوهشکده حفاظت و مرمت میراث فرهنگی کشور

پیش گفتار:

صبح اول وقت با بچه‌ها قرار داشتیم تا ببینند سردر باغ ملی، داربست تعمیرات را ببندند. هوا خنکی بهار را داشت. وقتی رسیدم هنوز هیچکدام نیامده بودند. به نرده‌های کنار خیابان تکیه زدم، فکر کردم، جستجو در گستره تاریخ و تعمق در بقایای آن کمک می‌کند تا خویشتن را بیابیم و زندگی را برای خود تعریف کنیم. فکر کردم انسان همیشه گذشته خویش و در مفهومی کلی، گذشته همه انسان در طول تاریخ را با دیده احترام نگریسته است، و همپای تلاش برای آینده، گذشته را نیز کنکاش نموده تارپای نیاکان خویش را بجوید. فکر کردم هرچه این یافته‌ها بیشتر و دقیقتر می‌شوند، علاقمندی انسان نیز در این جستجو فزونی می‌یابد. در این اندیشه بودم و بی‌اختیار در ذهنم تصاویری دیدم مبهم، از دسته‌های سرگردان انسان که دشتهایی وسیع از تاریخی بسیار دور را می‌پیمودند. سرزمینهایی پوشیده از تاریکی، هراس و یخ زده از سرما. در خود اندوهی را احساس کردم. اندوهی که همچون ریسمانی می‌نمود و همه انسان تاریخ را به یکدیگر پیوند می‌داد.

در آن دم این شعر از خاطرم گذشت، روزگاری بنایان پیر اینجا ایستادند و به دریای بیکران نگر بستند و گفتند ما آفتاب لب بامیم و بدینسان حق با آنان بود زیرا که مردند و اکنون من اینجا ایستاده‌ام و به دریای بیکران می‌نگرم. به خود آمدم. در مقابل، عمارت سردر باغ ملی را داشتم. عمارتی که از تهرانش می‌شناسند و تهران را از آن. تهران، شهری نه‌چندان با تاریخی کهن، اما شهری که چون قلبی است بر این سرزمین، قلبی که تاریخ معاصرش همواره در آن تپیده است و

خاطراتی بس تلخ و شیرین در خود دارد، از روزهای ناباوری تا باورهای خوب. از افسانه عصیان لوطی صالح تا پرده‌های حسین آقا قوللر، از فالگیر استاد غفاری تا سقاخانه‌هایی که روشنای شمعی داشتن، از آرزوهای دخیل شده بر توپ مروارید تا اندیشه‌های روشن میرزاتقی‌خان از روزی که فتح شد تارو‌هایی که فتح کرد، تا شکوه انقلاب، همه و همه را بر کوچه‌ها و پس کوچه‌های خود ثبت کرده است، هرچند از آن کوچه‌های پیچ‌پیچ نفسی بیش باقی نمانده، و ردپای آنها را امروز بایست در صدای دلنشین پیرمردها و پیرزنها شنید که قصه گونه و آه کشان بازگویش میکنند، اما هنوز در خیابان شلوغ و کر شده از بوق و دود، نگاه ناگهان بر قامت عمارت سردرباغ ملی می‌نشیند که گویی مأمنی است، سایه‌ای کوچک در تابستانی داغ که در آرامشش میتوان نشست، میتوان دوست داشتن را نفس کشید، میتوان به استاد علی کرمانی گفت خسته نباشی، دست مریزاد.

تاریخچه:

سردر باغ ملی عمارتی است ساخته شده بسال ۱۳۴۰ هجری قمری. این عمارت بر سکوی عمارت دیگری در همین مکان و باشمایلی نه چندان بی شباهت با بنای اولیه ساخته شد. در شمال عمارت سردر باغ ملی میدانی بوده که تمرینات نظامی قشون، در عهد قاجار در آن انجام می پذیرفته، و به نام میدان مشق معروف بوده است.

میدان مشق حدفاصل بین خیابانهای بوده که امروزه با نامهای خیابان سرهنگ سخائی در شمال، خیابان امام خمینی در جنوب، خیابان سی تیر در غرب و خیابان فردوسی در شرق داشته نامیده می شود.

میدان مشق از میادین عهد فتحعلیشاه قاجار می باشد و در آن دوره تنها بنای موجود در آن، ساختمان قزاقخانه در شمال آن بوده است. در، ورودی ضلع جنوبی این میدان بنای سردری وجود داشته که پس از تغییر کاربری میدان از محل تمرینات نظامی به باغ ملی، که در عهد سردار سپهی رضاخان اتفاق افتاد، عمارت سردر قبلی تخریب و در جای آن عمارت فعلی بنا گردید. بر اساس تصاویر بر جای مانده از عمارت قبلی، مشخص می گردد که این عمارت مشابهت زیادی با عمارت تخریب شده قبلی دارد.

میدان باغ ملی بعدها با ساخته شدن عمارت های دولتی در آن رفته رفته موجودیت باغ مانند خود را از دست داد و با ساخته شدن ساختمانهای شهربانی کل کشور، ساختمان شرکت نفت ایران و انگلیس، ساختمان وزارت امور خارجه و ساختمان موزه ایران باستان و کتابخانه ملی در آن بصورت مرکز ساختمانهای اداری در آمد و از آن میان تنها عمارت سردر باقی ماند و نام آن سینه به سینه با نام باغ ملی تداوم یافت.

بر دروازه های عمارت سردر باغ ملی یک سال پس از اتمام بنا، درهائی نصب گردید که بسیار با شکوه و زیبا بودند و خوشبختانه با گذشت زمان و بی مهری آن، هنوز هرچند با پذیرش آسیب اما درها پای برجای مانده اند.

معرفی بنا: (۱)

در یک نگاه اجمالی به سردر باغ ملی یا سردر میدان مشق که اکنون بر پای مانده است با عکسی که از سردر میدان مشق زمان قاجاریه که یکسره ویران گردیده است، در می‌یابیم چه اندازه معماری و دیگر ویژگیهای این دو بنا به یکدیگر نزدیک است.

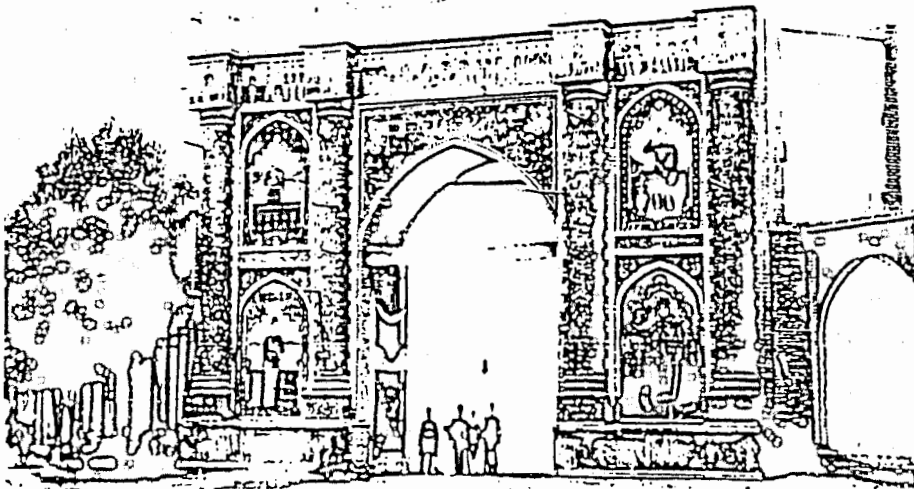
گونه طاق هلالی بزرگ میانی، مواد و مصالح ساختمانی ازاره‌های سنگی، کاشیکاری و حتی نقوش آنها، شباهت این دو بنا را که اولی بر پای و دومی به کلی از بین رفته است، نزدیک و نزدیکتر می‌کند.

نمای بیرونی سردر میدان مشق، یعنی آن سو که به سمت خیابان سپه (امام خمینی) است از سه دروازه، هشت ستون که دو به دو نزدیک یکدیگر و در دو سوی طاقها قرار دارند شکل گرفته شده است. نمای درونی یعنی سویی که رو به ساختمان (بریگارد قزاق) زمان قاجار دارد، نیز با تفاوتی چند یعنی بدون ستونها، همین‌گونه می‌باشد.

طاقها در هر سه دروازه هلالی است. بر بالای طاق میانی که بر دروازه بزرگ و اصلی است یک اشکوب متشکل از اطاقی مستطیل شکل با پنجره‌هایی چند با طاقهای هلالی و سقفی شیروانی ساخته شده است. از این اطاق به عنوان نقاره‌خانه استفاده می‌شده است.

با اینکه عناصر معماری این دروازه همگون نیست و متفاوت می‌نمایند، اما در مجموع بسیار دلنشین می‌باشد. در بنای سردر باغ ملی از ترکیب آجر، سنگ، کاشی، چوب و فلز بهره گرفته شده است. معمولاً در بناهایی که عناصر معماری متفاوت به کار رفته، ترکیبی ناهمگون به وجود آمده است، مانند بنای تئاتر شهر، اما در بنای سردر باغ ملی چنان این ترکیب مناسب است که بنا منسجم و شکیل و یکپارچه به چشم می‌آید.

پهنای دروازه باغ ملی از شرق به غرب کمی کمتر از ۲۷ متر است. این پهنای در سالیان پیش، بیش از اینها بوده، چه بر پایه یک عکس قدیمی در دو پهلوی دروازه‌های کوچک دو اطاق برابر و متقارن نیز بوده است که آنها را ویران کرده‌اند. امروز به جای اطاق شرقی، ساختمان زیبای پست و به جای اطاق غربی، ساختمان وزارت امور خارجه قرار دارد که کاملاً به دو سوی دروازه‌ها چسبیده‌اند.



شالوده دروازه از کف خیابان، سنگی است. بدین گونه که پایه ستونها و پایه طاقهای هلالی بر سنگ گذاشته شده است. در گذشته نیز کف خیابان سنگفرش بوده است اما امروز که خیابان‌های منتهی به آن آسفالت شده است، بخشهایی از پی سنگی این دروازه زیر آسفالت مدفون است. در این بررسی اجمالی دروازه میدان مشق از سه دیدگاه مورد نظر قرار گرفته است:

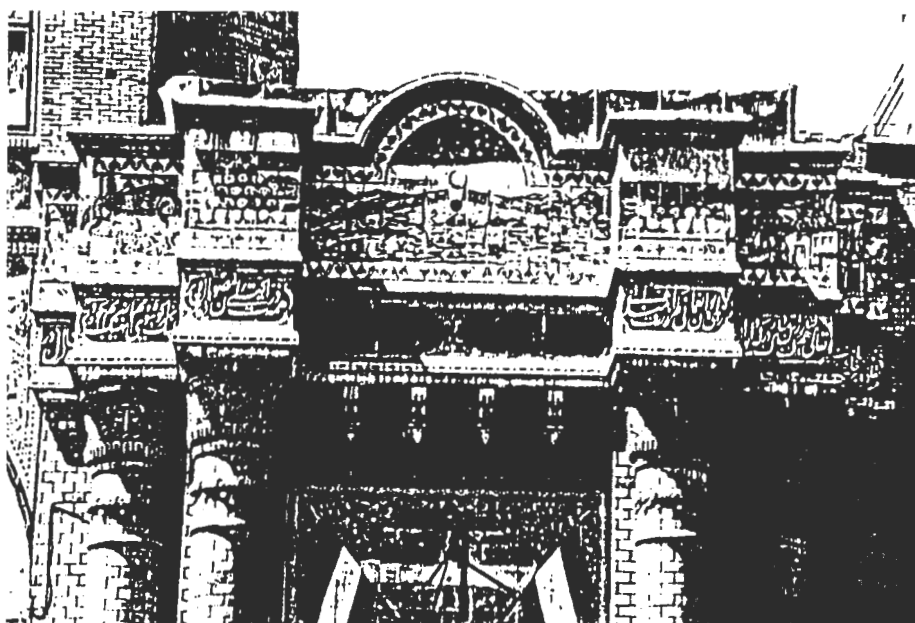
۱- نمای بیرونی و درهای آن.

۲- نمای درونی.

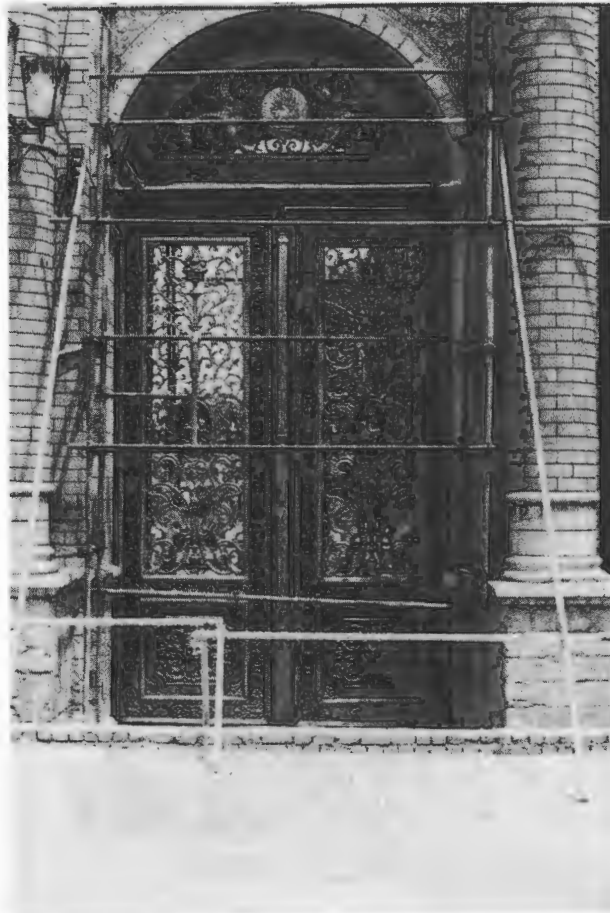
۳- اشکوبی که روی طاق بزرگ ساخته شده است.

۱- نمای بیرونی و درها:

هشت ستون دو به دو کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند و در طرفین هر طاق بر پای شده‌اند. هر ستون روی پایه‌ای سنگی جداگانه به گونه‌ای استوار است که یک ستون جلو و ستون نزدیک به آن به اندازه پایه ستون عقب‌تر است. که اینگونه کاربرد با سایه روشن‌های روز و نور، جلوه ویژه‌ای به بنا می‌بخشد. ستونها گرد و آجری هستند. سرستونها نیز از آجرهای قالبی به شکل برگ کنگر می‌باشند. که این خود نمونه‌ای است یگانه. قاب کاشی‌کاری بالای طاق بزرگ از دو نقش شیر خورشید و پرچم ایران به گونه‌ای قرینه تزئین شده است.



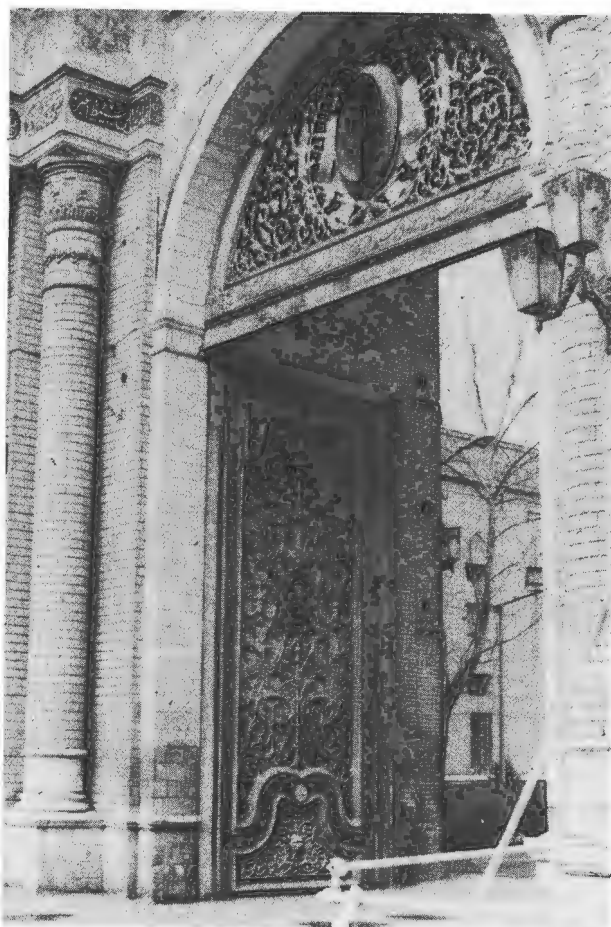
در سمت راست آن "بسم الله الرحمن الرحيم" و در سمت چپ آن "نصر من الله و فتح القريب" آمده است. در وسط این دو، که درست میان طاق است به گونه برجسته "فی سنه ۱۳۴۰" آمده است. قابهای کاشی کاری بالای طاقهای کوچک نیز قرینه و شامل ۲۱ گلوله توپ می باشد. جابجا بین این نقوش قرینه، نقوش دیگری چون رودخانه، پلنگ، خانه، و خانه روستایی آمده که بی گمان از کاشی کاری دروازه قدیمی میدان مشق که ویران شده گرفته شده است. با این گونه بیشتر این کاشی ها، به ویژه کاشی های پرچم ایران، گلوله های توپ و مسلسل های ماکزیم کار حاج حسین کاشی کار است.



بین این کاشی‌کاری‌ها و سرستونها و قرینه‌ها که خود به گونه بسیار زیبایی از سنگ ساخته شده‌اند اشعاری از مرحوم ندیم‌الملک آمده که دنباله آن تا نمای درونی دروازه میدان مشق کشیده شده است.

درها:

تمامی شش لنگه در این دروازه همچنین سه قاب نیم دایره بالایی آنها به گونه ریخته‌گری در "قورخانه" ساخته و پرداخته شده است.



در میان نیم دایره طاق بزرگ، تندیس از رضا شاه بوده که در جریان انقلاب اسلامی آن را به زیر افکنده‌اند. که بنا به گفته‌ای چند، اکنون در حیاط بانک روبروی این سردر مدفون می‌باشد. زیر این تندیس در قوس بالای این نیم‌دایره آمده بود: "زنده و جاوید باد نام پهلوی - عمل محمد علی کرمانی" و زیر آن آمده است: "حسب الامر یگانه قائد جیش اسلام و یکتا منجی کشور باستانی ... حضرت اشرف اعظم آقای رضا خان ... در قورخانه به دستور و مراقبت آقای خسروخان سردار اعتماد رئیس کل قورخانه ساخته زینت‌بخش بنایی تاریخی گردید (۱۳۴۱ هجری قمری).

درها از نقوش شیر تجریدی و نقش شبیه اژدها یا نقش پرنده خیالی "هما" ساخته و پرداخته

شده است. همچنین در وسط هر لنگه در نقش شیر و خورشید بوده است. که اکنون بر جای نیست. درهای طاق‌های کوچک نیز کم و بیش همینگونه ساخت و پرداخت دارند، اما با مقیاسی کوچکتر و طبعاً نقوشی کمتر.

۲- نمای درونی:

نمای درونی نیز کم بیش شبیه نمای بیرونی است. در این نما در بالای طاق‌های کوچک طرفین، تسخیر تهران در کودتای ۱۲۹۹، دروازه و برج و باروهای تهران (احتمالاً دروازه قزوین) و نقوش چند از لژیون قزاق با لباسها، کلاهها و سلاح‌های ویژه خودشان ساخته و پرداخته شده است. درست در وسط طاق بزرگ که به گونه بسیار زیبایی با کاشی‌های تخت هفت‌رنگ (چون نمای بیرونی) تزئین شده آمده است: "انا فتحنا لک فتحا مبینا". در زیر این آیه شریف نوشته شده است: "الجنة و تحت ظلال السیوف" در سمت راست آن "الله محمد علی" و در سمت چپ "فاطمه حسن و حسین" همچنین بین آیه مبارکه "انا فتحنا" و "الجنة و تحت ..." تاریخ ساختمان بنا یعنی ۱۳۴۰ تکرار شده است. در طرفین این نوشته‌ها که به خط زیبای نستعلیق است به قرینه نقش شیر و خورشید و فرشته پیر.زی کم و بیش شبیه آنچه در حجاری طاق بزرگ، طاق بستان است، تزئین شده است.

در بالای طاق نماهای هر ضلع دروازه بزرگ کاشی‌کاری یک سرباز قزاق است. اما در طرفین طاق‌های کوچک دو دیوار آجری است که امروز با پیکانی چند از دیوار سمت چپ می‌توان به اشکوب بالایی آن راه برد، به یقین این پله‌ها قرینه بوده‌اند و امروز پلکان سمت راست آن کور شده است.

کاشی‌کاری روی این دیوارها، نقش مسلسل آبی (ماکزیم) و نقش شصت تیر (مسلسل) به گونه قرینه، تسخیر تهران در کودتای ۱۲۹۹ و به دنباله اشعاری است که در نمای بیرونی آمده است. این قصیده در سمت چپ نمای بیرونی ختم می‌شود.



۳- اشکوب:

در بالای طاق بزرگ دروازه میدان مشق، تنها تالار این بنا ساخته شده است. اینجا تنها محوطه‌ای است که سالیانی چند از آنجا به نقاره‌زدن می‌پرداختند. این مراسم زیبای دیرپا که متأسفانه فراموش شده است، برای آگاهی مردم از طلوع و غروب بوده است. در نمای بیرونی اشکوب دوم آمده است: "قال الله تعالی عزوجل ولایه علی بن ابیطالب حصنی امن من عذابی". این حدیث با کاشیهای تخت و با خط نستعلیق بسیار زیبا، بر بالای پنجره اصلی و میانی اشکوب دوم آمده است. در طرفین این پنجره که با قاب چوبی ساخته شده، دو پنجره کوچک دیگر نیز با قاب چوبی ساخته شده است.

در دو سوی درونی دروازه‌ها در جبهه خاوری ۲۴ پله از کف خیابان که سه پاگرد در سه نقطه آن جای گرفته، عابر را به اشکوب دوم بنا هدایت می‌کند. پنجره‌های جبهه بیرونی دروازه در این سوی نیز به همان شیوه و به همان زیبایی بر جای هستند.

شناسائی فنی و روش ساخت درها:

عمارت سر در باغ ملی متشکل از سه دروازه است که در آن دروازه میانی بزرگتر و دروازه‌های جانبی که بصورت قرینه در دو سمت دروازه بزرگ قرار گرفته‌اند از ابعاد کوچکتری برخوردار می‌باشند. بر هر کدام از دروازه‌ها دو لنگه در و در بالای هر دو لنگه، یک قاب هلالی شکل نصب گردیده شده است. قاب هلالی دروازه میانی در قوس فوقانی، دارای کتیبه‌هایی به خط نستعلیق میباشد که در آن تاریخ ساخت درها درج گردیده شده. براساس تاریخ مندرج در کتیبه فوق، درها به تاریخ ۱۳۴۱ هجری قمری (۱۲۹۹ هجری شمسی) در محل گورخانه تهران ساخته و زینت‌بخش این بنای تاریخی گردیده است.

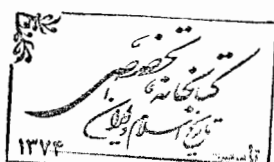
علی‌رغم آنکه در نگاه اول بنظر میرسد که جنس درها از چوب هستند، اما در واقع امر درها تماماً از جنس فلز بوده و در هیچ قسمت آن چوب بکار نرفته است. این حالت چوب نمائی درها شاید بیشتر به لحاظ نوع تزئین و روش بکار گرفته شده در ابزار زنی زه‌های فلزی بکار رفته در آن بمنظور تزئین میباشد.

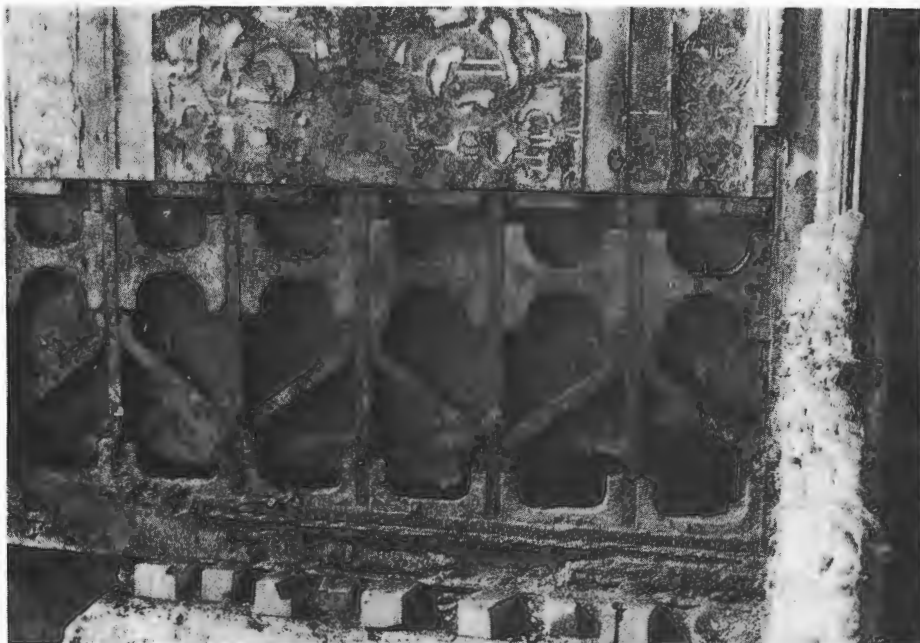
درها تماماً از دو جنس فلز آهن و آلیاژ برنج ساخته شده‌اند. در ساخت درها ابتدا کلاف اصلی، از جنس فولاد "مشخصاً ریل‌های راه آهن دوره قاجار" تهیه و با استفاده از روش پرچ و بستهای رابط گونیا شکل به یکدیگر اتصال داده شده‌اند.

با توجه به ابعاد بزرگ درها و طبیعتاً وزن فوق‌العاده زیاد آنها موضوع استحکام کلاف اصلی و نحوه شبکه‌بندی توزیع نیرو در آنها از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. این کلاف و شبکه آهنی درون آن می‌بایست توان و مقاومت لازم را برای درها ایجاد نمایند تا اضافه بر اینکه در هنگام باز و بسته شدن و ورود نیروی اینرسی بر آنها سینه‌نداده^(۱) و مشکلی ایجاد نگردد، و همچنین در برابر دوئیگی^(۲) و خارج شدن از گونیا مقاومت لازم را داشته باشد. لذا به این منظور شبکه‌بندی داخل کلاف اصلی در درهای کوچک به گونه‌ای و در درهای بزرگ به گونه‌ای دیگر آرایش شده است. اما آنچه قطعی است اینکه آرایش شبکه با مطالعه مصالح و با در نظر گرفتن نکات فنی و محاسبه تقسیم اصولی نیروهای وزن اینرسی به محیط کلاف اصلی درها، طراحی شده است. شبکه درون کلاف با استفاده از آهن چهارسو در اندازه ۲۰×۲۰ و ۲۰×۴۰ و با روش پرچ به بدنه انجام پذیرفته است.

۱- سینه دادن اصطلاحی است که بمعنی تنشهای ناشی از وارد آمدن نیرو بر سطوح بزرگ و سنگین هنگام حرکت دادن اتفاق می‌افتاد و بصورت لنگر انداختن عمل مینماید.

۲- دوئیگی اصطلاحی است که در سطوح مربع و یا مستطیل شکل مطرح میشود و آن هنگامی است که زوایای مربع از نود درجه خارج میگردند.





شبكة بندی در قسمت پائین درهای کوچک.



شبكة بندی در قسمت پائین درهای بزرگ.

سطح درها با استفاده از ورق آهن پوشیده شده است. در، درهای کوچک و نمای جنوبی درهای بزرگ ورق آهن از ضخامت ۲ میلیمتر و اما در نمای شمالی دروازه بزرگ از ورق با ضخامت ۶ میلیمتر استفاده شده است. ورقها نیز با استفاده از پرچ دو طرفه به یکدیگر و برکلاف در، اتصال پیدا کرده‌اند. اتصال مستحکم ورقها و فاصله حدوداً ۸ سانتیمتری بین دو ورق حالت خرپا در درها ایجاد کرده و کمک مؤثری در ایستایی و همچنین ممانعت از سینه زدن آنها نموده است.



چفت و بست درها نیز از آهن چهارسو با ضخامت 20×50 ساخته و در پشت درها نصب گردیده است. چفت، در درهای کوچک به صورت عمودی و با روش کشوی و چرخ دنده‌ای ساخته شده که در قسمت فوقانی به صورت شاخی بر ضلع فوقانی کلاف حامل در قفل می‌گردیده است.



اما در حال حاضر در هیچکدام از درها زائده نگهدار چفت در قسمت فوقانی وجود ندارد و به نظر می‌رسد که سازنده از نصب آنها صرف‌نظر کرده است. یکی از مهمترین و دشوارترین مراحل فنی ساخت پاشنه درها و نصب درها بر آنها بوده است. وزن بسیار زیاد درها و لنگر زیاد آنها در زمان باز و بسته شدن، ساخت لولا و پاشنه پاگرد درها را که بتوانند ضمن تحمل بار زیاد به راحتی بر روی پاشنه بچرخند و باز و بسته شوند بسیار دشوار می‌نموده است.

لولابندی درها با استفاده از روش پاشنه، پاگرد در پائین و کام و زبانه در قسمت بالای درها انجام پذیرفته است. به این منظور ابتدا منتهی‌علیه اضلاع طرفین کلاف چهارچوب اصلی در که از نوع ریل آهن ۱۰۰ میلیمتر ضخامت می‌باشد را با روش چکش‌کاری گرم به صورت مخروطی شکل در آورده‌اند و در قسمت فوقانی زائده‌ای زبانه شکل از جنس برنج با ضخامت قطر ۶ سانتیمتر ساخته و الحاق شده است.

به منظور پاشنه از چدن استفاده شده است. این قطعه چدن در درهای کوچک دارای ابعادی در حدود ۱۰×۱۰ سانتیمتر و در در بزرگ ۳۰×۳۰×۱۰ سانتیمتر انتخاب شده است. برای جلوگیری از نشست پاشنه در خاک و همچنین چرخ آن در زمان باز و بسته شدن درها پاشنه‌ها در پاگرد سنگی جاگذاری شده است و سپس سنگ مذکور به وسیله ملات به زمین اتصال یافته است.

در قسمت اتصال بالای درها و چفت شدن زبانه‌ها زائده‌ای با سوراخی به ضخامت زبانه نصب شده است که کاملاً با زبانه جفت بوده و دارای فاصله‌ای در حد لازم برای چرخیدن بین کام و زبانه است. به همین دلیل درها به آرامی بر روی پاشنه چرخیده و باز می‌شده‌اند.

تزئینات درها:

تزئینات نمای پشت و روی درها از جنس برنز و چدن می‌باشد، که با روش زه و مشبک و با روش ریخته‌گری ساخته و نصب شده‌اند. تزئینات شبکه‌ای در پنجره قاب فوقانی و همچنین پنجره میانی درها و سطوح پائینی درها و همچنین تزئین دورگرد نمای پشت و روی درها به کار رفته است. زه‌های برنجی و چدنی بیشتر به منظور کادربندی و تقسیمات سطح درها به کار گرفته شده است.

تزئینات مشبک به کار رفته در درون قاب فوقانی و پنجره‌ها به صورت دورو نما ساخته شده‌اند، اما شبکه‌های متصل به بدنه با روش یک رو ساخته شده‌اند.



ابعاد بزرگ تزئین‌های مشبک در قاب فوقانی درها و همچنین پنجره آنها مشکلات زیادی را بر سر راه ریخته‌گری یک پارچه آنها فراهم می‌آورد، به طوری که انجام آن را ممکن نمی‌ساخته است. لذا شبکه‌ها به طور ماهرانه‌ای در قطعات کوچک طراحی و ریخته شده و سپس با اتصال پرچ سربی و آهنی به صورت یک پارچه درآمده‌اند. در قسمت‌های مشبک قاب فوقانی و همچنین پنجره درها که شبکه از پشت و روی در، در معرض دید ناظر قرار می‌گرفته، موضوع ریخته‌گری بسیار پیچیده‌تر بوده است. در این قسمت‌ها ضخامت قطعه تا چندین سانتیمتر می‌رسد. وقتی که ضخامت قطعه در ریخته‌گری معمولی که تحت فشار نمی‌باشد زیاد می‌شود

موجب می‌گردد که بار مذاب زیادی در قالب جمع شده و با توجه به تغییر حجم مذاب و انقباض آن پس از سرد شدن قطعه دچار جمع‌شدگی گردد. در این حالت نمای سطح کفه بالائی درجه^(۱) ریخته‌گری به صورت فرو رفته شکل گرفته و نقوش آن کامل نمی‌گردد. اما با وجود تمام مشکلات فوق در مجموع عیوب موجود در قطعات ریخته شده چندان زیاد نیست و این حکایت از مهارت استادکاران و سازندگان در و ریخته‌گران آن دارد. چرا که به خوبی از عهده ساخت قطعات مشبک و همچنین زه‌های ضخیم با قوس زیاد برآمده و ساخت آنها را ممکن ساخته‌اند.

اما به لحاظ اشکالات مختصر موجود در قطعات که به صورت تخلخل و یا محو بودن نقوش ظاهر شده‌اند، و کاملاً هم بدیهی بوده است، به نظر می‌رسد مدتی پس از ساخت به منظور پوشاندن عیوب فوق تصمیم به رنگ‌آمیزی درها می‌گیرند، چرا که انتخاب آلیاژهای متنوع با رنگهای طلائی و مشکی آهن حکایت از آن دارد که سازنده اصلی می‌خواسته نمای در همانا نمای رنگی جنسیت فلزی خود قطعات باشد. بهر حال با تصمیم به رنگ‌آمیزی، درها رنگ شده‌اند. رنگ‌آمیزی طی تاریخ‌های مختلف تجدید شده است.

آنچه از لایه‌برداری رنگها استنتاج گردید نشان می‌دهد که رنگ‌آمیزی در دوره‌های مختلف تحت تأثیر سلاقی مختلف از تنوع رنگی مختلفی برخوردار می‌باشد و در کل رنگها آبی زنگاری، نارنجی سرنج، قرمز، آبی سورمه‌ای، اکلیل نقره‌ای و طلایی بر روی در شناسایی گردید.

تزئینات درها در دوره‌های مختلف مورد مرمت قرار گرفته و نسبت به بازسازی قسمت‌هایی از تزئینات آنها که مفقود گردیده شده بوده است اقدام نموده‌اند. که با توجه به امکانات و اعتبارات و توانائی مجریان تعمیر، تزئینات بازسازی شده از جنس‌های گوناگون برنج و سرب خشک تهیه و نصب شده‌اند، که بعضاً بسیار ضعیف انجام پذیرفته است.

۱- درجه ظرفی مکعب شکل از جنس آلومینیوم است که در آن قالب قرار داده شده و پس از ماسه‌ریزی مذاب در آن ریخته می‌شود.

آسیب شناسی:

بررسی آسیبهای وارده بر درها و شناسایی عوامل مؤثر در تخریب:

فلزات به استثناء طلا به ندرت به طور خالص و در حالت فلزی در طبیعت یافت می شوند. این امر به دلیل میل ترکیب زیاد عناصر فلزی با عوامل موجود در محیط و تبدیل شدن به نمکهای فلزی می باشد. بنابراین تمامی فلزات در حالت خالص یا آلیاژی با قرار گیری در محیط فرسوده شده و خورده می شوند.

ساختار فرسایش فلزات و خوردگی آنها در فعل و انفعالات و واکنشهای شیمیایی و الکتروشیمیایی مختلف قابل توضیح و تعریف می باشند. سرعت واکنش تخریب فلزات بستگی به میزان بار پتانسیل الکتریکی آنها و مشخصاً جنس فلز و یا آلیاژی آنها متغیر بوده و با آهنگهای مختلف در محیطهای گوناگون دچار خوردگی و فروپاشی می گردند.

فلزات در طی مراحل مختلف خوردگی ابتدا با لایه ای نازک از محصولات واکنشهای خوردگی پوشیده و سپس با ادامه یافتن واکنشهای خوردگی لایه ضخیم و نهایتاً تمامی مغز فلز از میان می رود. اصولاً قرار گرفتن فلزات در محیطهای مرطوب مثل محیطهای زیر آب، همچون محیطهای مردابی و محیطهای خاکی با درصد رطوبت بالا موجب می گردد که اشیاء با سرعت زیادی فرسوده و خورده شوند.

حضور رطوبت به همراه عوامل فعال شیمیایی همچون نمکهای کلروره موجود در زمین و یا محلول در آب و آب دریا در واقع یک محلول الکترولیتیک را تشکیل می دهند که در آن تبادل یونی در فلز غیر همجنس و محیط انجام گرفته و فلز با سرعت زیادی به نمکهای فلزی تبدیل گردد. (۱)

فلزات در محیطهای خشک هادی گازهای اکسیژن، انیدرید سولفور و ... نیز دچار پدیده خوردگی می گردند و محصولات خوردگی در این محیطها موجب کدر شدن سطح فلز و از میان

۱- خوردگی فلزات یک پدیده الکتروشیمیایی است. هنگامی که دو فلز غیر متجانس "آلیاژ فلزی" در مجاورت یک محلول نمک هادی برق در ارتباط با یکدیگر قرار می گیرند، این پدیده اتفاق می افتد. در واقع دو فلز ناهمگون و نمک هادی یک پیل الکتریکی ساده را تشکیل می دهند که در آن فلز پائین تر خورده شده و فلز سخت تر به وسیله عاملی که مصونیت کاندی نامیده می شود حفظ می گردد.

رفتن تالو فلزی آنها می‌شود.

گاز انیدرید سولفور که عمدتاً ناشی از سوخت مواد سوختی کارخانجات و اتوموبیلها می‌باشد در محیط‌های صنعتی و شهری به غلظت زیاد وجود دارند. به طوری که امروزه این گاز به عنوان یک معضل تخریبی در بحث حفاظت محیط زیست و محیط‌های موزه‌ای، آثار تاریخی، بناهای تاریخی شهری و مجسمه‌های تزئینی بناها و میدانی شهرهای صنعتی مطرح می‌باشد. در دروازه‌های سردر باغ ملی نیز همانگونه که در بخش معرفی و شناسایی فنی توضیح داده شد، تماماً از جنس فلز آهن و آلیاژ برنج ساخته شده‌اند و از طرف دیگر عمارت سردر باغ ملی بنائی است که در یکی از پرتددترین نقاط شهری تهران با غلظت شدید آلاینده‌ها قرار گرفته و تأثیر تخریبی زیادی را از این بابت متحمل می‌گردد.

بررسی علت تخریب در درهای عمارت

الف: تخریب شیمیایی

همانگونه که در بخش تاریخ ساخت بنا اشاره گردید، بنای سردر قبل از ساختمانهای مجاور خود یعنی اداره پست و شرکت نفت ایران و انگلیس و وزارت امور خارجه فعلی ساخته شده است. با توجه به شیب شمال به جنوب میدان مشق، عمارت سردر باغ ملی نسبت به ساختمان قزاقخانه روبرو در سطح پائین‌تر بنا گردید. اما در دوره‌های بعد رفته رفته سطح خیابان جنوبی سردر یعنی خیابان امام خمینی فعلی به علت خاک‌ریزی متعدد بالا آمده به طوری که در زمان ساخت ساختمانهای پست و شرکت نفت سطح در نظر گرفته شده برای نقطه ۰-۰ بنا سطح خیابان سپه مدنظر قرار گرفته است. بنابراین بنای سردر باغ ملی نسبت به خیابان پائین‌تر قرار گرفته. این امر موجب گردید که به منظور ایجاد شرایط مناسب برای تردد اتوموبیل از زیر چشمه‌های عمارت سطح مذکور به مرور و طی دفعات مختلف خاک‌ریزی و تا سطح امروزی خیابان سپه بالا آید.

این امر لاجرم مدفون شدن بخشی از درها را به دنبال داشته است. ارتفاع مدفون شدن درها تا حدود یک متری از پای درها صورت گرفته است و موجب گردیده تا درها از آن تاریخ تا به امروز همواره در حالت بازمانده حبس شوند. در قسمتهای پای درها معمولاً به علت بارندگی و شستشوی مصنوعی خیابان آب جمع شده و در خاک نفوذ می‌کرده است. آب باران در این

قسمت از شهر در حد قابل توجهی آلاینده‌های گازی محیط را در خود حل نموده و به صورت بارانهای اسیدی با قدرت تخریب زیاد در می‌آید. رطوبت نفوذی در محیط مدفون شدن در و اسیدی بودن این رطوبت موجبات تخریب شدید قسمتهای دفن شده درها را فراهم آورده است. به طوری که نمای ورقهای سطحی درها، تزئینات چدنی و تزئینات تعمیری که از جنس آلیاژ سرب می‌باشند تا حد انهدام فرسایش یافته‌اند.

این فرسایش قسمتهای شبکه درون کلاف و حتی کلاف ریل آهنی درها را نیز تحت تأثیر قرار داده و پوسیدگی زیادی در آنها ایجاد نموده است. این تخریب در قطعات بست گونیائی و پرچها که تحت تأثیر شدید چکش‌کاری و عملیات حرارتی ساخته شده و ساختار کریستالی ضعیف‌تری در برابر خوردگی دارند شدیدتر بوده و کاملاً منهدم گردیده‌اند.



ب: تخریب فیزیکی

دروازه‌های عمارت سردر باغ ملی طی سالیان دراز به عنوان راه ارتباطی بین خیابان سپه و بناهای اداری و نظامی شمال این خیابان مورد استفاده قرار گرفته است. در دروازه بزرگ میانی

طی سالیان متمادی تردد اتومبیل با حجم زیاد انجام و حتی مجوز عبور اتومبیلهای سنگین همچون کامیون و اتوبوس نیز وجود داشته است. بررسی آسیب‌های وارده بر درها نشان میدهد که اتومبیلها هنگام تردد از زیر گذر عمارت به دفعات با درها تصادف نموده و آسیبهایی را به آنها وارد نموده‌اند.

یکی دیگر از زوایای ورود آسیب به درها ضایعاتی است که طی تلاش مردم جهت زدودن نام و بقایای آثار سلطنت پهلوی از روی درها، طی روزهای اولین انقلاب اسلامی صورت پذیرفته است. در این تلاش کتیبه فوقانی در به میزان ۵۰ درصد آسیب دیده و علائم و نشان‌های شیر خورشید و تاج‌های ریزی و همچنین تندیس رضاخان شکسته و پائین ریخته شده است.

طرح مرمت :

هدف:

عملیات اجرایی با هدف آزادسازی درها از زیر خاک، استحکام بخشی کلاف اصلی و رفع ضعف‌های ایجاد شده در آن، بازسازی تمامی قسمت‌های مفقود و منهدم گردیده تزئینات، بازگرداندن توانایی و ویژگی باز و بسته شدن درها و احیاء سیستم لولائی آن و همچنین چفت و بسته‌های درها مطابق حالت اول، زدودن رنگ‌های الحاقی با بازگشت به حالت اولیه و نمای واقعی درها، تثبیت و مقاومت بخشی به در، در مقابل عوامل فرساینده گازی و رطوبتی محیطی و زنگ‌زدگی صورت پذیرفته است.

رتوس عملیات اجرایی:

- ۱- حفاری پای درها و زیر گذر عمارت تا سطح کف اصلی.
- ۲- حذف الحاقات و قطعات پوسیده.
- ۳- بازسازی قسمت‌های از میان رفته و تحکیم بخشی کلاف درها با استفاده از روش جوش برق و جوش کاربیت.
- ۴- زدودن زنگار و رنگ‌های فرسوده الحاقی با روش‌های مکانیکی.

شرح برنامه عملیات:

- ۱- حفاری پای درها و زیرگذر عمارت تا سطح کف اصلی.
ضخامت آسفالت در زیرگذر و همچنین عبور اتومبیل طی سالیان دراز موجب کوبیده شدن سطح خیابان و سختی آن گردید. لذا خاکبرداری می‌بایست با روش استفاده از ماشین‌آلات مکانیکی سنگین انجام پذیرد. بهترین حالت برای این مورد استفاده از ماشین برش اهرای آسفالت می‌باشد. که ایجاد لرزش نمی‌نماید. ایجاد لرزش شدید در پای بنای تاریخی می‌تواند ضایعه آفرین باشد.
- ۲- حذف الحاقات و قطعات پوسیده.
آنچه مسلم است قسمتهای زیر خاک پوسیدگی زیادی را متحمل گردیده‌اند. لذا لازم است این قسمتها تعویض شوند. باید توجه داشت که سطح تعویض بایستی تا حد قسمتهای فرسوده و از میان رفته محدود و قسمتهایی که توان لازم را دارند تعویض نگردند.
- ۳- بازسازی قسمتهای از میان رفته و تحکیم‌بخشی کلاف درها با استفاده از روش جوش برق و جوش کاربیت.
بسیاری از قطعات تزئین طی دوره‌های مختلف به سرقت رفته و یا شکسته و از میان رفته‌اند. بازسازی بایستی بر اساس اصول اولیه تولید قطعات انجام گرفته و با روش‌های نصب اولیه جوش پرچ و پیچ مهره‌ای انجام پذیرد.
- ۴- زدودن زنگار و رنگهای فرسوده الحاقی با روشهای مکانیکی.
به طور کلی برای زدودن زنگار و رنگ از روی سطوح فلزی تاریخی روشهای مختلفی مورد استفاده قرار می‌گیرد که می‌توان آنها را در سه روش شیمیائی، احیاء الکتروشیمیائی و روشهای مکانیکی ماشین و دستی دسته‌بندی نمود. روش‌های شیمیائی و الکتروشیمیائی در مورد اشیائی که ابعاد آنها به گونه‌ای که می‌توان آنها را در محلول قرار داد و مراحل رسوب‌زدائی را کاملاً در کنترل داشت ممکن است. چنانچه قطعه بزرگ و امکان استفاده از مواد شیمیائی به طور موضعی بر روی آنها میسر نباشد، روشهای مکانیکی و حرارتی بیشتر مورد توجه می‌باشد.^(۱) یکی از مؤثرترین راههای تمیز کردن زنگار از روی اشیاء فلزی روش پرتاب ذرات بسیار ریز توسط گردپاش می‌باشد. در این روش ذرات ریز سیلیس با سرعت بر سطح فلز پرتاب می‌شود. برخورد ذرات بر سطح رسوبات موجب جدا شدن رسوبات از سطح می‌شود. این روش برای رسوب‌زدائی از سطوح برنز و آهن مناسب است.

گزارش تصویری عملیات مرمت و بازسازی درهای عمارت سردر باغ ملی



وضعیت کلی عمارت سردر باغ ملی، دید از جنوب.



وضعیت کلی عمارت سردر باغ ملی، دید از شمال.



وضعیت در ضلع غربی دروازه
بزرگ و نمایش قسمتهایی از در،
که زیر خاک دفن شده است.



وضعیت در ضلع شرقی دروازه
غربی و نمایش قسمتهایی از در،
که زیر خاک دفن شده است.



تصاویر جزئی از کتیبه فوقانی و نشان دادن تخریب وارده بر آن.



تصاویر جزئی از کتیبه فوقانی و نشان دادن تخریب وارده بر آن.

تصویر مربوط به قسمتی از درِ
ضلع شرقی دروازه بزرگ و
تخریب وارده بر آرم شیر و
خورشید مرکزی آن.



عکس مربوط به خاکبرداری از
کف و آزادسازی در ضلع شرقی
دروازه غربی. در این تصویر میزان
آسیب و تخریب وارده قابل
مشاهده می‌باشد.





مربوط به خاک‌برداری از کف و ازادسازی در ضلع شرقی دروازه غربی. در این تصویر میزان آسیب و تخریب وارده قابل مشاهده می‌باشد.



قسمت پائین درِ بزرگ، پس از خارج شدن از خاک.



تصویر در ضلع شرقی دروازه بزرگ پس از تلاش فراوان برای باز کردن آن.



در ضلع شرقی دروازه بزرگ پس از باز کردن آن.



مراحل جدا نمودن تزئینات مرکزی به منظور جدا نمودن ورق‌های پوسیده.



شبکه و کلاف در ضلع شرقی پس از برداشتن ورق‌های پوسیده.



پوسیدگی شدید در شبکه ایجاد
شده در کلاف درهای بزرگ.



کارگذاری سنگ زیر پاشنه و ملات
ریزی زیر سنگ.



مراحل نصب ورق جدید در درهای ک



تصویر بازسازی قسمتهای پوشیده کلاف درهای بزرگ و تعریض ورقهای ۶ میلیمتری سطح درها.

مراحل نصب مجدد ت



مراحل نصب مجدد تزئینات.



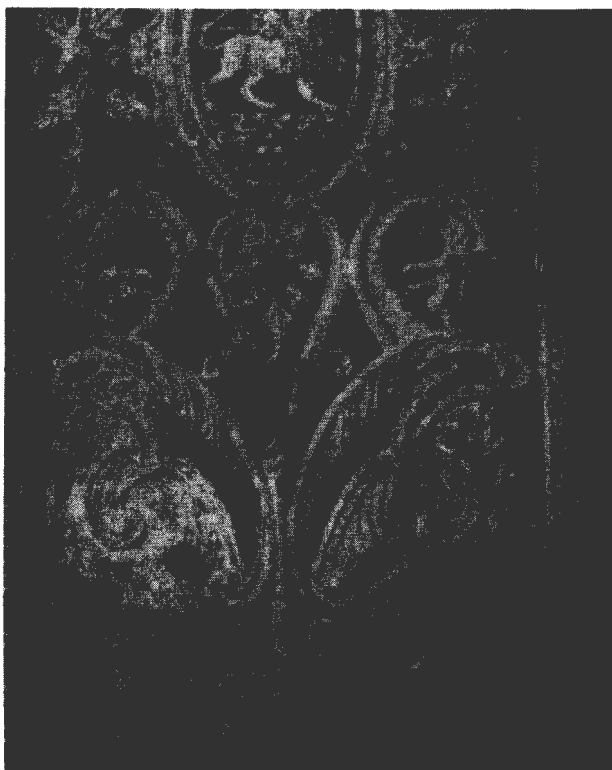


کی از لنکه درهای بزرگ پس از تعمیر و نصب و نهایی جدید.

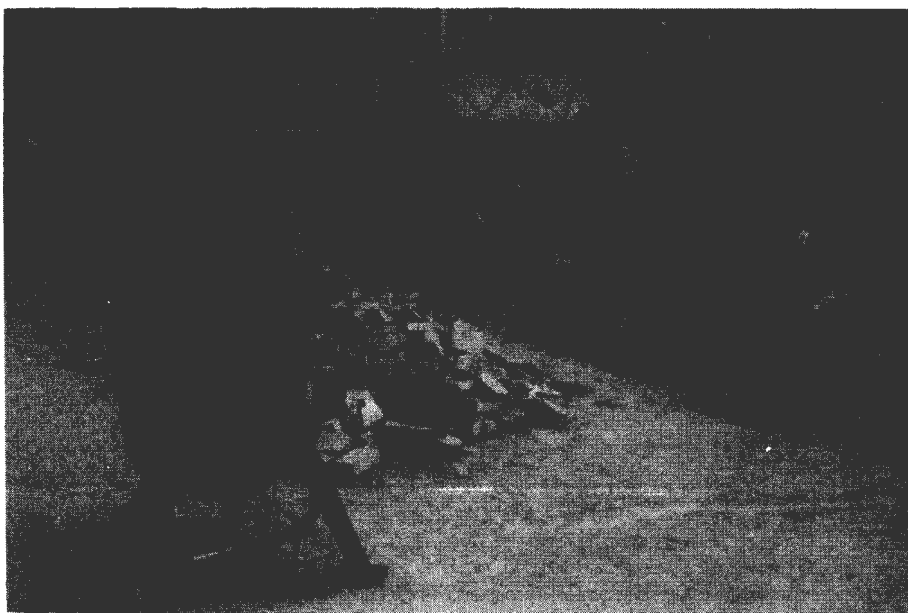


مرحله رنگ‌برداری از روی و پشت درها با روش مکانیکی.

شبکه یکی از دروازه‌های کوچک
پس از رنگ برداری مکانیکی.



آماده‌سازی دستگاه سندبلاست
جهت رنگ‌زدائی.





جزئی از، بخشی از تزئینات پس از سندبلاست.



مراحل پرداخت نهایی با روش فرجه سیمی.



قسمتی از در پس از پرداخت.



مرحله تثبیت درها با استفاده از رزین های مصنوعی شفاف.

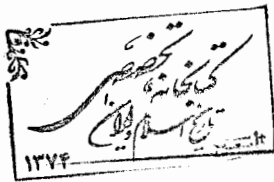


مرحله تثبیت درها با استفاده از رزین های مصنوعی شفاف



مرحله نهایی کار مربوط به پشت در کوچک ضلع شرقی.

در پایان مراتب تشکر خود را از جناب آقای ناصر پازوکی مدیر کل محترم میراث فرهنگی استان تهران و همچنین آقای مهندس اسکندر مختاری معاونت محترم حفظ و احیا مدیریت مذکور دارم بدیهي است رهنمودها و حمایت‌های ایشان انجام این اقدام را هموار و مقدور نمود.



گزارش بررسی و شناسائی آثار فرهنگی - تاریخی حوزه فرمانداری فیروزکوه و معرفی اجمالی آنها

ناصر بازوکی طرودی

عضو هیئت علمی دانشگاه و کارشناس ارشد میراث فرهنگی

مقدمه :

شناسائی، حفظ، احیا و معرفی میراث فرهنگی - تاریخی هر قوم، منطقه، ملت و کشوری می تواند عامل اصلی و بسیار موثری باشد تا با شناساندن پیشینه تاریخی آنها مسیر زندگی فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... آنان را ترسیم نمود. آنچه که امروز به عنوان تهاجم یا شبیخون فرهنگی گفته می شود، حاصل خلای است که به مصداق " آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می کرد " موجب بی هویتی یا خود باختگی یک فرد یا جامعه بر اثر ناچیز شمردن خود در مقابل دیگران بروز می نماید.

برای گریز از این معضل و آفت اجتماعی می باشد که امروزه بسیاری از ملت های جهان مصرانه در پی احراز و اعلام هویت ملی و فرهنگی خویش هستند. آنان از طریق تاریخ نویسی و وقایع نگاری، حتی با جعل حقایق، در تلاشند تا برای سرزمین و اقوام و فرهنگ خود و احیا و حفظ و ابلاغ موارث فرهنگی به جای مانده از گذشته و گذشتگان، هویت و شناسنامه خود را به جهانیان ارائه نمایند تا بدین طریق به حفظ و تثبیت نظام اجتماعی، سیاسی و فرهنگی شان یاری رسانده و همبستگی ملی، میهنی و مذهبی را تقویت و استحکام بخشند. نسل های امروز و فردای خود را برای خدمتگذاری، تلاش و فداکاری آماده نمایند.

امام خمینی (ره)، رهبر کبیر انقلاب اسلامی، که از نوایغ نادر تاریخ می باشد و بر همه امور مذهبی، سیاسی، فرهنگی و... تاریخ، جامعه و انسان، علم و اشراف کامل داشتند، با توجه به این ضرورت حتمی است که فرمودند: " ما تا تمام حیثیت خودمان را نفهمیم، نفهمیم ماچی

بودیم، ما، در تاریخ چه بودیم، چه هستیم، چه داریم، تا اینها را نفهمیم، استقلال نمی توانیم پیدا کنیم”

انجام برنامه بررسی و شناسائی آثار فرهنگی - تاریخی فیروزکوه که شرح اجمالی آن در ادامه خواهد آمد، در راستای رسیدن به اهداف مذکور انجام شده است.

وضعیت آثار فرهنگی - تاریخی منطقه :

علی رغم نزدیکی منطقه فیروزکوه و روستاها و دشتها و کوههای آن به پایتخت و گذشت قریب به یک قرن از عمر علم باستانشناسی و حفاظت از آثار تاریخی ایران، متأسفانه تا قبل از اجرای این برنامه، اطلاعات کاملی از تنوع، پراکندگی، کمیت، کیفیت و موقعیت جغرافیایی آثار منطقه در دست نبود. البته جای تأسف بیشتر دارد که این اطلاعات درخصوص تهران و دیگر فرمانداریهای تحت پوشش آن نیز وجود نداشته و این وضعیت کم و بیش حکمفرما می باشد و جای تأسف باز هم بیشتر و افزون تر است که وضعیت فوق در سراسر کشور عمومیت دارد. منطقه فیروزکوه این بدشانسی را داشته که انگار پای هیچ باستانشناسی نیز برای مطالعه و کار علمی بدانجا نرسیده است .

طبق اطلاعاتی که قبل از عزیمت هیات بررسی و شناسایی کننده آثار باستانی، فرهنگی، تاریخی در مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی استان تهران وجود داشته، آن ناحیه تنها دارای ۱۵ اثر بوده که البته تنها اسمی از آنها مطرح بوده است و نه هیچ چیز دیگر.

در سال ۱۳۷۸ هجری شمسی، اداره کل میراث فرهنگی استان تهران برای رفع این نقیصه و جهت دستیابی به اطلاعات صحیح، منسجم و کامل جهت تدوین برنامه های مرمت، حفظ، احیا و معرفی آثار ارزشمند فرهنگی - تاریخی منطقه فیروزکوه و تهیه نقشه باستانشناسی آن، برنامه ای را تهیه و جهت تصویب به معاونت پژوهشی سازمان میراث فرهنگی کشور ارسال نمود که خوشبختانه مورد تصویب قرار گرفت و هیاتی به سرپرستی نگارنده عازم منطقه گردید. هیات بررسی و شناسایی، طی دو فصل کاری در پائیز ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹، جمعا در مدت ۷۵ روز کلیه مناطق و نواحی فرمانداری فیروزکوه را مورد مطالعه میدانی قرار داده و از یکایک تپه ها، محوطه ها و بناهای تاریخی - فرهنگی - مذهبی و... بازدید و ضمن تعیین موقعیت جغرافیایی از آنها عکس، نقشه و اطلاعات دیگر مورد نیاز برای ثبت و تعیین حریم تهیه نمود

بگونه‌ای که اکنون با ۹۵ درصد یقین می‌توان تعداد، نوع و دیگر مشخصات آثار را در گزارش تدوین شده یافت و از آنها برای هرگونه برنامه ریزی استفاده کرد.

آنچه در این مقاله تقدیم می‌شود مختصری از گزارش پانصد صفحه‌ای است که تهیه شده و در بایگانی سازمان میراث فرهنگی، اداره کل میراث فرهنگی استان تهران، استانداری تهران و فرمانداری فیروزکوه نگهداری می‌شود.

امید است مسئولین، دست اندرکاران و برنامه ریزان وزارتخانه‌ها، نهادها، سازمانها و ارگانهایی که بگونه‌ای مستقیم یا غیر مستقیم متولی امر توسعه، عمران و ... می‌باشند با لحاظ کردن اهمیت این گونه آثار در جهت تحقق آنچه که در مقدمه عنوان شد درحفظ و حراست آنها تمامی هم و تلاش و توجه خود را بکارگیرند تا فرزندان این مرز و بوم یکپارچگی، پیوند و اتصالشان به تاریخ و گذشته با افتخارشان قطع نشود.

مراحل اجرای برنامه :

الف: مطالعات اولیه

قبل از آنکه کار میدانی بازدید و شناسایی آثار انجام گیرد، لازم بود کلیه اسناد، مدارک، کتب جغرافیایی و تاریخی، سفرنامه‌ها و نوشته‌های گذشتگان مورد مطالعه قرار گیرد تا اطلاعات اولیه درخصوص منطقه و تاریخ آن گردآوری گردد. برای انجام این امر بیش از یکصد جلد کتاب مورد مطالعه قرار گرفت و اطلاعات آنها درخصوص پیشینه فیروزکوه یادداشت برداری شد که مشروح آن در گزارش مرحله اول و در دفتر یکم این پژوهشنامه آورده شده است و لذا از تکرار آن خودداری کرده و علاقمندان به مطالعه آنها را به منابع ذکر شده ارجاع می‌دهیم.

ب: عملیات میدانی

به علت مسئولیت اجرایی که برعهده نگارند، به عنوان سرپرست هیات بود، امکان حضور در منطقه به مدت دوماه به صورت مداوم وجود نداشت در نتیجه مقرر شد تا سه روز آخر هفته یعنی چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه هر هفته به این کار اختصاص یابد. بدین ترتیب در سه روز آخر بیش از ۲۵ هفته هیات عازم منطقه شد و از کلیه ارتفاعات، دشتهای، جلگه‌ها و روستاها و آبادیهای منطقه بازدید نمود. گاهی برای انجام این کار و حصول اطمینان از عدم وجود آثار در ناحیه یا قلّه و ارتفاعات کوهی، اعضای هیات مجبور بودند بیش از ۱۰ ساعت پیاده روی

نمایند که این امر چندین بار اتفاق افتاد.

درمراجعه به نواحی مختلف ویافتن آثار، علاوه بر اطلاعاتی که گردآوری شده بود، تلاش می‌شد تا از وجود و آگاهی‌های اعضای شورای ده، معلمین هرروستا، افراد مسن و سالخورده، چوپانان و حتی قاچاقچیان و حفاران غیرمجاز اشیاء فرهنگی - تاریخی کمک گرفته شود. البته این امر گاهی موجب بازیچه شدن یا بقول معروف "سرکاری" هیات نیز می‌گردید.

هیات در بدو ورود به هر ناحیه دوکار عمده انجام می‌داد: اول اینکه تلاش می‌کرد آنچه به عنوان اثر گفته می‌شود مورد توجه و شناسایی قرار گیرد مثلاً "بافت تاریخی، محور فرهنگی، گذرگاه، چهار سوق، میدان، بنا، تپه تاریخی، محوطه فرهنگی و تمامی آنچه که بگونه‌ای با زندگی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ارتباطی مردم پیوستگی و آمیختگی داشت و دوم تهیه عکس، نقشه، تعیین موقعیت، توصیف و معرفی آنچه که به عنوان اثر تاریخی یا فرهنگی تشخیص داده می‌شد.

بدین ترتیب بود که در طی مدت یاد شده، حوزه جغرافیای سیاسی فرمانداری فیروزکوه مورد بررسی و شناسایی قرار گرفته و جمعا ۱۳۵ اثر شناسایی شده که ۱۲۶ تای آنها واجد ارزش فرهنگی - تاریخی تشخیص داده شد.

مختصراً اشاره می‌نماید در مطالعات انجام شده در منطقه مورد نظر، آثار ارزشمندی از دوران نوسنگی (هشت تاده هزار سال قبل) درشویه دره طارس تا اوایل دوره پهلوی (پل رضا شاهی نمرود) شناسایی شد که تاکنون نسبت به ثبت ۲۵ اثر در فهرست آثار ملی و مرمت ۴ بنا اقدام شده است.

برای رعایت اختصار، اطلاعات مجموعه آثار شناسایی شده واجد ارزش فرهنگی - تاریخی، در جدول زیر تنظیم و تقدیم می‌گردد. امیدوارم با عنایت ویژه مسئولین و فرهیختگان منطقه و جامعه، در آینده نزدیک، مجموعه آثار دارای ارزش فرهنگی - تاریخی به همراه عکس و نقشه در کتاب مجزا چاپ و منتشر و در اختیار علاقمندان قرار گیرد.

ردیف	نام یا عنوان اثر	نوع اثر	موقعیت جغرافیایی	قدمت
۱	تپه باستانی کله منار فیروزکوه	تپه باستانی	مسجد متری غرب شهر فیروزکوه	هزاره دوم ق. م
۲	قلعه تاریخی فیروزکوه	قلعه استقراری نظامی	مرکز بافت قدیم شهر فیروزکوه	ساسانی
۳	بنای تاریخی گورگنبد	برج مقبره‌ای سنگی	جنوب شهر فیروزکوه	قرن ۸ و ۹ هجری
۴	امامزاده اسماعیل فیروزکوه	امامزاده	شهر فیروزکوه ضلع شمالی قلعه فیروزکوه	اصل اثر قرون ۶ و ۷ هجری (بنا بازسازی شده)
۵	بیمارستان قدیمی فیروزکوه	بیمارستان	مرکز شهر قدیم فیروزکوه	اوایل پهلوی
۶	امامزادگان پسران، کشمان، مسبحان فیروزکوه	امامزاده	مرکز بافت قدیم شهر فیروزکوه	نوسازی شده
۷	امامزادگان شیعی و شبر فیروزکوه	امامزاده	مرکز شهر قدیم فیروزکوه	قرون ۹ و ۱۰ هجری
۸	امامزاده بی بی طاهر فیروزکوه	امامزاده	ضلع شمال شرقی شهر فیروزکوه	قرون ۹ و ۱۰ هجری
۹	قلعه و تپه باستانی پیرکمر	قلعه و تپه باستانی	۳۵۰۰ متری جاده فیروزکوه - مازندران، مقابل امیریه	قبل از اسلام و اسلامی
۱۰	امامزاده علی امیریه	امامزاده	۲ کیلومتری شمال امیریه، حدفاصل میان جاده امیریه به اندور	قرون ۵ و ۶ هجری
۱۱	رباط سنگی سرچمن (گونزا)	رباط	۱۲۵۰۰ متری جاده فیروزکوه - مازندران نرسیده به گدوک	صفویه - قاجار
۱۲	کاروانسرای گدوک	کاروانسرا	۱۷ کیلومتری شمال شرقی فیروزکوه - گدوک	ساسانی - اسلامی
۱۳	قلعه شاه چشمه گدوک	قلعه راهداری	۱۱۰۰ متری جنوب شرقی گدوک	قرون ۴ و ۵ هجری
۱۴	قبرستان تاریخی کتالان	قبرستان تاریخی	روستای کتالان، ۱۲ کیلومتری شمال فیروزکوه	قبل و بعد از اسلام
۱۵	امامزاده قاسم کتالان	امامزاده	ارتفاعات می‌ورد، شمال غرب کتالان	قرون ۴ و ۵ هجری
۱۶	قلعه می‌ورد کتالان	قلعه استقراری	ارتفاعات می‌ورد، شرق امامزاده قاسم	حداقل قرون ۲ و ۳ هجری

ردیف	نام یا عنوان اثر	نوع اثر	موقعیت جغرافیایی	قدمت
۱۷	امامزاده بی بی روستای اندور	امامزاده	۱۳ کیلومتری شمال غرب فیروزکوه - روستای اندور	قرون ۷ یا ۸ هجری
۱۸	برج تاریخی روستای اندور	برج یادبود	۱۲ کیلومتری شمال غرب فیروزکوه - میان روستای اندور	قرن ۸ هجری
۱۹	امامزاده شاه طاهر روستای نام آور	امامزاده	۷ کیلومتری شمال غرب فیروزکوه روستای نام آور	قرون ۱۰ و ۱۱ هجری
۲۰	قلعه باستانی روستای سیاده	قلعه استقرار نظامی	۶ کیلومتری جاده فیروزکوه - سمنان، روستای سیاده	قرون ۳ و ۴ هجری
۲۱	تپه باستانی روستای سیاده	تپه تاریخی	۶ کیلومتری جاده فیروزکوه - سمنان، روستای کمند	قبل از اسلام و اسلامی
۲۲	امامزاده عبدالله... و شاهزاده مریم روستای سیاده	امامزاده	۶ کیلومتری جاده فیروزکوه - سمنان روستای سیاده	قرون ۷ و ۸ هجری
۲۳	امامزادگان حسن رضا و حسین رضا روستای کمند	امامزاده	۱۰ کیلومتری جاده فیروزکوه - سمنان روستای کمند	دوره تیموری
۲۴	سرخ قلعه طرود	قلعه راهداری	ضلع شرقی تنگه سرانزا فیروزکوه	ساسانی
۲۵	تپه باستانی میراشکار	تپه باستانی	۱۲۰۰ متری شرق سرخ قلعه طرود سرانزا	قبل از اسلام
۲۶	تپه باستانی روستای مهن	تپه باستانی	زیر روستای مهن	قرون ۵ و ۶ هجری
۲۷	قلعه باستانی روستای مهن	قلعه استقرار	ارتفاعات جنوب شرق روستا، قلاع گردنه	سلجوقی
۲۸	حمام قدیمی روستای مهن	حمام قدیمی	جنوب شرق روستای مهن	اوایل قاجار
۲۹	تپه باستانی روستای سربندان (مؤمن آباد)	تپه باستانی - قبرستان	میان روستای سربندان (مؤمن آباد)	هزاره اول قبل از میلاد
۳۰	قلعه لاجورد	قلعه استقرار	۱۵ کیلومتری جاده فیروزکوه - سمنان - ۸ کیلومتر مانده به روستای گورسفید	قبل از اسلام و اسلامی
۳۱	تپه باستانی شرقی روستای گورسفید	تپه باستانی	۲۳ کیلومتری جاده فیروزکوه - سمنان روستای گورسفید	هزاره اول ق.م

ردیف	نام یا عنوان اثر	نوع اثر	موقعیت جغرافیایی	قدمت
۳۲	تپه باستانی غربی روستای گورسفید	تپه باستانی	شرق روستای گورسفید	هزاره اول ق.م
۳۳	امامزاده اسماعیل روستای طارم	امامزاده	سه کیلومتری شرق روستای گورسفید	قرن ۸ و ۹ هجری
۳۴	تپه باستانی روستای طارم	تپه تاریخی	ششرق روستای طارم مقابل امامزاده اسماعیل	اوایل اسلام
۳۵	قلعه میان تنگه طرود	قلعه استقرار	انتهای شمال روستای طرود منطقه میان تنگه	قرن ۳ هجری تا قرن ۹
۳۶	تپه باستانی روستای ارو طرود	تپه باستانی	روستای ارو ۶ کیلومتری جنوب شرق طرود	پیش از اسلام
۳۷	تپه باستانی ارو (موته لووار)	تپه باستانی	شمال شرق روستای طرود مجاور روستای ارو	پیش از اسلام و اسلامی
۳۸	قلعه باستانی روستای ارو	قلعه راهداری	۴ کیلومتری شرق روستای طرود	پیش از اسلام
۳۹	امامزادگان معصوم، سلیمان و بی بی روستای جلیزچند	امامزاده	یکصدمتری ششرق روستای جلیزچند	بنا قرون ۷ و ۸ - محوطه پیش از اسلام
۴۰	بقایای برج دیده بانی روستای جلیزچند	برج نگهبانی	حدفاصل میان روستای جلیزچند و تنگ ساواشی - سمت شرق دره	احتمالاً قرن ۵ و ۶ هجری
۴۱	حجاریهای تنگ ساواشی	نقش برجسته	شمال روستای جلیزچند	فاجاریه
۴۲	قلعه پشت تندیر تنگ ساواشی	قلعه استقرار	شمال روستای جلیزچند	پیش از تاریخ
۴۳	برج سنگی روستای بادرود	برج مقبره‌ای	مرکز روستای بادرود	قرن ۶ و ۷ هجری
۴۴	بقعه سیدعلی و خانواده روستای بادرود	زیارتگاه	مرکز روستای بادرود	قرن ۱۰ هجری
۴۵	امامزاده محمد و محمود روستای بادرود	امامزاده	مرکز روستای بادرود	بازسازی شده، اصل بنا قرن ۸ هجری
۴۶	امامزاده عسگری روستای شهرآباد	امامزاده	مرکز روستای شهرآباد	قرون ۸ و ۹ هجری
۴۷	تپه باستانی آهنگران دهین	تپه باستانی	۳ کیلومتری جنوب طارس	اسلامی
۴۸	امامزاده احمد و محمد روستای طارس	امامزاده	۸۰۰ متری شمال شرق روستای طارس	قرون ۷ و ۸ هجری

ردیف	نام یا عنوان اثر	نوع اثر	موقعیت جغرافیایی	قدمت
۴۹	گنبدگیری یا برج سنگی روستای طارس	برج سنگی مقبره‌ای	۵۰۰ متری شمال امامزاده احمد و محمد طارس	قرون ۷ و ۸ هجری
۵۰	تپه باستانی شوته دره روستای طارس	تپه باستانی	شمالغرب روستای طارس - شوته دره	هزاره هشتم ق.م
۵۱	بقایای برج دیه بانی شوته دره	برج دیه بانی	جنوب شرقی شوته دره	قرون اولیه اسلام
۵۲	پل تاریخی رضاشاهی نمرود	پل ارتباطی	۱۰ کیلومتری جاده اصلی فیروزکوه - تهران	اوایل پهلوی
۵۳	قلعه سر روستای ورسخواران	تپه باستانی	۲ کیلومتری غرب روستای سرآسیاب بالا	پیش از اسلام
۵۴	قلعه سر روستای سله بن	تپه باستانی	۲/۵ کیلومتری غرب روستای سرآسیاب	محل استقرار موقت در دوران مختلف
۵۵	قدسگاه حضرت خضر نبی روستای ورسخواران	زیارتگاه	ضلع غربی روستای ورسخواران فیروزکوه	قرون ۳ و ۴ هجری
۵۶	تپه باستانی روستای سله بن	تپه باستانی	۳۰۰ متری شمالشرقی روستای سله بن	هزاره اول ق.م
۵۷	تپه باستانی و قبرستان گبری وشتان	تپه باستانی	۴۰۰ متری شمال غرب روستای وشتان	هزاره اول ق.م
۵۸	امامزاده سیدمظفرالدین ابن موسی روستای وشتان	امامزاده	مرکز روستای وشتان	قرون ۷ و ۸ هجری
۵۹	امامزادگان محمد و احمد (دو طفلان آقا) روستای ارجمند	امامزاده	مرکز روستای ارجمند	قرن ۸ هجری
۶۰	امامزادگان ۱۲ تن روستای ارجمند	امامزاده	انتهای شمالغرب روستای ارجمند	قرون ۴ و ۵ هجری
۶۱	امامزاده عبدا... روستای شادمه‌ند	امامزاده	مرکز روستای شادمه‌ند ۲ کیلومتری شرق ارجمند	قرن ۸ هجری
۶۲	امامزاده بی بی حلیمه خاتون روستای شادمه‌ند	امامزاده	انتهای جنوب شرقی روستای شادمه‌ند	قرن ۷ و ۸ هجری
۶۳	مقبره سیدمصطفی موسوی روستای اینز	زیارتگاه	مرکز روستای اینز	قرن ۱۳ هجری

ردیف	نام یا عنوان اثر	نوع اثر	موقعیت جغرافیایی	قدمت
۶۲	امامزاده معصوم روستای لزور	امامزاده	جنوب شرقی روستای لزور	قرن ۷ و ۸ هجری
۶۵	برج تاریخی روستای لزور (نیمه ویران)	مقبره امانت اموات	غرب امامزاده معصوم لزور	قرون ۹ و ۱۰ هجری
۶۶	قلعه قلُدوش روستای لزور	قلعه استقراری	ارتفاعات شمالغرب روستای لزور	قرون ۵ و ۶ هجری
۶۷	امامزاده خوشنাম لزور	امامزاده	شمال غرب روستای لزور	قرن ۱۰ هجری
۶۸	پل سنگی روستای لزور	پل ارتباطی	مرکز روستای لزور	اوایل قاجار
۶۹	رباط اول روستای کهریز	رباط استقراری	شمالغرب روستای کهریز	صفویه
۷۰	رباط دوم روستای کهریز	رباط استقراری	شمالغرب روستای کهریز	صفویه
۷۱	رباط سوم روستای کهریز	رباط استقراری	شمالغرب روستای کهریز	صفویه
۷۲	شناسایی نشده	احتمالاً قلعه	غرب روستای ارجمند	شناسایی نشد
۷۳	شناسایی نشده	احتمالاً امامزاده	غرب روستای ارجمند	شناسایی نشد
۷۴	امامزاده سلطان ابراهیم رضا روستای آسور	امامزاده	مرکز روستای آسور	قرون ۷ و ۸ هجری
۷۵	امامزاده قائم روستای آسور	امامزاده	مرکز روستای آسور	قرون ۷ و ۸ هجری
۷۶	حمام قدیمی آسور	حمام	شمالغرب روستای آسور	قاجاریه
۷۷	بقعه درویش ابراهیم یقین روستای نجفدر	زیارتگاه	جنوب روستای نجفدر	قرون ۶ و ۷ هجری
۷۸	امامزاده جعفر روستای نجفدر	امامزاده	مرکز روستای نجفدر	قرون ۷ و ۸ هجری
۷۹	امامزاده سلطان محمد رضا روستای زرمان	امامزاده	مرکز روستای زرمان	قرن ۷ و ۸ هجری
۸۰	حمام قدیمی روستای زرمان	حمام	مرکز روستای زرمان	اواسط قاجار
۸۱	امامزاده عبدا... روستای زرمان	امامزاده	شمالغرب روستای زرمان	قرن ۸ و ۹ هجری
۸۲	تپه باستانی سلام روستای زرمان	تپه باستانی	۲۰۰ متری جنوب روستای زرمان	دوره اسلامی
۸۳	رباط شاه عباسی روستای امین آباد	رباط	مرکز روستای امین آباد	صفویه
۸۴	قراولخانه روستای امین آباد	قلعه راهداری	شرق روستای امین آباد	قبل از اسلام

ردیف	نام یا عنوان اثر	نوع اثر	موقعیت جغرافیایی	قدمت
۸۵	امامزاده یحیی روستای هرانده	امامزاده	ضلع جنوبی روستای هرانده ۱۳ کیلومتری جاده فیروزکوه - تهران	قرون ۶ و ۷ هجری
۸۶	برج دیده بانی هرانده	برج مراقبت و نگهداری	شمال شرقی روستای هرانده	قرون ۴ و ۵ هجری
۸۷	تپه باستانی شیردره	قلعه نگهبانی	۱۵۰۰ متری ضلع جنوب شرقی روستای هرانده	اسلامی
۸۸	غارپورنیک روستای هرانده	غار تاریخی	حدفاصل میان روستای هرانده و خمده	قبل از اسلام
۸۹	امامزاده سیداسماعیل روستای مهاباد	امامزاده	۱۵۰ متری روستای مهاباد	محوطه اوایل اسلام بنا بازسازی شده
۹۰	برج سنگی روستای مهاباد	برج یادبود	۱۵۰ متری روستای مهاباد	قرون ۶ یا ۷ هجری
۹۱	حمام تاریخی روستای مهاباد	حمام تاریخی	مرکز روستای مهاباد	اواسط قاجار
۹۲	چشم آب معدنی روستای خمده	چشمه آب معدنی	نزدیک ایستگاه مهاباد	پیش از اسلام
۹۳	محوطه تاریخی اشرف آباد روستای مهاباد	محوطه تاریخی	جنوب غربی مهاباد	صفویه
۹۴	قلعه گیری روستای انزاها	قلعه استفراری	شمال غرب روستای انزاها	قرون ۳ و ۴ هجری
۹۵	قلعه دوش روستای انزاها	قلعه راهداری	شرق روستای انزاها	پیش از اسلام
۹۶	امامزاده عبدا... روستای انزاها	امامزاده	۲۰۰ متری جنوب روستای انزاها	قرون ۷ و ۸ هجری
۹۷	معماری صخره‌ای روستای آتشان (شنزرا)	مکان استفراری	شمال شرق روستای آتشان	قبل از اسلام
۹۸	غاروهین روستای آتشان	مکان استفراری	شمال شرق روستای آتشان	قبل از اسلام
۹۹	برج دیده بانی زروان زرین دشت	برج دیده بانی	شرق ایستگاه زریندشت	قرون ۵ و ۶ هجری
۱۰۰	قلعه زروان تنگه زرین دشت	قلعه استفراری	شرق ایستگاه زریندشت	قرون ۲ و ۳ هجری
۱۰۱	معماری صخره‌ای تنگه زروان زرین دشت	محل استفراری	جنوب شرق ایستگاه زرین دشت	احتمالاً قبل از اسلام
۱۰۲	قلعه سردزه روستای ارجه	قلعه دیده بانی	غرب روستای ارجه	قرون ۴ و ۵ هجری
۱۰۳	قلعه باستانی روستای ارجه	قلعه استفراری	جنوب غربی روستای ارجه	قرون ۴ و ۵ هجری

ردیف	نام یا عنوان اثر	نوع اثر	موقعیت جغرافیایی	قدمت
۱۰۴	امامزاده پجی روستای مزاران	امامزاده	شرق روستای مزاران	محوطه قرون ۴ و ۵ بنا بازسازی شده
۱۰۵	برج یادبود روستای مزاران	برج یادبود	شرق روستای مزاران	قرون ۷ و ۸ هجری
۱۰۶	قلعه بابارش روستای مزاران	قلعه استفراری	شمالغرب روستای مزاران	قرن ۵ هجری
۱۰۷	خانه تاریخی روستای مزاران	منزل مسکونی	مرکز روستای مزاران	اوایل قاجاریه
۱۰۸	حمامهای تاریخی روستای مزاران	حمام	شرق و مرکز روستای مزاران	صفویه و قاجاریه
۱۰۹	امامزاده علی روستای دهگردان	امامزاده	مرکز روستای دهگردان	صفویه
۱۱۰	امامزاده قاسم روستای دهگردان	امامزاده	ضلع جنوبی روستای دهگردان	صفویه
۱۱	تپه باستانی یا کافرقلعه روستای دهگردان	تپه باستانی	ضلع جنوبشرقی روستای دهگردان	هزاره دوم ق. م
۱۱۲	قلعه گبری دهگردان	قلعه استفراری	ضلع جنوبشرقی روستای دهگردان	قرون ۵ و ۶ هجری
۱۱۳	قلعه تلجباره روستای گذرخانی	قلعه راهداری	۵ کیلومتری جنوب زریندشت	قبل از اسلام
۱۱۴	برج سنگی شمالی روستای گذرخانی	مقبره	۷/۵ کیلومتری جنوب زریندشت	قرون ۵ و ۶ هجری
۱۱۵	برج سنگی میانی روستای گذرخانی	مقبره	۷/۵ کیلومتری جنوب زریندشت	قرون ۵ و ۶ هجری
۱۱۶	برج سنگی جنوبی روستای گذرخانی	مقبره	۷/۵ کیلومتری جنوب زریندشت	قرون ۵ و ۶ هجری
۱۱۷	قلعه باستانی روستای گذرخانی	قلعه استفراری فرماندهی	۹ کیلومتری جنوبغربی زریندشت	قبل از اسلام
۱۱۸	تپه باستانی امین آباد روستای گجه	قبرستان تاریخی	شمالشرقی روستای گجه سیمین دشت	اوایل اسلام
۱۱۹	رباط شاه عباسی روستای گجه	رباط ارتباطی	روستای گجه سیمین دشت	صفویه
۱۲۰	شناسایی نشده	احتمالاً مسجد	مقابل ایستگاه سیمین دشت آن طرف رودخانه	شناسایی نشد
۱۲۱	دریاچه آهنگ روستای سیمین دشت	منظره طبیعی	جنوبشرق سیمین دشت	طبیعی
۱۲۲	قورخانه مقصودآباد سیمین دشت	کارخانه مهمات سازی	مقصودآباد سیمین دشت	اوایل قاجار
۱۲۳	برج خشتی شرق سیمین دشت	برج دیدبانی	شمالغرب ایستگاه سیمین دشت	اواخر صفویه

ردیف	نام یا عنوان اثر	نوع اثر	موقعیت جغرافیایی	قدمت
۱۲۲	برج خشتی غربی سیمین دشت	برج دیده بانی	حدود یک کیلومتری شمال غرب سیمین دشت	اواسط قاجار
۱۲۵	برج چهارطاقی موین حصارین	چهارطاقی یا منبره	شمالغرب سیمین دشت	به احتمال زیاد ساسانی
۱۲۶	قلعه پیرزن روستای محمودآباد	قلعه دیدبانی	حدفاصل میان سیمین دشت و محمودآباد	اوایل اسلام
۱۲۷	قلعه خشتی و سرجهای تاریخی محمودآباد	قلعه مسکونی	مرکز روستای محمودآباد	اوایل قاجار
۱۲۸	حمام تاریخی روستای محمودآباد	حمام	شرق قلعه خشتی محمودآباد	صفویه
۱۲۹	بنای تاریخی کفتاردره ایستگاه کیوتدره	نامعلوم	شمال ایستگاه کیوتدره	سلجوقی
۱۳۰	عمارت تاریخی کیوتدره	کاروانسرا-رباط	۷ کیلومتری جنوب ایستگاه کیوتدره	صفویه
۱۳۱	امامزادگان عبدالقهار و عبدالجبار روستای پیرده	امامزاده	ناحیه پشتکوه فیروزکوه روستای پیرده	قرون ۶ و ۷ هجری
۱۳۲	قلعه و محوطه باستانی کهنه دیر	قلعه راهداری و تپه باستانی	۲ کیلومتری جنوب روستای پیرده	قرون اولیه اسلام
۱۳۳	مسلمان قلعه و کافر قلعه روستای درده	قلعه استقراری	جنوبشرقی روستای درده	قرون اولیه اسلامی
۱۳۴	امامزاده ۱۴ تن روستای درده	امامزاده	مرکز روستای درده	قرون ۵ و ۶ هجری
۱۳۵	حمام تاریخی روستای درده	حمام	مرکز روستای درده	اوایل قاجاریه

سفالگری یا «کباره» و «نانی» سازی در میبد

محمد سعید جانب‌اللهی

کارشناس مردم‌شناسی

میبد در شمال غربی یزد و در حاشیه کویر مرکزی ایران قرار دارد، از شمال به اردکان و از جنوب به رستاق و اشکذر، از شرق به دشت پایکوهی دم‌هفت و از غرب به دشت پایکوهی کوه میل‌گازر محدود است، در $54^{\circ}21'0''$ طول جغرافیای و $32^{\circ}14'45''$ عرض جغرافیایی واقع است، ارتفاع آن از سطح دریا به طور متوسط ۱۲۳۴ متر می‌باشد^(۱) [۱-ص ۶] شیب عمومی منطقه جنوب غربی شمال شرقی است، دارای توپوگرافی تقریباً هموار و کم شیب است، آب و هوای آن از نوع بیابانی و نیمه بیابانی و ریزشهای جوی حدود ۹۰ میلیمتر در سال می‌باشد، این شهرستان دارای یک نقطه شهری به نام میبد یک بخش مرکزی و دو دهستان به نامهای بفرویه و شهیدیه با ۳۲ آبادی دارای سکنه است، فاصله آن تا شهرستان اردکان کمتر از ۱۰ کیلومتر و تا تهران حدود ۶۲۷ کیلومتر است، از کل جمعیت ۵۸۰۰۰ نفری میبد حدود ۶۷٪ در نقاط شهری و بقیه در روستاهای حوزه نفوذ آن ساکن هستند، جمعیت شاغل منطقه در سه بخش خدمات، صنعت و معدن و کشاورزی به ترتیب ۲ / ۴۰ و ۳۴ / ۱۱ و ۲۵ / ۸ درصد به فعالیت اشتغال دارند^(۲) [۲- ماهنامه میبد] از صنایع دستی معروف میبد که شهرت بدون مرزی دارد سفالگری است سابقه این صنعت در میبد به دوران پیش از اسلام مربوط می‌شود، قدیمیترین آثاری که از کوره‌های سفالگری در این شهر بدست آمده مربوط به عصر ساسانیان است که تا همین اواخر در

۱- رضویان، دکتر محمد تقی، شهر میبد، بررسیهای اقتصادی اجتماعی، دفتر فنی جهاد دانشگاهی دانشگاه

ملی ایران، ۱۳۶۰

۲- ماهنامه میبد، پیش شماره بهمن سال ۱۳۷۵، مقاله محورهای توسعه شهرستان میبد، هادی زارع.

جداره خندق کنار دروازه جنوبی نارین قلعه پیدا بود [۳-ص ۷۲].^(۱) میبد از معدود مکانهایی است که در سفالگری آن علاوه بر خاک رس از خاک سفید (کائولن و کوارتز) هم استفاده می‌شود، بهمین دلیل سفالهای ساخت میبد از کیفیت و ظرافت بالایی برخوردار است، ظروفی که با خاک رس می‌سازند در اصطلاح محلی «کباره» (Kebâra) و به ظروف ساخته شده از خاک سفید که طرح چینی دارد «نانی» (nâni) می‌گویند.

روند تولید:

الف - کارگاهها: در زمانی که میبد قلعه‌ای بیش نبود و مردم در درون حصار شهر و قلعه زندگی می‌کردند کارگاههای سفالگری در محوطه‌های پراکنده مستقر بود، بعدها که قلعه توسعه یافت و بخش دیگری به نام شارستان به آن افزوده شد کارگاههای مزبور در یک محوطه اندرون



عکس شماره ۱ - محل کارگاههای قدیم (عکس از خانم سان لیور)

۱- پویا، سید عبدالعظیم، سیمای باستانی شهر میبد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد، ۱۳۷۱

حصار بست در کنار خانه‌های سفالگران جای داده شد و تا اوایل قرن اخیر در همین بخش مستقر بود، با برقراری امنیت نسبی و به سبب محدودیت فضاهای مسکونی و بروز مشکلات زیست محیطی کارگاههای مزبور به بیرون دروازه شهر (مجاور محله فخاران) منتقل گردید.

آغازگر این تغییر جا فردی به نام حاجی استاد باقر بود که حدود شصت سال پیش کارگاه خود را به بیرون از شهر منتقل کرد، از آن پس بتدریج سایر کارگاههای سفالگری به همان منطقه انتقال یافت و مجموعه تازه‌ای ساخته شد. حدود ۲۵ سال پیش یک جا به جایی تازه صورت گرفت و کارگاهها در مجموعه نویناد اداره صنایع دستی (دو کیلومتر جنوبی تر) استقرار یافتند [۳- همان جا] در زمان تحقیق (۱۳۷۳) در هر کارگاه دو استاد و ۶ کارگر به کار اشتغال داشتند و مجموعاً تعداد آنها به ۲۰ نفر می‌رسید که ۸ نفر استاد و بقیه کارگر بودند از ۸ استاد ۵ نفر ظروف «کباره» یا به اصطلاح «سفیده بار» و ۳ نفر ظروف «نانی» یا به اصطلاح «رنگینه بار» می‌ساختند.^(۷)

ب- وسایل و ابزار کار: ابزار کار اصلی چرخ کوزه‌گری است که از اجزاء زیر شکل گرفته است.

۱- تخته رو (taxtaru): یک صفحه گرد چوبی است که با قطعه‌ای از چرم گاو یا گوسفند به نام «زلفین» به سه شاخه یا در اصطلاح «سه لنگ» (seleng) چرخ متصل شده است.

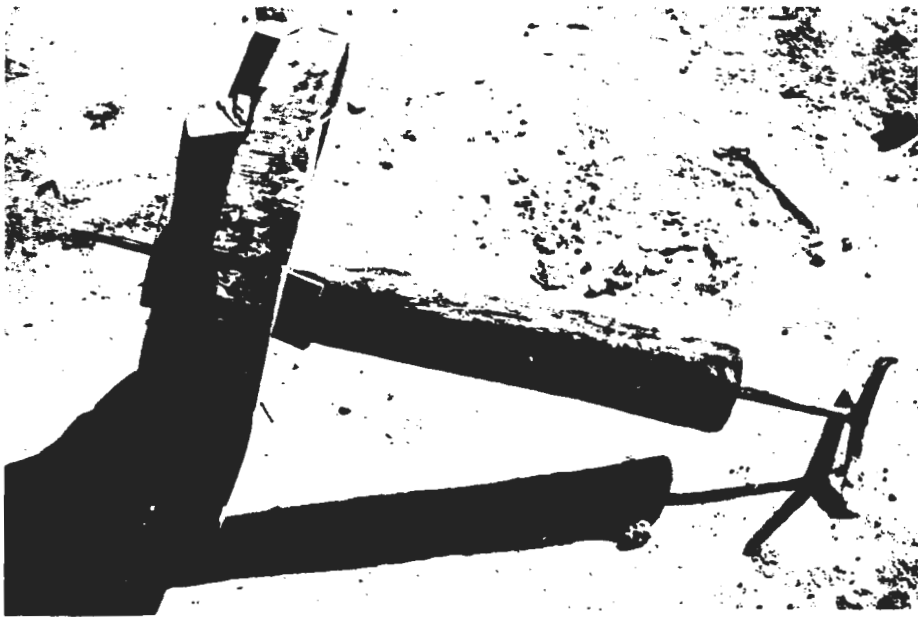
۲- سه لنگ (seleng): سه پایه فلزی است که در زیر «تخته‌رو» قرار دارد.

۳- تیر: میله آهنی به طول یک متر که داخل ستون چوبی قرار گرفته یک سر آن به «سه لنگ» متصل و سر دیگر داخل بلبرینگ که در زیر صفحه «تو ومن» در داخل زمین تعبیه شده قرار دارد.

۴- صفحه «تو ومن» (to-o-man): صفحه دایره شکل چوبی است که به منتهی الیه تیر متصل است - سفالگر موقع کار اول با پای راست ضربه‌ای به سمت جلو بر صفحه می‌زد و آن را از راست به چپ به حرکت وامی داشت، سپس با اندکی مکث با پای چپ ضربه دیگری در جهت عکس پای راست به صفحه می‌زد که از حرکت باز نایستد. با استمرار این حرکت از چرخ صدایی شبیه «تو» و «من» برمی‌خاست لذا نام این صفحه «تو ومن» شد.

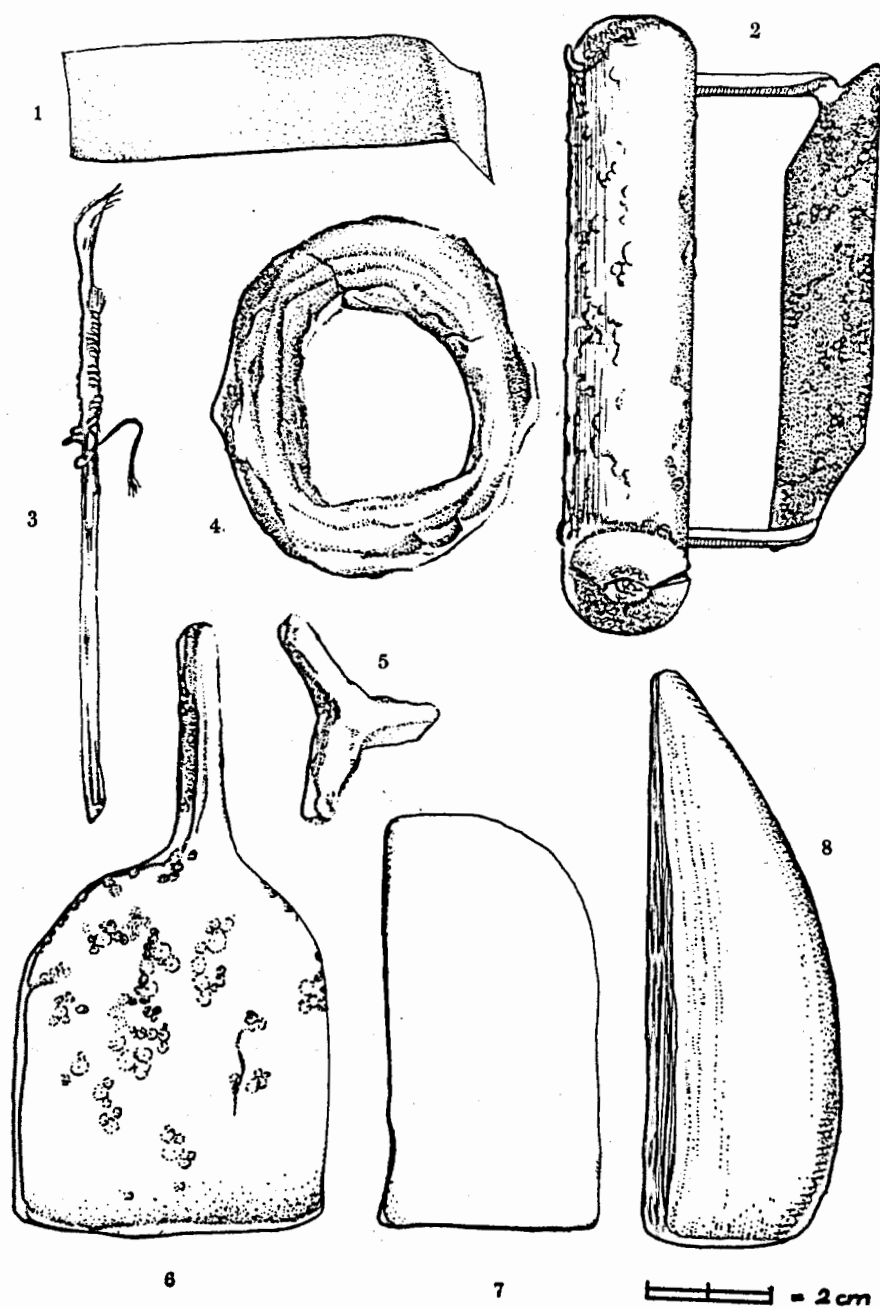
ابزار کار سفالگر که هنوز کاربرد دارد به شرح زیر است:

۱- سفیده بار منظور ظروف بدون لعاب و ساده مثل کوزه، گلدان و نظایر آن و «رنگینه بار» ظروف لعابدار اعم از «کباره» و «نانی» است.



عکس شماره ۲ - «تیر» با «سه لنگ» و صفحه «تو و من» (عکس از خانم سان لیور)

- ۱ - ماله که در سه اندازه با سه فرم است و از هر یک در رابطه با نوع ظرفی که می‌سازد برای صاف کردن بدنه ظرف استفاده می‌کند.
- ۲ - کارد تراش یا کارت تراش که برای تراش زوائد و ناصافی‌های ظرف است.
- ۳ - قلم مو برای نقاشی که خودش با بستن چند تار موی دم اسب به یک قطعه چوب می‌سازد.



۱- ماله ۲- کار تراش ۳- قلم مو - حلق چي (حلقه چي) ۵- سه سنگ

۶- تیغک ۷- ماله ۸- ماله

ج - مواد کار:

در سفالگری میبد از دو نوع خاک استفاده می‌شود.

۱- خاک رس: یا به اصطلاح «گل نر» (gel-nar) و «گل ملک» که چسبندگی زیادی دارد و پر زور است.^(۱) قبلاً که کارگاهها در پشت دروازه میبد و کنار قبرستان قدیمی قرار داشت از گل قبرستان که بخصوص برای کوزه‌گری بسیار مناسب بود استفاده می‌کردند. حتی ظروف «نانی» را با همین گل می‌ساختند و به آن لعاب چینی می‌زدند. اما امروزه برای تهیه گل مرغوب باید بیابانهای اطراف میبد را در نوردند تا آن را بیابند زیرا در هر جایی یافت نمی‌شود. معدن دارد، هر جا باشد یک دست و خالص است و بهمین دلیل ترک ترک می‌شود و اهل خبره با نگاه کردن به آن تشخیص می‌دهند.

۲- خاک سفید: برای تهیه این خاک سنگ سیلیس یا به اصطلاح سنگ چخماق را از معادن «متکستانه» (matkestāna) ر فاصله ۱۰ کیلومتری میبد می‌آوردند و با آسیاب دستی آنرا آسیاب می‌کردند.

د- آماده سازی:

گل رس اگر خالص باشد رنگ ظرف بعد از پختن در کوره قرمز می‌شود لذا هنگام آماده سازی بهر تراکتور گل رس سه فرغون خاک شوره یا به اصطلاح «بوغه» (buqa) اضافه می‌کنند تا رنگ ظرف سفید شود، برای آماده ساختن یا به اصطلاح خش (xaš) کردن گل رس باید یک صبح تا شب آنرا در آب بخیسانند بطوری که اصلاً خشکی نداشته باشد، سپس با پا لگد می‌کنند و با دست به زمین می‌زنند تا هوای آن گرفته و گل ورز داده شود.^(۲)

سفالگران معمولاً هر دو هفته یک بار دست از کار می‌کشند و همه با همکاری یکدیگر به آماده کردن گل مشغول می‌شوند و هر بار برای مصرف دو هفته خود گل را آماده می‌کنند و در انبار بخصوص جای می‌دهند و روی آن را با پلاستیک می‌پوشانند تا خشک نشود امروزه گروهی که از موقعیت اقتصادی بهتری برخوردار بوده‌اند از دستگاههای برقی استفاده می‌کنند فقط گل را می‌خیسانند بعد به جای لگد کردن آن را چرخ می‌کنند، اما شلاق زدن و ورز دادن و به

۱- گل ملک (gel-e melk) گل قابل کشت یا گل زمینهای کشاورزی است

۲- به این عمل «گل مره» (mora) کردن نیز می‌گویند

اصطلاح مسه (mossa) «خش کردن»^(۱) گل هنوز با دست انجام می‌گیرد زیرا اگر حتی یک ذره کوچک ریگ در گل بماند در موقع پختن از ظرف جدا می‌شود و به اصطلاح می‌پرد و ظرف را خراب می‌کند.



عکس شماره ۳- برای آماده سازی گل نخست آن را لگد می‌کنند سپس با دست ورز می‌دهند (عکس از خانم سان لیور)
برای آماده سازی خاک سفید قبلاً که از سنگ سیلیس استفاده می‌کردند بعد از آسیاب کردن سنگ مقداری بن تونیت یا به اصطلاح «گل گیوه» برای چسبندگی به آن می‌افزودند این گل در یکی از مزارع میبد به نام «پهلوا» (pahlavâ) وجود داشت، بهمین دلیل به آن «گل پهلوا» نیز می‌گفتند. این گل بعلت چسبندگی فوق العاده‌ای که داشت به بدنه ظرف می‌زدند تا رنگ به آن بچسبد، چون در ۱۰۰۰ تا ۱۰۵۰ درجه حرارت رنگ آن سبز می‌شد، لذا برای پائین آوردن درجه حرارت بمیزان ۱۰٪ پودر شیشه به آن اضافه می‌کردند یعنی صد کیلو سیلیس را با ده کیلو «گل گیوه» و ده کیلو پودر شیشه مخلوط کرده سه تا چهار روز در آب خیس می‌کردند تا به اصطلاح

۱- مسه (mossa): گلوله گل که سفالگران روی چرخ می‌گذارند، مسه خش (xa:š) کردن یعنی آماده کردن گل کوزه‌گری.

کاملاً کوفت بیندازد سپس آن را ورز می‌دادند، قبلاً مثل گل رس آنرا لگد می‌کردند و ورز می‌دادند تا آماده کار شود اما امروزه همه این عملیات با چرخ انجام می‌شود.
 هـ ساخت:

گل ورز داده را کله قندی، گلوله یا به اصطلاح «مسه» (mossa) کرده روی صفحه چرخ می‌گذارند، امروز دیگر صفحه «تو و من» و چرخ با دینام و نیروی برق حرکت می‌کند، سفالگر استاد پشت چرخ می‌نشیند و با دست به گلی که روی صفحه چرخان قرار دارد شکل می‌دهد و ظرف دل خواه را می‌سازد.

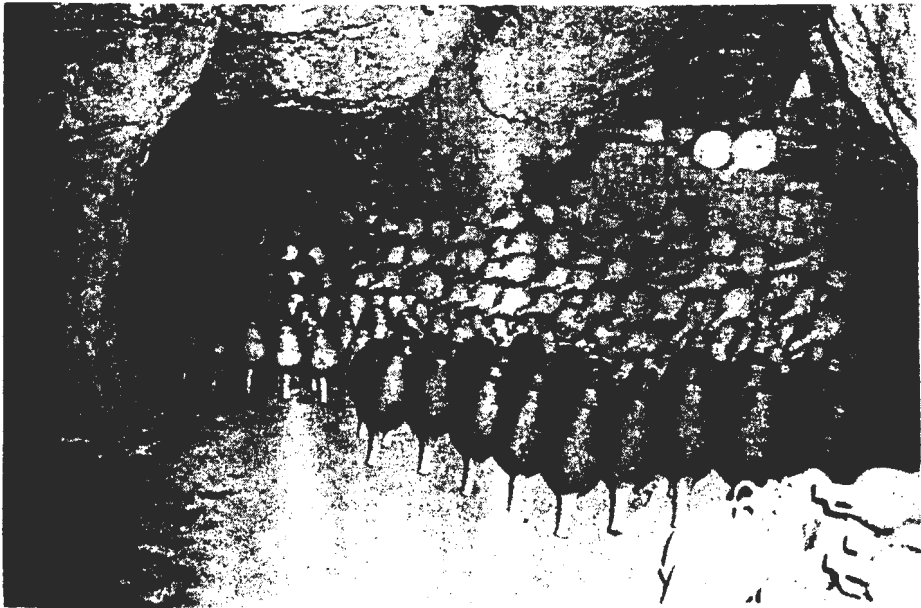


عکس شماره ۴ - شیوه کار با چرخ و «مسه گل» (عکس از خانم لیور سان)

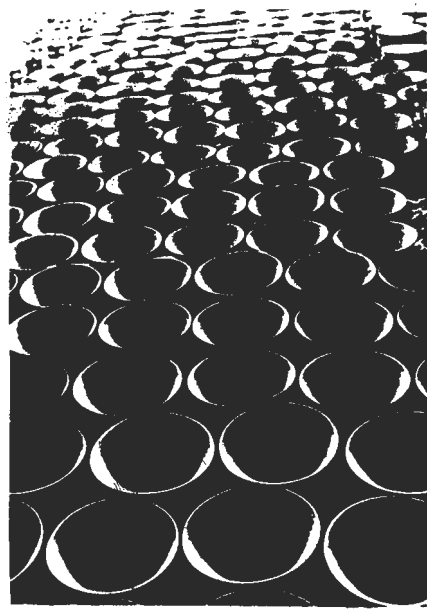
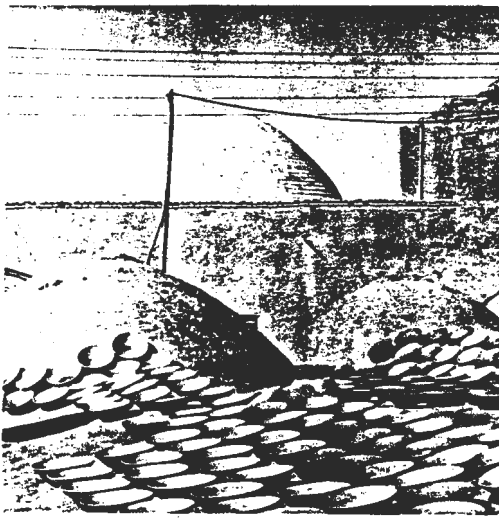
و- تراش و پرداخت:

ظروف ساخته شده بر حسب نوع از یک تا سه روز در سایه داخل انبارهای ویژه کارگاه می‌گذارند تا «سایه خشک» شود.

سپس مجدداً به کارگاه می‌آورند، آنرا وارونه روی چرخ می‌گذارند و با کاردک مخصوص تراش می‌دهند و زوائد آن را می‌تراشند، اگر ظرف «نانی» باشد این عمل با ظرافت و دقت بیشتری همراه است زیرا گذشته از حذف زوائد باید بدنه را هم با تراش دادن تا حد امکان نازکتر کنند، بعد از تراش ظرف را در آفتاب می‌گذارند تا کاملاً خشک و آماده برای لعاب دادن و نقاشی شود.



عکس شماره ۵ - ظروف را یکی دو روز در انبار کارگاه می‌چینند تا در سایه نیم خشک و آماده تراش شود. (عکس از خانم سان لیور)



عکس شماره ۶ و ۷ - بعد از تراش ظروف را در آفتاب می‌گذارند تا کاملاً خشک شود

انواع تولید: ظروف سفالی که در کارگاههای سفالگری میبد ساخته می‌شود بسیار متنوع است و چون کوره باید از انواع ظرف پر شود، هر روز وقتشان را به ساختن یک نوع ظرف اختصاص می‌دهند. امروزه ساختن بسیاری از انواع ظروف منسوخ شده و در کارگاههای سفالگری دیگر ظرفی مثل تپو (tapu) که از ظروف ذخیره ارزاق بود و در اندازه‌های مختلف ساخته می‌شد یا ناوها و درچه (darča) که لوله‌های سفالی آب در اندازه‌های گوناگون بود و حتی بسیاری از انواع کوزه‌ها و سبوها ساخته نمی‌شود با این حال هنوز تولیدات این کارگاهها تنوع زیادی دارد که مهمترین آنها به شرح زیر است.

ظروف کباره:

۱- گلدان: در اندازه‌های مختلف می‌سازند برخی از آنها که امروز به عنوان گلدان‌های بزرگ به بازار عرضه می‌شود قبلاً «کریچ» (korič) نام داشت که برای شستن کاه جهت تغذیه گاو مورد استفاده بود.

۲- کشمال (kašmāl): از ظروف لعابدار در قطع کاسه بزرگ است، پس از لعاب دادن مقداری خرده شیشه و ماسه روی لعاب می‌ریزند و در کوزه می‌گذارند، بعد از پخت برجستگی‌های برنده‌ای در سطح آن پدید می‌آید که برای ساییدن کشک مناسب‌تر است.

۳- تنور که هم خام و هم پخته آن مورد مصرف دارد، گل آن همان گل گلدان است.

۱-۴- کوزه شربگ (šorbog) که ارتفاع آن حدود ۲۰ و قطر میانه ۱۵ سانتیمتر است.

۲-۴- کوزه شبکه دار که روی بدنه آن در سه جهت شبکه‌هایی مثل گل هشت پر می‌سازند اهل ذوق تخم گیاه در داخل این شبکه‌ها می‌ریزند و سبز می‌شود.

۳-۴- کوزه ساربون: بلندی آن ۳۵ سانتیمتر با قطر دهان ۵/۵ قطر میانی ۵۱ سانتیمتر است.

۵- سبو: کوزه دسته دار است با کشیدگی بیشتر و قطر کمتر این ظرف نیز در قدیم در اندازه‌ها و با نامهای مختلف زیر ساخته می‌شد.

۱-۵- سبو دشونی (sobu-dašuni): دو دسته داشت، ارتفاع آن ۶۵ سانتیمتر قطر میانی ۸۵ و

قطر دهانه آن به ۵ سانتیمتر می‌رسید، این سبو همانطور که از نامش مشخص است مورد استفاده

دشتبان بود که آن را آب می‌کرد، روی شانه می‌گذاشت و گرد دشت می‌گشت و به کشاورزان آب می‌داد.

۵-۲. سبو دو چونه‌ای (sobu- dočuna): کمی از سبو «دشونی» کوچکتر بود.

۵-۳. سبو حکومتی: کوچک و دم دستی در اندازه کوزه «شریک» بود با این تفاوت که گردن آن با خطوط برجسته دایره شکل تزئین شده بود.

۵-۴. تنگک (tongok) شبیه کوزه «شریک» بود، به آن «تنبلک» (tanbalok) نیز می‌گفتند.

۵-۵. سگک (sagok) سبو کوچک دهان‌گشادی برای بچه‌ها بود، نوع بزرگ آن سبو «دهن فراغ» نام داشت که در نانوائی از آن استفاده می‌شد.

۵-۶. سبوی شربه (šarba) باریک و کشیده بود و دهانه تنگی داشت.

۶- تغار teaqr این ظرف که هنوز هم مورد مصرف دارد در اندازه‌ها و با نامهای زیر می‌ساختند.

۶-۱. تغار یک منی: که برای خمیر کردن یک وعده نان از آن استفاده می‌شد.

۶-۲. شاتغار: تغارهای بزرگ و لعابدار است. از آن برای گرفتن آب میوه بخصوص آب انگور

و انار استفاده می‌شود.

۷- دوره (dura): در واقع نوعی کوزه دهان‌گشاد کوچک برای ماست بندی است در اندازه‌های بزرگ نیز ساخته می‌شود که از آن برای تهیه ترشی و سرکه استفاده می‌کنند، نوعی از آن که دسته دار بود بعنوان دبه روغن کار برد داشت.

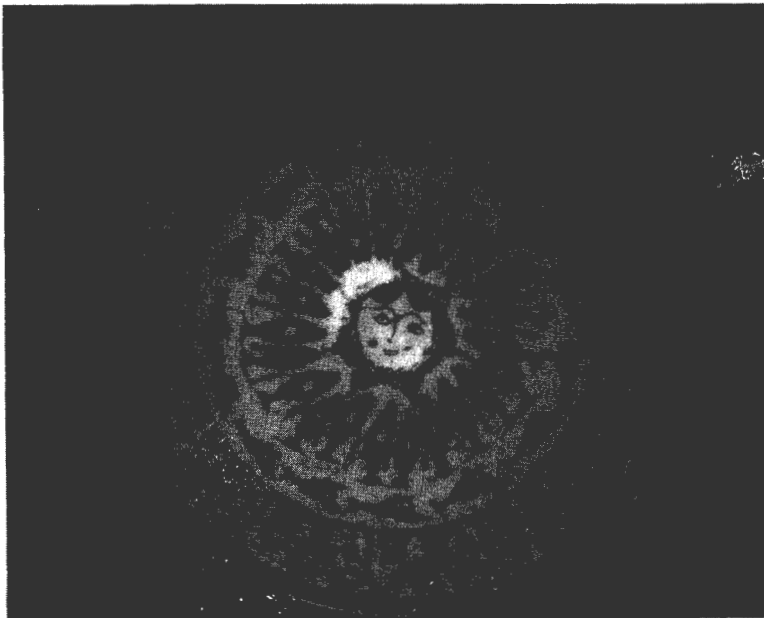
ظروف نانی:

این بخش از تولیدات نیز تنوع بسیار دارد مثل بشقاب، لیوان، فنجان و نعلبکی، کاسه‌های کوچک ماست خوری معروف به پیاله، کاسه بزرگ، قاب و قدح که بسیار پر نقش و نگار است، گلدانهای تزئینی در شکلهای و اندازه‌های مختلف، دوره‌های متوسط و نوعی ظرف کاسه مانند به نام «کشور» (kešvar) که داخل آنرا با دیواره‌ایی به ارتفاع ۲ تا ۳ سانتیمتر شبکه بندی و خانه خانه کرده‌اند هر یک برای نگهداری ادویه خاصی، از این ظرف برای ادویه جات سرسفره استفاده می‌شود، ظرف دیگری در همین قطع و اندازه می‌سازند که کف آن مثل آبکش سوراخ سوراخ

است و همان کاربرد آبکش را دارد.

نقش و نگارهای سفال:

بعد از مرحله پرداخت نوبت نقش آفرینی است، ظروف «کباره» و بخصوص ظروف «نانی» با نقش و نگارهای مختلفی تزئین می‌شود. گاه چنان پرنقش است که همه سطح داخل و خارج ظرف را می‌پوشاند.



عکس ۸ - عکس قاب (دیس) با نقش خورشید خانم و مرغ و ماهی

این نقشها بیشتر از گیاه و حیوان و مرغ و ماهی و بخصوص خورشید خانم است که در سالهای اخیر به عنوان وجه مشخصه سفال میبد مطرح شده است. جای نقش خورشید خانم در داخل و در قسمت وسط ظرف است که گاه تنها و زمانی محاط در نقش‌های دیگر است.



عکس ۹ - یک «دوره نانی» قدیمی با نقش کوه ۱۰ - سه کاسه «نانی» قدیمی با نقش‌های گوناگون ۱۱ - یک بشقاب «نانی» قدیمی با نقش خورشیدخانم

نقش‌ها معمولاً در داخل و خارج ظروف آشپزخانه و سطح بیرونی ظروف دیگری مثل کوزه و «دوره» و گلدان را می‌پوشاند، حداقل هفتاد نوع از این نقش و نگارها شناخته شده‌است، خانم سان لیور استاد مردم شناسی دانشگاه نیوکاسل سویس که در سال ۱۳۴۵ تز دکترای خود را به نام «جماعت کوزه گران» در مورد سفالگری میبد نوشته‌است بیش از ۶۲ نوع آن را همراه با طرح در کتاب خود آورده و بر حسب نوع شکل به ترتیب زیر طبقه بندی کرده است [۸- ص ۴۳، ۱۱۲ و ۱۱۷].^(۱)

1-micheline cent livres-demontune communaute depotiers en iran Le centre de meybod (yazd)

در نقل مطالب از ترجمه ناتمام و دستنویس زنده یاد سید مصطفی سعیدی فیروزآبادی استفاده شد ضمناً کلیه طرحها و موتیف‌ها و پلان‌ها از این کتاب اقتباس شده‌است.

نگاره‌های هندسی:

- ۱- تخته دری ۲- بالا خانه ۳- تهرانی ۴- سوزنی ۵- چادر شبی ۶- بندی ۷- لوزی ۸- اصفهانی ۹- خانی ۱۰- پنجه فرسی (panja feresi)^(۱) ۱۱- قندی ۱۲- پالوده‌ای ۱۳- قند خراشی (qand-exeraši) ۱۴- هزاره ۱۵- کله قوچی ۱۶- ترنجی ۱۷- تاج ۱۸- تاج درویش ۱۹- هلالی ۲۰- پیچ در پیچ^(۲)

موتیف‌های گیاهی:

- ۲۱- گلدار ۲۲- گلدار میزکوبی ۲۳- تخته‌ای ۲۴- بند ساعتی ۲۵- گل سفیدی ۲۶- شیرازی ۲۷- چیت ۲۸- زلف عروسی ۲۹- قاسم خانی ۳۰- ماکویی ۳۱- قمی ۳۲- بازوبندی ۳۳- محرمات^(۳) ۳۴- ترنجی ۳۵- کنده تخت ۳۶- اقدرین^(۴) ۳۷- قلمکار ۳۸- گلدار بادامی ۳۹- برگگی ۴۰- بوته بادامی ۴۱- برگ اسفناجی ۴۲- گلدار سروتی؟^(۵)

میوه‌ها:

- ۴۳- گلابی دار ۴۴- آلبالویی ۴۵- شهری ۴۶- بادامی ۴۷- ترکه اناری

حیوانات:

- ۴۸- پنجه گربه‌ای ۴۹- ماهی ۵۰- شیر و خورشید ۵۱- مرغ ۵۲- بلبل قفسی (بلبلک) (bolbolok) ۵۳- شانه سر^(۶) ۵۴- کیوتر

۱- فرسی (feresi) = چلچله

۲- به نقش پیچ در پیچ، «پنچک» (panjok) نیز می‌گویند، همان خطوط حصیری و موج دار است که با سوزن یا شانه روی ظروف «سفیده بار» مخصوصاً کوزه می‌کشند.

۳- محرمات: بنا به ضبط لغتنامه دهخدا جامه راه راه است که یکی راه سیاه و یک راه سپید دارد، نوعی مفرش نیز در میبد با همین نقش متداول بود که در یزد بافته می‌شد و «حرمی» یا روفرشی نام داشت.

۴- معنی این واژه بر نگارنده مجهول است احتمالاً عفری بوده و اشتباهی در ضبط آن پیش آمده است.

۵- معنی سرونی نیز مجهول است به احتمال قریب به یقین «سروگی» (sarrogi) است که در لهجه میبد به معنی مثل سرو است، نویسنده نیز در حاشیه آنرا سروی معنی کرده است.

۶- شانه سر یا «شونه سر» بمعنی هدهد است.

طبیعت:

۵۵- کوه دار ۵۶- کوه دار خراشی^(۱) ۵۷- کمر ۵۸- تاج نصرت^(۲) ۵۹- محرمات سفالی^(۳)
۶۰- کمرمانی ۶۱- تخت گوشوار دار ۶۲- خانم خورشید (خورشیدی)

تحلیل نقش و نگارها:

از چند نگاره باستانی که بگذریم بیشتر نگاره‌ها همانطور که از نامشان پیداست از عناصر موجود در پیرامون هنرمند سفالگر منشأ می‌گیرد، خورشید خانم که امروزه تقریباً سفال و سرامیک مینو با آن می‌شناسند تصویر زنی است که هفت یا هشت اشعه فروزان برگرد سرش پرتو افکنده است، خورشید خانم یک نقش باستانی است که در روی بعضی آثار به جا مانده از پیش از میلاد نیز مشاهده می‌شود، در سر سنجاقی از لرستان مربوط به قرن هشتم پیش از میلاد این نقش به چشم می‌خورد [۱۸-ص ۱۶۲]^(۴) دانشمندان آن را ترکیبی از آناهیتا ایزد آب و خورشید مظهر روشنائی دانسته‌اند، مگر نمی‌گوئیم آب است و روشنائی، به علاوه ستاره یا خورشیدی که ۸ اشعه فروزان از آن جدا می‌شود از ماندالا یا تصاویر چهارگانه هستند که تاریخی بسیار مفصل دارند و به انواع و اقسام شکلها در می‌آیند [۱۹-ص ۹]^(۵) خورشید یا ستاره علامت خدای روشنی است، در مهرهای به جا مانده از دوران باستان نقش خورشید به صورت سه دایره تو در توست [۲۰-ص ۷-۹۶]^(۶) خطوط پیچ در پیچ مارگونه علاوه بر القاء جریان آب می‌تواند باز مانده از نقش مار هم باشد که در نقوش مختلف معانی خاص دارد، مظهر باروری و در مواردی نماینده آبهای زیرزمینی است و پیچ و تاب بدن او جریان آب رودخانه‌ها و قنوات را مجسم می‌سازد [۲۱- همان ص ۷۵]^(۷) در مورد نگاره شماره ۱۵ به نام «کله قوچی» که سر شکار را تداعی می‌کند و در مینو هم چون بسیاری از جاها رسم آویختن آن بر سر در خانه معمول

۱- کوه خراشی: می‌توان خراشی که بر کوه است معنی کرد.

۲- تاج نصرت قاعدتاً باید تاق نصرت باشد.

۳- محرمات سفالی همان نقش راه راه سفید و سیاه که بر ظروف سفالی می‌زده‌اند.

۴- ایزد پناه، حمید، آثار باستانی و تاریخی لرستان، ج ۱، انتشارات آگاه، ۱۳۶۳.

۵- شایگان، داریوش، بینش اساطیری، فصلنامه الفبا ج ۵.

۶- بیانی، ملکزاده، تاریخ مهر ایران، انتشارات یزدان، ۱۳۶۳ ص ۷-۹۶.

۷- همان صفحه ۷۵.

بوده است، شاخ در معابد عیلامی نماد الوهیت بود، آشور با نیپال با افتخار اعلام می‌کند که در جریان فتح شوش شاخهای یرنزی زیگورات را برکنده است [۲۲ - ص ۶۵]^(۱) شاخ قوچ در فرهنگ ایران باستان نماد ایزد بهرام نیز بوده است. [۲۳ - ص ۱۹۹]^(۲)

نگاره‌های کوه دار می‌تواند همان دیواره‌های کنگره دار باشد که در دستبافته‌ها هم به چشم می‌خورد و نمادی از کوه مقدس‌اند [۲۴ - ص ۱۵۹]^(۳)

لعاب:

این ماده تثبیت‌کننده رنگ نقش‌ها است. در نقش و نگارها بیشتر رنگ سیاه قرمز (شکل‌اتی)، زرد و سبز به کار می‌برند، سیاه و قرمز برای ته بندی، یعنی مرحله قبل از لعاب است، قبلاً برای تهیه لعاب گیاه خود رویی به نام «اشنوم» (ešnum)^(۴) را می‌سوزاندند، از آن ماده‌ای به نام کریا (keryâ)^(۵) به دست می‌آمد، کریا را به نسبت مساوی با پودر سیلیس مخلوط می‌کردند و در کوره رنگ پزی می‌پختند، کوره مزبور سه طبقه بود و هر طبقه از طریق روزنه‌ای به هم راه داشت، مخلوط کریا و سیلیس را اول در طبقه بالا که درجه حرارت آن کمتر بود می‌گذاشتند، در اثر حرارت این دو با هم ترکیب می‌شدند سپس آنرا با وسیله‌ای به نام سیخ رنگ درکنی^(۶) به طبقه دوم کوره منتقل می‌کردند. در طبقه دوم نیز حرارت غیر مستقیم ولی شدت آن بیشتر بود، در این طبقه ماده مرکب مزبور را با وسیله دیگری به نام سیخ همزن^(۷) بهم می‌زدند تا کربن آن بیرون بیاید. سپس از طریق روزنه‌ای که در انتهای این طبقه بود آن را به طبقه پائین کوره در مجاورت

۱ - هینس، والتر، دنیای گمشده، عیلام، ترجمه فیروز فیروزنیا، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول - ۱۳۷۱ - ص ۶۵.

کویاجی. ج. ک. آئینها و افسانه‌های ایران و چین باستان ترجمه جلیل دوستخواه شرکت سهامی کتابهای جیبی ۱۳۶۲ ص ۱۹۹.

۳- هینلز، جان، شناخت اساطیر ایران، توجه ژاله آموزگار- احمد تفضلی، نشر چشمه ۱۳۷۱ ص ۱۵۹.

۴- اشنوم (ešnum) = اشنان یا چوبک گیاه خودرویی که خواص پاک‌کنندگی نیز دارد.

۵- کریا (keryâ) = قلیا، که از سوزاندن گیاه اشنان به دست می‌آید و از آن برای تهیه لعاب استفاده شد.

۶- سیخ رنگ درکنی: میله قلاب دار آهنی در اندازه‌های ۳ و ۴ متر بود که از نوع کوچک آن برای دم کوره و بزرگتر برای بیرون آوردن رنگ از ته کوره استفاده می‌شد.

۷- سیخ همزن: وسیله‌ای دارای سه شاخه آهنی که مثل تبر عمود بر دسته بود با آن رنگ را در داخل کوره بهم می‌زدند تا کربن آن بیرون بیاید.

آتش منتقل می‌کردند در اینجا ماده کاملاً ذوب و با هم ترکیب می‌شد، پس از سرد شدن بصورت گدازه‌ای در می‌آمد که در اصطلاح به آن «رنگ لک» (lok) یا «لکه رنگ» (lokarang) می‌گفتند.



عکس ۱۲ - سنگ جوهر مال و شیوه کار با آن (عکس از خانم سان لیور)

«رنگ لک» را در «سنگ خانه»^(۱) با مشته^(۲) می‌کوبیدند، سپس با پودر اکسید آهن یا کبالت به وسیله «سنگ جوهر مال»^(۳) و با اضافه کردن مقداری آب می‌ساییدند، مایع سیاه‌رنگی بدست می‌آمد برای اینکه چسبندگی کافی داشته باشد مقداری صمغ عربی یا کتیرا و برای شفافیت

۱- سنگ خانه: کارگاهی از ضمانت کارگاههای سفالگری بود که در آن سنگ سیلیس و «لکه رنگ» را می‌کوبیدند.

۲- مشته: همان مشته کف‌اشی است که از آن برای کوبیدن رنگ کلوخه (لکه رنگ) استفاده می‌شد، اطراف آن را پارچه یا کهنه می‌پیچیدند تا قطعات رنگ به چشم برخورد نکند، سنگ سیلیس را نیز با همین مشته خرد می‌کردند.

۳- سل جوهر مال (sel-e-jowharmâl): قطعه‌ای از سنگ شکسته آسیاب بود که برگرد آن دیواره گلی کشیده بودند، اکسید آهن یا کبالت و «لکه رنگ» را بعد از کوبیدن (چون کاملاً پودر نمی‌شد) داخل این ظرف می‌ریختند و با اضافه کردن مقداری آب به وسیله سنگ کوچکی می‌ساییدند، ماده سیاه‌رنگی بدست می‌آمد که همان لعاب بود.

بیشتر خاکه یا شیره قند یا نبات به آن اضافه می‌کردند، یا پودر را با «توفال» (اکسید مس)^(۱) و کتیرا و شود(šud) مخلوط می‌کردند و لعاب دلخواه را به دست می‌آوردند. امروزه به جای کریا و سیلیس از پودر شیشه تلویزیون استفاده می‌شود. ۳ کیلو پودر با یک کیلو توفال و نیم کیلو کتیرا مخلوط کرده در آب می‌ریزند و با دست چنگ می‌زنند تا خمیر شود اگر توفال به آن نزنند ظرف نخودی رنگ می‌شود گاه به جای توفال از جوهر لاجورد یا جوهر زرد و قرمز استفاده می‌شود.

درجه حرارت لعاب: درجه ذوب لعاب ۷۰۰ تا ۱۲۰۰ درجه است اگر میزان حرارت پائین باشد لعاب پرآب و شفاف می‌شود و ممکن است «شره» کند، اگر سفت هم باشد شره می‌کند، لذا سفالگران میدی از لعابی که در ۱۱۰۰ تا ۱۲۰۰ درجه حرارت مقاومت دارد استفاده می‌کنند^(۲) امروزه لعاب را با دستگاهی به نام بالمیر (bālmir) تهیه می‌کنند.

لعاب زنی: وقتی ظرف در آفتاب کاملاً خشک و مقداری گرم و آماده برای جذب جوهر شد آنرا اول نقاشی می‌کنند سپس لعاب می‌زنند. لعاب اول سیاه رنگ است وقتی در کوره حرارت دید آبی رنگ می‌شود، به لعاب کاسه توفال نمی‌زنند در نتیجه رنگ لعاب اول سفید است که پس از پخته شدن زرد یا نخودی می‌شود. گاه برای بالا بردن کیفیت رنگ از رنگهای خارجی گران قیمت استفاده می‌کنند. ظروف «نانی» را بعد از تراش و پرداخت با اسفنج می‌شویند و گردگیری می‌کنند و در کوره می‌گذارند و به مدت ۹ ساعت حرارت می‌دهند، در ۱۰۰۰ درجه حرارت ظرف بیسکوئیت یا به اصطلاح «نیم خوم» (nimxum)^(۳) می‌شود، در این حال از کوره بیرون می‌آورند، اول نقاشی می‌کنند، بعد روی آن را لعاب می‌زنند و مجدداً در کوره قرار می‌دهند، این دفعه درجه حرارت را تا ۱۱۵۰ درجه بالا می‌برند تا ظرف کاملاً بپزد.

۱-توفال (tufāl): اکسید مس است که با اضافه شدن به لعاب قلیایی، رنگ فیروزه‌ای و در لعاب سربی، رنگ سبز می‌دهد.

۲-امروزه برای لعابهای با دمای پائین از فریت (ferit) استفاده می‌شود که برای تهیه آن کائولن را با فلدسپات سدیک و اکسید بور (bor) که نقطه ذوب ۴۵۰ درجه دارد مخلوط کرده در کوره دوار می‌پزند و به سرعت سرد می‌کنند که شیشه‌ای و خرد شود.

۳-نیم خوم (nimxum): نیم خرم، نیم پخته یا به اصطلاح امروز بیسکوئیت.



عکس ۱۳ - شیوه لعاب زدن



عکس ۱۴ - نقاشی طرف «نانی» (عکس از خانم سان لیور)

شیوه چیندن ظروف در کوره:

کوره کباره: در هر کوره باید همه نوع جنس باشد، ظرفیت یک کوره به طور معمول ۲۰۰ کوزه، صد گلدان کوچک، ۵۰ گلدان بزرگ و در مجموع ۷۰۰ تا ۸۰۰ قطعه است، چیندن ظروف در کوره دقت و مهارت زیادی لازم دارد، اول ظروف بزرگ و سنگین را می‌چینند، قبلاً که خمره‌های بزرگ یا به اصطلاح «تپو» (tapu) می‌ساختند، «تپو» را در ته کوره می‌چیندند و داخل آنرا با کوزه پر می‌کردند، مقداری نمک نیز روی کوزه‌ها می‌ریختند تا رنگ آن متمایل به سبز شود ولی امروزه اول گلدان‌های بزرگ می‌چینند بعد ظروف کوچک، برای چیندن ظروف کوچک از وسایل زیر استفاده می‌کنند.

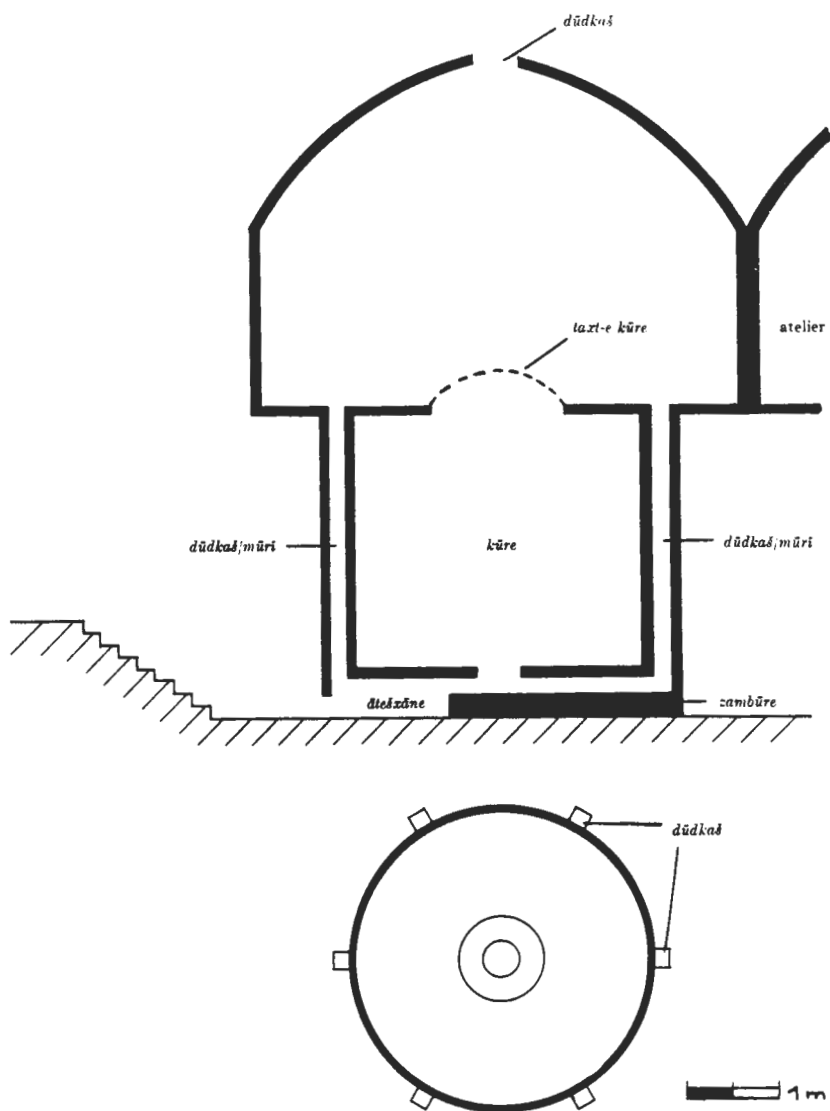
۱- زیردستی یا بن دسته (bendasta) استوانه سفالی به ارتفاع ۶/۵ و قطر ۸/۵ است

۲- سه پایه از جنس سفال ارتفاع پایه آن ۱ و عرض آن ۳ سانتیمتر است

۳- حلقه چی (halqači) حلقه‌ای از جنس سفال به قطر ۸ سانتیمتر است

نخست چند زیر دستی در سطح کوره روی زمین می‌گذارند؛ یک سه پایه در حالتی که پایه‌های آن رو به بالاست روی هر زیردستی گذاشته یک کاسه را به حالت برگشته روی آن قرار می‌دهند، بهمین ترتیب تا ده کاسه که حد فاصل هر یک سه پایه‌ای قرار دارد روی هم می‌چینند سایر ظروف نیز با همین شیوه و ترتیب در کوره چیده می‌شود با این تفاوت که برای ظرفهای بزرگتر مثل تغار یا گادیشه (gādiša)^(۱) یک «حلقه چی» نیز روی سه پایه قرار می‌گیرد تا فاصله و هوا خور بیشتر با ظرف زیرین داشته باشد.

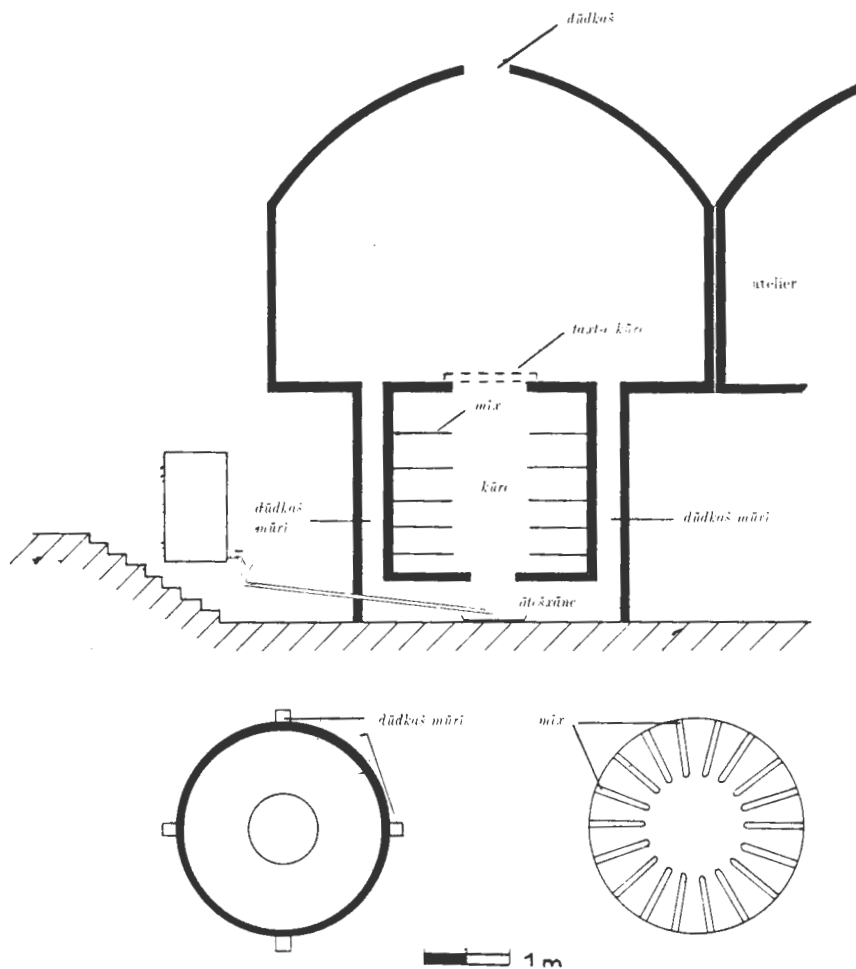
۱- «گادیشه» (gādiša) نوعی کاسه بزرگ کروی شکل است که برای شیر دوشی و ماست بندی به کار می‌رود.



(طرح شماره ۱)

کوره ظروف کباره - (طرح از خانم سان لیور)

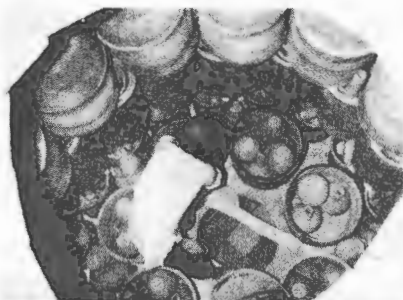
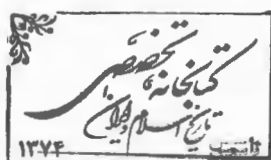
کوره ظروف «نانی»: ظروف نانی را نباید روی هم بچینند و هر یک جایگاه ویژه‌ای در کوره دارد، بطور کلی ساختمان کوره ظروف نانی از داخل یا طبقه‌بندی با شبکه‌ها یا غرفه‌های جداگانه است که در هر حفره یک ظرف قرار می‌گیرد یا طبقات بصورت زائده‌های پلکانی ساخته‌اند که ظرف را مستقلاً روی آن قرار می‌دهند. (طرح ۲)



(طرح شماره ۲)

کوره ظروف نانی - (طرح از خانم سان لیور)

در هر دو مورد البته ظروف را برحسب میزان درجه حرارتی که لازم دارد می‌چینند، زیرا حرارت در تمام کوره یک نواخت نیست، بهمین دلیل در ته کوره معمولاً ظروف «کباره» سنگین می‌چینند که هم حرارت کمتر می‌خواهد و هم مقاومت کافی برای تحمل وزن ظروفی که روی آن چیده می‌شود دارد.



۱۵ - ۱۶ و ۱۷ - از بالا به پایین به ترتیب شیوه چیدن ظروف کباره و پوشاندن و بستن دهانه کوره

(عکس‌ها از خانم سان لیور)

میزان حرارت و نحوه تشخیص و اندازه‌گیری آن: بطور معمول در ۲۴ ساعت سه بشکه نفت می‌سوزد، این معیاری برای میزان حرارت لازم است، در قدیم که کوره با آتش هیزم می‌سوخت باید آنقدر هیزم می‌ریختند تا ارتفاع آتش به دو متر برسد. هیچ وسیله خاصی برای اندازه‌گیری میزان حرارت نداشتند، فقط از سوراخ کوچکی به اندازه تخم مرغ که در بالای آتش خانه کوره قرار داشت به داخل نگاه می‌کردند از ارتفاع آتش و نیز سفید شدن بدنه کوره یا براق شدن ظروف لعابدار میزان حرارت را تخمین می‌زدند، وقتی بدنه ظرف سفید می‌شود به این معنی است که درجه حرارت به ۱۰۰۰ درجه رسیده و ظرف به اصطلاح «نیم خوم» (nimxum) یا بیسکوئیت است، لعاب نیز در درجه حرارت ۷۰۰ تا ۱۲۰۰ درجه خود را به اصطلاح نشان می‌دهد.

امروزه بیشتر با ساعت و طول مدت حرارت میزان گرما را می‌سنجند، زیرا می‌دانند که بعد از یک ساعت درجه حرارت به ۲۰۰ و بعد از سه ساعت به ۵۰۰ درجه می‌رسد و از آن پس هر ساعت ۵۰ درجه بالا می‌رود.

«نانی» سازان صاحب نام: تقریباً همه سفالگران میبد باهم خویشاوندی سببی و نسبی دارند و در مجموع چند فامیل بیشتر نیستند، مشهورترین آنها آقای سپس پهلوان شمسی، امامی پورغلامی و دوست حسینی هستند که هر یک از آنها یک خط کاری مشخص دارند و به تولید آن جنس عادت کرده یا شهرت یافته‌اند، مثلاً ساختن ظروف «نانی» به خانواده آقای اختصاص دارد که به نحوی با نانی سازان قدیمی و صاحب نام پیوند خویشی دارد، پر آوازه‌ترین «نانی سازان» میبد «قنبر» نام داشته که در اواخر دوره قاجاریه می‌زیسته است، وی فرزند حسین نائینی است که بنا به قول خانم سان لیور در سال ۱۸۷۰ میلادی از نائین به میبد مهاجرت کرده و در اینجا ازدواج می‌کند و صاحب پسری به نام قنبر می‌شود حسین پس از مدتی به نائین باز می‌گردد و در آنجا همسر دیگری اختیار می‌کند و از او نیز صاحب چند پسر به نامهای قاسم، کریم و یوسف می‌شود، هر چهار پسر شغل کاشی سازی پیش می‌گیرند. قنبر بعدها به میبد باز می‌گردد و کارگاه مستقلی تأسیس می‌کند و مدت چهل سال به کار خود ادامه می‌دهد. در این مدت در رنگ آمیزی و نقش و نگار ظروف نهایت سلیقه به کار می‌بندد، بطوری که اکنون کارهای او جزء عتیقه محسوب می‌شود، ولی چون قنبر محسود برادران قرار می‌گیرد و آنها کوره او را خراب می‌کنند از ادامه کار دل سرد و منصرف می‌شود وی دختری به نام سکینه داشت که به کمک شوهر و با

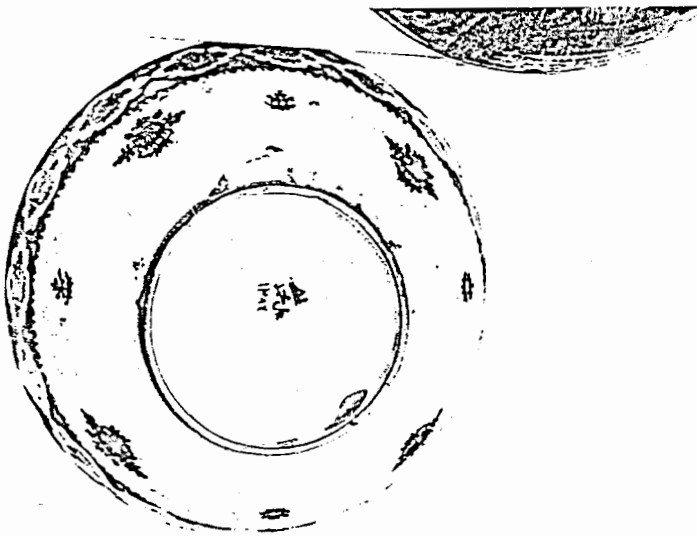
امضای قنبرزاده کار پدر را پی گرفت. ولی او نیز از طرف مردم سرزنش شد که چرا به جای قالی بافی یا پارچه بافی دنبال کار سفالگری که مخصوص مردان است رفته، قنبر دختر دیگری به نام نازی خانم داشت که در میبد با آقای علم چی ازدواج می کند و از این طریق پیوند سفالگران میبدی با نائینی استمرار می یابد.

قاسم و یوسف برادران قنبر نیز در این صنعت صاحب نام می شوند؛ قنبر خود در نانی سازی نوآوریهایی داشته است، بطوری که برخی پنداشته اند نام این ظروف در اصل «نائینی» بوده که بعدها در محاوره به صورت «نانی» در آمده است، اما حتی اگر این تغییر نسبت مصداق هم داشته باشد دلیل آن نیست که قنبر «نانی سازی» را در میبد رواج داده است زیرا همانطور که خانم «سان لیور» هم اذعان دارد پیش از قنبر هم در میبد ظروف لعابی می ساخته اند [۸- ص ۲۱].

نشان و امضای نانی سازان: یکی از وجوه مشخصه ظروف «نانی» داشتن نشان یا امضاء سازنده آن است که هنوز در ظروف دست ساز مراعات می شود، معمولاً این نشانها در ته ظرف از داخل یا بیرون با قید کلمه «عمل» همراه است.



عکس شماره ۱۸- نمونه امضاء سازنده ظروف



عکس شماره ۱۹ - نمونه امضاء سازنده ظروف

در بیشتر موارد حتی تاریخ ساخت هم ذکر می‌شود، گاه سازنده بدون هیچ پیشوند یا پسوندی فقط نام خود را نقش می‌کند، پس از رواج شناسنامه و گرفتن نام خانوادگی (از پهلوی اول به بعد) سازندگان یا تنها با نام خانوادگی یا با نام و نام خانوادگی امضاء می‌کنند.

تقسیم کار و آموزش: چون سفالگری یک حرفه موروثی و خانوادگی است بیشتر از طریق پدر به فرزند منتقل می‌شود، روند این انتقال و فراگیری به ترتیب زیر است.

- ۱- لگد کردن و الک کردن گل.
- ۲- پیشکاری یعنی آموختن این که چگونه ظرف ساخته شده را از روی چرخ پائین بیاورند و به جای دیگری منتقل سازند.
- ۳- نقش دادن و پرداخت کردن ظرف، گرچه کار نقاشی اختصاصی است و یک نفر باید فقط به این کار پردازد، ولی کسی که می‌خواهد استاد کار شود از جمله باید نقاشی هم بیاموزد، کسانی که در این رشته به استادی می‌رسیدند بخصوص در زمینه ترکیب رنگها در آموزش دادن حتی به فرزندان خود امساک داشتند، گاه راز و رمز کار را بی‌آنکه به کسی بیاموزند با خود به گور

می بردند.

۴- کار با گل و چرخ کار

۵- تراش دادن ظرف بخصوص حذف زوائدی که در ته ظرف است، تراش در ظروف «نانی» البته به دقت و مهارت بیشتری نیاز دارد، زیرا گذشته از تراشیدن اضافات باید خود ظرف را هم با تراش نازکتر و ظریفتر کرد.

۶- لعاب دادن

۷- کوره چیدن

۸- کوره پزی

۹- آخرین مرحله خالی کردن کوره و بیرون آوردن ظروف است که دقت و صبر و حوصله زیادی می طلبد.

برای طی این مراحل و فراگیری فوت و فن کار حداقل ۵ سال وقت لازم است، البته اگر هنرجو علاقه و استعداد کافی داشته باشد.

آموزش در سالهای اخیر تفاوت کلی کرده است زیرا تکنولوژی امروز سرعت می طلبد و کسی حاضر نیست این همه وقت صرف آموزش کند، در اوایل انقلاب به جهت رکودی که در کار سفالگری پیش آمد. جهاد سازندگی به برخی از استادکاران پیشنهاد کرد کلاسهایی برای تعلیم نسل جوان دائر کنند، برای تشویق حقوقی نیز برای استاد و هنرجو در نظر گرفته شد، هنرجویان دو سه ماه کلاس دیدند، همین که تئوریه را فرا گرفتند خود کارگاه زدند و شروع به کار کردند البته نه با چرخ و گل کوزه گری بلکه به کمک دستگاههای اتوماتیک قالب زن. گرچه تولیدات این کارگاهها به نوبه خود ظرافتی دارد و بخصوص چون از رنگ و طرحهای قدیمی استفاده می شود برای خود بازاری کسب کرده است ولی هنوز هم کسانی که ذوق هنری دارند طالب ظروف «نانی» دست ساز تنها هنرمند «نانی ساز» از نسل قدیم «آقایی» هستند که وجه تمایز آن امضاء «آقایی» و نازکتر بودن و پرنقش تر بودن آن است (عکس شماره ۲۲)

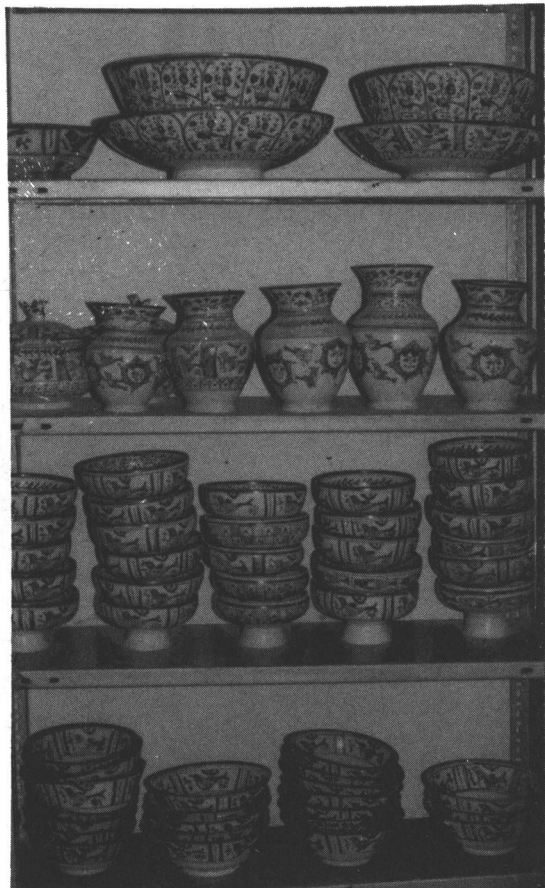
بازار فروش: خریداران «کباره» بیشتر واسطه های بومی و غیر بومی هستند که به بازارهای تهران، جیرفت، کرمان، زاهدان و بندرعباس عرضه می کنند ولی خریدار و سفارش دهنده ظروف «نانی» بیشتر سازمان صنایع دستی است. حدود ۱۰٪ از تولیدات این محصول هم در بازار داخلی و بیشتر از طرف اقشار تحصیل کرده و روشنفکر خریداری می شود. البته سازمان صنایع دستی ظروف مورد نیاز حتی شکل و طرح آنرا خود سفارش می دهد.

۲۰- در ساخت ظروف به سبک
جدید یا به اصطلاح «چرخشی»
نیز از همان شیوه و نقش‌های
سابق برای نقاشی استفاده
می‌شود.



۲۱- قاب و قدح «چرخشی»





عکس ۲۲ - نمونه‌هایی از ظروف دست ساز آقایی

واحد فروش «جوم» (jum) است که بر حسب این واحد ظروف تقسیم بندی می‌شود مثلاً کاسه چهارتایی یعنی کاسه‌ای که چهار عدد آن یک «جوم» است، لذا هر چه تعداد بالا می‌رود به معنی کوچکتر بودن ظرف است و از همه کوچکتر قهوه خوری است که به اصطلاح ۱۶ تایی است، ارقام به صورت زوج اضافه می‌شود، ۴، ۶، الخ کاسه بزرگ چهار تایی است. در روزگاری که سفالگری رونق زیادی داشت، بیشتر ظروف مردم از «کباره» و «نانی» بود، کاسه‌ها و ظروف «کباره» بوسیله فروشندگان دوره‌گرد در روستاها و محلات میبد توزیع می‌شد، هر هفته نیز در پنج شنبه بازار زیارتگاه خدیجه خاتون واقع در محله مهرجرد انواع ظروف «نانی»

و «کیاره» برای فروش عرضه می‌کردند، ساکنین محلاتی که به کارگاه نزدیک بودند مستقیماً برای خرید نیازهای خود به کارگاه‌ها که در اصطلاح محلی به «کرخونه» (kerxuna) معروف بود می‌رفتند، امروز دیگر صدای جازدن فروشندگان دوره گرد در کوچه‌ها نمی‌پیچد ولی بازار خدیجه خاتون همچنان گرم است، مراجعه مستقیم به کارگاه‌ها نیز نه به سبب رونق کار بلکه از برکت وسایل نقلیه مدرن بیشتر از سابق شده است. ولی در بیشتر موارد کاربری ظروف عوض شده است، بخصوص ظروف «نانی» به سبب ظرافت و گران بودن امروز دیگر بیشتر به عنوان یک شئی لوکس و دکوری مطرح است.



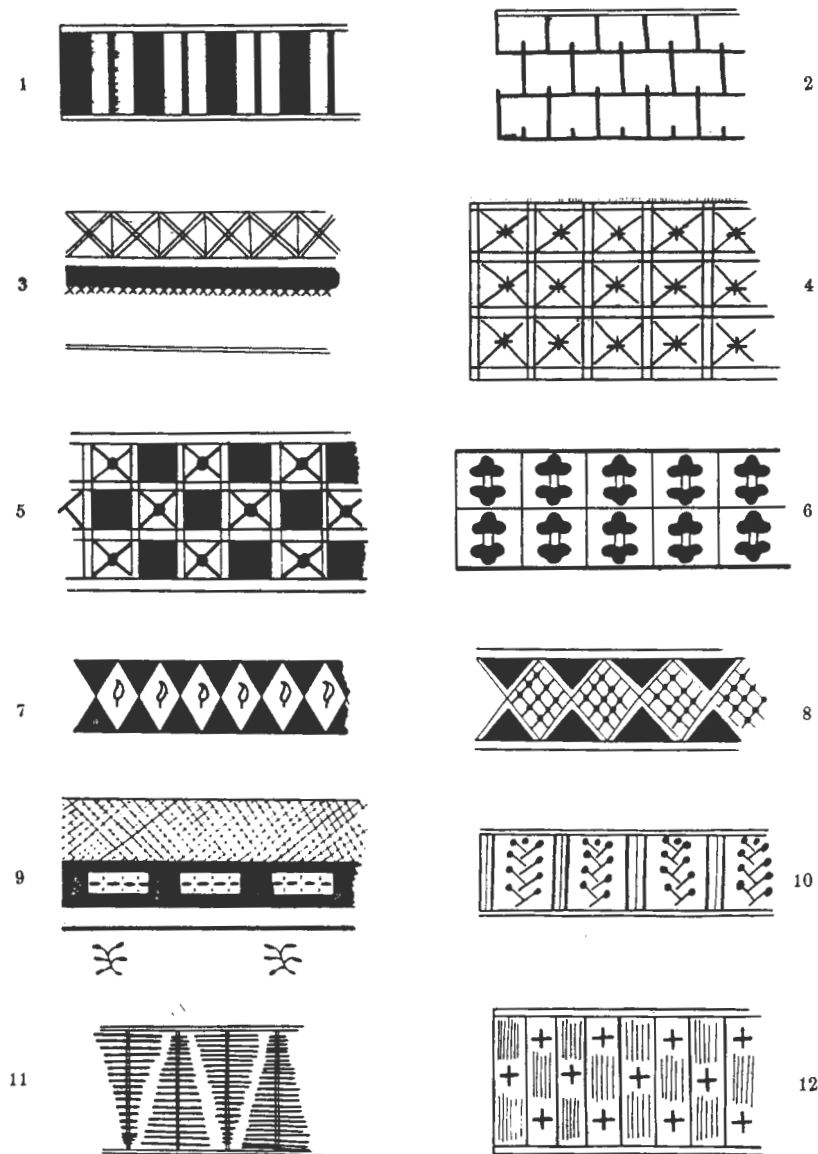
عکس ۲۳- فروشنده ظروف سفالین در پنج‌شنبه بازار خدیجه خاتون



۲۴- کارگاه ظروف «نانی» سازی استاد آقایی

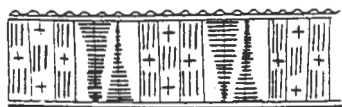


۲۵ و ۲۶- شیوه ساخت ظروف بزرگ «کباره»

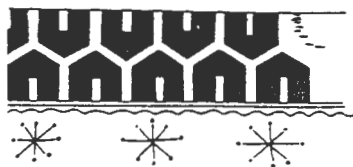


Pl. XIX. Décors sur faïence.

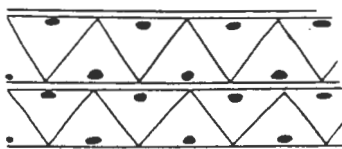
13



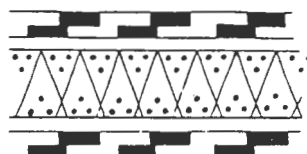
14



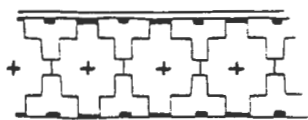
15



16



17



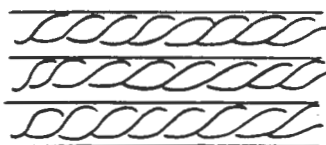
18



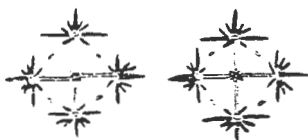
19



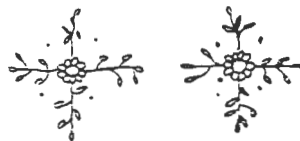
20



21



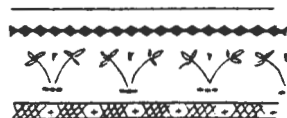
22

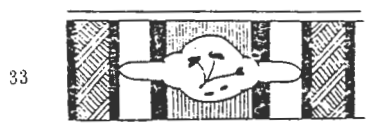
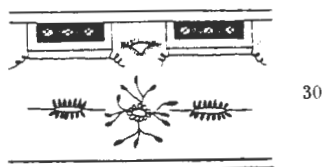
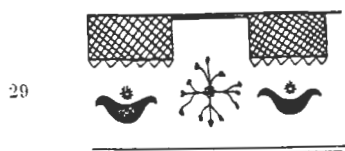
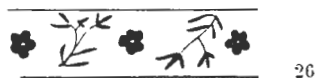


23



24





37



38



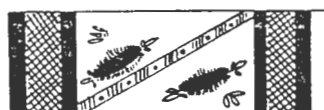
39



40



41



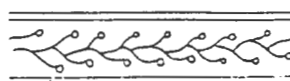
42



43



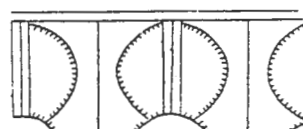
44



46



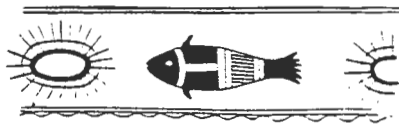
47



48



49



50



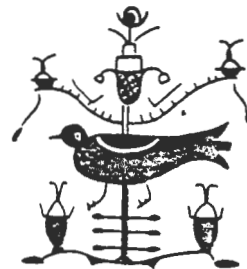
51



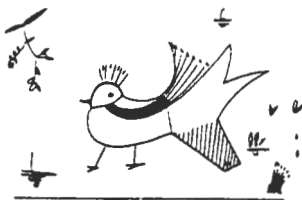
52a



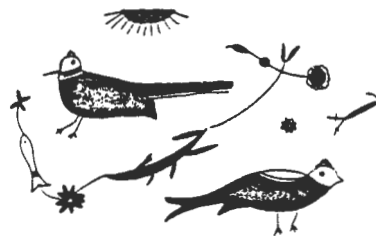
52b

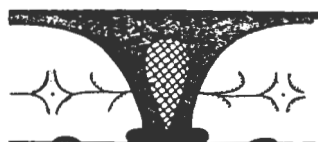
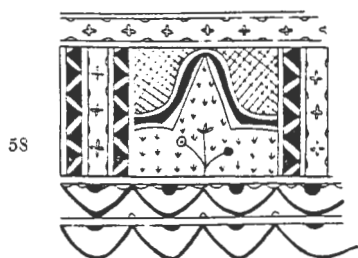


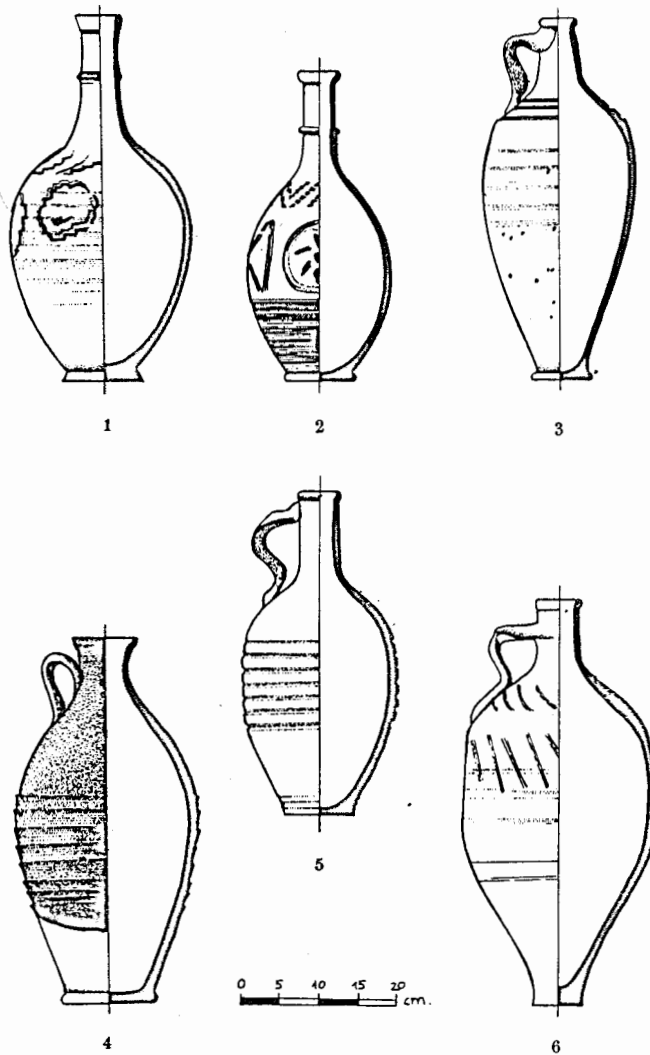
53



54







1 et 2. *sabū*

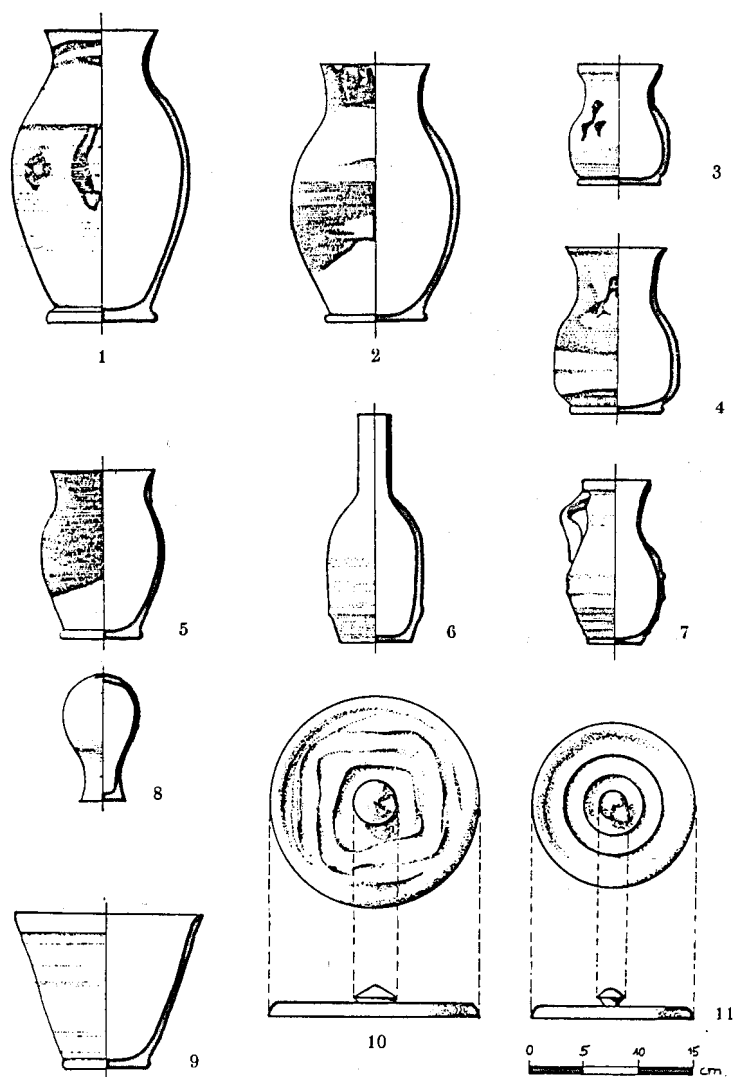
3, 5 et 6. *kūze*

4. *kūze-ye sabz*

۱ و ۲- کوزه (خانم سان لیور سبو نوشته‌اند که اشتباه است)

۳ و ۵ و ۶- سبو

۴- خانم سان لیور کوزه به سبز نوشته‌اند که معنی آن بر نگارنده مجهول است، سبو یک گونه صحیح است



1 à 5. *dāre*
9. *golān*

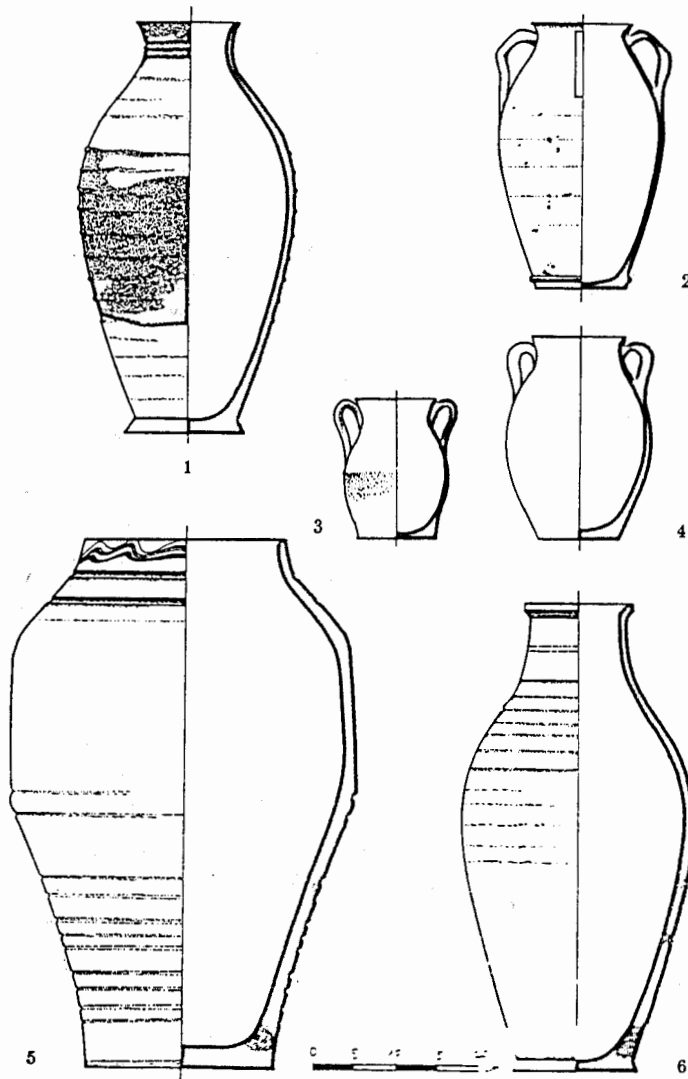
6. *tong*
10. *dar-e tapū*

7. *sagō*
11. *dar-e dīg*

8. *gol-e pāldān*

۱ و ۵ - دوره ۶ - تنگ ۷ - سگو (Sago) که سگک صحیح است ۸ - کل پولدان (خانم سان لیور گل ضبط کرده

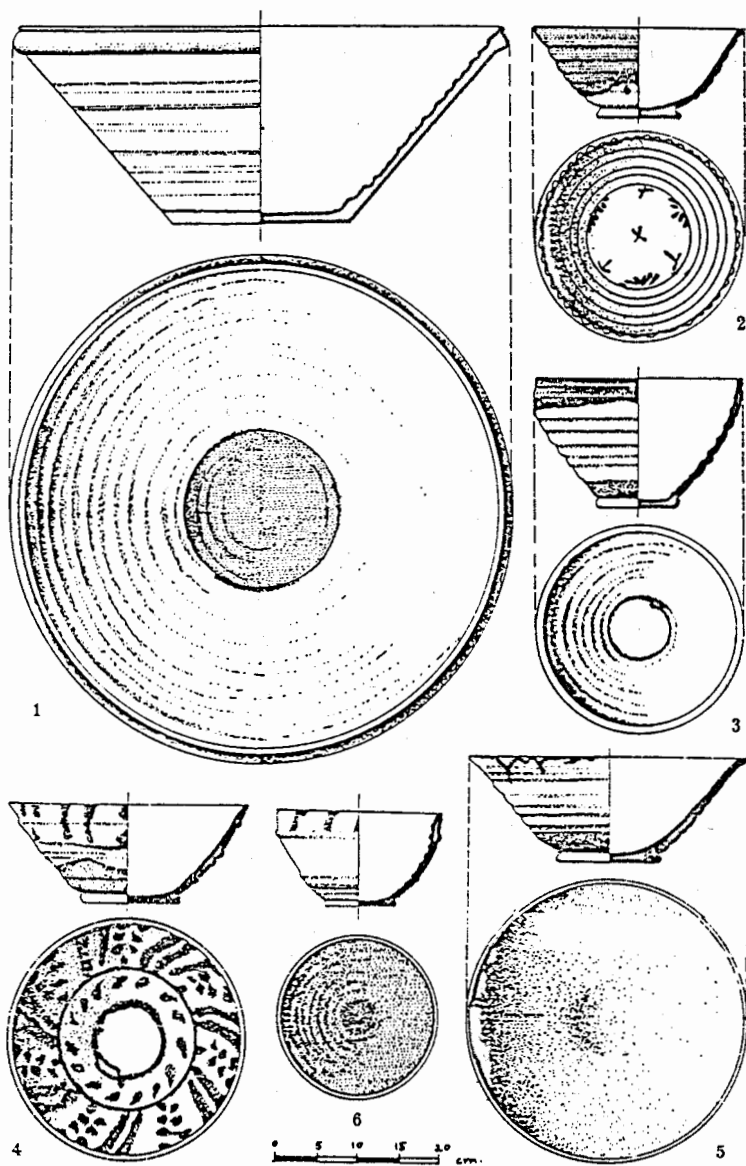
است) ۹ - گلدان ۱۰ - در تپو ۱۱ - در دیگ



1 et 6. *dāre*

2, 3 et 4. *dizī*

5. *tapū*



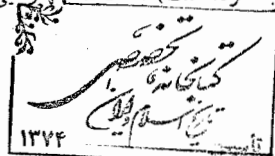
1. kurij, teqār
3 et 5. gāvīlās

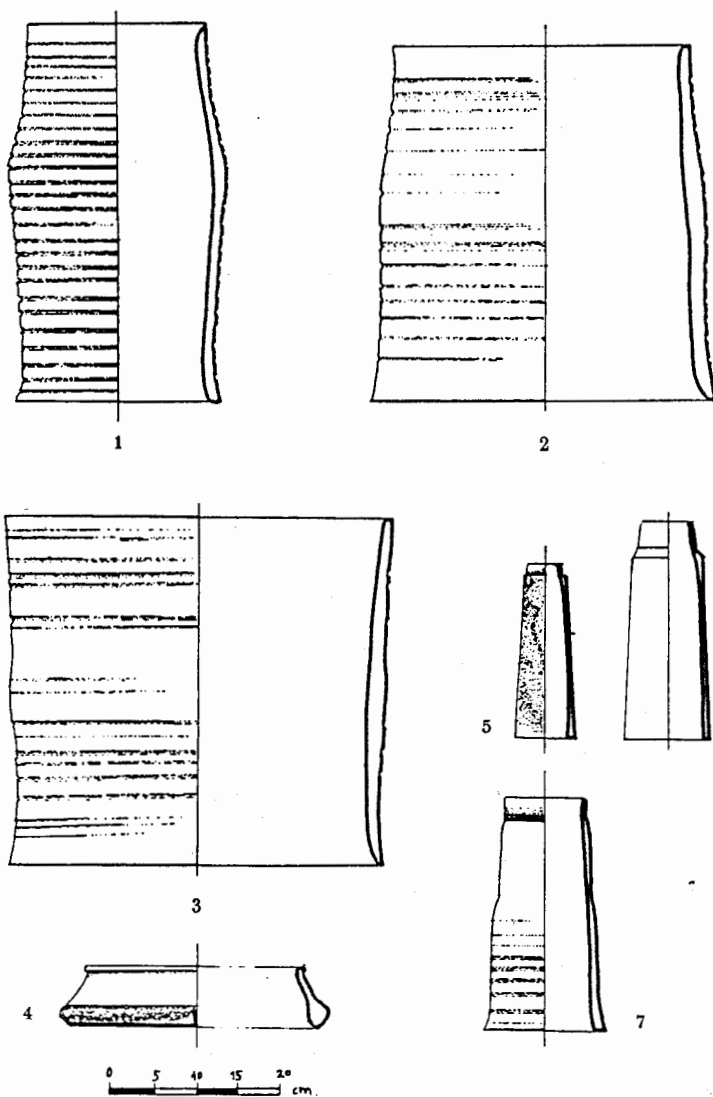
2. kūse šesta'i
4. kūse tahdriā'i

6. kūse

۱- کربج، تغار ۲- کاسه سه تایی ۳ و ۵- گادیشه (خانم سان لیور گادوش ضبط کرده است) ۴- کاسه چهار تایی

۶- کاسه

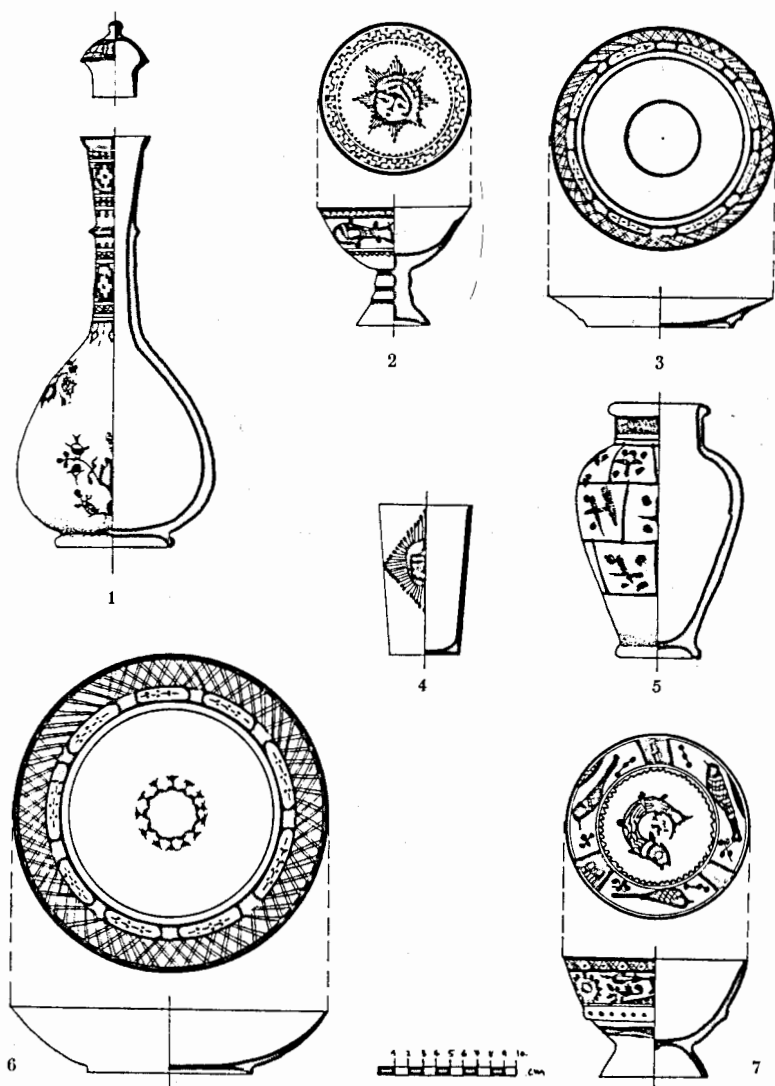




1 et 3. darrečā, lūle
4. kāse-ye jum

2. tanūr
5. 6 et 7. nārdān

۱ و ۳ - درچه، لوله ۲ - تنور ۴ - کاسه به جوم ۵ و ۶ و ۷ - ناودان



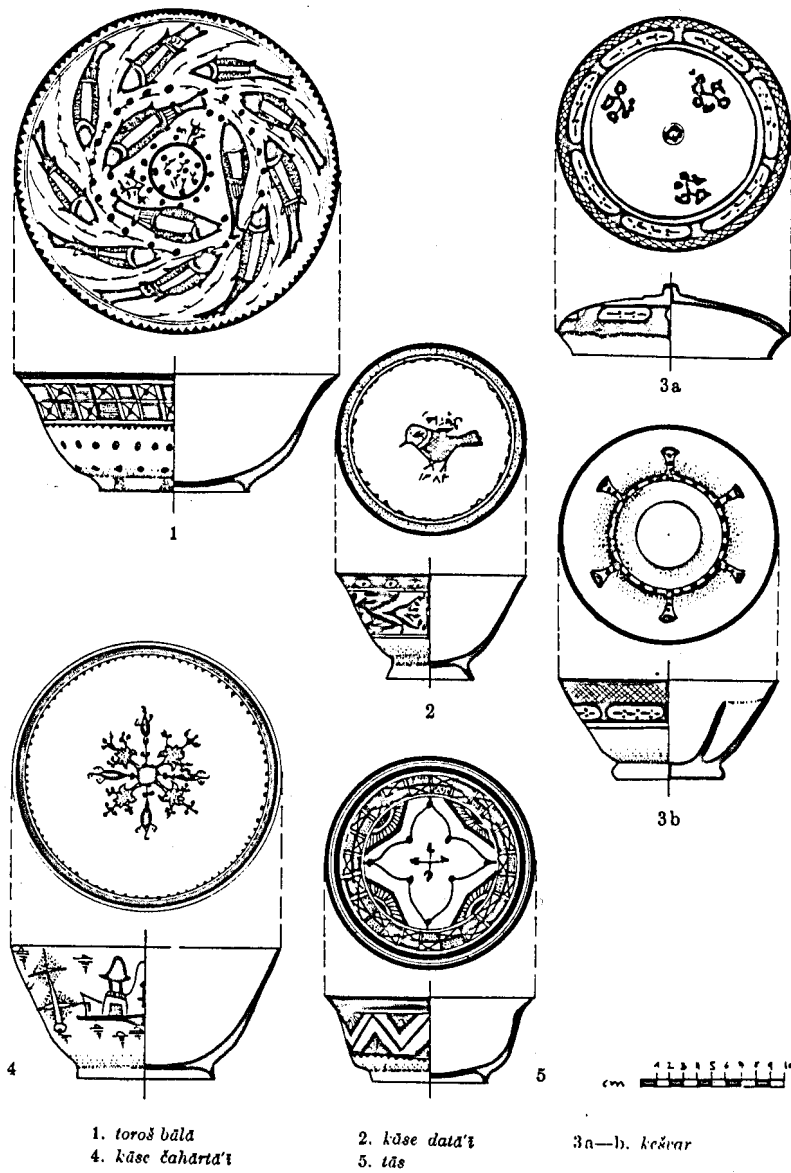
1. *kūze*
5. *golālān*

2. *qandān*
6. *dūrī*

3. *pošqāb*
7. *kāse datā'i*

4. *ālxōrī*

۱- کوزه - ۲- قندان - ۳- بشقاب - ۴- آبخوری - ۵- گلدان - ۶- دوری - ۷- کاسه ده‌تایی



۱- ترش بالا (آبکش) ۲- کاسه ده نابی ۳- A و b کشور ۴- کاسه چهارنابی ۵- تش (طلشت)

مطالعات انسان‌شناسی در شهر سوخته ۱۳۷۶-۱۳۷۹

«نتایج مقدماتی نخستین مطالعات انسان‌شناسی در شهر سوخته (کاوشهای ۱۳۷۶-۱۳۷۹)»

دکتر سید منصور سید سجادی (سرپرست گروه باستان‌شناسی شهر سوخته)

فرزاد فروزانفر (انسان‌شناسی گروه باستان‌شناسی شهر سوخته)

شهر سوخته با ۱۵۰ هکتار وسعت بزرگترین محوطه دوران مفرغ در بخشهای شرقی فلات ایران و یکی از بزرگترین محوطه‌های باستانی فلات می‌باشد. آثار باقی مانده در این شهر عظیم باستانی که بر روی تپه‌های وسیع دوره پلیستوسن قرار گرفته است به سه بخش اصلی و پنج بخش فرعی تقسیم می‌شود:

۱. مسکونی شرقی

۲. مسکونی مرکزی

۳. بناهای یادمانی

۴. گورستان در جنوب غربی شهر

۵. منطقه صنعتی.

جز از منطقه گورستان بقیه سطح این سلسله تپه‌ها از قطعات سفال و مواد گوناگون دیگر پوشیده شده است.

کهن‌ترین آثار بدست آمده در این شهر متعلق به ۳۲۰۰ پیش از میلاد است که از بخش مسکونی شرقی آن بدست آمده و جدیدترین دوره مربوط به سالهای ۲۱۰۰-۲۰۰۰ پیش از میلاد است که بقایای آن در اطراف و داخل واحد ساختمانی بزرگ معروف به کاخ سوخته دیده می‌شود و بنابراین آثار و بقایای فرهنگ مادی این شهر متعلق به یک فاصله زمانی یکهزار و یکصد ساله است که در چهار دوره متمایز تمدنی و یازده لایه یا طبقه فرهنگی دیده می‌شود.

(جدول شماره ۱)

جدول گاهنگاری شهر سوخته				
سال پ.م.	دوره	طبقه	مساحت	میان رودان
۲۱۰۰	۴	۰	۵ هکتار	لایه‌های اخیر یا بعد از شهرنشینی بدون نمونه ذغال
۲۲۰۰-۲۱۰۰		۱		
		۲		
۲۳۰۰-۲۴۰۰	۳	۳	۴۵ هکتار	سلسله‌های قدیم میانرودان لایه‌های آغاز دولت - شهر
۲۵۰۰-۲۴۰۰		۴		
۲۶۰۰-۲۵۰۰	۲	۵	۸۰ هکتار	دوران آغاز شهرنشینی
۲۶۰۰-۲۷۰۰		۶		
۲۷۰۰		۷		
۳۰۰۰-۲۸۰۰	۱	۸	۱۵ هکتار	دوران آغاز ادبیات گل نوشته آغاز ایلامی
		۹		
۳۲۰۰-۳۰۰۰		۱۰		

دوره دوم کاوشهای باستانشناسی شهر سوخته در سال ۱۳۷۶ آغاز شد (۱)، کاوشهای دو سال نخستین یعنی سالهای ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ در بخش مرکزی گورستان متمرکز شده بود، طی این کاوشها مساحتی بالغ بر ۷۰۰ متر مربع حفاری شد. طی دو سال بعدی حدود ۱۸۰ متر مربع دیگر از گورستان مورد بررسی قرار گرفت و علاوه بر آن منطقه موسوم به منطقه بناهای یادمانی نیز مورد بررسی و کاوش قرار گرفت. در سه کارگاه منطقه یادمانی آثار ساختمانی و بناهای بزرگی پیدا شدند. یکی از این بناها موسوم به ساختمان بزرگ در حال حاضر حدود ۹۰۰ متر مربع مساحت دارد اما هنوز دیوارهای بیرونی آن پیدا نشده‌اند و ظواهر امر نشان می‌دهند که ساختمانی بزرگ بوده‌است. در این کارگاه تاکنون ۶۰ اتاق و فضای باز و دو پلکان پیدا شده‌اند. صدها و صدها پیکره‌های گلی و سفالی انسان و جانوران مختلف و بویژه گاوهای کوهاندار، مهر، اثر مهر، پارچه، طناب، حصیر و اشیای سفالی و سنگی و استخوانی و قطعات مختلف فلز و سرپوشهای گلی ظروف در اتاقهای مختلف این بنا پیدا شده‌اند. بررسی‌های اولیه نشان می‌دهند

که این بنا از حدود ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد به بعد یعنی لایه‌های ۹ و ۸ دوره یکم و کل دوره دوم مسکون و مورد استفاده بوده است و آثار بسیار کمی نیز از دوره سوم استقرار در آن دیده شده است. پیدا شدن آثار دوره اول استقرار در این بنا نشان‌دهنده کامل نبودن محاسبات پیشین بوده و به این ترتیب مشخص می‌شود که وسعت شهر در دوره یکم استقرار بیشتر از آنی بوده که تاکنون تصور می‌شده است.

گورستان مورد گفتگو در جنوب غربی محوطه واقع شده و توسط یک چاله بزرگ آبرفتی از بخشهای مسکونی و صنعتی جدا شده است. مساحت امروزی گورستان ۲۵ هکتار تخمین زده می‌شود و سطح آن پوشیده از شن و ماسه است و به ظاهر شوره‌زار و شنزاری بی حاصل می‌آید که برخلاف بخشهای دیگر شهر از هرگونه ماده فرهنگی خالی است. نخستین قبور این گورستان در سال ۱۹۷۲ میلادی و هنگام نمونه‌برداری برای آزمایش خاک بصورت تصادفی کشف شد. (۲)

زمین گورستان از چهار لایه متمایز تشکیل شده است. نخستین لایه مخلوطی از شن و ماسه رسوبی و سنگریزه‌ای با قطر ۱۵ تا ۲۰ سانتی متر است. لایه دوم مرکب از یک قشر نمکی سخت و فشرده با ضخامتی بین ۲۰ تا ۲۵ سانتی متر می‌باشد. لایه سوم از قشر نمکی دیگری که با خاکهای نرم و سستی نیز مخلوط شده تشکیل می‌گردد و بالاخره لایه چهارم خاک سبز رنگی است که بیشتر قبور شهر سوخته در آن قرار دارند. در برخی از بخشهای گورستان، لایه دوم، یعنی قشر نمکی سخت و فشرده مخلوط با شن و ماسه و سنگریزه، به حالت بتونی و سختی درآمده که جابجایی و کاوش در آن تنها با استفاده از ابزارهای قوی و مقاومی چون پتک و دیلم امکان پذیر است و با آنکه همین سختی باعث حفاظت قبور و اشیاء آن بویژه اشیاء چوبی، استخوانی، حصیری، پارچه و نیز بقایای مو، ناخن و پوست تخم‌جانوران شده، اما در مواردی که قبور در داخل این قشر قرار گرفته بکلی از بین رفته و امکان جداسازی اشیاء و بقایای انسانی در آن کم شده و برخی از داده‌ها و اطلاعات از میان رفته‌اند. بخشهای شمالی تر گورستان دارای لایه‌های سطحی نمکی و سست است و به این جهت اسکلت‌ها و اشیاء موجود در آن بخش از گورستان فرسوده‌تر از بخشهای مرکزی می‌باشد.

با توجه به محاسبات انجام شده براساس تراکم قبور و تعداد اسکلت‌های هر قبر و مساحت ۲۵ هکتاری این گورستان تخمین زده می‌شود که بین ۳۱۰۰۰ تا ۴۰۰۰۰ قبر در این گورستان

وجود دارد. ساختمان قبور در شهر سوخته متنوع هستند. مجموعاً هشت نوع ساختمان قبر در شهر سوخته بدست آمده است (۳) که عبارتند از:

۱- چاله‌ها یا گودالهای ساده. این گورها دارای شکل هندسی منظمی نبوده و شکلهای چهار گوش، دایره، بیضی و نامنظم در میان آنها دیده می‌شود. گودی این گروه از گورها بین چند سانتی متر تا یک متر در نوسان است. ریزش و جابجایی خاکهای سست اطراف این دسته از قبور باعث عدم دقت کافی در اندازه گیری‌ها می‌شوند. از این گورها یک بار و گاهی دوبار استفاده شده و در برخی موارد بیش از یک اسکلت در آنها جای داده شده است.

۲- چاله‌های دو قسمتی. این گورها از نظر کلی شبیه به گورهای دسته اول می‌باشند با این تفاوت که شکل خارجی آنها نزدیک به دایره بوده و دیواری خشتی متشکل از یک تا هشت خشت آنها را به دو گودال تقسیم کرده است. خشتهای مورد استفاده در این قبور شبیه به خشتهای بناهای شهر سوخته هستند. در این گروه از گورها اسکلتها و اشیاء معمولاً در گودال شمالی قبر قرار دارند و گودال جنوبی خالی می‌باشد هر چند بندرت بخشی از اشیای قبور در آنجا نیز پیدا می‌شوند. این نوع قبور از نظر اندازه و مساحت از قبور دسته اول بزرگتر هستند و در برخی از آنها نیز بیش از یک اسکلت جای داده شده است.

۳- قبور سردابه‌ای. قابل توجه ترین قبور بدست آمده در شهر سوخته متعلق به این گونه قبور هستند. این گورها از دو قسمت متمایز چاله ورودی و محل دفن ترکیب شده‌اند. در این قبور ابتدا گودالی به عمق تقریبی ۱۲۰ سانتی متر کنده می‌شده و سپس در یکی از جبهه‌های آن دخمه‌ای به شکل یک اتاق زیرزمینی بیضی شکل به عمق تقریبی ۱۸۰ سانتی متر حفاری می‌شده است. شخص مدفون همراه نذور و اشیاء مختلف داخل سردابه گذاشته می‌شده و سپس در ورودی با چند ردیف خشت بسته می‌شده است. به علت عدم وجود فشار خاک، اسکلتها و اشیاء، این قبور سالمتر از قبور دیگر باقی مانده‌اند. در صورت استفاده مجدد از این گورها بقایای اسکلت اولی جمع آوری شده و جای کافی برای تدفین بعدی آماده می‌شده است. بررسیهای انجام شده در روی اشیاء این دسته از قبور نشان داده‌اند که صاحبان آنها افراد متمایز جامعه شهر سوخته بوده‌اند و حداقل از نقطه نظر ثروت شخصی با قبور دیگر متفاوت هستند. تعداد اشیاء، این قبور بین ۴۰ تا ۱۵۰ در نوسان است.

۴- قبور شبه سردابه‌ای. این دسته از قبور شبیه قبور سردابه‌ای است و تفاوت آنها با قبور

سردابه‌ای در آن است که دیواره جدا کننده چاله قبر و اتاقک تدفین با یک ردیف خشت از یکدیگر جدا می شده و در نتیجه درگاهی آن تقریباً باز باقی می ماند و بنابراین خاک و خاشاک پرکننده چاله قبر به داخل سردابه نفوذ می کرده است..

۵- قبور خشتی مستطیل. در این گونه قبور دیواره قبر با یک دیوار خشتی به شکل مستطیل ساخته می شده است

۶- قبور خشتی مربع. مانند گروه پیشین هستند و تنها شکل هندسی و خارجی آنها با یکدیگر متفاوت هستند

۷- قبور دو دیواره. در این گروه از قبور دو دیواره قبر با خشت ساخته می شده و دو ضلع دیگر آن به صورت طبیعی باقی می مانده است.

۸- قبور دایره‌ای شکل. این گروه از قبور دارای دیواره دایره شکل خشتی و یک در ورودی بوده اند. (۴)

بررسیهای انجام شده روی قبور حفاری شده توسط گروه باستان شناسان ایتالیایی نشان داده اند که قبور انواع پنجم تا هشتم بسیار نادر بوده اند و مجموعاً ۵ قبر شامل دو نمونه از گروه ششم و یک نمونه گروههای پنجم و هفتم و هشتم پیدا شده است. همین بررسیها نشان داده اند که تعداد قبور نوع دوم و اول هر کدام با ۹۳ و ۹۲ نمونه بیشترین انواع را تشکیل می داده اند و بعد از آنها، گروه قبور سردابه‌ای با ۱۹ نمونه (با احتساب پنج نمونه بدست آمده از کاوشهای سه سال گذشته) و قبور شبه سردابه‌ای با ۸ نمونه قرار دارند. بیشتر قبور شهر سوخته مربوط به دوره های دوم و سوم اسقرار در این شهر هستند. بررسیها نشان داده اند که تعداد قبور دوره اول بسیار کم بوده و از قدیمی ترین طبقه استقرار این دوره (طبقه ۱۰) تا کنون قبری بدست نیامده است. تعداد ۲۳ قبر این دوره متعلق به طبقات نهم (یک نمونه) و هشتم (۲۲ نمونه) آن هستند. گونه های ساختمانی این دوره نیز محدود هستند از مجموع ۲۳ قبر متعلق به این دوره سه عدد متعلق به گروه اول یعنی چاله های ساده و ۲۰ عدد متعلق به گروه دوم، یعنی از نوع چاله های دو قسمتی می باشند.

در دوره دوم استقرار تنوع بیشتری هم در تاریخ و هم در گونه ساختمانی دیده می شود. طبقه ۷ شامل ۴۵ قبر، طبقه ۶ شامل ۴۱ قبر، طبقه ۵ شامل ۲۳ قبر می باشند. از مجموعه ۱۰۹ قبر این دوره به ترتیب ۴۵ قبر از نوع اول، ۴۲ قبر از نوع دوم، ۷ قبر از نوع سوم، ۱۲ قبر از نوع چهارم و

یک قبر از نوع هشتم می‌باشند.

تعداد قبرها در دوره سوم کاهش یافته و به ۳۳ عدد می‌رسد در طبقه ۴ تعداد ۱۱ قبر و در طبقه ۳ تعداد ۲۳ قبر بررسی شده‌اند. تعداد ۱۴ قبر این دوره متعلق به نوع اول، ۱۵ قبر به نوع دوم، یک قبر به نوع سوم، ۳ قبر به نوع چهارم هستند و یکی از قبور از نوع دو جدا شده می‌باشد. گروه کاوشگران ایتالیایی تنها تعداد ۲ قبر از دوره چهارم را گزارش کرده‌اند (که در جدول پایین منظور نشده‌است) و تاریخ ۴۷ قبر نیز مشکوک به نظر می‌رسد. جدول شماره ۲ نشان دهنده توزیع زمانی و گونه ساختمانی قبور حفاری شده گروه باستان شناس ایتالیایی می‌باشد.

جدول شماره ۲

توزیع قبور شهر سوخته براساس نوع ساختمان تدفین و تاریخ

دوره ۱	دوره ۲	دوره ۳	دوره ۴	؟	مجموع							
طبقات (مراحل) فرهنگی					؟	مجموع						
۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	؟	مجموع
-	۱	۳	۱۲	۲۰	۱۳	۸	۶	-	-	-	۳۰	۹۳
-	-	۱۹	۲۴	۱۲	۶	۳	۱۲	-	-	-	۱۶	۹۲
-	-	-	۳	۳	۱	-	۱	-	-	-	-	۸
-	-	-	۳	۳	۱	-	۱	-	-	-	-	۸
-	-	-	-	-	۱	-	-	-	-	-	-	۱
-	-	-	-	۱	-	-	-	-	-	-	۱	۲
-	-	-	-	-	۱	-	-	-	-	-	-	۱
-	۱	۲۲	۴۵	۴۲	۲۳	۱۱	۲۲	-	-	-	۴۷	۲۱۲

قبور یافت شده در شهر سوخته در جهات جغرافیایی خاصی حفر نشده‌اند و به همین ترتیب اجساد نیز بدون نظم خاصی در جهات مختلف به خاک سپرده شده‌اند. از بیشتر قبور شهر

سوخته یک بار استفاده شده است اما قبوری نیز وجود دارند که بیش از یک بار مورد استفاده قرار گرفته اند و اینها قبوری هستند که به احتمال بسیار زیاد مربوط به افراد یک خانواده بوده است. جز از این گروه می توان به برخی از قبور دسته جمعی نیز اشاره کرد. که نمونه هایی از آنها دیده شده است. قبر شماره ۱۰۰۳ یکی از این قبور است که مدفونین در آن را ۱۳ نفر انسان و سه سگ تشکیل می دادند. نمونه های دیگری از قبور نیز وجود دارد که نشان دهنده وجود بیماریهای فراگیر و مرگ و میرهای دسته جمعی بوده اند. در این گونه موارد اعضای یک خانواده همگی باهم و در کنار هم به خاک سپرده شده اند. در شهر سوخته تاکنون دلایلی بر وجود مراسم قربانی انسان بدست نیامده است اما شواهدی وجود دارند که گواه وضعیتی غیر عادی در برخی قبور بوده اند از جمله این نمونه ها می توان به قبر شماره ۲۸۱۰ اشاره نمود که جمجمه فرد مدفون در زیر پای وی به خاک سپرده شده بوده است و هیچ اثری که نشان دهنده تخریب این قبر در زمانهای کهن باشد نیز از آن بدست نیامد. در میان قبوری که بیشتر از یک بار استفاده شده اند می توان به قبور خانوادگی نیز اشاره کرد. تدفین شماره ۱۴۰۰ از جمله این قبور می باشد. این تدفین که جزو قبور سردابه ای بوده است در چهار زمان مختلف باز شده و چهار بار تدفین در آن انجام گرفته است. در بیشتر قبور می توان بقایای پارچه های استفاده شده برای خاک سپاری را مشاهده کرد. اشیای موجود در قبور عبارتند از ظروف گوناگون سفالی، سنگی و اشیایی ساخته شده از استخوان، سفال، سنگ، پارچه و مهر، مهرها اغلب در کنار بازوی مردگان بدست می آید و بیشتر مهرها از گور زنان شهر سوخته بدست آمده. به طور کلی بیشتر اشیای سوخته را ظروف سفال در شکلها و با نقوش گوناگون تشکیل می دهند که بدون نظم خاصی در اطراف جسد کار گذاشته شده اند. شکل ظروف دقیقاً مشابه ظروفی هستند که در مناطق مسکونی شهر سوخته پیدا شده اند اما و به هر حال در میان آنها برخی از گونه های سفال خاکستری دیده می شوند که تنها در گورها مورد استفاده قرار گرفته اند و کمتر در منطقه مسکونی دیده شده اند، در برخی گورها به راحتی می توان ظروفی را تشخیص داد که پیشتر مورد استفاده قرار نگرفته بوده اند و ظاهراً تنها کاربرد آنها برای مراسم تدفین بوده است. در گورهای شهر سوخته به ظروف ساخته شده از سنگ صابون برخورد نشده در حالی که ظروف مرمری به وفور پیدا شده اند. داخل بیشتر این ظروف برخی از انواع مواد غذایی چون غلات، سیر، بقایای انگور و کشمش، تخم پرندگان و بقایای گوشت و استخوان پرندگان و جانوران را می توان مشاهده کرد. در قبور زنان می توان به برخی از

لوازم و اشیای زینتی و آرایشی چون مهره‌های گوناگون، سرمه‌دان، میله‌های سرمه‌کشی، آئینه‌های مفرغی و شانه‌های چوبی اشاره کرد.

کاوشهای دوره دوم در شهر سوخته از منطقه گورستان آغاز شد. طی چهار فصل اول کاوش در سالهای ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ مجموعاً ۱۹ گمانه مورد بررسی و کاوش قرار گرفت شش گمانه IUA، IUF، IUG، IUL، IUK، HYE هر کدام ۱۰۰ متر مربع، گمانه IRS ۳۰ متر مربع، گمانه‌های IUC، HMY، HRG، HTR، HYN، IUB و GTS هر کدام ۲۵ متر مربع و گمانه‌های BTT، IPL و HYg هر کدام ۲۵ متر مربع و گمانه NBA ۴ متر مربع مساحت دارند. جدول شماره ۳ نشان دهنده مشخصات تدفین‌های حفاری شده طی سالهای ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹ شهر سوخته و موقعیت آنها در گمانه‌هاست.

طی این کاوشها علاوه بر هشت گونه ساختمانی اشاره شده در بالا نوع جدیدی از ساختمان قبر پیدا شد. این نوع جدید ساختمانی از نظر ظاهری شبیه گودالهای ساده است. تفاوت اصلی بین این دو نوع ساختمان وجود یک در ورودی در نوع جدید است که با یک دیواره خشتی مسدود شده است. تعداد گورهای پیدا شده این نوع ساختمانی چهار عدد می‌باشند. جدول شماره ۴ نشان دهنده انواع قبور و تعداد آنها طی کاوشهای چهار ساله گروه باستانشناسی ایرانی می‌باشد.

جدول شماره ۳

گمانه	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	شماره	مساحت	ت. تدفین	ت. اسکلت
BTT	x				۲۱۰۰	۶/۲۵ مم	۱	۱
GTS	x				۲۰۰۰	۲۵ مم	۱	۵
HMY	x				۱۸۰۰	۲۵ مم	۱	۱
HRj	x				۱۹۰۰	۲۵ مم	۱	۱
HTR		x			۲۷۰۰	۲۵ مم	۴	۶
HYE		x	x	x	۲۵۰۰	۱۰۰ مم	۱۷	۱۷
HYJ				x	۲۹۰۰	۶/۲۵ مم	۴	۴
HYN		x			۲۶۰۰	۲۵ مم	۳	۳

گمانه	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	شماره	مساحت	ت. تدفین	ت. اسکلت
IPB		x			۲۳۰۰	۲۵ مم	۳	۶
IPL		x			۲۲۰۰	۶/۲۵ مم	۰	۰
IRS	x				۱۱۰۰	۳۰ مم	۳	۴
IUA	x	x	x	x	۱۷۰۰	۱۰۰ مم	۱۹	۱۹
IUB	x				۱۲۰۰	۲۵ مم	۲	۲
IUC	x				۱۳۰۰	۲۵ مم	۲	۲
IUF		x			۲۸۰۰	۱۰۰ مم	۱۳	۱۳
IUG	x	x			۱۴۰۰	۱۰۰ مم	۱۹	۲۵
IUK	x		x	x	۱۶۰۰	۱۰۰ مم	۱۷	۱۷
IUL	x	x			۱۵۰۰	۱۰۰ مم	۲۲	۲۸
NBA		x			۲۴۰۰	۶/۲۵ مم	۲	۲

گونه‌های ساختمانی و تعداد آنها در شهر سوخته ۱۳۷۶-۱۳۷۹

جدول شماره ۴

گونه ساختمانی	تعداد تدفین
گودال ساده (نوع یکم)	۴۵
گودال دو قسمتی (نوع دوم)	۷۴
سردابه‌ای (نوع چهارم)	۶
گودال با در مسدود (نوع نهم)	۴
؟	۲

مطالعات کارشناسان هیأت باستانشناسی ایتالیایی نشان داده که از میان ۶۹ اسکلت مطالعه شده، آمار درگذشتگان در سنین کودکی بسیار بالا بوده و در عوض و طبق همین آمار تعداد افرادی که بالای چهل سال عمر داشته‌اند کم بوده و تنها چهار مرد که به ترتیب ۵۰ سال و ۴۵

سال و ۴۰ سال عمر داشته‌اند دیده شده‌اند (۵). همین آمار نشان می‌دهند که میانگین سنی مردان بین ۲۵ تا ۳۰ سال و برای زنان ۲۰ تا ۲۵ سال و برای کودکان ۲ تا ۳ سال بوده‌است. بر طبق همین آمار میانگین قد مردان ۱۷۷ و زنان ۱۵۸ سانتی متر بوده‌است. (۶) آمار فوق و برخی اطلاعات دیگر داده شده توسط هیأت باستانشناسان ایتالیایی با انجام دوره دوم کاوشهای شهر سوخته و به سبب بدست آمدن داده‌های جدیدتر دستخوش تغییرات بسیاری شده‌است که در صفحات بعد به آن خواهیم پرداخت.

طی کاوشهای گروه باستانشناسان ایرانی در شهر سوخته از هشت نوع شناخته شده ساختمان قبور تنها ۳ نوع یعنی انواع شماره ۱ و ۲ و ۴ و نوع جدید یعنی نوع ۹ پیدا شد. تعداد ۷۴ عدد از قبور یا ۵۶٪ کل قبور پیدا شده از نوع دوم یعنی گودالهای دو قسمتی می‌باشند و بعد از آن تعداد ۴۴ قبر یا ۳۴٪ قبور از نوع یکم یا گودالهای ساده هستند. تعداد انواع دیگر بسیار کمتر از دو نوع پیش گفته می‌باشند. تنها ۶ عدد یا ۵٪ قبور از نوع چهارم یا سردابه‌ای و چهار عدد یا ۳٪ آنها از نوع نهم یا گودال با در مسدود بوده و نوع ۲٪ از قبور بدلیل تخریب بیش از حد مشکوک می‌باشد. (نگاه کنید به جدول شماره ۴ الف).

اطلاعات بدست آمده از قبور شهر سوخته نشان می‌دهند که به جز قبور کودکان، نوع ساختمان قبور ارتباطی به سن و یا جنسیت مدفونین نداشته‌اند بلکه منعکس کننده وضعیت اجتماعی مدفونین هستند. این نکته با توجه به نوع، تعداد و کیفیت اشیاء موجود در قبور نیز تأیید شده‌است. جدول شماره ۴ الف نشان دهنده توزیع نوع ساختمانی قبور و تعداد آنها در دوره‌های مختلف استقرار در شهر سوخته‌است.

جدول شماره ۴ الف

نوع قبر	دوره ۱	دوره ۱-۲	دوره ۲	دوره ۳	دوره ۴	؟	مجموع
۱	۶	۵	۱۴	۰	۱	۱۹	۴۵
۲	۱۹	۶	۳۱	۱	۳	۱۴	۷۴
۴	۰	۰	۱	۲	۳	۰	۶
۹	۳	۰	۰	۱	۰	۰	۴
؟	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۲

بررسی‌ها نشان داده‌اند که ۳۵ قبر یا ۲۷٪ از قبور خالی بوده‌اند و هیچ‌گونه شیئی در آنها یافت نشده‌است و بنابراین قابل تاریخ‌گذاری دقیق نمی‌باشند. در هر صورت باید اشاره کنیم که نمی‌توان از خالی بودن این قبور از ابتداء مطمئن بود و این احتمال می‌رود که هدایا و اشیاء داخل آنها از قبیل مواد خوراکی یا پارچه و یا اشیای چوبی و دارای منشاء گیاهی در اثر مرور زمان پودر شده و از بین رفته باشند. صرف نظر از این قبور خالی ۴۶ عدد از قبور یا ۳۶٪ آنها متعلق به یک برهه زمانی ۲۵۰ ساله از دوره دوم استقرار یا لایه‌های فرهنگی هفتم تا پنجم و بین سالهای ۲۷۵۰ تا ۲۵۰۰ پیش از میلاد می‌باشند که دوره اوج شکوفائی و پیشرفت شهر سوخته بوده‌است. ۶۵٪ از قبور این دوره از نوع دوم یا گودالهای دو قسمتی، ۳۲٪ از نوع اول یا گودالهای ساده و ۳٪ از نوع چهارم یا سردابه‌ها بشمار می‌روند. تعداد ۲۸ قبر یا ۲۱٪ کل قبور متعلق به دوره اول (۳۲۰۰-۲۸۰۰ پیش از میلاد) هستند. از قدیمی‌ترین طبقه و لایه فرهنگی این دوره یعنی طبقه دهم و همزمان با پایه‌گذاری شهر سوخته قبری پیدا نشده‌است و قبور این دوره متعلق به لایه‌های نهم و هشتم این دوره هستند. بیشتر قبور این دوره یا ۷۰٪ آنها از نوع گودالهای دو قسمتی و ۱۷٪ از نوع گودالهای ساده و ۱۳٪ از نوع گودالهای دایره با در مسدود (نوع نهم) می‌باشند.

تاریخ‌گذاری ۱۱ قبر یا ۸٪ کل قبور مطمئن نیست تنها می‌توان گفت که به دوره انتقالی بین دوره یکم و دوم متعلق دارند. قبور دوره‌های سوم و چهارم بسیار محدود هستند. چهار قبر به دوره سوم و هفت قبر به دوره چهارم منتسب شده‌اند. جالب است اشاره کنیم که بیشتر قبور ثروتمند سردابه‌ای متعلق به دوره چهارم هستند.

بیشتر قبور شهر سوخته دارای یک اسکلت هستند و تنها یکبار از آنها استفاده شده‌است و تنها ۱۰٪ از آنها دارای بقایای بیش از یک انسان می‌باشند. یکی از مهمترین این قبور قبر شماره ۱۰۰۳ با ۱۳ اسکلت انسانی و ۳ اسکلت سگ است و جالب توجه ترین قبر با استفاده مجدد قبر سردابه‌ای شماره ۱۴۰۰ (و ۱۴۰۰/۱ و ۱۴۰۰/۳-۲) است که پیشتر به آنها اشاره کردیم. جدول شماره ۵ نشان دهنده تعداد قبور موقعیت آنها در گمانه‌ها و تعداد اسکلت‌ها و تعداد اشیاء موجود در هر یک از قبور می‌باشد.

جدول شماره ۵

شماره تدفین	نام گمانه	گونه ساختمان	تعداد اسکلت	تعداد اشیاء
۱۱۰۰	IRS	گودال ساده	۱	۱۲
۱۱۰۱	IRS	گودال ساده	۱	۱
۱۱۰۲	IRS	گودال ساده	۱	۴
۱۲۰۰	IUB	گودال ساده	۱	۷
۱۲۰۱	IUB	گودال دو قسمتی	۱	۹
۱۳۰۰	IUC	گودال دو قسمتی	۱	۱۴
۱۳۰۱	IUC	گودال دو قسمتی	۱	۱
۱۴۰۰	IUG	سردابه‌ای	۱	۶۳
۱۴۰۰/۱	IUG	سردابه‌ای	۱	۱۲
۱۴۰۰/۲-۳	IUG	سردابه‌ای	۲	۱۳
۱۴۰۱	IUG	گودال ساده	۱	۰
۱۴۰۲	IUG	گودال ساده	۱	۱
۱۴۰۳/۲-۱	IUG	دایره با در مسدود	۲	۶
۱۴۰۴/۲-۱	IUG	سردابه‌ای	۲	۷۵
۱۴۰۵	IUG	سردابه‌ای	۱	۲۴
۱۴۰۶	IUG	گودال ساده	۱	۰
۱۴۰۷	IUG	گودال ساده	۱	۰
۱۴۰۸/۲	IUG	گودال ساده	۲	۱۰
۱۴۰۹	IUG	گودال دو قسمتی	۱	۰
۱۴۱۰	IUG	گودال دو قسمتی	۱	۸
۱۴۱۱	IUG	گودال ساده	۱	۰
۱۴۱۲	IUG	گودال دو قسمتی	۱	۷
۱۴۱۳	IUG	گودال دو قسمتی	۱	۶

شماره تدفین	نام گمانه	گونه ساختمان	تعداد اسکلت	تعداد اشیاء
۱۴۱۴/۲-۱	IUG	گودال ساده	۲	۱۱
۱۴۱۵/۲-۱	IUG	گودال دو قسمتی	۲	۰
۱۴۱۶	IUG	گودال دو قسمتی	۱	۷
۱۵۰۰/۳-۱	IUL	گودال دو قسمتی	۳	۳
۱۵۰۱/۲-۱	IUL	گودال دو قسمتی	۲	۶
۱۵۰۲	IUL	دایره با در مسدود	۱	۵
۱۵۰۳	IUL	گودال دو قسمتی	۱	۱
۱۵۰۴	IUL	گودال دو قسمتی	۱	۳
۱۵۰۵	IUL	دایره با در مسدود	۱	۱۹
۱۵۰۶	IUL	گودال ساده	۱	۰
۱۵۰۷	IUL	گودال ساده	۱	۰
۱۵۰۸	IUL	گودال ساده	۱	۰
۱۵۰۹	IUL	گودال ساده	۱	۱
۱۵۱۰	IUL	گودال ساده	۱	۱
۱۵۱۱	IUL	گودال ساده	۱	۱
۱۵۱۲/۳-۱	IUL	گودال دو قسمتی	۳	۳
۱۵۱۳	IUL	گودال دو قسمتی	۱	۱
۱۵۱۴/۲-۱	IUL	دایره با در مسدود	۲	۵
۱۵۱۵	IUL	گودال دو قسمتی	۱	۷
۱۵۱۶	IUL	گودال دو قسمتی	۱	۸
۱۵۱۷	IUL	گودال دو قسمتی	۱	۷
۱۵۱۸	IUL	گودال دو قسمتی	۱	۲
۱۵۱۹	IUL	گودال ساده	۱	۹
۱۵۲۰	IUL	گودال ساده	۱	۸
۱۵۲۱	IUL	گودال ساده	۱	۴

شماره تدفین	نام گمانه	گونه ساختمان	تعداد اسکلت	تعداد اشیاء
۱۶۰۰	IUK	گودال ساده	۱	۸
۱۶۰۱	IUK	گودال دو قسمتی	۱	۸
۱۶۰۲	IUK	گودال دو قسمتی	۱	۱۸
۱۶۰۳	IUK	گودال دو قسمتی	۱	۲
۱۶۰۴	IUK	گودال دو قسمتی	۱	۵
۱۶۰۵	IUK	گودال دو قسمتی	۱	۲۰
۱۶۰۶	IUK	گودال دو قسمتی	۱	۰
۱۶۰۷	IUK	گودال دو قسمتی	۱	۳
۱۶۰۸	IUK	گودال دو قسمتی	۰	۱
۱۶۰۹	IUK	گودال ساده	۱	۰
۱۶۱۰	IUK	گودال ساده	۱	۵
۱۶۱۱	IUK	؟	۱	۴
۱۶۱۲	IUK	گودال ساده	۱	۰
۱۶۱۳	IUK	گودال دو قسمتی	۱	۶
۱۶۱۴	IUK	گودال دو قسمتی	۱	۳
۱۶۱۴/۱	IUK	گودال دو قسمتی	۱	۴
۱۶۱۵	IUK	سردابه‌ای	۱	۵۶
۱۷۰۰	IUA	گودال دو قسمتی	۱	۸
۱۷۰۱	IUA	گودال دو قسمتی	۱	۳
۱۷۰۲	IUA	گودال دو قسمتی	۱	۳
۱۷۰۳	IUA	گودال دو قسمتی	۱	۷
۱۷۰۴	IUA	گودال دو قسمتی	۱	۶
۱۷۰۵	IUA	سردابه‌ای	۱	۶۵
۱۷۰۶	IUA	گودال دو قسمتی	۱	۱۲
۱۷۰۷	IUA	گودال ساده	۰	۴۸

شماره تدفین	نام گمانه	گونه ساختمان	تعداد اسکلت	تعداد اشیاء
۱۷۰۸	IUA	گودال دو قسمتی	۰	۱۳
۱۷۰۹	IUA	گودال دو قسمتی	۱	۷
۱۷۱۰	IUA	گودال دو قسمتی	۱	۶
۱۷۱۱	IUA	گودال ساده	۱	۱
۱۷۱۲	IUA	گودال ساده	۱	۵
۱۷۱۳	IUA	گودال دو قسمتی؟	۱	۱۱
۱۷۱۴	IUA	گودال ساده	۱	۰
۱۷۱۵	IUA	گودال دو قسمتی	۱	۰
۱۷۱۶	IUA	گودال دو قسمتی	۱	۱۱
۱۷۱۷	IUA	گودال دو قسمتی	۱	۸
۱۷۱۸	IUA	گودال دو قسمتی	۱	۸
۱۸۰۰	HMY	گودال دو قسمتی	۱	۳
۱۹۰۰	HRJ	گودال دو قسمتی	۱	۱۰
۱۹۰۱	HRJ	ناشناخته	۱	؟۱
۱۹۰۲	HRJ	گودال دو قسمتی	۱	؟۱
۲۰۰۰/۵-۱	GTS	گودال دو قسمتی	۵	۸
۲۱۰۰	BTT	گودال دو قسمتی	۱	۵
۲۲۰۰	IPL	-	-	-
۲۳۰۰/۲-۱	IPB	ناشناخته	۲	۰
۲۳۰۱/۳-۱	IPB	گودال ساده	۳	۰
۲۳۰۲	IPB	گودال دو قسمتی	۱	۴
۲۴۰۰	NBA	گودال دو قسمتی	۱	۴
۲۴۰۱	NBA	گودال دو قسمتی	۱	۴
۲۵۰۰	HYE	گودال ساده	۱	۱
۲۵۰۱	HYE	گودال دو قسمتی	۱	۳

شماره تدفین	نام گمانه	گونه ساختمان	تعداد اسکلت	تعداد اشیاء
۲۵۰۲	HYE	گودال دو قسمتی	۱	۳
۲۵۰۳	HYE	گودال دو قسمتی	۱	۰
۲۵۰۴	HYE	گودال دو قسمتی	۱	۵
۲۵۰۵	HYE	گودال ساده	۱	۳
۲۵۰۶	HYE	گودال دو قسمتی	۱	۰
۲۵۰۷	HYE	گودال دو قسمتی	۱	۰
۲۵۰۸	HYE	گودال دو قسمتی	۱	۱
۲۵۰۸/۱	HYE	گودال دو قسمتی	۱	۱
۲۵۰۹	HYE	گودال دو قسمتی	۱	۸
۲۵۱۰	HYE	گودال ساده	۲	۳
۲۵۱۱	HYE	گودال دو قسمتی	۱	۵
۲۵۱۲	HYE	گودال دو قسمتی	۱	۷
۲۵۱۳	HYE	گودال دو قسمتی	۱	۱۰
۲۵۱۴	HYE	گودال دو قسمتی	۱	۲
۲۶۰۰	HYN	گودال ساده	۱	۵
۲۶۰۱	HYN	گودال دو قسمتی	۱	۲
۲۶۰۲	HYN	گودال دو قسمتی	۱	۰
۲۷۰۰	HTR	گودال دو قسمتی	۱	۳
۲۷۰۱	HTR	گودال دو قسمتی	۱	۸
۲۷۰۲	HTR	گودال دو قسمتی	۱	۱۲
۲۷۰۳/۳-۱	HTR	گودال دو قسمتی	۳	۱۲
۲۸۰۰	IUF	گودال دو قسمتی	۱	۷
۲۸۰۱	IUF	گودال دو قسمتی	۱	۶
۲۸۰۲	IUF	سردابه‌ای	۱	۲۰
۲۸۰۳	IUF	گودال دو قسمتی	۱	۷

شماره تدفین	نام گمانه	گونه ساختمان	تعداد اسکلت	تعداد اشیاء
۲۸۰۴	IUF	گودال ساده	۱	۱
۲۸۰۵	IUF	دو قسمتی ؟	۱	۰
۲۸۰۶	IUF	گودال ساده	۱	۳
۲۸۰۷	IUF	گودال دو قسمتی	۱	۱
۲۸۰۸	IUF	گودال ساده	۱	۱
۲۸۰۹	IUF	گودال دو قسمتی	۱	۰
۲۸۱۰	IUF	گودال دو قسمتی	۱	۱۴
۲۸۱۱	IUF	گودال دو قسمتی	۱	۴
۲۸۱۲	IUF	گودال ساده	۱	۲
۲۹۰۰	HYJ	گودال ساده	۱	۰
۲۹۰۱	HYJ	گودال دو قسمتی	۱	۳
۲۹۰۲	HYJ	گودال ساده	۱	۱
۲۹۰۳	HYJ	گودال دو قسمتی	۱	۳

اطلاعات مربوط به بقایای انسانی یافت شده نخستین سه فصل دوره دوم کاوشهای شهر سوخته طی پنج مرحله به شرح زیر جمع آوری شده‌اند:

- مشاهده و تشخیص‌های اولیه میدانی
- جمع آوری بقایای انسانی و دقت در نحوه تدفین و جزئیات
- مطالعات کارگاهی و ثبت مقیاسها و ویژگیهای فردی و گروهی نمونه‌های انسانی

محاسبات شاخص ها و طبقه بندی

تجزیه و تحلیل

قابل ذکر است که کلیه بقایای انسانی پیدا شده با روشهای پذیرفته شده و استاندارد ثبت شده‌اند و این نکته از بدو امر و در طول مدت کاوشها مورد توجه کاوشگران شهر سوخته قرار داشته‌است. یکی از اهمیت‌های استفاده از روشهای استاندارد آن است که داده‌های آن می‌تواند برای مطالعات تطبیقی با دیگر داده‌های انسانی از دیگر محوطه‌های باستانی نیز مورد استفاده قرار گیرد.

روش پژوهش در کار حاضر:

در این کار ابتدا به شرح و توصیف مواد به دست آمده پرداخته شده و سپس اطلاعات تفکیک شده جسمانی بصورت مقیاس‌های خام و بعد طبقه بندی‌های استاندارد ارایه شده‌اند و در مرحله بعدی با استفاده از داده‌ها و تحلیل آنها دو بحث جداگانه مربوط به مجسمه شناسی و اندام شناسی مورد بررسی قرار گرفته‌اند و در پایان نتایج آماری سه فصل کاوشهای شهر سوخته همراه با ویژگیهای فردی و گروهی نمونه‌های مورد بحث و جداول مربوط به عوارض مشاهده شده در این نمونه‌ها آمده‌اند.

با توجه با کامل و سالم بودن بیشتر نمونه‌های شهر سوخته سعی بر آن بوده‌است که حداکثر اطلاعات ممکن از نمونه‌ها جمع‌آوری شود و به این سبب جداول مقیاسی و تشریحی برای ثبت مقیاس‌های مجسمه و اندام‌ها تهیه شده و همچنین نکات مربوط به مقیاسهای دهان و دندان، مورفولوژی لگن و مجسمه و محاسبات مربوط به درزهای کاسه سر برای تشخیص سن بدان افزوده شده‌است. برای کنترل رشد، سایش و فرسایش و پوسیدگی دندانها هر یک از نیمه آرواره‌های فوقانی و تحتانی بطور جداگانه بررسی و ثبت شده‌اند. در بخش دوم و برای مقایسه استخوانهای اندام و به خصوص استخوانهای دراز دستها و پاها و لگن خاصره ۳۶ مورد شاخص در مطالعات کارگاهی مورد استفاده قرار گرفته‌است. مقیاس‌ها و محاسبات انجام شده بر اساس جزوه کارگاهی اولیویه و دمولن (۷) و برای طبقه‌بندی شاخص‌ها و نتیجه‌گیری از رده‌بندی آلکسیف و دبئس (۸) استفاده شده‌است. برای یافتن میانگین سن و نوسان‌های تقریبی آن و در

بعضی موارد جوش خوردگی و درزهای خارجی کاسه سر (۹) محاسبه شده‌اند (۱۰) و طول قد بر اساس جدول محاسبه‌ای روله و اولیویه (۱۱) بر روی استخوان تنه و اندام آمده‌است.

اطلاعات کلی درباره نمونه‌های بررسی شده:

طی سه فصل کاوش (۱۳۷۸-۱۳۷۶) جمعاً تعداد ۱۳۳ مورد بقایای انسانی از ۱۱۱ تدفین بدست آمده‌است. در این میان تنها یکی از تدفین‌ها دارای بقایای انسانی پنج نفر بوده و بقیه بصورت تدفین‌های انفرادی و یا گروهی ۲ الی ۴ نفره بوده‌اند. تدفین شماره ۲۰۰۰ حاوی بقایای ۵ نفر، ۱۴۰۰ و ۱۴۰۴ حاوی بقایای ۴ نفر، ۱۵۰۰، ۱۵۱۲، ۲۳۰۱، ۲۷۰۳ حاوی بقایای ۳ نفر، ۱۴۰۸، ۱۴۱۴، ۱۴۱۵، ۱۵۰۱، ۱۵۱۴، ۲۳۰۰، ۲۵۰۸ حاوی بقایای ۲ نفر و باقی گورها انفرادی بوده‌اند.

نمونه‌های پیدا شده به سه گروه کامل، ناقص و غیر قابل بررسی تقسیم شده‌اند. نمونه‌های غیر قابل بررسی شامل آن گروه از تدفین‌ها بوده‌اند که یا کاملاً پودر شده و جمع‌آوری آنها از داخل قبور میسر نبوده‌است. (شماره‌های ۱۵۰۸، ۲۶۰۰، ۲۴۰۰) و یا کاملاً خرد و تخریب شده و برداشت اطلاعات اولیه از آنها غیر ممکن بوده (شماره‌های ۲۶۰۲، ۲۷۰۲) و یا اینکه اطلاعات حاصله تنها در مورد سن جنسیت و یا طول قد آنها بوده‌است (شماره‌های ۱۲۰۰، ۱۴۱۵، ۱۵۱۴، ۱۷۰۴، ۲۵۰۳). به این ترتیب و با توجه به نواقص موجود در نمونه‌ها و سایر عوامل جمعاً تعداد ۲۹ مورد غیر قابل بررسی تشخیص داده شده و کار مطالعاتی در روی آنها انجام نشده (شماره‌های ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۴۰۱، ۱۴۰۲، ۱۵۰۲، ۱۵۰۸، ۱۵۱۴، ۱۷۰۱، ۱۷۰۷، ۱۸۰۰، ۱۹۰۱، ۱۹۰۲، ۲۰۰۰، ۲۲۰۰، ۲۳۰۱/۱، ۲۳۰۱/۲، ۲۴۰۰، ۲۴۰۱، ۲۵۰۰، ۲۵۰۱، ۲۵۰۴، ۲۶۰۰، ۲۶۰۱، ۲۶۰۲، ۲۷۰۱، ۲۷۰۲، ۲۷۰۳/۱) و در مورد ده نمونه دیگر تعیین جنسیت ممکن نشده‌است و به این ترتیب از کل تعداد ۱۳۳ اسکلت ۹۴ اسکلت حداقل اطلاعات لازم را بدست داده‌اند. (نگاه کنید به جدول شماره ۷)

با توجه به دو عامل جنسیت و سن بقایای انسانی موجود در شهر سوخته به ۵ گروه یعنی زن، مرد، کودک و جنین تقسیم شده و در جداول آماری آمده‌اند. در این میان تفکیک جنسیت مردان و زنان از یکدیگر دارای اهمیتی ویژه می‌باشد زیرا به لحاظ بلوغ جسمی عمده مطالعات انسان سنجی بر روی آنها صورت گرفته‌است. کودکان زیر ۱۲ سال و در حال رشد از این قاعده مستثنی شده‌اند و به همین جهت و به لحاظ عدم ضرورت تفکیک جنسی بر روی کودکان و

نوزادان صورت نگرفته است. از مجموعه ۶۶ مورد بالغین بالای ۱۲ سال که تفکیک جنسی بر روی آنها صورت گرفته است (۳۲ مورد مؤنث و ۳۴ مورد مذکر)، جمعاً تعداد ۵۹ مورد در محاسبات انسان سنجی مشارکت داده شده‌اند که ۲۹ مورد آن را زنان و ۳۹ مورد آن را مردان تشکیل می‌دهند. این نمونه‌ها به لحاظ موقعیت مناسب حفاظتی خود در زیر لایه‌های شنی و نمکی نسبتاً خوب باقی مانده‌اند و روی این اصل از آنها برای مطالعات انسان سنجی حداکثر استفاده به عمل آمده است. (جدول شماره ۶ و ۷)

جدول شماره ۶

سال	تعداد	مرد	زن	کودک	نوزاد	جنین	نامشخص
۱۳۷۶	۴۵	۹	۱۱	۸	-	۱	۱۶
۱۳۷۷	۶۵	۱۷	۱۵	۹	۳	-	۲۱
۱۳۷۸	۲۳	۸	۶	۴	۲	۱	۲
جمع	۱۳۳	۳۴	۳۲	۲۱	۵	۲	۳۹

جدول شماره ۷

راهنمای جدول: غ = غیر قابل بررسی ک = کامل ن = ناقص x = بررسی در روی نمونه انجام شده است. - = بررسی در روی نمونه انجام نشده است.

۱ = شماره تدفین ۲ = وضعیت اسکلت ۳ = بررسی جمجمه ۴ = بررسی دندانها ۵ = بررسی اندامها ۶ = محاسبه سن ۷ = سن تقریبی ۸ = جنسیت ۹ = عوارض جسمانی و ملاحظات

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱۱۰۰	-	-	-	-	-	-	-	-
۱۱۰۱	-	-	-	-	-	-	-	-
۱۱۰۲	-	-	-	-	-	-	-	-
۱۲۰۰	غ	-	-	-	-	۴۵-۴۰	-	فرسایش شدید لثه در فک تحتانی

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱۲۰۱	غ	ن	ن	ن	-	؟	مرد	-
۱۳۰۰	ک	×	×	×	۵۳/۶	۶۰-۵۹	زن	-
۱۳۰۱	ک	×	×	×	۳۶/۹	۳۵-۳۰	مرد	اثر سوختگی در گردن و مهره‌های قفسه سینه
۱۴۰۰	ک	×	×	×	-	۱۸-۱۶	زن	-
۱۴۰۰/۱	ن	×	×	ن	۴۳/۷	۵۰-۴۵	زن	-
۱۴۰۰/۲	ن	-	-	ن	-	۶۰-۵۰	مرد	-
۱۴۰۰/۳	غ	-	-	-	-	۸-۶	کودک	-
۱۴۰۱	-	-	-	-	-	-	-	-
۱۴۰۲	-	-	-	-	-	-	-	-
۱۴۰۳/۱	ک	×	×	×	-	۱۴-۱۳	زن	چسبندگی مهره‌های ۱ و ۲ گردن
۱۴۰۳/۲	ن	×	×	م	-	۱۲-۹	کودک	-
۱۴۰۴/۱	غ	-	-	-	-	۵۰-۴۵	مرد	-
۱۴۰۴/۲	غ	-	-	-	-	۳/۵-۲/۵	کودک	-
۱۴۰۵	ک	×	×	×	۵۹/۱	۵۵-۴۵	مرد	اثر سوختگی بر روی جمع‌مه و ستون فقرات ولگن خاصره
۱۴۰۶	غ	-	-	-	-	؟	کودک	-
۱۴۰۷	غ	-	-	-	-	۴۰-۳۰	زن	-
۱۴۰۸	غ	-	-	-	-	۸-۷	کودک	-
۱۴۰۸/۱	غ	ن	ن	-	۵۳/۷	۵۰	مرد	-
۱۴۰۹	غ	-	-	-	-	-۱/۵	کودک	-
۱۴۱۰	ن	ن	×	ن	-	۵۰-۴۵	زن	استئوفیت مهره‌های کمر. درز متوبیک پیشانی. شکستگی و ترمیم نازک نی

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱۴۱۱	غ	-	-	-	-	۴۰-۳۰	مرد	-
۱۴۱۲	غ	-	-	-	-	۳۰-۲۵	مرد	زایده مختصر استثوفیت و فشردگی مهره‌ها
۱۴۱۳	غ	-	-	-	-	۳۰-۲۵	مرد	همراه با بقایای جانوار گیاه خوار
۱۴۱۴	غ	-	-	-	-	۵۵-۴۵	مرد	ضایعات استئو آرتروز مهره‌ها
۱۴۱۴/۱	غ	-	-	-	-	۴۵-۴۰	مرد	-
۱۴۱۵	غ	-	-	-	-	۳۵-۳۰	زن	-
۱۴۱۵/۱	غ	-	-	-	-	۱۲-۱۰	کودک	-
۱۴۱۶	ک	×	×	×	-	۴۰-۳۰	زن	فشردگی مهره‌های کمر
۱۵۰۰	ک	×	×	×	۲۲/۲	۴۰-۳۵	زن	اثر سوختگی
۱۵۰۰/۱	ک	-	-	-	-	-۲	کودک	اثر سوختگی
۱۵۰۰/۲	غ	-	-	-	-	۳-۲	کودک	اثر سوختگی
۱۵۰۱	ن	-	-	ن	-	۲۰-۱۵	زن	نارسائی در شکل لگن خاصره
۱۵۰/۱	ک	-	-	-	جنین	۷ ماهه	-	-
۱۵۰۲	-	-	-	-	-	-	-	-
۱۵۰۳	ک	×	×	×	۵۹/۹	-۶-۵۵	مرد	شکستگی و ترمیم استخوان بازو. زائده استثوفیت مهره‌ای
۱۵۰۴	ک	×	×	×	۳۴/۸	۳۰-۲۵	مرد	شکستگی یک مهره کمر موی سر

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱۵۰۵	ک	×	×	×	-	۳۵-۳۰	زن	چسبندگی مهره اطلس به مجموعه مهره دوم به مهره سوم گردن
۱۵۰۶	غ	-	-	-	-	۱۰-۱۸ ماه	نوزاد	سوختگی سینه و کمر
۱۵۰۷	غ	-	-	-	-	۱ ماهه	نوزاد	-
۱۵۰۸	غ	-	-	-	-	-	-	-
۱۵۰۹	غ	-	-	-	-	۱/۵	کودک	-
۱۵۱۰	غ	-	-	-	-	۵۰-۴۰	زن	زایده استئوفیت مهره‌ای
۱۵۱۱	غ	-	-	-	-	۱۰-۶ ماه	نوزاد	-
۱۵۱۲	ک	×	×	×	-	۳۰-۲۵	زن	-
۱۵۱۲/۱	ک	×	×	×	-	۳۰-۲۵	زن	-
۱۵۱۲/۲	ک	×	×	×	۵۳/۷	۵۰-۴۵	مرد	دفرمه شدن مجموعه انحراف یکی از کندیل‌های فک تحتانی و استئوفیت مهره‌های کمر
۱۵۱۳	غ	-	-	-	۳۴/۸	۳۵-۳۰	مرد	-
۱۵۱۴	غ	-	-	-	-	میانسال	-	ضایعات استئوآرتریت
۱۵۱۴/۱	غ	-	-	-	-	۱۲-۱۰	کودک	-
۱۵۱۵	ن	ن	ن	-	-	۱۴-۱۲	مرد	-
۱۵۱۶	ن	ن	-	-	-	۳۰-۲۵	مرد	-
۱۵۱۷	ن	×	×	ن	۵۷/۸	۵۰-۴۵	مرد	استئوفیت شدید در لبه مهره‌های کمر انحراف سر استخوان ران شکستگی و ترمیم استخوان بازو عوارض لته و دندانه‌ها

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱۵۱۸	غ	-	-	-	-	۴۰-۳۰	زن	-
۱۵۱۹	غ	-	-	-	-	۴۰-۳۵	مرد	ضایعات دژنراتیو پیشرفته
۱۵۲۰	ک	x	x	x	۳۳/۶	۴۰-۳۵	زن	-
۱۵۲۱	غ	-	-	-	-	۴۵-۴۰	؟	ضایعات دژنراتیو در مهره‌ها
۱۶۰۰	غ	-	-	-	-	-۵	کودک	-
۱۶۰۱	ک	x	x	x	-	۴۰-۳۵	مرد	فشردگی آهیانه چپ و استئوفیت در مهره‌های میانی کمر
۱۶۰۲	ک	x	x	x	۴۳/۷	۴۰-۳۰	زن	دندان m3 رشد نکرده است.
۱۶۰۳	ن	ن	x	ن	-	۴-۳	کودک	رشد زیاد استخوان آهیانه در طرفین مشکوک به بیماری هیدروسفال
۱۶۰۴	ک	x	x	x	-	۲۵-۲۰	زن	-
۱۶۰۵	ک	-	-	-	-	۲۵-۲۰	زن	-
۱۶۰۶	غ	-	-	x	-	۹ ماهه	جنین	-
۱۶۰۷	ن	x	x	x	-	۴۰-۳۵	مرد	انحنای قمر. رادیوس. هومروس و اولنا
۱۶۰۸	-	-	-	-	-	-	-	-
۱۶۰۹	ن	-	x	x	-	۴۰-۳۵	مرد	عارضه در مهره‌های ۱۹ و ۲۰ استئوفیت مهره اول کمر. عدم هماهنگی و سایش دندانها

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱۶۱۰	ک	×	×	×	-	۳۰-۲۵	زن	پیوره آرواره فوقانی
۱۷۰۰	غ	-	-	-	-	۱۴-۱۲	؟	-
۱۷۰۱	-	-	-	-	-	-	-	-
۱۷۰۲	غ	-	-	-	-	-	زن	-
۱۷۰۳	غ	-	-	-	-	۴۰-۳۵	زن	استثوفیت مهره‌های کمر و ضایعات مهره‌ای
۱۷۰۴	غ	-	-	-	-	۴۰-۳۵	مرد	-
۱۷۰۵	ن	ن	×	-	۴۳/۷	۴۵-۴۰	زن	استثوفیت مختصر در مهره‌های کمر. چسبندگی مهره پنجم کمر به ساکروم
۱۷۰۶	ن	×	×	ن	۵۱/۵	۵۰-۴۵	مرد	استثوفیت مهره‌های کمر. تغییر رنگ مینای دندانها و ریشه آنها
۱۷۰۷	غ	-	-	-	-	-	-	-
۱۷۰۸	غ	-	-	-	-	-	نوزاد	-
۱۷۰۹	ک	-	-	-	-	۴۰-۳۵	مرد	رنگ زردی فسفری بر روی دندانها. استثوفیت مهره‌های ۳ و ۴ کمر
۱۷۱۰	ن	-	-	-	-	۱۱-۱۰	کودک	آسیب دیده
۱۸۰۰	-	-	-	-	-	-	-	-
۱۹۰۰	غ	-	-	ن	-	۴۰-۳۰	زن	-
۱۹۰۱	-	-	-	-	-	-	-	-
۱۹۰۲	-	-	-	-	-	-	-	-
۲۰۰۰	-	-	-	-	-	-	-	-

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۲۰۰۰/۱	غ	-	-	-	-	۱۴-۱۰	مرد	-
۲۰۰۰/۲	ک	×	×	×	-	۲۰-۱۸	زن	-
۲۰۰۰/۳	ن	-	-	-	-	۷-۵	کودک	-
۲۰۰۰/۴	ن	ن	ن	ن	-	۱۱-۱۰	کودک	-
۲۱۰۰	غ	-	-	-	-	۴۰-۳۰	زن	-
۲۲۰۰	-	-	-	-	-	-	-	-
۲۳۰۰	ن	×	×	ن	۶۱/۶	۶۰-۵۵	زن	سوختگی در جناغ و سینه
۲۳۰۰/۱	غ	-	-	-	-	۱۰-۸	کودک	-
۲۳۰۱	غ	-	-	-	-	-	-	-
۲۳۰۱/۱	غ	-	-	-	-	-	-	-
۲۳۰۱/۲	غ	-	-	-	-	-	-	-
۲۳۰۲	غ	-	-	-	-	۳-۲ ماهه	نوزاد	-
۲۴۰۰	غ	-	-	-	-	-	-	-
۲۴۰۱	-	-	-	-	-	-	-	-
۲۵۰۰	-	-	-	-	-	-	-	-
۲۵۰۱	-	-	-	-	-	-	-	-
۲۵۰۲	غ	-	-	-	-	۴۵-۴۰	-	استثفیت مهره‌های کمر و فشردگی آنها
۲۵۰۳	غ	-	-	-	-	۵۵-۵۰	-	استثفیت مهره‌های کمر
۲۵۰۴	-	-	-	-	-	-	-	-
۲۵۰۵	ک	-	-	-	-	۳-۲	کودک	بزرگ شدن آهیانه و اکسیپیتال و حجم زیاد جمعیه
۲۵۰۶	ن	×	×	-	-	۳۰-۲۵	مرد	-
۲۵۰۷	غ	-	×	-	-	۳-۲	کودک	-

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۲۵۰۸	ن	-	x	-	-	۴۵-۴۰	مرد	دفرمه شدن مجسمه در گور. استئوفیت و فشردگی مهره‌ها. رشته‌های ریز فسیلی در اطراف لگن مشاهده شد.
۲۵۰۸/۱	غ	-	x	-	-	۲۲-۲۰	زن	کوتاهترین زن بالغ
۲۶۰۰	غ	-	-	-	-	-	-	-
۲۶۰۱	غ	-	-	-	-	-	-	-
۲۶۰۲	غ	-	-	-	-	-	-	-
۲۷۰۰	غ	-	-	-	-	۵۰-۴۰	-	-
۲۷۰۱	غ	-	-	-	-	-	-	-
۲۷۰۲	غ	-	-	-	-	-	-	دفرمه شدن استخوان پس سری شکستگی و ترمیم استخوان در قسمت قدامی استخوان ران
۲۷۰۳	غ	-	-	-	-	۶۰-۵۰	-	-
۲۷۰۳/۱	غ	-	-	-	-	-	-	-
۲۷۰۳/۲	غ	-	-	-	-	۱۰-۸	-	-
۲۸۰۰	ن	x	ن	ن	۵۰	۵۵-۵۰	مرد	عوارض و علائم فشردگی و دژنریشن و آرتروز مهره‌های کمر
۲۸۰۱	غ	-	-	-	-	۳۵-۳۰	زن	علائم فشردگی و ساخت استئوفیت
۲۸۰۲	غ	-	-	-	-	۴۰-۳۵	مرد	بقایای موی سر

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۲۸۰۳	غ	-	-	-	-	۱۳-۱۲	زن	-
۲۸۰۴	غ	-	-	-	-	-	نوزاد	بصورت یک توده گلی مشاهده شد
۲۸۰۵	غ	-	-	-	-	-	-	-
۲۸۰۶	ن	×	×	×	-	۳۰-۲۵	زن	اختلال در رشد اندام و انحراف سرفمورونازکی ران
۲۸۰۷	ک	×	-	-	-	۴۰-۳۵	مرد	استئوفیت در مهره‌های چهارم و پنجم کمر
۲۸۰۸	ن	×	×	×	-	۵۰-۴۵	مرد	استئوفیت حاد در ناحیه مهره‌های کمر
۲۸۰۹	ن	×	×	-	-	۲۵-۲۲	زن	چسبندگی مهره چهارم و پنجم کمر. فرسایش بدنه مهره‌ها
۲۸۱۰	ن	×	×	-	-	۴۰-۳۵	مرد	استئوفیت مهره ۴ کمر. آثار زخم عمیق با تومور روی آهیانه راست. جابجائی مشکوک جمجمه
۲۸۱۱	ن	-	×	×	-	۵۰-۴۵	مرد	استئوفیت شدید مهره‌های ۴ و ۵ کمر
۲۸۱۲	ن	-	×	-	-	۸-۷	کودک	-

بقایای انسانی پیدا شده بین ۱ تا ۱۲ سال در گروه کودکان دسته بندی شده‌اند. در این مورد علاوه بر اطلاعات مربوط به انسان سنجی موارد دیگری چون انفرادی بودن تدفین و یا همراه بودن آن با کسان دیگر، و عمدتاً والدین نزدیک چون پدر و مادر و یا برادران و خواهران و یا بالغینی دیگر نیز در نظر گرفته شده است. چنانکه در جدول شماره ۱۰ آمده‌است از ۲۱ مورد کودک بررسی شده تقریباً نیمی از آنان همراه یک فرد بالغ به خاک سپرده شده‌است. در بررسی‌های انجام شده روی بقایای یک دختر بچه به سن تقریبی چهار سال (شماره ۱۶۰۳) علائم و نشانه‌های مسلم بیماری هیدروسفالی دیده شده که علت مرگ وی نیز بوده‌است و این دومین موردی است که نشانه‌های این بیماری در شهر سوخته مشاهده شده‌است (شکل شماره ۲)(۱۲)

در گروه کودکان زیر یک سال (نوزادان) و زیر تولد (جنین) هشت مورد تشخیص داده شده‌است. از این تعداد ۳ مورد مربوط به سقط جنین‌های زیر تولد و ۵ مورد باقی مانده مربوط به فوت نوزادان پس از تولد و پیش از یک سالگی بوده‌است. از موارد قابل توجه در این دیده شدن آثار حرارت بر روی تمامی استخوانهای یک جنین ۷ ماهه که با رشد استخوانی طبیعی می‌باشد. این جنین همراه بقایای زن جوانی (شماره ۱۵۰۱) با سن تقریبی ۱۷ سال پیدا شده که تنها بخشی از بدن وی، یعنی از کمر به پایین به اضافه یک قطعه از استخوان زند زیرین (رادیوس) پیدا شده و قطعات بالاته و جمجمه او دیده نشده‌است (شکل شماره ۳) کودکان زیر یک سال و جنین‌ها به جز از یک مورد (شماره ۱۵۰۱) به گونه انفرادی به خاک سپرده شده‌اند. تدفین شماره ۲۰۰۰ تنها تدفین پنج نفره پیدا شده در سالهای ۱۳۷۶-۱۳۷۸ شهر سوخته است. بقایای موجود در این تدفین متعلق به یک مورد غیر قابل تشخیص، یک زن جوان، یک نوجوان و دو کودک زیر ۱۲ و زیر ۱۷ سال می‌باشد. در میان نمونه‌ای یافت شده آثار سوختگی نیز دیده می‌شود. در تدفین شماره ۱۵۰۰ مربوط به زنی ۳۵-۴۰ ساله و دو کودک زیر و بالای ۲ سال (۱۵۰۰/۱ و ۱۵۰۰/۲) آثار سوختگی و حرارت بر روی اندام زن و کودکان وی دیده می‌شود (شکلهای ۴ تا ۶). در تدفین شماره ۱۳۰۱ مرد درشت اندام ۳۰-۳۵ ساله، آثار سوختگی بر روی مهره‌ای ستون فقرات و قسمتهایی از گونه و پیشانی و قاعده تحتانی جمجمه کاملاً مشهود است (شکل ۷). یک مورد سوختگی نیز در روی سینه و دنده‌های بقایای مسن‌ترین فرد پیدا شده در شهر سوخته یعنی زنی ۶۰ ساله دیده شده‌است (شماره ۲۳۰۰). کودکان و نوزادان نیز دچار

سوختگی شده‌اند. تدفین شماره ۱۵۰۶ متعلق به نوزادی ۸-۱۰ ماهه است که سینه و کمر وی سوخته‌است (شکل ۸)، اما شدیدترین مورد سوختگی مربوط به مردی ۵۰ ساله (شماره ۱۴۰۵) (با استخوان‌بندی درشت و قد متوسط ۱۶۷ سانتی‌متر است که قسمت چپ جمجمه و تمامی ستون فقرات و لگن خاصره و تعدادی از دنده‌های قفسه سینه او کاملاً سوخته و حرارت دیده‌است (شکل ۹)).

عوارض جسمانی:

بخشی از مطالعات در روی اسکلت‌های شهر سوخته مربوط به عوارض ظاهری جسمانی مدفونین بوده‌است. این بخش از کار تنها جنبه مشاهداتی و ثبت داشته و جنبه‌های پاتولوژیکی در آنها ملحوظ نشده‌است.

علاوه بر نمونه‌های سوخته شده و نمونه دوم هیدروسفالی پیدا شده در شهر سوخته بقیه موارد تشخیص داده شده عوارض معمول جسمانی است که جنبه محیط زیستی و یا کاری داشته‌اند. زائده استخوانی استئوفیت در لبه مهره‌ای کمر در تعدادی از نمونه‌ها مشاهده شده‌است. از بررسی نمونه‌ها چنین بر می‌آید که افراد بالای ۳۰ سال در معرض خطر ابتلای به زائده استئوفیت مهره‌ای بوده‌اند و در موارد شهر سوخته این زوائد بیشتر در ناحیه مهره‌های کمر (۳ و ۴) و یا مهره‌های دنده‌ای (۱۹-۲۰) مشاهده می‌شود. از عوارض دیگر مهره‌ای باید به فشردگی زودرس مهره‌ها (شماره‌های ۱۴۱۲، ۱۴۱۶، ۲۵۰۲، ۲۸۰۱) و یا تغییر شکل و آرتروز مهره‌ها (کامپرشن، دژنریشن و استئوفیت آرتريت مهره‌ای) (شماره‌های ۱۴۱۴، ۱۵۱۹، ۱۵۲۱، ۱۷۰۳ و ۲۸۰۰) اشاره کرد. توجه به این موارد و مقایسه سن و سال و جنسیت نمونه‌ها تأیید کننده شرایط کار سخت جسمانی و نیز شرایط زیست محیطی دشواری برای این نمونه‌ها بوده‌است.

در مجموع عارضه استئوفیت در بیست نمونه (شماره‌های ۱۴۰۰/۲، ۱۴۱۰، ۱۴۱۲، ۱۵۱۲/۲، ۱۵۱۷، ۱۵۱۰، ۱۵۰۳، ۱۷۰۳، ۱۷۰۵، ۱۷۰۶، ۱۷۰۹، ۲۵۰۲، ۲۵۰۳، ۲۵۰۸، ۱۶۰۹، ۲۸۰۱، ۲۸۰۷، ۲۸۰۸، ۲۸۱۰ و ۲۸۱۱) دیده شده‌است. آغاز و ابتدای ایجاد استئوفیت در لبه مهره کمر از سن ۴۵ سالگی عارضه‌ای زودرس محسوب می‌شود و معمولاً آغاز این عارضه از ۵۰ سالگی به بالا است. پیدایش این عارضه در میانسالی و در حالی که هنوز ارتفاع مهره‌ها در حد طبیعی بوده و هیچ‌گونه فشردگی در آنها مشاهده نمی‌شود می‌تواند به انجام کارهای

سخت و به خصوص حمل بارهای سنگین مربوط باشد (شکلهای شماره ۱۰ تا ۱۲). نمونه‌های شهر سوخته همگی در زیر ۵۰ سالگی بوده و آغاز شکل‌گیری استئوفیت در مردان از ۳۰ سالگی به بعد (شماره ۱۷۰۶) دیده شده‌است و زمان آغاز ایجاد زائده‌های استئوفیت در زنان بین ۳۰ تا ۳۵ سالگی (شماره ۱۷۰۳) بوده (شکل شماره ۱۳) که نشان دهنده مشارکت مردان و زنان در فعالیت‌های اجتماعی، کار و پیشه و کارهای بدنی به یک نسبت بوده‌است. زنان شهر سوخته ظاهراً سهم بیشتری در کارها و فعالیت‌های بدنی سخت داشته‌اند زیرا بر اساس آمار موجود بیش از یک سوم نمونه‌های دیده شده متعلق به زنان بوده‌است. (۷ مورد زنان، ۱۳ مورد مردان و یک مورد ناشناس).

عوارض جسمانی دیگری که در نمونه‌های شهر سوخته دیده شده‌اند عبارتند از: چسبندگی مهره‌های اول و دوم گردن (Atlas-Axis) دختر ۱۳-۱۴ ساله (شماره ۱۴۰۳/۱). رشد استخوانی این مهره‌ها کامل نشده و کاملاً به یکدیگر جوش خورده و باعث اختلال در حرکت گردن شده‌اند (شکل شماره ۱۴).

مشاهده یک مورد متوپیک (Metopic) در روی پیشانی یک زن میانسال (شماره ۱۴۱۰ بین ۴۰ تا ۴۵ سال). بسته نشدن این درز یک عارضه ژنتیکی و یکی از علائم مشخصه قومی می‌باشد. شکستگی و ترمیم استخوان بازو یک مرد کهنسال (۵۵-۶۰ ساله) که بر روی بازو کال استخوانی ایجاد کرده و یک شکستگی کهنه و کاملاً ترمیم شده محسوب می‌شود. (شماره ۱۵۰۳)

چسبیدگی مهره اطلس به نقاط مفصلی سوراخ ماگنوم (Foreman Magnum) زنی جوان (۳۰-۳۵ ساله) که باعث اختلال در حرکت و گردش سر شده‌است و نمونه نیز محسوب می‌شود. در همین نمونه جوش خوردگی مهره‌های ۲ و ۳ گردن نیز دیده شده‌است (شماره ۱۵۰۵) (شکل شماره ۱۵).

دفرمه شدن جمجمه در ناحیه پاریتال (Partial) چپ و راست و قرینه نبودن برجستگی آنها نسبت به یکدیگر و استخوان پس سری (Occipital) مردی میانسال (شماره ۱۵۱۲/۲) انحراف قسمت فوقانی استخوان ران (Femur) راست به سمت داخل و نیز شکستگی استخوان بازو در یک مرد ۴۵-۵۰ ساله (شماره ۱۵۱۷)

انحراف استخوان ران (Femur) راست و ساق (Tibia) راست در بقایای زنی ۳۰-۴۰ ساله

(شماره ۱۵۲۰).

دفرمه حاد فردی میانسال با جنسیت نامعین. استخوان پس سری (Occipital) کاملاً مسطح و برش مقطع افقی مثلث که از انواع بسیار نادر بشمار می‌رود. (شماره ۲۷۰۲) (شکل شماره ۱۶). در این نمونه یک مورد شکستگی و ترمیم استخوانی در ران و بازو مشاهده شده‌است. شکستگی یکی از مهره‌های کمر در ناحیه (Processus accessorius) مردی ۲۵-۳۰ ساله که می‌تواند منجر به مرگ وی نیز شده‌باشد. شکستگی سر استخوان ران و چسبندگی آن در داخل حفره لگن (Fossa acetabulum) نیز دیده شده‌است (شماره ۱۵۰۴). (شکل ۱۷).

در نمونه‌های شماره ۱۲۰۰، ۱۵۱۷، ۱۷۰۶ و ۱۷۰۹ عوارض لثه و دندان مشاهده شده‌است. دو مورد تغییر رنگ مینای دندان و ریشه آنها به رنگ فسفری به علاوه مواردی در ارتباط با فرسایش شدید لثه و دندان در فک تحتانی. (شکل‌های ۱۸ تا ۲۰)

عوارض رشد استخوان‌های دراز، انحناهای فمور رادیوس و اولنا و انحناهای استخوانها دستان و پاهاى بلند قدترین مرد پیدا شده در شهر سوخته (۱۹۲/۵ سانتی متر). با توجه به انحناى موجود قد این فرد احتمالاً بلندتر از محاسبات انجام شده بوده‌است (شماره ۱۶۰۷). (شکل ۲۱).

چسبندگی مهره پنجم کمر به ساکروم (ساکرایزاسیون Sacralization) در یک زن ۴۰-۴۵ ساله (شماره ۱۷۰۵). (شکل ۲۲).

عارضه مهره‌ای در تنه مهره ۲۰ و فرو رفتگی در قسمت قدامی خلفی آن و زائده استئوفیت زیاد در لبه فوقانی آن در مردی ۳۵-۴۵ ساله (شماره ۱۶۰۹). (شکل ۲۳).

سه مورد تخریب سطحی پارتيال راست یا احتمال زخم عمیق یا تومور که سبب تخریب پارتيال راست در جمجمه شده‌است (شماره ۲۸۱۰) (شکل ۲۴) چسبندگی مهره چهارم و پنجم و خوردگی بدنه تنه مهره‌ها در یک زن جوان ۲۲ تا ۲۵ ساله (شماره ۲۸۰۹) (شکل ۲۵).

جنسیت نمونه‌های شهر سوخته:

در تشخیص جنسیت نمونه‌های شهر سوخته از دو روش مشاهده (ویژگی‌های جمجمه، چانه و لگن مناصره) و سنجش زوایا و ارتفاع لگن خاصره و زائده پستانی (Mastoid) و استفاده از شاخص‌های مربوط به آن (حداکثر عرض لگن و حداکثر عرض تنگه فوقانی لگن و حداکثر طول فوقانی لگن) سود برده شده‌است. جنسیت تعداد ۶۶ مورد از نمونه‌های شهر سوخته تعیین

شده است که از این تعداد ۵۹ مورد آنها در محاسبات آنتروپومتری مورد استفاده قرار گرفته اند. مشخصات کامل این نمونه ها در جداول شماره ۸ و ۹ آمده است.

نسبت های جنسی:

به استناد ۶۶ مورد از نمونه های بزرگسالان که تعیین جنسیت شده اند یعنی ۳۴ مورد مردان و ۳۲ مورد زنان در مقابل هر یکصد زن ۱۰۶/۲ مرد قرار می گیرد و بالعکس نسبت جنسی مردان به زنان ۹۴/۱ است. این نسبتها که مربوط به افراد بالای ۱۲ سال است در مقایسه با جوامع امروزی چندان متفاوت نیست با این وصف پاسخ به آن را باید در موارد زیر ۱۲ سال و تناسب سنین فوت کودکان مذکر و مؤنث جستجو کرد.

محاسبه سن به تفکیک جنسیت:

میانگین سنی مردان و زنان شهر سوخته بر اساس میانگین «مین» (۱۳) سنی ۳۳ مرد و ۳۲ زن محاسبه شده است. این محاسبات نشان می دهد که تراکم سنی فوت مردان در حد فاصل سنین ۲۶ تا ۵۳ سال و تراکم سن فوت زنان در حد فاصل سنین بین ۲۶ تا ۳۹ سال بوده است. همین محاسبات نشان می دهند که میانگین سنی مردان شهر سوخته ۳۹/۲ سال و میانگین سنی زنان ۳۳/۲ سال بوده است. میانگین های بدست آمده در مقایسه با نتایج بدست آمده توسط گروه باستانشناسی ایتالیایی (مردان ۲۵-۳۰ و زنان ۲۰-۲۵ سال بر اساس آزمایشات بر روی ۶۹ نمونه) (۱۴) بیشتر است اما با توجه به بزرگی و عظمت شهر سوخته تعداد ۲۵۰۰۰-۴۰۰۰۰ اسکلت مدفون در آن، در زمینه های آماری باید در انتظار تغییرات دیگری نیز باشیم. نکته قابل توجه تفاوت و اختلاف ۶ سال بین زنان و مردان که تناسب موجهی بشمار می رود (جدولهای شماره ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱).

کهنسالترین مرد (شماره ۱۵۰۳) و کهنسالترین زنان (شماره های ۱۳۰۰ و ۲۳۰۰) بین ۵۵ تا ۶۰ سال سن داشته اند، بخصوص مورد دوم (شماره ۲۳۰۰) که در ارتباط با فک تحتانی است که یک نمونه منحصر به فرد محسوب می شود. دلیل افزایش سن مردان و زنان در دوره دوم کاوشها می تواند در ارتباط با ۹ مورد مردان روی میانسال (بین ۴۷ تا ۵۳ سال) و ۹ مورد زنان زیر میانسال (۳۳ الی ۳۹ سال) باشد و اضافه می کنیم که دو مورد مردان و دو مورد زنان کهنسال در

مرز ۶۰ سالگی نیز به این افزایش کمک می‌کنند.

جدول شماره ۸ مشخصات سنی و قد زنان

بلندی قد	میانگین سنی	شماره تدفین
۱۵۱	۵۷/۵	۱۳۰۰
۱۵۳	۱۷	۱۴۰۰
۱۵۹	۴۷/۵	۱۴۰۰/۱
۱۵۴	۱۳/۵	۱۴۰۳/۱
-	۳۵	۱۴۰۷
۱۶۵	۴۷/۵	۱۴۱۰
-	۳۰	۱۴۱۵
۱۵۰	۳۵	۱۴۱۶
۱۶۳	۳۷/۵	۱۵۰۰
۱۴۹	۱۷/۵	۱۵۰۱
۱۵۳	۳۲/۵	۱۵۰۵
۱۶۰	۵۵	۱۵۱۰
۱۵۳	۲۷/۵	۱۵۱۲
۱۵۴	۲۷/۵	۱۵۱۲/۱
۱۵۳	۳۵	۱۵۱۸
۱۵۲	۳۷/۵	۱۵۲۰
۱۶۴	۳۵	۱۶۰۲
۱۶۳	۲۲/۵	۱۶۰۴
؟	۲۲/۵	۱۶۰۵
۱۶۸	۲۷/۵	۱۶۱۰
۱۵۸	۴۰	۱۷۰۳

بلندی قد	میانگین سنی	شماره تدفین
۱۶۴	۴۲/۵	۱۷۰۵
-	۳۵	۲۱۰۰
-	۱۹	۲۰۰۰/۱
۱۵۰	۶۰	۲۳۰۰
-	۴۲/۵	۲۵۰۸
۱۵۶	۳۲/۵	۲۸۰۱
۱۴۰	۱۲	۲۸۰۳
۱۵۴	۲۳/۵	۲۸۰۹

جدول شماره ۹ مشخصات سنی و قد مردان

بلندی قد	میانگین سنی	شماره تدفین
۱۸۰	۳۲/۵	۱۳۰۱
۱۵۷	۵۵	۱۴۰۰/۲
-	۴۷/۵	۱۴۰۴/۱
۱۶۷	۵۰	۱۴۰۵
۱۷۴	۵۳	۱۴۰۸/۱
۱۷۸	۳۵	۱۴۱۱
-	۲۷/۵	۱۴۱۲
-	۲۷/۵	۱۴۱۳
۱۶۱	۵۰	۱۴۱۴
۱۵۲	۴۲/۵	۱۴۱۴/۱
۱۶۵	۵۷/۵	۱۵۰۳
۱۷۴	۲۷/۵	۱۵۰۴
۱۷۶	۴۷/۵	۱۵۱۲/۲

شماره تدفین	میانگین سنی	بلندی قد
۱۵۱۳	۳۲/۵	۱۶۲
۱۵۱۶	۲۷/۵	-
۱۵۱۷	۴۷/۵	۱۵۸
۱۵۱۹	۳۷/۵	۱۶۵
۱۶۰۱	۴۰	۱۵۱
۱۶۰۷	۴۰	۱۹۲/۵
۱۶۰۹	۴۰	۱۶۲
۱۷۰۴	۳۷/۵	-
۱۷۰۶	۴۷/۵	۱۵۸
۱۷۰۹	۳۲/۵	۱۶۶
۲۰۰۰/۱	۱۲	-
۲۵۰۲	۴۲/۵	۱۶۰
۲۵۰۶	۲۷/۵	-
۲۸۰۰	۵۲/۵	۱۷۴
۲۸۰۲	۳۷/۵	۱۸۰
۲۸۰۶	۲۷/۵	۱۵۶
۲۸۰۷	۳۷/۵	۱۷۵
۲۸۰۸	۴۷/۵	۱۶۲
۲۸۱۰	۳۷/۵	-

جدول شماره ۱۰ مشخصات سنی کودکان در شهر سوخته

شماره تدفین	میانگین سنی	توضیح
۱۴۰۰/۳	۷	همراه یک زن و مرد بزرگسال و یک زن جوان
۱۴۰۳/۲	۱۱	همراه یک دختر ۱۳/۵ ساله
۱۴۰۴/۲	۳	همراه یک مرد ۴۵-۵۰ ساله
۱۴۰۶	-	انفرادی
۱۴۰۸	۷/۵	همراه یک مرد ۵۰ ساله
۱۴۰۹	۱/۵	انفرادی
۱۴۱۵/۱	۱۱	همراه یک زن ۳۵-۳۰ ساله
۱۵۰۰/۱	۱/۵	همراه یک زن ۳۷/۵ ساله و یک کودک دیگر
۱۵۰۰/۲	۲/۵	همراه یک زن ۳۷/۵ ساله و یک کودک دیگر
۱۵۰۷	۳/۵	انفرادی
۱۵۰۹	۱/۵	انفرادی
۱۵۱۴/۱	۱۱	همراه یک مورد با جنسیت ناشناخته
۱۶۰۰	۵	انفرادی
۱۶۰۳	۴	انفرادی دارای علائم هیدروسفال
۲۰۰۰/۳	۶	همراه یک زن ۱۹ ساله و یک نوجوان و یک کودک ۱۱ ساله و یک مورد ناشناس
۲۰۰۰/۴	۱۰/۵	همراه یک زن ۱۹ ساله و یک نوجوان و یک کودک ۶ ساله و یک مورد ناشناس
۲۳۰۰/۱	۶	همراه یک زن ۶۰ ساله
۲۵۰۵	۲/۵	انفرادی
۲۵۰۷	۳	انفرادی
۲۷۰۳/۲	۹	همراه دو فرد میان سال
۲۸۱۲	۹	انفرادی

جدول شماره ۱۱ مشخصات سنی نوزادان

شماره تدفین	میانگین سنی	توضیح
۱۵۰۱/۱	جنین	همراه یک زن جوان
۱۵۰۶	۹ ماهه	انفرادی - با اثر سوختگی
۱۵۰۷	۱ ماهه	انفرادی
۱۵۱۱	۸ ماهه	انفرادی
۱۶۰۶	جنین ۷ ماهه	انفرادی
۱۷۰۸	نوزاد	انفرادی غیر قابل سنجش سنی
۲۳۰۲	۲/۵ ماهه	انفرادی
۲۸۰۴	جنین	غیر قابل سنجش سنی

قد:

مشخصات قد نمونه‌های برگزیده شده برای آنتروپومتری نیز در جداول شماره ۸ و ۹ آمده‌اند. سنجش قد مردان و زنان بر اساس جدول محاسباتی روله (۱۵) از روی استخوانهای دراز تنه و اندام سنجیده شده‌است. برای سنجش قد کودکان و نوزادان بر اساس محاسبه دیافیز (۱۶) استخوان ران و دیگر استخوانهای اندام بر اساس جدول استوارت (۱۷) عمل شده‌است.

در محاسبات مربوط به قد، طول اندام مردان و زنان بر مبنای ۹ رده استاندارد سنجیده شده‌اند. بر این اساس میانگین طول قد مردان با ۲۴ فراوانی (فرکانس) برابر ۱۶۲/۷ سانتی متر است. نوسان قد مردان از حد بسیار کوتاه (۱۵۰-۱۵۵ سانتی متر) تا بسیار بسیار بلند (۱۹۰+ سانتی متر) دیده می‌شود اما بیشترین تراکم در حد فاصل ۱۵۸-۱۷۵ بوده‌است و در نتیجه می‌توان اظهار کرد که مردان شهر سوخته نسبتاً کوتاه قد (۱۶۰-۱۶۵ سانتی متر) بوده‌اند. نوسان قد زنان نیز از حد بسیار بسیار کوتاه ۱۴۰-۱۴۵ سانتی متری آغاز شده و تا حد نسبتاً بلند ۱۶۵-۱۷۰ سانتی متری می‌رسد. در این جا نیز بیشترین تراکم در حد فاصل ۱۵۰-۱۶۵ سانتی

متری دیده می شود. تفاوت بین قد مردان و زنان با توجه به میانگین های ارائه شده ۸/۱ سانتی متر است.

هم کوتاهترین مرد (شماره ۱۶۰۱) به بلندی ۱۵۱ سانتی متر و هم بلندترین مرد (شماره ۱۶۰۷) به بلندی ۱۹۲/۵ هر دو میانسال می باشد. کوتاهترین زن بالغ (شماره ۲۵۰۸) دارای قدی به بلندی ۱۴۴ بلندترین زن (شماره ۱۶۱۰) به بلندای ۱۶۸ سانتی متر می باشند.

رده بندی مقیاس های جمجمه:

برای شناخت مقیاس های جمجمه و تحلیل آنها از ۱۴ مورد طبقه بندیهای آلکسیف و دبتر (۱۸) استفاده شده است. در این طبقه بندی ها گروه های مردان و زنان متفاوت است و این امکان را به ما می دهد که تفاوتها و یا هم آهنگی های فیزیکی موجود بین دو جنس را دریابیم. نتایج این بررسی ها در جدولهای شماره ۱۲ تا ۲۵ منعکس می باشد.

رده بندی شاخص ها و تحلیل آنها:

در ارتباط با مقیاسهای بررسی شده بر روی جمجمه و اندام برای هر یک از نمونه ها حداکثر ۲۰ شاخص محاسبه شده است. که به تفکیک جنسیت در رده بندی های استاندارد قرار گرفته اند. این شاخص ها هر یک به تنهایی معرف ویژگی های فردی هر یک از نمونه ها و در مجموع معرف ویژگی های گروهی می باشند که در مقایسه با یکدیگر به گونه ترکیبی نتایجی را بیار آورده اند که در جدولهای شماره ۲۶ تا ۴۵ منعکس شده اند.

از مجموعه بررسی های انجام شده در روی نمونه های بدست آمده در شهر سوخته چنین بر می آید که:

- مرگ و میرهای دسته جمعی به سبب بیماری های احتمالاً مسری رایج بوده است.
- سن و سال افراد بسیار بالا نبوده است، حتی با محاسبه فاکتور پوکی بیش از حد استخوان های کهنسال میانگین سنی افراد در این شهر دوران آغاز تاریخی کم بوده است.
- میانگین سنی برای مردان ۳۹/۲ سال و برای زنان ۳۳/۲ سال بوده است.
- مسن ترین مرد شهر سوخته ۵۷/۵ سال داشته است.
- مسن ترین زن شهر سوخته ۶۰+ سال داشته است.

تراکم خط مرگ مردان بین ۲۶ تا ۵۳ سال بوده است.

تراکم خط مرگ زنان بین ۲۶ تا ۴۶ سال بوده است.

میانگین قد مردان ۱۶۲/۷ سانتی متر بوده است.

میانگین قد زنان ۱۵۴/۶ سانتی متر بوده است.

بلند قدترین مرد شهر سوخته ۱۹۲/۵ سانتی متر بوده است.

بلند قدترین زن شهر سوخته ۱۶۸ سانتی متر بوده است.

کوتاهترین مرد بالغ ۱۵۱ سانتی متر بوده است.

کوتاهترین زن بالغ ۱۴۴ سانتی متر بوده است.

ترکیب جمعیتی شهر سوخته متنوع بوده است.

تفاوتهای فیزیولوژیک در مردان بیش از زنان بوده است.

پانوشت:

۱- دوره دوم کاوشهای شهر سوخته از سال ۱۳۷۶ به ابتکار آقای جلیل گلشن معاونت محترم پژوهشی سازمان میراث فرهنگی کشور توسط کارشناسان این سازمان به سرپرستی یکی از نویسندگان این مقاله (سید منصور سید سجادی) آغاز شد و هنوز ادامه دارد. کار کاوش و پژوهش در این محوطه باستانی بدون حمایت‌های همه جانبه و بی‌دریغ جناب آقای مهندس سید محمد بهشتی ریاست محترم سازمان که همواره عنایت ویژه‌ای نسبت به کار گروه داشته‌اند امکان پذیر نبوده‌است. جناب آقای جلیل گلشن معاونت محترم پژوهشی سازمان نیز علاوه بر ایجاد تسهیلات بسیار برای ادامه کار گروه، در کلیه موارد دشوار، پشتیبانی و یاری‌های خود را از ما دریغ نکرده و با بازدیدهای منظم خود از محل کاوش باعث دلگرمی و اشتیاق به کار اعضای گروه در شرایطی نه چندان آسان گردیده‌اند.

اعضای گروه باستانشناسی شهر سوخته در گورستان شهر در فصول گذشته عبارت بوده‌اند از: آقایان فرزاد فروزانفر (انسانشناس) و محمد رجب ضروری باستانشناس از سازمان میراث فرهنگی کشور به مدت چهار فصل، روح الله شیرازی عضو هیأت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان چهار فصل، بهروز عمرانی، فرامرز صابر مقدم و محمد حیدری از سازمان میراث فرهنگی کشور یک فصل، مازیار اشرفیان بناب (پزشک) دو فصل، ابوالفضل زاهدی کاردان رشته باستانشناسی یک فصل. خانمها شهین توکلیان و منصوره ملا احمدی مرمتگران موزه ایران باستان یک فصل. یادآوری می‌کنم آقای علی خسروی سرپرست اداره میراث فرهنگی در زابل همواره یار و یاور صدیقی برای گروه بوده‌است و با جدیت و علاقه هر چه تمامتر گروه را در کلیه زمینه‌ها یاری داده‌است. بدون شک موفقیت گروه باستانشناسی شهر سوخته مدیون راهنمایی‌ها و کمک‌های گرانبهای مسولان محترم سازمان و همکاران گرامی یاد شده بوده‌است و سرپرست گروه باستانشناسی شهر سوخته امیدوار است که تشکرات مخلصانه وی را پذیرا باشند. (سید سجادی)

2- Piperno, 1977: 261

3- Piperno, 1986: Tavola×v(۱۵ جدول)

4- Ibid

۵- سید منصور سید سجادی ۱۳۷۴ ص. ۲۱۵

۶- همان مآخذ، ص ۲۶۶

7- Oliver et Demoulin, 1984

8- Alexiev et Debetz, 1964

9- Sutner exoraniennes

10- Bocquet 1978, Masset 1982

11- Oliver et Demoulin, op. cit.

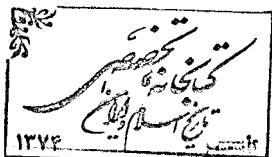
۱۲- مورد نخست مربوط به نمونه پیدا شده توسط گروه باستانشناسان ایتالیایی بوده است که در سال ۱۳۵۶ پیدا شده و تا سال ۱۳۷۷ در انبار اداره میراث فرهنگی استان سیستان و بلوچستان به امانت باقی مانده بوده است. لازم به یادآوری است که تا سال یاد شده هیچ گونه مطالعه و بررسی از سوی هیچ کس چه در داخل کشور و چه در خارج کشور در روی نمونه مزبور انجام نپذیرفته و گروه ایتالیایی نیز تنها در دو سطر امکان وجود بیماری هیدروسفال درباره جمجمه مورد بحث را بیان کرده بوده است. (نگاه کنید به کتابشناسی پیوست). نویسنده این سطور با پیشنهاد و اجازه رسمی معاونت محترم پژوهشی سازمان میراث فرهنگی کشور برای نخستین بار جمجمه مورد بحث را مطالعه کرده و در گزارش مبسوطی که در همان تاریخ به سازمان میراث فرهنگی جهت انتشار سپرده، معرفی نموده است. گزارش مورد بحث هنوز منتشر نشده است. کلیه اظهار نظرها و مطالب مربوط به این جمجمه که از سوی اشخاص دیگر در موقعیت‌های گوناگون اظهار شده و می‌شود از گزارش منتشر نشده نویسنده این سطور و بدون ذکر مآخذ اقتباس شده است. نویسنده امیدوار است سازمان میراث فرهنگی کشور در آینده نزدیک گزارش مورد بحث را منتشر کرده و در اختیار کلیه کارشناسان و علاقمندان قرار دهد. (سید سجادی).

13- Mean

۱۴- سید سجادی، ۲۶۶

۱۵- بهرام الهی ۱۳۷۴

16- Diaphyse



۱۷- الهی، همان مآخذ

۱۸- پیشین

کتابخناسی

الهی، بهرام. استخوان شناسی. دانشگاه تهران، ۱۳۷۴ تهران.

سید سجادی، سید منصور، هشت گفتار: باستانشناسی و تاریخ بلوچستان. سازمان میراث فرهنگی کشور. ۱۳۷۴ تهران.

Alexeiv V.P. et G.F. Debetz- 1964. Craniometric, Naouka, Moscou

Bocquet, J.P. et alii. _1978. Estimation de l'age du deces des squelettes d'adultes par regressions multiples. Coimbra

Macchiarelli R. and P. Passarello 1988- Analisi paleodemografica comparativa della popolazione di shahr i - Sukhta (Sistan, Iran, . III millennio a.c.). Rivista di Antropologia LXVI, Roma: Istituto Italiano di Antropologia.

Mariani, L. 1989- The Monumental Area of Shahr- e Sukhta: Notes from a Surface Reconnaissance, South Asian Archaeology 1985.

Masset, C., 1982- Estimation de l'age au feces par les sures craniennes. These de Doctorate d'Etat, Lab. Anthropologie Biologique, Universite Paris VII

Oliver, G. et F. Demouli, 1984- PRATIQUE ANTHROPOLOGIQUE. A l'usage des etudiants. Universite Paris 7.

Piperno, M. 1977- (La necropoli) in AA. VV., La citta' Bruciata nel Deserto Salato. Venezia. Erizzo.

Piperno, M.1979-(Socio-economic Implications from the Graveyard of Shahr-i Sukhta). In M. Taddei (ed), South Asian Archaeology 1977. Naples: IUO.

Piperno, M.1986- (Aspects of Ethnical Multiplicity across the Shahr-i Sukhta Graveyard). *Oriens Antiquus* 25, Roma: CASAVO

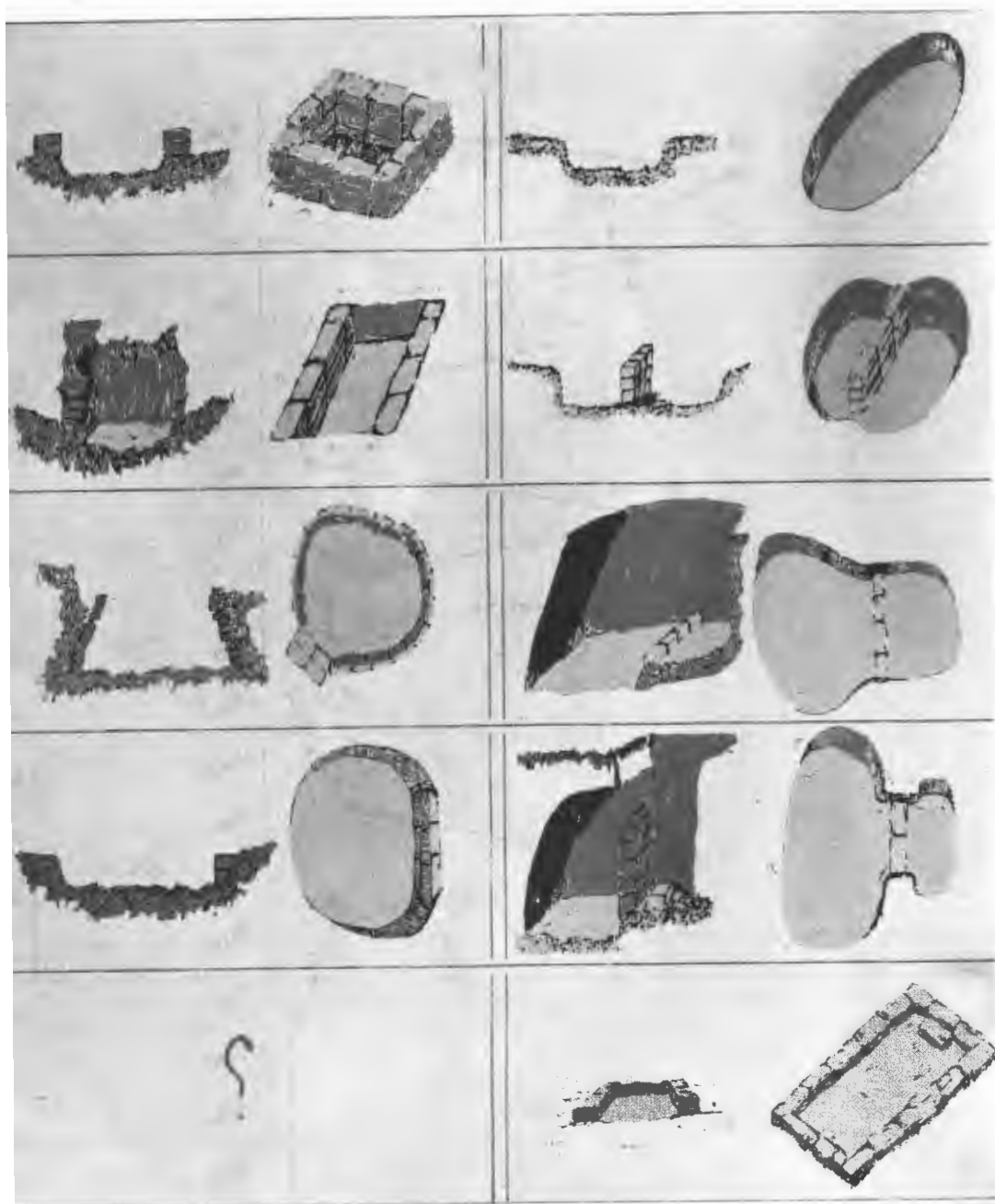
Piperno, M.and S. Salvatori 1983- (Recent Results and New Perspectives from the research et the Graveyard of shahr- sukhta, Sistan, Iran (Annali-dell'istituto Yniversitario Orientale 43, 2 Napoli IUO

Piperno, M. and M. Tosi, 1975-(The Graveyard of Shahr- e- Suxteh (A Presentation of the 1972 and 1973 Campaigns) in F. Bagherzadeh (ed.), Proceedings of the 3 rd. Annual Symposium on Achaeological Research in Iran. Tehran

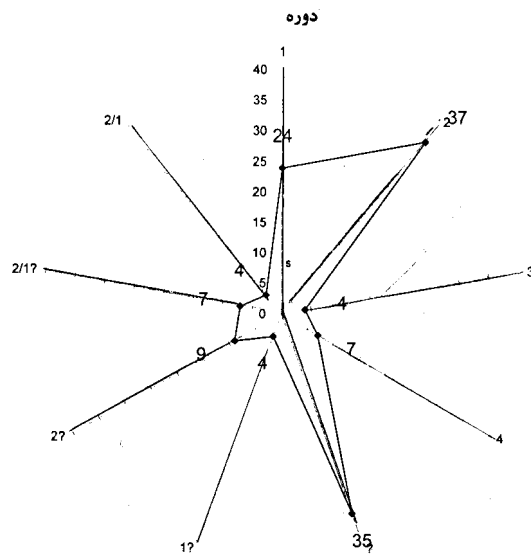
Tosi, M.1984-(The Notion of Craft Spesialization and its representation in the Archaeological- Record of the Early States in the Turanian- Basin): M. Sprggs (ed.), Marxist Perspectives in Archaeology. Cambridge

Tosi, M. et.ali 1984-(The joint ICAR/ ISMEO Delivering Program: A Constrained Return to Shahr- i Sukhta). *East and west* 34 Rome 466- 482

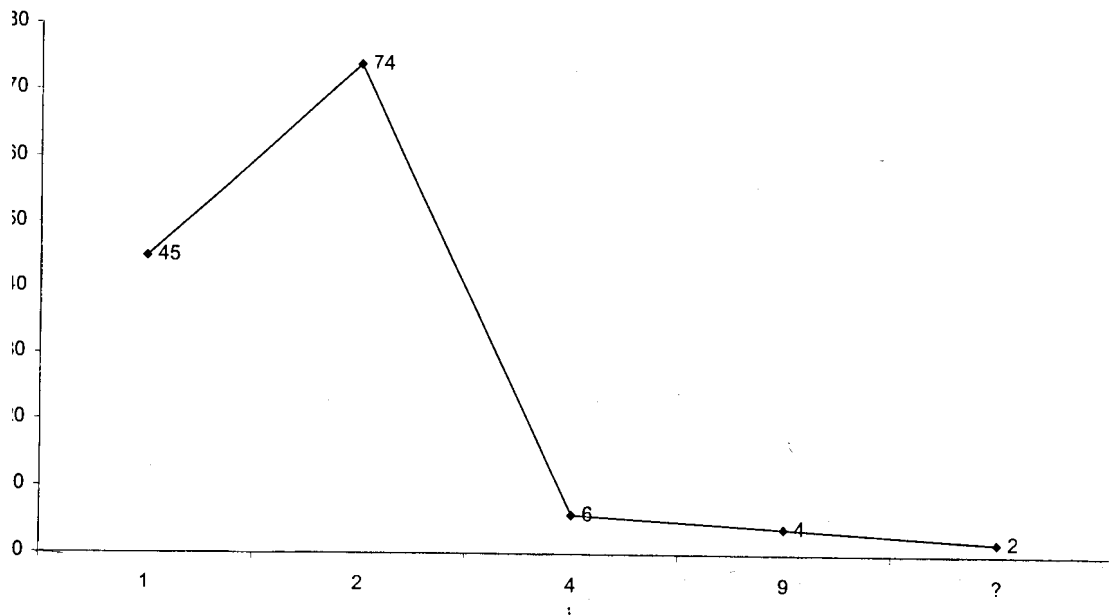
Tosi, M. 1986- (The Archaeology of Early States in Middle Asia.) *Oriens Antiquus* 25, Roma CASAVO

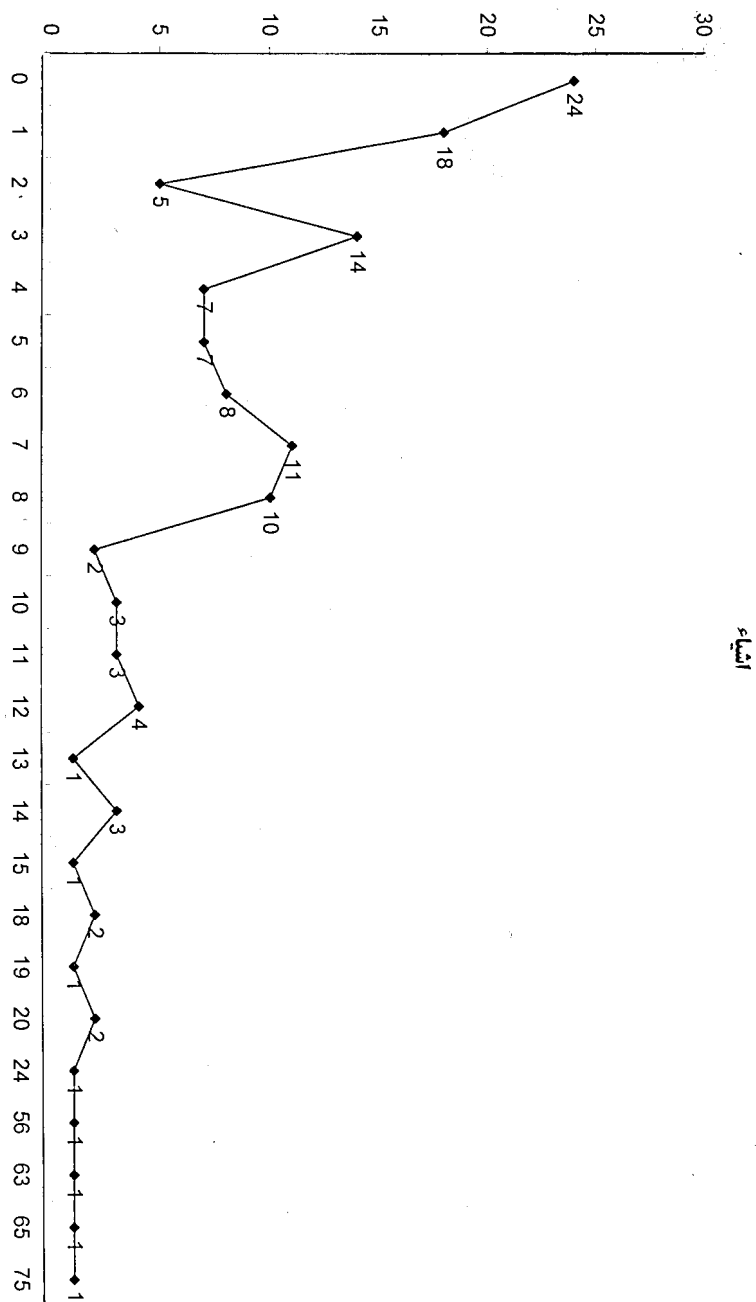


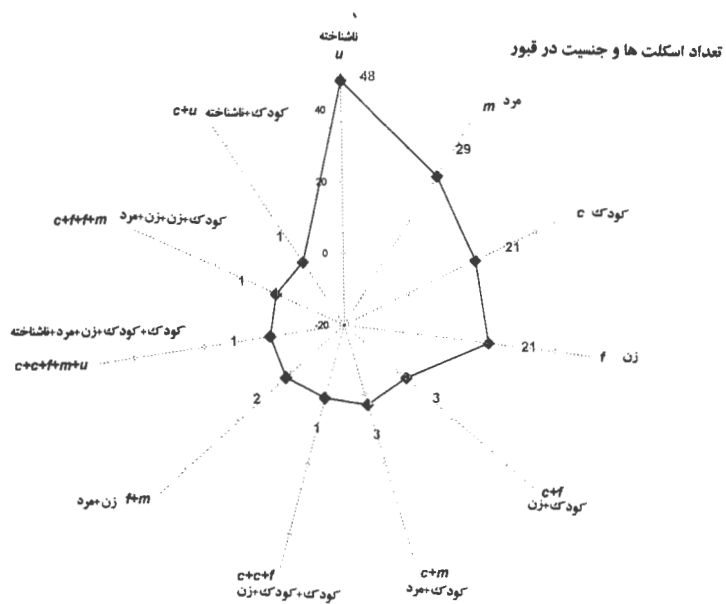
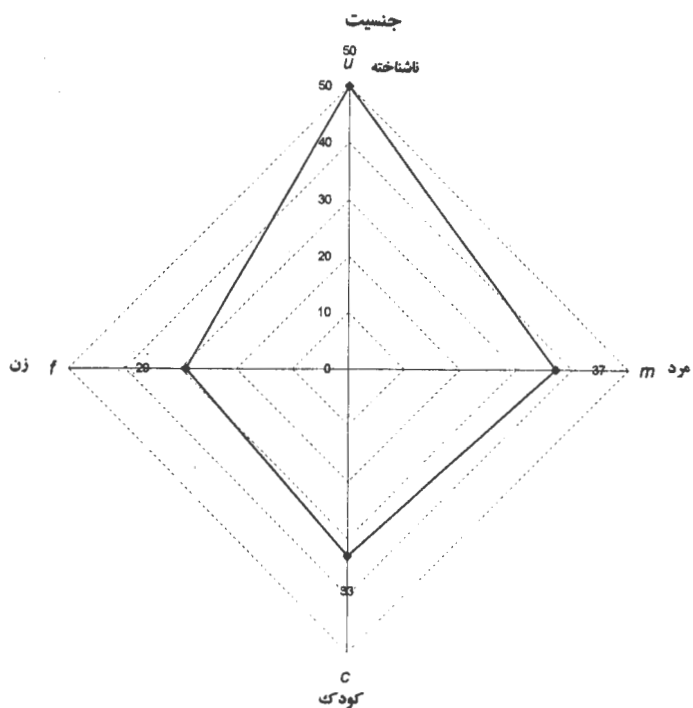
شکل (۱) گونه ساختمانی قبور شهر سوخته



ساختمان قبور









شکل ۲



شکل ۳



شکل ۴



شکل ۵



شکل ۶



شکل ۷



شکل ۸



شکل ۹



شکل ۱۰



شکل ۱۱



شکل ۱۲



شکل ۱۳



شکل ۱۴



شکل ۱۵



شکل ۱۶



شکل ۱۷



شکل ۱۸



شکل ۱۹



شکل ۲۰



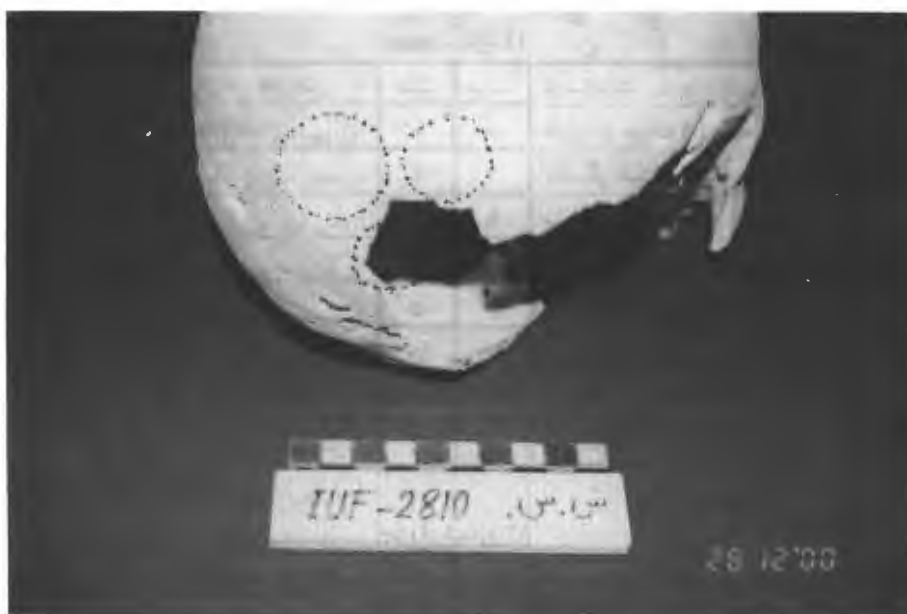
شکل ۲۱



شکل ۲۲



شکل ۲۳



شکل ۲۴



شکل ۲۵

جدول شماره ۱۲

توضیحات	مذکر	مونث	طبقه بندی مقیاس طول سر Gl.On
طول سر مردان و زنان در ۵ گروه از یکدیگر تفکیک شده‌اند. براساس محاسبات انجام شده مندرج در جدول زیر مردان و زنان شهر سوخته بیشتر در رده متوسط و سر دراز قرار می‌گیرند. سرهای بسیار دراز و یا کوتاه در میان نمونه‌ها دیده شده است اما سر بسیار کوتاه دیده نشده است.	-	-	بسیار کوتاه (Trés courte)
	۲	۱	کوتاه (Coutle)
	۵	۹	متوسط (Moyenne)
	۵	۸	دراز (Longue)
	۵	۳	بسیار دراز (Trés Longue)
جمع	۱۷	۲۱	

جدول شماره ۱۳

توضیحات	مذکر	مونث	طبقه بندی مقیاس عرض سر Eu -En
عرض سر مردان و زنان شهر سوخته نیز در ۵ گروه از یکدیگر تفکیک شده‌اند. در این گروه‌ها دامنه پراکندگی بسیاری دیده می‌شود. ۵۹ درصد از مردان سر بسیار باریک هستند و در مقابل ۴۰ درصد زنان دارای عرض سر باریک و ۳۰ درصد عرض متوسط هستند. ۱۳/۵ درصد در مجموعه گروه زنان و مردان دارای سر پهن می‌باشند.	۱۰	۳	بسیار باریک (Trés Ctroit)
	۲	۸	باریک (Etroite)
	۱	۶	متوسط (Moyenne)
	۳	۲	پهن (Large)
	۱	۱	بسیار پهن (Trés Large)
جمع	۱۷	۲۰	

جدول شماره ۱۴

توضیحات	مذکر	مونث	طبقه بندی مقیاس Ba-Na
این جدول نشان‌دهنده موقعیت فیزیکی صورت نسبت به سوراخ ماگنوم (Magnum) می‌باشد. صورتهای مردم شهر سوخته از حد متوسط متمایل به کشیدگی و درازی است. دو مورد مقیاس کوتاه ارایه شده در جدول زیر مربوط به بزرگسالان است.	-	-	بسیار کوتاه (Trés courte)
	۱	۱	کوتاه (Coutle)
	۳	۸	متوسط (Moyenne)
	۵	۲	دراز (Longue)
	۳	۲	بسیار دراز (Trés Longue)
جمع	۱۲	۱۳	

جدول شماره ۱۵

توضیحات	مذکر	مونث	طبقه بندی مقیاس ارتفاع سر Ba-Br
این مقیاس که در سنجش بسیاری از شاخص های و محاسبات حجم دارای ارزش فراوانی است با ۵۰ درصد تراکم در گروه (بلند) تمایل به افزایش را در مردان نشان می دهد. این تراکم در زنان در حد متوسط است. با وصف بر این زنان نیز تمایل به افزایش ارتفاع سر دارند به طوریکه نیمی در فرکانس (فراوانی) آنان در گروه های بلند و بسیار بلند متمرکز می شود. در اینجا دو مورد ارتفاع پست داریم که اختصاص به مردان دارد که هر دو مورد نیز به میانسالان و بالا میانسالان تعلق دارند.	۱۲	۱۲	جمع
	۴	۳	بسیار بلند (Trés haute)
	۶	۴	بلند (Haule)
	-	۵	متوسط (Moycnne)
	۲	-	پست (Basse)
	-	-	بسیار پست (Trés basse)

جدول شماره ۱۶

توضیحات	مذکر	مونث	طبقه بندی مقیاس پیشانی FI-FI
در جدول مقایسه ای حداقل عرض پیشانی جز از گروه بسیار باریک، انواع دیگر پیشانی شده اند و تراکم بیشتر پیشانی ها در مقیاس متوسط است. ۱۸/۷ درصد مردان و ۱۷/۶ درصد از زنان دارای پیشانی پهن بوده اند.	۱۶	۱۷	جمع
	۱	-	بسیار پهن (Trés Large)
	۳	۳	پهن (Large)
	۹	۱۳	متوسط (Moycnne)
	۳	۱	باریک (Etroile)
	-	-	بسیار باریک (Trés etroile)

جدول شماره ۱۷

توضیحات	مونث	مذکر	طبقه بندی مقیاس Ba-pr
در مقیاس Ba-Pr فاصله آرواره فوقانی	۲	-	بسیار کوتاه (Trés courte)
از سوراخ ماگنوم سنجیده می شود.	۶	۲	کوتاه (Couste)
تراکم این مقیاس برای مردان در حد	۴	۸	متوسط (Moyenne)
متوسط و برای زنان کوتاه است اما	۱	۱	دراز (Longue)
تمایل زنان نیز به مقیاس متوسط	-	۱	بسیار دراز (Trés Longue)
است. دو مورد مقیاس بسیار کوتاه	۱۳	۱۲	جمع
زنان به دو فرد در سنین کهنسالی است.			

جدول شماره ۱۸

توضیحات	مونث	مذکر	طبقه بندی مقیاس Na-pr
در مقیاس Ba-Pr فاصله آرواره فوقانی	۱	۲	بسیار پست (Trés basse)
از سوراخ هاگنوم سنجیده می شود.	۶	۳	پست (Basse)
تراکم این مقیاس برای مردان در حد	۹	۶	متوسط (Moyenne)
متوسط و برای زنان کوتاه است اما	-	۳	بلند (Haule)
تمایل زنان نیز به مقیاس متوسط	-	۲	بسیار بلند (Trés haule)
است. دو مورد مقیاس بسیار کوتاه	۱۶	۱۵	جمع
زنان مربوط به دو فرد در سنین			
کهنسالی است.			

جدول شماره ۱۹

توضیحات	مونث	مذکر	طبقه بندی مقیاس حدقه Mf-Ecl
دامنه نوسان طول حدقه در مردان	-	۲	بسیار باریک (Trés étroile)
به زنان گسترده تر است با وصف این	-	۲	باریک (Étroile)
تراکم این مقیاس در مردان در گروه،	۵	۳	متوسط (Moyenne)
پهن، تمرکز داشته و تمایل آن به هر دو	۶	۶	پهن (Large)
سمت است. این تراکم در زنان	۶	۳	بسیار پهن (Trés Large)
مشخص نیست و با دامنه وسیع از حد	۱۷	۱۶	جمع
متوسط تا بسیار پهن مشاهده می شود.			

جدول شماره ۲۰

ارتفاع حده H.de lorbite	مذکر	مونث	توضیحات
بسیار پست (Trés basse)	۴	۵	ارتفاع حده در مردان کمتر از زنان
پست (Basse)	۸	۲	است. تراکم این مقیاس در مردان در
متوسط (Moyenne)	۴	۸	گروه پست و تراکم در زنان در گروه،
بلند (Haute)	-	۱	متوسط، است اما تقریباً نیمی از زنان
بسیار بلند (Trés haute)	-	-	دارای ارتفاع چشم پست و یا بسیار
جمع	۱۶	۱۶	پست هستند و موارد نادر از ارتفاع بلند در میان آنها دیده می شود.

جدول شماره ۲۱

طبقه بندی مقیاس عرض بینی B.Nasal	مذکر	مونث	توضیحات
بسیار باریک (Trés étroite)	-	۱	تراکم فراوانی در مقیاس عرض بینی در
باریک (Étroite)	۲	۶	گروه مردان در حد، متوسط است و
متوسط (Moyenne)	۱۰	۶	به هر دو سمت مشاهده می شود اما
پهن (Large)	۳	۲	تمایل زنان بیشتر به بینی، باریک و
بسیار پهن (Trés Large)	۲	۱	بسیار باریک است. نمونه هایی از بینی
جمع	۱۷	۱۶	پهن در هر دو گروه مشاهده شده است. یک نمونه بینی بسیار باریک مربوط به زنی جوان (۱۶۱۰) می باشد.

جدول شماره ۲۲

طبقه بندی مقیاس طول بینی Na-Ns	مذکر	مونث	توضیحات
بسیار کوتاه (Trés basse)	۴	۳	دامنه مقیاس طول بینی در هر دو گروه
کوتاه (Basse)	۵	۳	به یک نسبت است. نقطه تراکم این
متوسط (Moyenne)	۵	۹	مقیاس در مردان مشخص نیست اما
دراز (Haute)	۳	۱	برای زنان در گروه، متوسط، متمرکز
بسیار دراز (Trés haute)	-	-	است و تمایل آنها به بینی های کوتاه و
جمع	۱۷	۱۶	بسیار کوتاه است.

جدول شماره ۲۳

توضیحات	مذکر	مونث	طبقه بندی مقیاس پس سری Au- Au
مقیاس عرض پس سری از نقطه (Au)	-	-	بسیار باریک (Trés étroile)
در هر دو گروه تقریباً به یک نسبت	۳	۳	باریک (Étroile)
است و تمرکز آنان در گروه، متوسط	۸	۶	متوسط (Moycnne)
است اما عرض، باریک، در هر دو	-	-	پهن (Large)
مشاهده می شود.	-	-	بسیار پهن (Trés Large)
	۱۱	۹	جمع

جدول شماره ۲۴

توضیحات	مذکر	مونث	طبقه بندی ارتفاع زیر حده Pommelesh
تراکم مقیاس ارتفاع زیر حده چشم در	-	-	بسیار پست و فشره (Trés basses)
هر دو گروه مردان و زنان در گروه	۲	۱	پست (Basses)
، متوسط، متمرکز است اما گرایش به	۱۰	۷	متوسط (Moycnnes)
هر دو سمت مشاهده می شود.	۱	۴	بلند (Haules)
	-	۱	بسیار بلند (Trés haules)
	۱۳	۱۳	جمع

جدول شماره ۲۵

توضیحات	مذکر	مونث	طبقه بندی عرض پیشانی L.c Frontal max
تراکم حداکثر عرض پیشانی در هر دو	۱۲	۹	بسیار باریک (Trés étroile)
جنس بیشتر در گروه بسیار باریک،	۳	۵	باریک (Étroile)
متمرکز است.	۱	-	متوسط (Moycnne)
	-	-	پهن (Large)
	-	-	بسیار پهن (Trés Large)
	۱۲	۱۴	جمع

جدول شماره ۲۶

توضیحات	مذکر	مونث	طبقه بندی شاخص Eu - Eu / Gl-On
دامنه فرکانس در این جدول چندان	-	-	فوق دراز ultra dolicho crânc
گسترده نیست. تراکم مشخصی در	۴	۲	بسیار دراز Hyper dolictio crânc
مشاهده نمی شود ولی در هر صورت	۶	۵	دراز Dolicho crânc
فراوانی عمده آن در گروه، متوسط، سر	۱۰	۵	متوسط Méso crânc
دراز است. نان بیشتر در گروه سر	۲	۳	گرد Brachy crânc
متوسط قرار می گیرند اما گرایش آنها	-	-	بسیار گرد Hyper brachy crânc
به سر درازی است. ۱۱/۸ درصد	-	-	فوق گرد Ultra brachy crânc
مردان و ۱۵ درصد زنان براکی سفال			
(سرگرد) هستند.	۱۷	۲۰	جمع

جدول شماره ۲۷

توضیحات	مذکر	مونث	طبقه بندی شاخص Ft-Ft \ Eu-Eu
۶۲/۵ درصد مردان و ۵۳/۳ درصد	۱	۵	پیشانی باریک sténométope
زنان شهر سوخته دارای پیشانی	۵	۲	پیشانی متناسب Métriometope
عریض هستند و ۳۳/۳ درصد زنان دارای	۱۰	۸	پیشانی عریض Enrymétope
پیشانی باریک و ظریف می باشند.			
	۱۶	۱۵	جمع

جدول شماره ۲۸

توضیحات	مذکر	مونث	طبقه بندی شاخص Ba-Ba/ Eu -Eu
در مقایسه تناسب ارتفاع بر عرض سر	-	۲	جمع پست و کوتاه Tapcine crânc
مردان در دو گروه با سر متناسب و	۳	۵	جمع متناسب Métrio Crânc
سر بلند قرار می گیرند و اکثریت آنها	۹	۵	جمع رفیع و بلند Acro Crânc
یعنی ۷۵ درصد در گروه دوم جای	۱۲	۱۲	جمع
دارند. گسترده دامنه فراوانی زنان از			
این بابت زیاد است و تراکم مشخصی			
ندارند و از همه مهمتر اینکه در گروه			
زنان ۱۶/۷ درصد در رده جمع			
پست و کوتاه قرار دارند.			

جدول شماره ۲۹

توضیحات	مؤنث	مذکر	طبقه بندی شاخص Ba-Bx/ Gl - On
در تناسب ارتفاع بر طول سر برعکس	-	۱	جمجمه پست و کوتاه Chamae crâne
مورد پیشین دامنه فراوانی مردان بیش از زنان است و هر دو گروه در دسته جمجمه های رفیع و بلند قرار می گیرند. ۶۶/۷ درصد جمجمه های مردان بلند است و ۵۸/۳ درصد زنان نیز دارای جمجمه بلند هستند.	۵	۳	جمجمه متناسب Orliho Crâne
	۷	۸	جمجمه رفیع و بلند Hypsi Crâne
	۱۲	۱۲	جمع

جدول شماره ۳۰

توضیحات	مؤنث	مذکر	طبقه بندی شاخص Ba-Ba/ Bu.max
در شاخص ارتفاع بر مجموع طول و عرض جمجمه نوسان و تراکم انواع آن بیشتر و بهتر نمایان می شود. ۷۵ درصد مردان و ۵۰ درصد زنان در رده جمجمه های بلند جای می گیرند.	-	۲	جمجمه پست و کوتاه Crâne bas
جمجمه های بلند جای می گیرند.	۳	۴	جمجمه متناسب Crâne moyen
جمجمه های پست و کوتاه نیز در دو مورد خاص زنان (شماره های ۱۳۰۰ و ۲۳۰۰) دیده شده اند.	۶	۹	جمجمه رفیع و بلند Crâne haut
	۱۲	۱۲	جمع

جدول شماره ۳۱

توضیحات	مؤنث	مذکر	طبقه بندی شاخص Fl - ft / max
جدول معرف تناسب حداقل و حداکثر عرض جمجمه و نشان دهنده پیشانی اشخاص در هر دو گروه زنان و مردان نسبتاً متفاوت از حداقل عرض آهیانه.	-	-	پیشانی کاملاً متفاوت از عرض جمجمه frontal très diversment
	۱۴	۱۶	پیشانی نسبتاً متفاوت Frontal moyennement diversment
	-	-	پیشانی همتراز با عرض جمجمه frontal parallèle
	۱۴	۱۶	جمع

جدول شماره ۳۲

توضیحات	مذکر	مونث	طبقه بندی حجم جمجمه Capacity
در محاسبه حجم جمجمه که ۹۹ درصد با استفاده از ارتفاع باریم	-	-	جمجمه کم حجم Oligen ecphate
برگما (Ba-Br) صورت گرفته جمجمه مردان و زنان در دو گروه متعادل	۷	۵	جمجمه متعادل Eucn cephal
برحجم مشاهده شده اند با این تفاوت که ۷۵ درصد زنان در رده جمجمه های پر حجم قرار می گیرند اما مردان به نسبت مساوی در دو گروه مشاهده می شوند.	۷	۱۰	جمجمه پر حجم Arisien céphale
	۱۴	۱۵	جمع

جدول شماره ۳۳

توضیحات	مذکر	مونث	طبقه بندی شاخص Na - Pr/ Zy-Zy
در سنجش تناسب ارتفاع و صورت کوتاه و تخت Euryéne	۱	۲	
و مورفولوژی صورت ۳ رده مشاهده می شود. اکثریت مردان و زنان با صورت باریک و کشیده Lepténe	۷	۷	
و ۶۳۶/۶ درصد مردان و ۵۰ درصد زنان در این رده قرار می گیرند. درصد پایینی از صورتهای کوتاه و تخت نیز دیده شده است.	۱۱	۱۴	جمع

جدول شماره ۳۴

توضیحات	مذکر	مونث	طبقه بندی شاخص حدقه H/Ect - (M-F)
اکثریت مردان یعنی ۶۲/۵ درصد آنان حدقه پست هستند و ۶۲/۵ درصد زنان دارای حدقه متناسب می باشند.	۱۰	۵	حدقه پست و کشیده Chamacconque
یک مورد (زن شماره ۲۸۰۹) با حدقه باز مشاهده شده است.	۶	۱۰	حدقه متناسب Mésoconque
	-	۱	حدقه باز Hypsiconquo
	۱۶	۱۶	جمع

جدول شماره ۳۵

طبقه بندی شاخص ام (کلاسیک)	مونث	مذکر	توضیحات
Leptostaphitin	۲	۱	۷۵ درصد مردان و ۶۹/۲ درصد زنان
Mésostaphilin	۱	۳	دارای کامی عریض هستند و کام
Brachystaphilin	۹	۹	متوسط در زنان بیشتر از مردان وجود
جمع	۱۲	۱۳	دارد. کام دراز نیز در هر دو گروه مشاهده شده است.

جدول شماره ۳۶

طبقه بندی شاخص بینی Na - Ns/ B	مونث	مذکر	توضیحات
Leptorhinic	۳	۴	۴۷ درصد از مردان و ۳۷/۵ درصد از
Mesorhinic	۶	۶	زنان دارای بینی پهن هستند. ۳۵/۳
Platyrrhinic	۸	۶	درصد از مردان و ۳۷/۵ درصد زنان
جمع	۱۷	۱۶	دارای بینی متناسب و شکیل بوده اند و ۱۷/۶ درصد مردان و ۲۵ درصد زنان دارای بینی باریک و کشیده بوده اند.

جدول شماره ۳۷

طبقه بندی شاخص Zy-Zy/ En - Eu	مونث	مذکر	توضیحات
Cryptozygic	۸	۱۴	تناسب عرض گونه بر عرض حجمه
phénozygie	۳	-	نشان می دهد که هر دو گروه مردان و
جمع	۱۱	۱۴	زنان نسبتا ظریف و پنهان بوده است. تنها سه مورد گونه برجسته و استخوانی در مردان مشاهده شده است.

جدول شماره ۳۸

توضیحات	مونث	مذکر	طبقه بندی شاخص Ba-Pr/ Ba - Na
در این شاخص که موقعیت آرواره فوقانی و مرفولوژی آن بررسی شده است. زنان و مردان شهر سوخته معمولاً دارای فکی صاف و مسطح هستند و تنها یک مورد فک بیرون زده در یک نمونه مذکر (شماره ۱۷۰۶) دیده شده است.	۱۳	۸	Orthognathisme فک صاف و مسطح
	-	۳	Mesognathisme فک متناسب
	-	۱	Prognathisme فک بیرون زده
	۱۳	۱۲	جمع

جدول شماره ۳۹

توضیحات	مونث	مذکر	طبقه بندی شاخص چانه Mandibular
سه دسته مختلف در شاخص فک تحتانی مردان و زنان دیده شده است.	۲	۴	Brachygnathe چانه گرد
چانه گرد و عریض در مردان با ۴۴/۴ درصد و چانه دراز در زنان با ۵۷/۱ درصد اکثریت را تشکیل می دهد.	۳	۲	Mésognathe چانه متناسب
	۸	۳	Dolichognathe چانه دراز
	۱۴	۹	جمع

جدول شماره ۴۰

توضیحات	مونث	مذکر	طبقه بندی زند زیرین Uhna 1
در بررسی زند زیرین هر سه رده بندی در شهر سوخته مشاهده شده است اما حدود نیمی از آنها در حد متناسب است.	۶	۴	Platoténic زند زیرین پهن
	۶	۶	Evrolénic زند زیرین متناسب
	۲	۲	زند زیرین بسیار متناسب Hypereuroléuic
	۱۴	۱۲	جمع

جدول شماره ۴۱

توضیحات	مونث	مذکر	طبقه بندی شاخص ران فوقانی Femur I
در شناخت ویژگی های فیزیکی استخوان ران ۲ شاخص محاسبه شده است. در این شاخص مردان به نسبت مساوی در هر سه رده حضور دارند اما زنان با ۷۷/۸ درصد بیشتر جزو گروه استخوان پهن هستند.	۱۴	۵	Platyméric ران پهن
	۲	۴	Euryméric ران متناسب
	۲	۵	Sténoméric ران ظریف
	۱۸	۱۴	جمع

جدول شماره ۴۲

توضیحات	مونث	مذکر	طبقه بندی شاخص میانی ران Femur I
مردان با ۵۷/۱ درصد دارای زن نسبتاً	۷	۳	ستون ظریف Pilastre nul
گردد بوده اند و زنان با ۳۸/۹ درصد	۵	۸	ستون نسبتاً گریلاستریل pilastre faible
دارای رانی نسبتاً ظریف بوده اند. تنه	۵	۲	ستون متناسب Pilsstre moyen
متناسب ران بیشتر در زنان دیده	۱	۱	ستون مستحکم Pilastr fort
می شود و ساختمان فیزیکی تنه	۱۸	۱۴	جمع
مستحکم ران به ندرت دیده می شود.			

جدول شماره ۴۳

توضیحات	مونث	مذکر	طبقه بندی شاخص درشت نی Tibia I
۵۳/۸ درصد مردان و ۴۷/۱ درصد	۳	۳	ساق پهن Playcnémic
زنان دارای ساقی عریض هستند. ساق	۶	۳	ساق متناسب Mesocnémic
متناسب در زنان ۳۵/۳ درصد	۸	۷	ساق عریض Evrycnémic
می باشد.	۱۷	۱۳	جمع

جدول شماره ۴۴

توضیحات	مونث	مذکر	طبقه بندی شاخص بازو Radius / Humerus
در شاخص تناسب زند زیرین با	۳	-	ساعد کوتاه Brachycherchic
استخوان بازو، نیمی از نمونه ها	۶	۶	ساعد متناسب Mesaticherchic
متناسب هستند و تعداد قابل توجهی	۳	۴	ساعد دراز Dolichocherchic
نیز در رده ساعد دراز قرار می گیرند. ۲۵	۱۲	۱۰	جمع
درصد دزنان ساعد کوتاه هستند.			

جدول شماره ۴۵

توضیحات	مونث	مذکر	شاخص داخلی لگن خاصره
نمونه قابل توجهی در مردان یافت	۹	۱	لگن خاصره پهن Platypeltic
نشده است اما صد درصد زنان دارای	-	۱	لگن خاصره متوسط Mesatipollic
لگن خاصره پهن و طبیعی دارند.	-	۱	لگن خاصره دراز Dolichopollic
نمونه شماره ۱۵۰۳ مردی است	۹	۳	جمع
با ویژگی های زنانه.			

نگاهی تحلیلی به نقوش کاشی کاری مجموعه کاخ گلستان

فرزانه خانلرخانی (کارشناس ارشد باستان شناسی)

سلیم سلیمی موید (کارشناس مردم شناسی)

چکیده:

در این مختصر سعی بر آن داریم تا با بهره گیری از نقوش کاشی کاری موجود در مجموعه کاخ گلستان به توصیف و تحلیل هر یک از آنها به پردازیم. البته از میان انبوه نقوش برخی از بهترین ها انتخاب و معرفی شده اند از آن جمله می توان به؛ بررسی و توصیف نقوش انسانی، اساطیری، ورزش، شکار و سوارکاری، تصاویر بناها، پرندگان، تصاویر بزمی، مبارزه جانوران، گل و گلدان و گل و میوه پرداخته شده اشاره نمود. در این مقاله سعی داریم بر اساس دیدگاه تاریخی و نقوش با بهره گیری از اطلاعات و داده های مردم شناسی به تحلیل نقوش و بررسی آنها به پردازیم.^{**}

مقدمه:

حس کمال جویی و زیباپرستی بشر باعث گردیده تا با بهره گیری از فنون و شیوه های مختلف، هنر خود را به نمایش در آورد. هنرمند در این راه تمام تلاش و کوشش خود را بکار می گیرد تا اثری ماندگار از خود به جای گذارد. علاوه بر آن ایمان به جاودانگی و حیات ابدی به انسان این امکان را می دهد تا با استفاده از آنچه در پیرامون خود می بیند با ترفندهای مختلف آنها را به شکل موجودات زنده انگاشته و با به تصویر کشیدن یا تبدیل آنها به آنچه که خود می خواهد، نوعی زنده انگاری در آنها پدید آورد. تغییر و تبدیل در بسیاری از شئون زندگی فردی

^{**}. منبع اصلی مقاله فوق پایان نامه سرکارخانم فرزانه خانلرخانی در مقطع کارشناسی ارشد می باشد.

و اجتماعی تجلی یافته و هنرمندان رشته‌های مختلف به خصوص طراحان کاشی سعی نموده‌اند با ایجاد نقوش و تصاویری زیبا در کاشی نوعی پیوند بین انسان و طبیعت پیرامون ایجاد نمایند. این هنر تا آنجا پیش رفته که انسان هنرمند خواسته‌های معنوی و مادی خود را در تصاویر و نقوش سطوح کاشی بناهای گوناگون بکار گیرد. معمولاً در غالب نقوش موجود در بناهای مذهبی، معنویت و وحدت‌گرایی مدنظر هنرمندان بوده ولی در بناهای حکومتی بیشتر تصاویر و نقوش به طبیعت معطوف است. تمایل به ایجاد مناظر طبیعی علاوه بر معماری در بسیاری از هنرهای دیگر نیز به چشم می‌خورد. تحقیق درباره هر یک از این هنرها نیازمند وقت فراوان و دقت بسیار است. در قدم اول سعی داریم تا در نوشته زیر برخی از نقوش کاشیکاری موجود در مجموعه کاخ گلستان را ابتدا از لحاظ موضوعی دسته‌بندی و سپس به توصیف و تحلیل جزئی هر یک به پردازیم.

معرفی اجمالی مجموعه کاخ گلستان

مجموعه بناهای ارزشمند و تاریخی کاخ گلستان با آثاری از دوره‌های پهلوی و قاجاریه همراه با آثار کمی از دوره زندیه در شمار بناهای ماندگار ایران قرار دارد. اقداماتی از قبیل تغییر، تعمیر یا ساخت بنا بیش از همه در دوره قاجاریه صورت گرفته به طوریکه هر کدام از شاهان قاجار در دوره زمامداری خود مقداری به نقوش مجموعه افزوده یا بخشی جدید به کاخ اضافه نموده‌اند. همراه با این تغییر و تحول هنرمندان کاشی کار با مهارت خاصی سعی نموده‌اند نوعی هماهنگی بین سطوح الحاقی جدید و قدیمی پدید آورند. برخی از نقوش موجود در این مجموعه شامل؛ تصاویر مربوط به انسان و فرشته‌ها، نقوش اساطیری، نشانهای شیر و خورشید، تنوعی از گل‌های ایرانی، انواع گلدانها، میوه‌ها و تصاویری از پرندگان مختلف، مبارزه جانوران، شکار و مناظری از شکارگاهها، تصاویری از بناهای ایرانی و خارجی، تصاویر متعددی مربوط به بزم و رزم و ... می‌شود. این نقوش با هماهنگی خاص و رنگ آمیزی زیبایی در کنار همدیگر قرار گرفته‌اند. در دوره قاجار بیش از همه توجه هنرمندان به طرح‌های اسلیمی، گره و گره کاری و محلقی معطوف است. استفاده از تصاویر انسانی همراه با لباس و تزیینات گوناگون نشان دهنده گوشه‌هایی از زندگی مادی و معنوی آن دوره است. در این مجموعه تلفیق نقوش و طرح‌ها در کنار هم بیش از همه جلب نظر می‌کند و هنرمندان با آفرینش این گونه نقوش یادگاری

ارزشمند از خود به جای گذاشته‌اند. معرفی بیش از پیش این مجموعه به ما این امکان را می‌دهد تا ارزش‌های هنری دوره قاجار را بهتر بشناسیم.



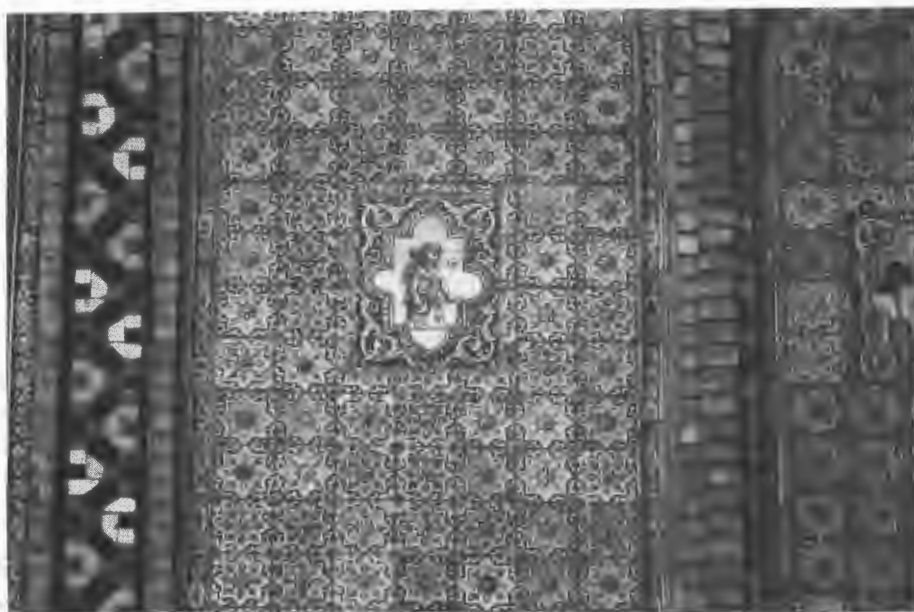
تصویر شماره ۱

هنرمندان دوره قاجار با بهره‌گیری از هنر خود در عرصه‌های مختلف، حیات و حرکت تازه‌ای به این هنر اصیل داده‌اند و کاشی‌کاری را از انحصار بناهای مذهبی و بقاع متبرکه خارج کردند. با این عمل سطوحی از دیوارهای بیرونی و درونی بناهایی چون؛ کاخها، عمارات اعیانی و دروازه‌ها مزین به نقوش متنوع کاشی شد. همچنین برای اولین بار استفاده از نقوش بته جقه‌ای با رنگهای صورتی و آبی و سبز محاط در داخل ترنج‌های زرد و سفید معمول گردید. این کار یکی از برتری‌های این دوره نسبت به ادوار قبل به شمار می‌رود. در این دوره با افزایش سفرهای شاهان و شاهدگان به اروپا و دول مترقی آن روز، تحولی هر چند ناقص و عقیم در معماری و تزئینات وابسته به آن پدید آورد که عمده این تحولات از حکومت ناصرالدین شاه (۱۲۸۴ هـ ق) به بعد بود. ولی پس از آن نوعی ساماندهی در بناها صورت گرفت بطوریکه سطوح فاقد کاشی کاری مربوط به دوره‌های قبل ترمیم و یا مزین به کاشی‌های نقش دار گردید و متناسب با نوع کاربری بنا، نقوش هماهنگ برای آنها انتخاب و به اجرا درآمد.

سابقه تعمیرات و الحاقات

عمده تعمیرات و تغییراتی که طی دوره قاجار به دستور شاهان در مجموعه کاخ گلستان صورت پذیرفته به شرح زیر است:

۱- بین سالهای (۱۲۱۴ تا ۱۳۰۰ ه‍.ق) تعدادی بنا همراه با کاشی‌های معرق و نقوش هندسی در رنگ‌های زرد، سفید، سیاه و فیروزه‌ای در حاشیه درها و پنجره‌ها بکار گرفته شد و کاشی‌های هفت رنگ در قاب بندی اطراف حیاط یا پوشش افریزها در دهلیزهای فوقانی پلکان خلوت کریمخانی با شیوه زیر لعابی مرسوم شد.^(۱) همچنین الهام‌گیری از عکس‌ها و تصاویر ناصرالدین شاه که در اروپا تهیه شده بود در طراحی و ساخت کاشی نفوذ کرد و همراه با هاشورزنی در رنگ سیاه توام با مرکب قهوه‌ای رایج و مرسوم گردید.



تصویر شماره ۲

۲- اقدامات دوره ناصرالدین شاه در زمان مظفرالدین شاه نیز تداوم یافت. در این دوره ابتدا استفاده از نقوش زیر لعابی توسعه و تکامل یافت و تصاویری بر روی کاشی‌های خشتی نقش

۱- این هنر تا آن زمان مخصوص صنعت سفال بود.

گردید که عمده‌ترین آنها عبارتند از؛

الف - برخی از پادشاهان دوره پارسی و فرمانروایان برگزیده مانند شاه عباس و نادر شاه با الهام از تصاویر کتاب خسروان نامه.

ب - نیم رخ پادشاهان پارتی همراه با ذکر نام سلسله و شاه در قابهای مدور همانند سکه‌های دوره اشکانیان.

پ - چشم اندازهای طبیعی یا شهری، بناهای یادبود و بقاع متبرکه، برج‌ها، پل‌ها و... مربوط به ایران یا دیگر کشورها.

۳- در دوره احمد شاه تصاویری از سربازان قزاق با لباس متحدالشکل، نقش شیر و خورشید و پیکره زنان بالدار نیز به این مجموعه اضافه گردید.

تصاویر و نقوش کاشی

وسعت زیاد سطوح کاشی کاری شده مجموعه کاخ گلستان به پژوهشگر این مکان را می‌دهد تا هنگام دسته بندی نقوش به تنوع و گوناگونی زیادی دست یابد. ما نیز با بهره‌گیری از این مکان بعضی از نقوش و تصاویر موجود را دسته بندی کرده و به معرفی آنها می‌پردازیم.^(۱)

۱- تصاویر انسانی

ناصرالدین شاه پس از مسافرت‌های متعدد به دول اروپایی درصدد برآمد در اندرون کاخ گلستان تغییراتی انجام دهد تا هر چه بیشتر خود را به فرهنگ و نحوه زندگی اروپائیان نزدیک نماید. همین امر باعث گردید تا تصاویری از زنان با پوشش نامناسب بر دیوارهای کاخ گلستان نقش گردند. این عمل گرچه خلاف عرف و شرع به شمار می‌رفت ولی ناصرالدین شاه با کمال جسارت به این کار اقدام نمود. هنرمندان این دوره سعی بر آن داشتند تا با تلفیق هنر ایرانی و اروپایی تصاویر جدیدی را ابداع کنند. برای نمونه می‌توان به تصویر دو زن در خلوت کریم خانی اشاره کرد که در کنار همدیگر ایستاده و سگی در کنار آن دو قرار دارد. نحوه آرایش موی سر و بدن نیمه عریان آنها حکایت از نفوذ فرهنگ غربی دارد. نوع لباس‌ها و نوار دوزی لبه سر آستین و یقه، ابروهای پیوسته، صورت گرد و گونه‌های گلگون نشان از فرهنگ ایرانی آنها دارد.

۱- مجموعه ارائه شده فقط به برخی از نقوش موجود اشاره دارد.



تصویر شماره ۳

از دیگر تصاویر انسانی موجود در خلوت کریم خانی می‌توان به شاهزاده‌های قاجار اشاره داشت. در طراحی نقوش این افراد سعی شده تا لباس، صورت، اندام، زمینه تصویر و ... به طور کلی ایرانی باشد.



تصویر شماره ۴

تصاویر تعدادی سرباز در دو طرف درهای ورودی طبقه تحتانی کاخ شمس العماره خودنمایی می‌کند در این تصاویر مواردی چون؛ ادوات جنگی، ساز و برگ نظامی، ابزار و ادوات موزیک نظامی بیش از همه جلب توجه می‌کند که با تمام مهارت و دقت نقش شده‌اند.



تصویر شماره ۵

علاوه بر آن تصویر دو مرد نظامی در طرفین در ورودی عمارت بادگیر به چشم می‌خورد. لباس و نحوه آرایش و نوع سلاح آنها نشان از صاحب منصب بودن این دو دارد. مردان نظامی با وقار و متانت خاصی وظیفه حفاظت از عمارت بادگیر را به عهده دارند، تا از ورود یا خروج افراد مطلع و آگاه باشند.



تصویر شماره ۶

علاوه بر موارد ذکر شده در دیگر بخش‌های مجموعه کاخ گلستان به تصاویر متنوع و زیادی از نقوش انسانی برخورد می‌کنیم که هر کدام در جای خود نیازمند بررسی و معرفی هستند.

۲- تصاویر و نقوش اساطیری

علاوه بر نقش مؤثر اساطیر در باورهای عامه مردم در قصص، افسانه‌ها، اشعار، نقاشی و ... خودنمایی می‌کند، گویی پیوند عمیقی بین انسان و اسطوره وجود دارد. کاشی کاران نیز از این تأثیرپذیری بی‌بهره نمانده‌اند و با خلق آثاری ماندگار درباره اسطوره‌ها، یادگاری ارزشمند بجای گذاشته‌اند. تصاویر اساطیری موجود در مجموعه کاخ گلستان به دو بخش عمده تقسیم می‌شوند.

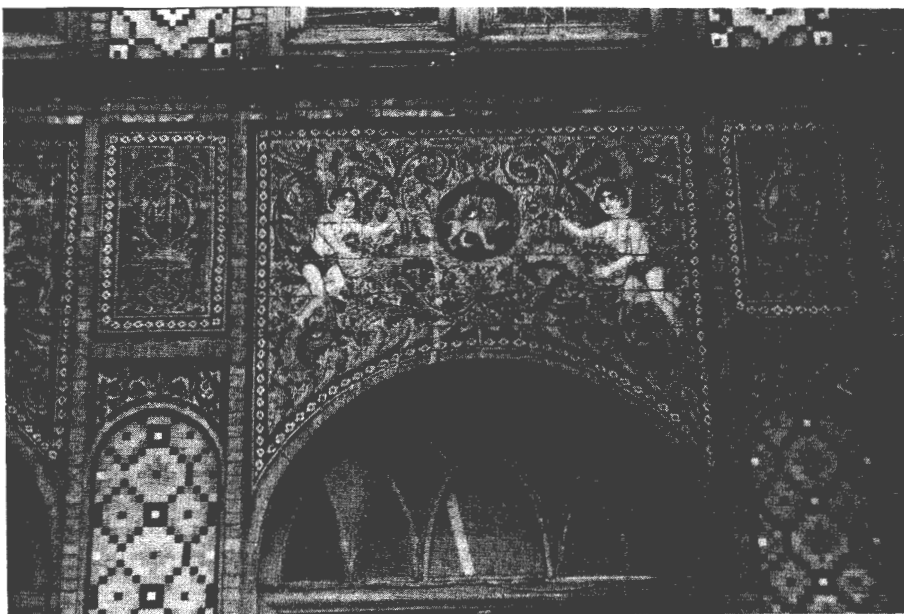
الف - برخی نقوش شامل افراد و موجوداتی هستند که ذاتاً شخصیت و کردار نیک دارند و در طول افسانه همواره کارهای خوب انجام می‌دهند. این گروه اگر چه مورد ظلم و تعدی اشرار و بدخواهان قرار می‌گیرند و به ظاهر متحمل شکست می‌شوند ولی از لحاظ معنوی پیروز میدان بوده و به عنوان موجودات ماندگار شناخته می‌شوند.

ب - دسته دیگر تصاویر اساطیری موجود مربوط به افراد و موجودات شرور است، این

عده با بهره‌گیری از انواع تجهیزات رزمی و نیرنگ، نیروهای خیر را از بین می‌برند و پیروز ظاهری میدان می‌شوند. در تصور عامه این گروه در نهایت شکست پذیر هستند و اعمال آنها نوعی یادآوری و پندی برای مخاطبان است تا به غفلت نروند.

موجودات خیر و شر در نقوش کاشی‌های کاخ گلستان با تمام زیبایی نقش شده‌اند. بعضی از این تصاویر مربوط به؛ فرشته‌های بالدار، فرشته‌های حامل حلقه قدرت شاهان، جنگ بین رستم پهلوان و اکوان دیو، نبرد رستم و سهراب در کارزاری سخت و غم انگیز و ... است.

نقش فرشته بالدار بیش از همه در سطوح کاشی کاری مجموعه کاخ گلستان به چشم می‌خورد. برای مثال در سطوح فوقانی هر یک از دالانهای ورودی و بخش فوقانی پلکانهای خلوت کریم خانی به زیبایی نقش شده‌اند. این فرشته‌ها را نقوشی از گل و بوته، نیلوفر و طرح اسلیمی در برگرفته و هنرمندان با مهارت خاصی توانسته‌اند بین تصاویر، زمینه و متن هماهنگی به وجود آورند. این نقوش معمولاً به صورت قرینه در کنار هم قرار دارند و طراحان کاشی برای قرینه سازی نهایت دقت خود را بکار گرفته‌اند، تا هریک با قرینه مقابل هم خوانی و هم سانی داشته باشد.



تصویر شماره ۷

بیش از همه قرینه سازی را می توان در؛ ابروهای پیوسته، بدن عریان و نیمه عریان، گردی صورت، چشم ها، بینی های باریک، سرخی گونه ها، دستها و پاها ی باریک و ظریف، حلقه قدرت و... مشاهده کرد. این گونه تصاویر در تالار عاج، تالار سلام، کاخ شمس العماره و خلوت کریم خانی بچشم می خورد.

از دیگر تصاویر و نقوش اساطیری مجموعه کاخ گلستان می توان به نبرد میان رستم و اکوان دیو در طبقه اول عمارت شمس العماره اشاره کرد. این نقش در یک قاب بندی بیضی شکل با زمینه آبی رنگ و اسلیمی فراوان در حاشیه آن قرار گرفته است. هنرمند با بهره گیری از خطوط، نقوش و رنگها سعی نموده تا تمام پلیدی را در مقابل تمام خوبی ها قرار دهد. اکوان دیو با همان هیبت ترسناک، بدن پر از مو، گردن بدقواره، شاخ تیز، بازوبند پهلوانی و قدرت، کمربندی با زنگوله و ابروهای درهم کشیده نقش شده. در حالیکه رستم تنها لباس رزم پوشیده و از موضع قدرت با اکوان دیو می جنگد.



تصویر شماره ۸

همانند این تصویر در سوی دیگر دیوار طبقه اول شمس العماره مشاهده می شود با این

تفاوت که در آن نبرد رستم و سهراب نقش شده است. در این تصویر تمام نقوش پیرامون صحنه اصلی معطوف نبرد پدر و پسر گردیده. در آن سوی کارزار فردی نگران و نازاحت به نبرد پدر و پسر نظاره می‌کند. در حالیکه فرد دیگری با چشمان براق و صورتی خوشحال به نبرد آنها نگاه می‌کند. از نکات برجسته این تصویر رعایت عمق میدان توسط نقاش است و طراح صحنه با مهارت خاصی تمام توصیف‌هایی که در شاهنامه فردوسی آمد، در این صحنه آورده است.



تصویر شماره ۹

از دیگر نقوش جالب این مجموعه که در نوع خود دارای تنوع و فراوانی نسبت به دیگر نقوش اساطیری می‌باشد، تصاویر مربوط به شیر و خورشید است. قبل از پرداختن به این نوع تصاویر لازم است ابتدا به گوشه‌هایی از باورها و اساطیر ایرانی پیرامون شیر و خورشید و آنچه که هم اکنون در تفکرات و اندیشه عامه مردم رایج است اشاره شود.

مطالعات و داده‌های مردم شناسی نشان می‌دهد در غالب نقاط ایران بخصوص روستاهای کویری و حاشیه کویر این باور قوی حاکم است که خورشید هر روز صبح توسط شیری قوی پنجه و نیرومند از خاور تا باختر حمل می‌شود. این کار هر روز تکرار شده و باعث پدید آمدن

شب و روز می‌شود. علاوه بر آن امثال و افسانه‌های بی شماری وجود دارند که به نوعی با شیر و خورشید در ارتباط هستند. یکی از عواملی که باعث رونق بیش از پیش توجه به شیر و خورشید شده است رسم شاهنامه خوانی در فصول سرد سال می‌باشد که در نقاط روستایی رایج است. این عمل باعث شده تا قدرت و عظمت شیر بیش از همه در بین روستائیان جلوه نمایی کند. علاوه بر آن در آئین‌های کهن مانند؛ میترائیسم و زردشتی توجه خاصی به خورشید شده است. کاشی سازان و طراحان کاشی با اطلاع و آگاهی کامل از تاریخ کهن ایران و اسطوره‌ها سعی نموده‌اند به انحاء مختلف تصاویر و نقوشی از آنها را رسم نموده و ماندگار سازند. با استفاده از همین افکار بود که شاهان نیز به فکر بهره‌گیری از این نمادها در جهت منافع خود شدند زیرا وجود پادشاهان قدرتمند، مقتدر و مستبد در ادوار مختلف باعث شده تا هنرمندان برای نشان دادن قدرت پادشاهان دوره خود شیر را همواره مغلوب و مقهور قدرت شاه نشان دهند و نیروی بدنی شاه را والاتر از تمام قدرت‌های موجود قلمداد نمایند. در اساطیر کهن یعنی دوره کیانیان افسانه کاوه آهنگر حکایت دیگری از نشان شیر و خورشید را به همراه دارد، کاوه آهنگر با نقش کردن شیر و خورشید بر درفش کاویانی توانست پادشاه ستمگری چون «اژی دهاک» را نابود سازد.

علاوه بر آن یکی دیگر از عللی که شاهان توانستند با بهره‌گیری از این نقش به سلطه و اقتدار خود قوت بخشند استفاده از نقش شیر و خورشید به عنوان نماد عدل و عدالت برای دستیابی به اهداف و مقاصد خود یعنی رخنه در افکار عمومی و اذهان مردم بود. در دوره قاجار نیز همانند دوره‌های قبل شیر و خورشید به عنوان حامل عدالت و داد در جامعه بکار می‌رفت.



تصویر شماره ۱۰

برخی از نقوش شیر و خورشید موجود در مجموعه کاخ گلستان با همدیگر دارای تفاوت و تشابهاتی در بعضی موارد هستند. از جمله تفاوت‌ها می‌توان به؛ قدرت بدنی متفاوت، صورت خشنناک یا آرام و مهربان، چهره‌های لاغر یا پر گوشت، یال کم مو یا پر مو، پرتوهای متفاوت اشعه خورشید، دم شیر در حالات گوناگون، پنجه‌های متفاوت، زمینه‌های گوناگون هندسی و قاب بندی آن اشاره کرد.

اما موارد زیادی وجود دارد که نقوش و تصاویر شیر و خورشید در آنها دارای تشابه هستند، از این دسته می‌توان به؛ وجود شمشیر در دست شیر، غالب رنگ زرد شیرها، بازوان قوی شیرها، چهره قاجاری شیر و خورشید، استفاده از رنگ روشن برای شیر و ... اشاره نمود.

بسیاری از سطوح کاشی کاری شده مجموعه کاخ گلستان دارای نقش شیر و خورشید است از جمله نمونه‌های جالب آن می‌توان به؛ خلوت کریم خانی، تالار عاج، تالار آینه، عمارت شمس العماره و ... اشاره کرد. نکته قابل توجه این نقش‌ها نفوذ فرهنگ بیگانه در تصاویر به خصوص نقش خورشید است. تا آنجا که چهره خورشید در دو نوع متفاوت یکی ایرانی و دیگری به شیوه اروپایی طراحی و اجرا شده است. نوع ایرانی با همان سبک و سیاق قاجاری و نوع اروپایی با

موهای بور، چهره‌ای سفیدگون، ابروهای نازک و کشیده، صورت باریک و دراز و استخوانی همراه با آرایش و تزئین اروپایی خودنمایی می‌کند، این تفاوت‌ها به راحتی قابل تمیز و مشاهده هستند.



تصویر شماره ۱۱

نبرد شیر و اژدها از دیگر نقوش اساطیری مجموعه کاخ گلستان به شمار می‌رود. شیر و اژدها دو موجود افسانه‌ای با قدرتی جادویی و فوق العاده همواره به شیوه‌های مختلف در فرهنگ ایران زمین به ایفای نقش پرداخته‌اند و از لحاظ تاریخی دارای سابقه‌ای بسیار طولانی هستند و هریک با خصوصیات خاص در فرهنگ و باورهای مردم دارای رمز و رازهایی عجیب و شنیدنی هستند. اژدها نه تنها در ایران بلکه در بسیاری از سرزمین‌های شرقی مظهر خیر و برکت بوده و هست. در تصور عامه آن را موجودی افسانه‌ای قلمداد می‌کنند که باران را از دریا جمع‌آوری نموده و به شکل ابر سیاه در می‌آورد، سپس ابرها را به حرکت در آورده و در زمین‌های خشک و بی آب فرو می‌ریزد.

دریک باور دیگر، اژدها دارنده و صاحب اصلی گنج‌ها و دفینه‌ها به شمار می‌رود و حفاظت

از آنها را به عهده دارد و هر از چند گاهی به افراد محتاج، خیرخواه یا شجاع اندکی می‌بخشد. در بناهای پیش از دوره قاجار معمولاً اشکال اژدها به صورت ترکیبی نقش شده. در این ترکیب بندی‌ها دم آن همانند؛ دم مار، پنجه‌ها مثل پنجه شیر، شاخی شبیه به شاخ گوزن، چشمانی مانند چشم میگو و پوستی نظیر پوست ماهی است. موارد ذکر شده تقریباً در غالب تصاویر و نقوش موجود مشترک است. این تلفیق و هنرنمایی همراه با زیبایی و جذابیت خاصی در کاخ گلستان نقش شده است و نقوش اژدها در اشکال مختلف، اندازه‌های گوناگون، زمینه‌های متنوع و متعدد پیاده شده‌اند. بیشتر این تصاویر شامل نوعی نقش اژدها و شیر می‌شود که اژدهایی به گردن شیر قوی پنجه حلقه زده و سعی دارد شیر را به هلاکت برساند.



تصویر شماره ۱۲

تصاویری از این قبیل و یا شبیه آن با بهره‌گیری از هنر قرینه‌سازی در جای جای کاخ گلستان تکرار شده است. یکی از نمونه‌های جالب توجه مربوط به تالار آینه است. این تصویر داخل یک قاب مدور قرار دارد و حاشیه قاب با نقوش اسلیمی پر شده است. داخل قاب نیز نزاع شیر و اژدهایی نقش شده است. تفاوت این نقش با دیگر نقوش شیر و اژدها در نوع پوست اژدهاست.

در این تصویر پوست اژدها همانند پوست پلنگ بوده و پیچ و تاب بدن اژدها بسیار نرم و دارای عضلانی محکم است که حاکی از قدرت بالای آن دارد.

داخل یکی از رواق‌های بخش شرقی مجموعه کاخ گلستان نقش اژدهایی به چشم می‌خورد که در نوع خود بی‌نظیر و جالب است. در بخش میانی طاق نما گلدانی همراه با شاخه‌های گل و پرنده شانه به سر دیده می‌شود. بخش زیرین طاق نما با نقوش اسلیمی پر شده است. این نقوش به شکل زیبایی قرینه سازی شده و در نقطه‌ای که خطوط اسلیمی به اوج می‌رسد هنرمند طراح با مهارت سر اژدها را بر آن نقش نموده^(۱) و در نهایت ذوق جوانه‌هایی از گل و بوته به دهان اژدها قرار داده تا جای آتش را بگیرند. این نقوش به قدری با طرح اصلی زمینه هماهنگی دارند که به آسانی قابل تمیز از هم نیستند. نقوش زیادی از این قبیل در بخش‌های دیگر مجموعه کاخ گلستان مشاهده می‌شوند.

۳- ورزش، سوارکاری و شکار

در بسیاری از بناهای ایرانی طراحی و نقاشی صحنه‌های شکار، ورزش و سوارکاری طی دوره‌های مختلف بر روی کاشی‌ها رایج بوده این روند در دوره قاجار نیز ادامه داشته است. در همین دوره شاهد این هستیم که سطوح زیادی از بخش‌های کاشی کاری شده مجموعه کاخ گلستان دارای این نوع تصاویر و نقوش هستند. تنوع نقوش سوارکاری، ورزش و شکار در مجموعه کاخ گلستان در کنار همدیگر مجموعه ارزشمندی را تشکیل داده‌اند که در کمتر بنایی می‌توان به صورت یکجا تمام آنها را یافت. تصاویر این گروه بیش از همه در طاق نماهای شرقی، طاق نماهای عمارت بادگیر، عمارت شمس العماره و بخش جنوبی کاخ یعنی ما بین ورودی اصلی تا کاخ ابیض دیده می‌شود. باید یادآور شد نقوش بخش جنوبی مجموعه، به صورت منفرد و جدا از هم کار شده‌اند. در غالب تصاویر، شاهان همواره سوار بر اسب بوده و جانوری را شکار کرده‌اند. حمایل و تجهیزات شاه بسیار کامل است. همچنین در تصاویر مختلف این گروه انواع حیوانات در زمینه شکارگاه و پشت زمینه تصویر به چشم می‌خورند. مناظر بسیار سر سبز و حال و هوای اغلب تصاویر نشان از فصل بهار دارد و تمامی دشت‌ها پوشیده از چمن‌زار و درخت است. حاشیه قاب بندی‌ها با طرح اسلیمی محدود شده‌اند.

تصویری که در ابتدای عمارت شمس العماره قرار دارد منظره شکارگاه جالبی را نشان

۱- این نقوش در میان دیگر نقوش اسلیمی به دهان اژدی معروف هستند.

می‌دهد. در این منظره سه شکارگر در حال شکار دو خرس هستند یکی از مردان در حالیکه سوار بر اسب است با نیزه‌ای به خرس حمله‌ور شده و دو نفر دیگر در حالت پیاده یکی با شمشیر و دیگری با قطعه چوبی به خرس‌ها حمله‌ور شده‌اند. علاوه بر افراد در کنار تصویر یک سگ تازی دیده می‌شود که به سوی خرس‌ها حمله‌ور شده است. در کنار تصویر یک سگ تازی دیده می‌شود که به سوی خرس‌ها حمله‌ور شده است. در سمت دیگر صحنه شکارگاه بچه آهوئی از ترس پا به فرار گذاشته و در حال دور شدن است.



تصویر شماره ۱۳

شکارگاه بسیار ماهرانه و با تبحر خاصی رنگ‌آمیزی شد و تصویر نقاشی شده شبیه به شکارگاه واقعی است. در پشت زمینه تصویر فوق نقوش دیگری همانند؛ برکه آب، بناهای با شکوه، رودخانه، چندین تپه کوچک و بزرگ درختان سرسبز، چمن و بیشه زار رسم شده است. در سوی دیگر این تصویر بنای عظیم و با شکوه قلعه فلک الافلاک قرار دارد که خود نشان دهنده مسافرت شاه به دیگر نقاط ایران برای شکار بوده است. در بعضی تصاویر فیل بان‌هایی به چشم می‌خورند که دو یا چند فیل را به جان هم انداخته‌اند، و افرادی آنها را نظاره می‌کنند و لذت می‌برند.



تصویر شماره ۱۴

در اکثر تصاویر این گروه پشت زمینه‌ها با نقوشی چون؛ کوه، درخت، بناهای حکومتی و مذهبی و آسمان آبی رنگ مزین شده‌اند.

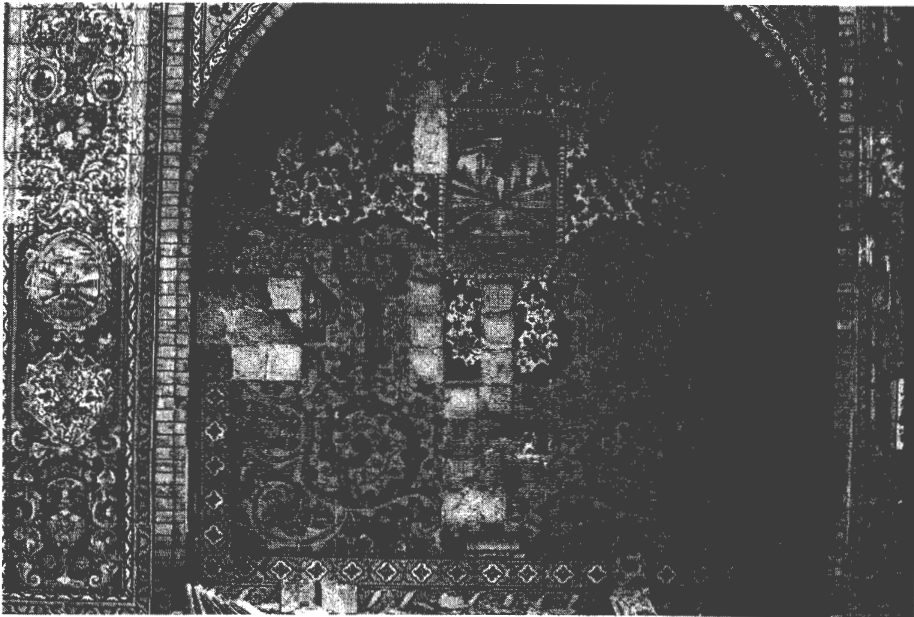
۴- تصاویر بناهای ایرانی و خارجی

ذوق و هنر ایرانیان در طول تاریخ شهره عام و خاص بوده و ایرانیان با ساخت بناهای عظیم و با شکوه در طی زمان به هنر خود افتخار کرده و به آن بالیده‌اند. نقاشان کاشی‌های کاخ گلستان نه تنها در این راه قدم‌های ارزشمند و ارزنده‌ای برداشته‌اند بلکه به شیوه‌های متفاوت و هنرمندانه‌ای تصاویر بناهای ایرانی و غیر ایرانی را در نقوش کاشی کاری به نقش کشیده‌اند. بسیاری از بناهای نقاشی شده حتی توسط طراحان آن از نزدیک دیده نشده‌اند بلکه با توصیف دیگران و یا تصاویر موجود اقدام به این کار کرده‌اند. بسیاری از این نقوش از تصاویر و عکس‌هایی کپی‌برداری شده که توسط ناصرالدین شاه گرفته شده‌اند. نباید فراموش کرد کپی‌برداری از عکس قبل و بعد از ناصر الدین شاه رایج و مرسوم بوده‌است.



تصویر شماره ۱۵

در بسیاری از سطوح کاشی کاری شده مجموعه کاخ گلستان تصاویری از بناهای مذهبی، حکومتی، بقاع متبرکه، قلعه‌ها، آسیاب و پل نقش شده‌اند. این تصاویر با هماهنگی و زیبایی خاصی در کنار دیگر نقوش قرار گرفته‌اند و در تمام آنها نشانه‌هایی از آب، رودخانه، چمن‌زار، سبزه‌زار، درخت و آسمان صاف یا ابری دیده می‌شود. معمولاً درختان موجود را صنوبر و چنار تشکیل می‌دهد. در تصاویری که رودخانه ترسیم شده همواره قایقی در آب روان است و قایقران بادبان را افراشته و در امواج خروشان آب طی مسیر می‌کند. لازم به ذکر است بیش از همه در بین تصاویر مربوط به بناهای ایرانی، بناهای شهر اصفهان به چشم می‌خورد.



تصویر شماره ۱۶

قرینه‌سازی یکی از وجوه مشترک این نوع تصاویر به شمار می‌رود. این نقوش غالباً در میان قاب‌هایی از قبیل؛ مربع، دایره، بیضی و دیگر اشکال هندسی قرار گرفته‌اند. در حالیکه حاشیه قاب با نقوش اسلیمی در انواع مختلف پر شده است. نقوش اسلیمی کار شده از لحاظ رنگ‌بندی و ترکیب کلی با نقاشی داخل قاب هماهنگی دارد. تا آنجا که در بعضی از تصاویر اسلیمی‌ها به قدری با گل و برگ‌های حاشیه خود آذین شده‌اند که تمیز و تفکیک آنها از همدیگر قدری مشکل می‌نماید. عمده رنگ‌های بکار گرفته شده در این نقوش عبارتند از؛ آبی روشن، زرد، نارنجی، قهوه‌ای و سبز.



تصویر شماره ۱۷

گاهی در یک قاب بندی و یا در بخشی از دیوار چند قاب تعبیه کرده‌اند که در هریک از قاب‌ها یکی از بناهای معروف طراحی و نقش شده است.



تصویر شماره ۱۸

۵- نقوش پرندگان

از نقوش متنوع و متعددی که در کاخ گلستان به چشم می‌خورد، مربوط به انواع پرندگان است. پرندگان نقش شده معمولاً در حال آوازخوانی، دانه خوردن، تفریح یا جدال هستند. بیشترین تصاویر پرندگان در داخل گل و بوته قرار گرفته و هنرمند توانسته با این عمل پیوند عمیقی بین انسان و طبیعت ایجاد نماید. در شکل‌گیری، ساخت و خلق این نوع تصاویر طبع لطیف طراحان و فرامین شاهان برای به تصاویر کشیدن این صحنه‌ها بی‌تأثیر نبوده. در هر جای مجموعه کاخ گلستان قدم بگذاریم به این تصویر برخورد می‌کنیم و بیشترین تصاویر در طاق نماهای بخش شرقی مجموعه به چشم می‌خورد.

در یکی از طاق نماها یک قاب لوزی قرار دارد که در آن تصویر میدان نقش جهان اصفهان نقش شده که در دو طرف میدان دو اردک زیبا نقاشی شده است. در بخش زیرین قاب بندی دو عدد قفس با الهام از گنبد های پیاپی شکل همانند گنبدها و قوس های هندی می‌باشد، نقش شده. قفس ها بسیار زیبا هستند و در هر کدام از آنها یک طوطی غمگین نشسته است.^(۱) هماهنگی بین نقش اردک، قفس و طرح های حاشیه به قدری زیاد است که مشکل بتوان آنها را از همدیگر تفکیک نمود.

علاوه بر نقش فوق در اسپر شرقی نزاع دو سیمرخ زیبا نقش شده. همچنین طاق نماهایی در بعضی نقاط به چشم می‌خورند که در آنها انواع پرنده‌ها در یک ردیف عمودی شکل به تعداد شش، هفت و گاه بیش از آن نقش شده‌اند.

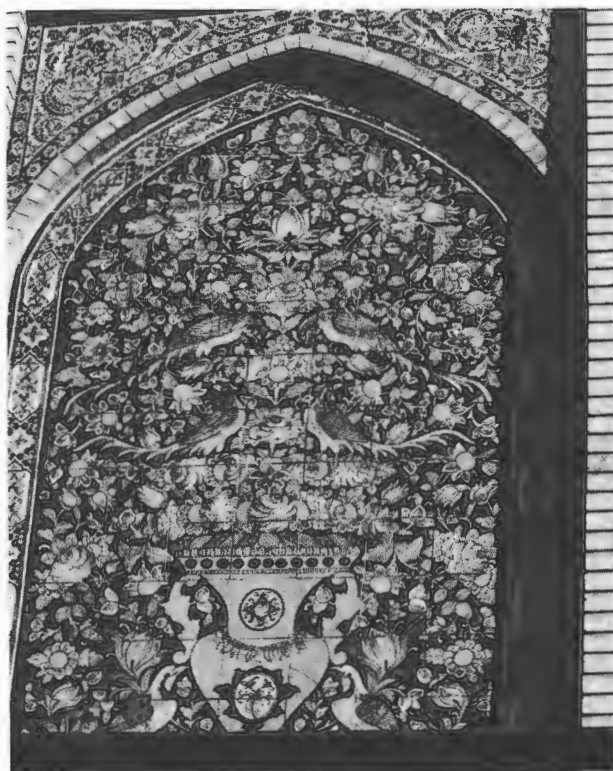
۱- این تصویر به احتمال بسیار قوی بازگو کننده قصه معروف «طوطی و بازرگان» است. رجوع کنید به تصویر



تصویر شماره ۱۹

بطور کلی پرندگان زیبا در بخش فوقانی طاقنماها قرار دارند که بر روی شاخه‌هایی از انواع گل نشسته‌اند، گل‌ها نیز عموماً از داخل یک گلدان زیبا و بزرگ بیرون آمده‌اند. پرندگان فوقانی را طاووس، شانه‌به‌سر و طوطی تشکیل می‌دهد و پرندگانی که در انتهای نقش قرار دارند شامل کلاغ و کبک هستند. در یک جمع بندی پرندگان نقش شده عبارت از؛ ققنوس، طوطی، کبک، حواصیل، کلاغ، شانه‌به‌سر، لک لک، قو و طاووس هستند.^(۱)

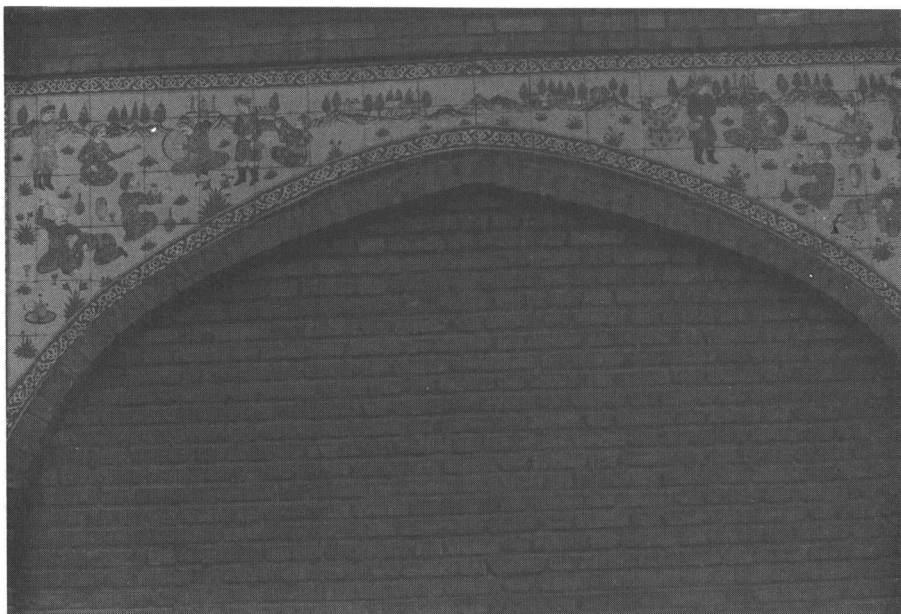
۱- علاوه بر موارد فوق تصاویری از این قبیل در بسیاری از نقاط مجموعه کاخ گلستان کار شده است.



تصویر شماره ۲۰

۶- تصاویر بزمی

برای هرایرانی شادی کردن و پرداختن به جشن‌های گوناگون همواره جایگاه والایی داشته و دارد. به همین علت کاشی‌کاران در ادوار مختلف سعی کرده‌اند این صحنه‌ها را به تصویر بکشند. هنرمندان دوره قاجار نیز از این امر مستثنی نبوده‌اند و در حد توان بعضی از سطوح کاشی‌کاری شده مجموعه کاخ گلستان را به این نقوش مزین کرده‌اند. این تصاویر بیش از همه در جبهه جنوبی کاخ بر روی لچک‌ها و طاق نماها نصب شده‌اند. نقوش بزمی معمولاً با زمینه نارنجی و زرد هستند در حالیکه نقوش گل و بوته بطور پراکنده در آنها نقش شده‌است. پشت زمینه تصاویر بناهای حکومتی و مذهبی با بهره‌گیری از عمق میدان در دور دست‌ها رویت می‌شود. در این تصاویر بیش از همه افرادی چون؛ ساقی، مطرب، خدمتکار، نوازنده تار و تنبور نقش شده‌است.



تصویر شماره ۲۱

در یکی از طاق نماها تصویری وجود دارد که در کنار تصاویر بزمی نقش شده، این تصویر بسیار شبیه به نوعی نمایش تئاتر گونه است و در آن مردی نقش شده که با دشنه‌ای در حال کشتن یک زن است. دور تا دور قاب‌ها طاق نماها را گل و بوته همراه با نقوش اسلیمی در بر گرفته است.^(۱)

۱- این تصاویر به لحاظ کمی از دیگر نقوش مطروحه کمتر هستند.



تصویر شماره ۲۲

۷- تصاویر مبارزه جانوران

در میان حیوانات وحشی قدرت بدنی شیر و پلنگ بیش از همه خودنمایی می‌کند. در بین تصاویری که در آن به نوعی مبارزه جانوران به نقش درآمده مناظر طبیعی نیز به چشم می‌خورد. معمولاً جانوران در بیشه‌زار یا جنگل قرار دارند و بیش از همه گوزن و آهو شکار درندگانی چون؛ ببر، پلنگ و شیر شده‌اند. در غالب تصاویر حیوانات درنده بعد از اتمام شکار نقش شده‌اند. متن و زمینه‌ها یک دست سبز هستند و اطراف قاب‌ها با نقوش اسلیمی همراه با رنگ آبی در زمینه نارنجی نقش شده‌اند.

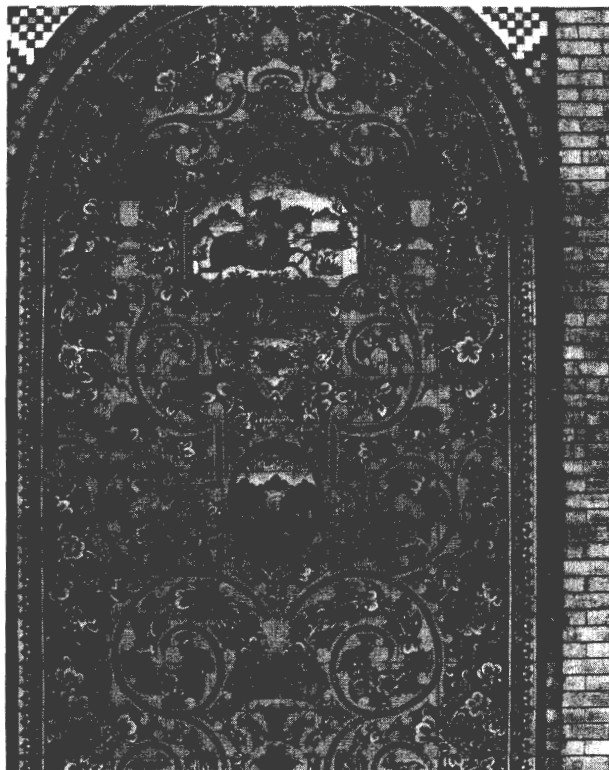


تصویر شماره ۲۳

بهره‌گیری از شیر در این نقش نماد و نشان از اتمام فصل سرد سال است و غلبه شیر بر گوزن یا حیوان دیگر، نشان از پایان زمستان و آغاز سال جدید است.

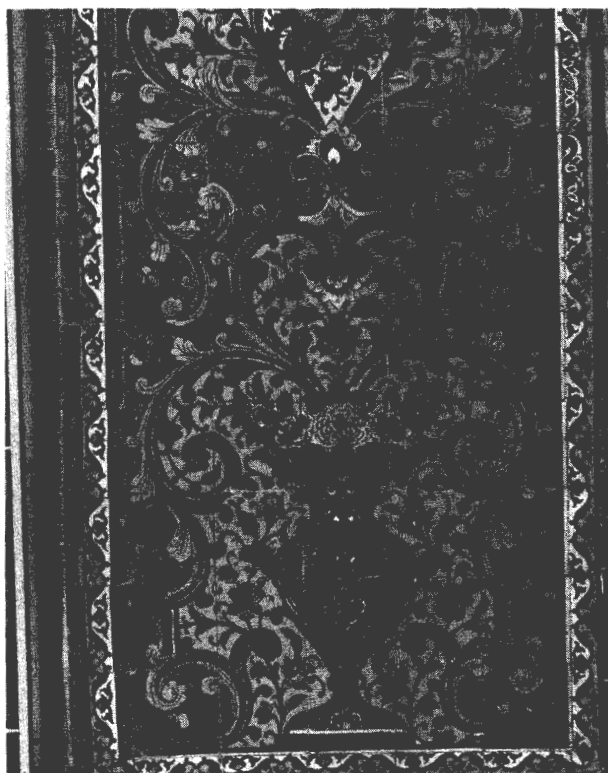
۸- نقوش گل و گلدان

توسعه شهرها و کمبود فضای سبز باعث نفوذ تصاویر و نقوش گل و گلدان، درخت و چمن‌زار در نقوش کاشی گردید طراحان و هنرمندان کاشیکار به این شکل پیوند میان زندگی شهری و طبیعت را از گسستگی نجات دهند.



تصویر شماره ۲۴

انواع گل‌های موجود در این مجموعه عبارتند از: گل سرخ، زنبق، نیلوفر آبی، بنفشه، لاله عباسی، گل زرد همیشه بهار، گل لاله، صد تومانی، یاس و گل محمدی در رنگهای مختلف. غالباً این گلها در کنار همدیگر قرار دارند و در داخل گلدانهای زیبایی که با طرح و نقش ایرانی هستند، نقش شده‌اند. سطوح کاشی کاری شده مجموعه کاخ گلستان بیش از همه دارای این نوع نقوش است.



تصویر شماره ۲۵

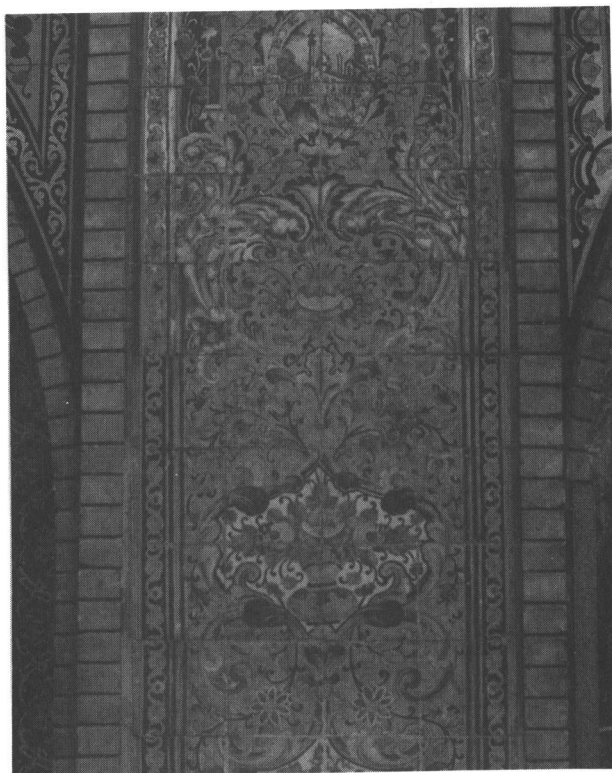
۹- نقش گل و میوه

بهره‌گیری از نقوش گل و میوه در سبدهای زیبا و شکیل نشان از زندگی پر زرق و برق آن دوره دارد. بیشتر گل‌هایی که در حاشیه سبدهای میوه قرار دارند عبارتند از؛ بنفشه، مینا، گل سرخ و انواع دیگر گل‌هاست. میوه‌های نقش شده نیز دارای طراوت و شادابی خاصی هستند و نقاشان با بهره‌گیری از انواع رنگ‌ها، تنوع و زیبایی در نقوش بوجود آورده‌اند.



تصویر شماره ۲۶

میوه‌های نقش شده عمدتاً ایرانی هستند و بیش از همه شامل؛ گلابی، انگور، انار و خیار می‌شود. بسیاری از این طرح‌ها در طاق نماها یا سینه اسپر دیوارها نصب شده‌اند.



تصویر شماره ۲۷

در پایان لازم است از مدیر کل محترم و کلیه همکاران مجموعه کاخ گلستان، مدیر کل محترم میراث فرهنگی استان تهران و دیگر عزیزانی که ما را در انجام این پژوهش یاری داده‌اند تشکر و قدردانی خود را اعلام داریم.

بررسی بازارهای ایران از دیدگاه سیاحان خارجی دوران صفویه و قاجار

مهناز فقیهی شیرازی
کارشناس مردم شناسی

مقدمه:

با تشکیل دولت صفوی، حکومت‌های ملوک الطوائفی که تا قبل از آن در سر تا سر کشور پهناور ایران وجود داشت به صورت یکپارچه و تحت نفوذ پادشاهان مقتدر این سلسله در آمد و نتیجه رفاه و امنیتی که پی آمد تشکیل حکومت مرکزی بود، شاهان این سلسله، بخصوص شاه عباس کبیر به توسعه تجارت با سایر کشورها و احداث راهها و ایجاد کاروانسراها همت گماشتند، از این زمان به بعد تعداد بسیاری از نمایندگان کشورهای خارجی جهت انجام مقاصد سیاسی و بازرگانی و یا به صورت جهانگرد و سیاح به ایران آمدند و از مشاهدات خود سفرنامه‌های نفیسی بر جای نهادند و این وضع تا پایان دوران قاجار بسته به وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و امنیت حاکم بر کشور ادامه پیدا کرد، در نیمه دوم سده نوزدهم میلادی همزمان با سالهای میانی سلطنت ناصرالدین شاه و دوره ثبات و سکون نسبی در ایران و تاخت و تاز و رقابت قدرتهای خارجی در این پهنه، بخصوص از راه نیرنگ بازی و در عرصه دیپلماسی روز بازار گشت و گذار و «کشف و شهود» سیاحان خارجی در ایران بود، سفرنامه‌های بر جای مانده در این دوران از معتبرترین اسناد و مدارک مربوط به گذشته است و همچون آئینه ای آداب و سنن و شیوه زندگی گذشتگان را به ما می‌نمایاند و بخصوص از دیدگاه مردم شناسی دارای اهمیت بسیار می‌باشد، در این سفر نامه‌ها از همه ارکان جامعه و آداب و سنن اجتماعی سخن به میان آمده و به بهترین وجهی شیوه زندگی گذشتگان را می‌نمایاند، یکی از مباحث شیرین و جالب توجه سفر نامه‌ها، توصیف جهات مختلف بازارهای شهرهای بزرگ آن زمان است که

توسط سیاحان هنرمندانه به تصویر کشیده شده است، در دنیای قدیم بازار همه شئون زندگی انسانها را در بر می‌گرفته و در حقیقت خلاصه زنده جامعه بزرگ بشری به شمار می‌آمده است، گزارش حاضر به بررسی بازارهای ایران از لحاظ شیوه معماری رایج در آن زمان و نقش اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و فرهنگی بازارها در دوران حکومت سلسله صفوی و قاجار می‌پردازد و موضوعات زیر را بصورت اجمال در بر می‌گیرد:

۱- بافت معماری

الف - بافت معماری بازارها در ارتباط با محیط زیست طبیعی، اجتماعی و فرهنگی و در ارتباط با نوع مشاغل.

۲- نقش اقتصادی

الف - کارکرد (نقش اقتصادی) بازارهای شهرهای بزرگ و تاثیر آن در اقتصاد کشور.

ب - اصناف و مشاغل رایج در بازارها.

ج - روابط ما بین اصناف و صاحبان مشاغل.

۳- نقش سیاسی - اجتماعی

الف - قدرت حاکم بر بازار و روابط بازاریان با حکومت.

ب - سلسله مراتب قدرت در بازارها.

۴- نقش فرهنگی

الف - آداب و سنن رایج در بازارها.

سیاحان مشهوری که در این دو دوره به ایران مسافرت نموده و از نوشته‌های ایشان در متن استفاده شده به ترتیب بشرح زیر می‌باشند:

۱- ژان شاردن (سیاح فرانسوی) ۱۰۳۸-۹۹۵ ه.ق.

۲- دن گارسیادسیلوا فیگوئروا (سفیر فیلیپ سوم - پادشاه اسپانیا در دربار شاه عباس بزرگ) ۱۰۳۸-۹۹۵ ه.ق.

- ۳- فدت آفاناس یویچ کاتف (سیاح روس) ۱۰۳۸-۹۹۵ ه.ق.
 - ۴- آدام الثاریوس (نماینده ایالت شلسویگ هلشتاین) ۱۰۵۲-۱۰۳۸ ه.ق.
 - ۵- انگلبرت کمپفر (سیاح محقق آلمانی) ۱۱۰۵-۱۰۷۷ ه.ق.
 - ۶- ژان باتیست تاورینه (سیاح فرانسوی) ۱۱۰۵-۱۰۷۷ ه.ق.
 - ۷- جملی کاری (سیاح انگلیسی) ۱۱۳۵-۱۱۰۵ ه.ق.
 - ۸- گاسپارد رویل (سرهنگ فرانسوی) ۱۲۳۹ ه.ق.
 - ۹- اوژن فلاندن (دانشمند جهانگرد فرانسوی) ۱۲۵۸-۱۲۵۶ ه.ق.
 - ۱۰- جیمز بیلی فریزر (سیاح انگلیسی) ۱۲۵۰-۱۲۴۹ ه.ق.
 - ۱۱- دکتر هینریش بروگشن - سفیر پروس (آلمان) در ایران ۱۲۷۸-۱۲۷۶ ه.ق.
 - ۱۲- ارنست اورسل (سیاح بلژیکی) ۱۲۹۹ ه.ق.
 - ۱۳- سیمون گرین ویلر بنجامین (سفیر ایالات متحده آمریکا در ایران) ۱۳۰۱-۱۲۹۹ ه.ق.
 - ۱۴- یوشیدا ماساهارو (نخستین فرستاده ژاپن به ایران) ۱۲۹۸-۱۲۹۷ ه.ق.
 - ۱۵- ژان دیولافوا (سیاح فرانسوی) ۱۳۰۳-۱۳۰۱ ه.ق.
 - ۱۶- جرج ناتانیل کرزن (خبرنگار انگلیسی) ۱۳۰۷ ه.ق.
 - ۱۷- ملکونف (سیاح روس) ۱۳۰۷ ه.ق.
 - ۱۸- مادام کارلاسرنا (سیاح ایتالیایی) ۱۳۰۲ ه.ق.
 - ۱۹- یاکوب، ادوارد پولاک (پزشک فرانسوی) ۱۲۷۶-۱۲۶۷ ه.ق.
 - ۲۰- هانری رنه دالمانی (سیاح فرانسوی) ۱۳۲۰ ه.ق.
 - ۲۱- آبراهام ولنتاین ویلیامز جکسن (محقق آمریکائی) ۱۳۲۰ ه.ق.
- بافت معماری بازارها در ارتباط با محیط زیست طبیعی، اجتماعی و فرهنگی .
- بافت معماری بازارها در دوران مختلف بستگی به محیط جغرافیایی و بافت معماری معمول شهرها به لحاظ اجتماعی و فرهنگی در هر دوره و نوع کسب و کار رایج در آن بازارها داشته است، این بازارها خود به بازارهای کوچکتری از قبیل «تیمچه» و «چهارسو» تقسیم می شده است.

تعریف تیمچه و چهارسو در فرهنگ عمید بدین صورت می باشد:

تیمچه:

کاروانسرای کوچک، سرائی که دارای چند دکان یا حجره باشد و بازرگانان در آنجا داد ستد کنند.

چهار سو:

چهار سو - چهار راه میان بازار، چار سوق و چهار سوک هم می‌گویند....

شهر اصفهان پایتخت صفویان در دوران زمامداری پادشاهان صفوی، بخصوص شاه عباس کبیر از شکوه و جلال بسیاری برخوردار بوده است، در این دوران سیاحان بسیاری به ایران مسافرت نموده و از زیبایی شهر اصفهان و بازارهای آن توصیف فراوان کرده اند، شوالیه ژان شاردن از سیاحان مشهوریست که در آن زمان از ایران بازدید نموده و درباره زیبایی معماری بازار اصفهان در آن دوران مطالب جالب توجهی نگاشته است، از جمله می‌نویسد:

«...بازار شاه در سمت شمال میدان واقع است و سر در و جلو خان آن بسیار بزرگ و زیبا است، سر در آن هلالی شکل و با آجرهای چینی که به اشکال والوان مختلف نقاشی شده است مستور می‌باشد. (گویا مقصود مؤلف از آجر چینی همان کاشی باشد - مترجم^(۱))»

دن گارسیادسیلوا فیگوئروا و آفاناس یویچ کاتف هم از دیگر سیاحانی هستند که در زمان زمامداری صفویان از بازارهای اصفهان بازدید نموده و به ترتیب بافت معماری آن را بدینگونه توصیف نموده اند:

«...بعد از گذشتن از پلی که به سبب احداث پلی جدید بر زاینده رود، آن را پل قدیم می‌نامند، و گذشتن از کوچه‌ای عریض که در دو طرف آن درختهای چنار بود، ورود به شهر را آغاز کردیم و از کوچه‌های تنگ که در اطراف آنها خانه‌هایی نیمه خراب و بد ساخت تر از خانه‌های شیراز وجود داشت گذشتیم تا آنکه به بازاری رسیدیم...در وسط این بازار که همچون کوچه مسقفی است که در طاق آن دریچه‌ها و پنجره‌هایی برای تابیدن نور تعبیه شده است، کاروانسرای بزرگ و تازه سازی هست که چند سالی است به خرج و فرمان پادشاه فعلی شاه عباس ساخته شده است...این بازار به میدانی می‌پیوندد که ایرانیان در آن به تمرین یا ورزش سوار کاری می‌پردازند...»^(۲)

۱- سفرنامه شاردن، ژان شاردن. ص. ۷۱.

۲- سفرنامه فیگوئروا، دن گارسیادسیلوا فیگوئروا. ص. ۲۰۹.

«...دکانهای بازار با انبارهای فوقانی و سقف‌های سنگی ساخته شده و از اندرون و بیرون با رنگهای مختلف و طلائی نقاشی شده است، در هر دو طرف تیمچه درهای بزرگی با زنجیرهای آهنی قرار دارد که حیوانات اهلی را به آن می‌بندند...»^(۱)

بازارهای اصفهان در دوران حکومت قاجار بخصوص در زمان ناصرالدین شاه قاجار همچنان شکوه و زیبایی خود را حفظ کرده بود، دکتر هینرش بروگشن که در آن دوران از بازارهای اصفهان دیدار نموده از زیبایی معماری آن چنین توصیف می‌کند.

«...بازارهای اصفهان که برای طی آنها بیش از چهار ساعت وقت لازمست، از میدان شاه شروع شده و در بیشتر نقاط شهر گسترش می‌یابد این بازارها عریض و مستحکم ساخته شده‌اند و چهار سوقهای زیبایی با سقفهای بلند و گنبدی شکل دارند و در فواصل مختلف، دروازه‌های بزرگی به طرف بازارها باز می‌شود که متعلق به کاروانسراهای متعدد است که در آن جا وجود دارد و مرکز تجارت و معاملات اصفهان به شمار می‌روند.»^(۲)

سیاحان در اواخر دوران قاجار یعنی در زمان سلطنت مظفرالدین شاه قاجار نیز از بازارهای اصفهان به زیبایی یاد کرده‌اند از جمله هانری رنه دالمانی در این باره می‌نویسد:

«...بازارهای اصفهان با وجود خرابیهایی که به مرور زمان به آنها وارد آمده، هنوز هم شکوه و ابهت خود را از دست نداده و تجار و کسبه در آنها مشغول کار و معاملات می‌باشند، به طوریکه مورخین نوشته‌اند بجز بازاری که کریم خان در شیراز ساخته، در دنیا نظیر بازارهای اصفهان دیده نشده است، کسانی که در این خیابانهای مسقف تاریک یعنی بازارها نرفته باشند نمیتوانند جنب و جوش و معاملاتی را که از طلوع تا غروب آفتاب در آنها صورت می‌گیرد به تصور آورند.»^(۳)

یکی از شهرهایی که دارای بازارهای زیبا بوده و سیاحان هم در دوران صفویه و هم در زمان قاجار از آنها به زیبایی یاد نموده‌اند، شهر کاشان است، چنانچه آدام التاریوس از سیاحان دوران صفوی و مادام دیولافوآ در دوران ناصری زیبایی بازار کاشان را بدینگونه وصف نموده‌اند:

«...کاشان یکی از پرجمعیت ترین و مهمترین شهرهای ایران از نظر بازرگانی است و به همین جهت علاوه بر تعداد زیادی خانه زیبا دارای کاروانسراهای با شکوه هم هست، بازار و میدان شهر

۱- سفرنامه کاتف، فدت آفاناس بویچ کاتف. ص ۶۴.

۲- سفرنامه بروگشن، هینرش بروگشن. ص. ۳۰۹.

۳- سفرنامه دالمانی، هانری رنه دالمانی. ص. ۹۳۴.

که بسیار با اهمیت و زیباست دارای راهروها و حجره‌هایی با طاق ضربی است که بی نهایت عالی ساخته شده است، به طوری که نظیر آنرا هرگز ندیدیم... استادان صنایع دستی بویژه ابریشم باف‌ها و بافندگان پارچه های زربفت را در حجره‌های باز که می توان آن راهنگام بافندگی دید مشغول کارند.^(۱)

«... بازار این شهر وسیع و سقف آن دارای گنبد‌های کوچکی است که بهم پیوسته و جا به جا کاروانسراهایی هست که مخزن مال التجاره است، این کاروانسراها تاجرنشین و غیر از آنهایی هستند که مسافرن در آنها منزل می کنند، اینها دارای بناهای مجلل و مزین هستند، یکی از بهترین نمونه‌های آنها کاروانسرای تازه است که تجار ساخته‌اند، شکل آن منشور مربع القاعده است و در دو طرف آن درب ورودی دارد، تمام بنا با آجر ساخته شده و در سقف و دیوارهای آن آجرهایی بکار رفته که کنار آنها مانند کاشی لعاب دار برجسته است و نمایش قشنگی دارد، در سقف آنها سه روزنه بزرگ است که بقدر کافی محوطه را روشن می کند، این بنای مهم که پر از مال التجاره‌های گرانبهاست بهتر از هر گونه احصائیه و محاسبه‌ای اهمیت تجارتی و آبادانی و ترقی شهر را نشان می دهد...»^(۲)

بازار شهر لار نیز از نظر شیوه معماری در زمان صفویه دارای شکوه و ابهت خاصی بوده است، چنانچه فیگوئروا زیبایی بافت معماری بازار لار را که در آن زمان از مراکز مهم تجارت به حساب می آمده اینگونه توضیح می دهد:

«...این بازار از خارج یک مکعب کامل است، دیوارهای بسیار بلند دارد که از سنگ تراش بسیار سخت و سفید ساخته شده و مساحت هر یک به یکصد و پنجاه پای مربع می رسد، در هر پهلوی ساختمان دری بزرگ هست و هر در نگهبانی دارد این درها به کوچه بازارهای زیبایی باز می شوند که هر یک از آنها به وسط بنا ختم می گردد به طوری که از به هم رسیدن چهار بازار بزرگ، چهار سوقی پدید می آید که از درون آن می توان هر چهار در بزرگ را مشاهده کرد، روی این چهار سوق گنبدی بسیار بلند ساخته‌اند با پنجره‌هایی گرداگرد آن که نور از آنها به همه اطراف درون گنبد می تابد...بدین گنبد چهار سقف یا طاق از سنگ سفید پیوسته است که هر یک از چهار بازار بزرگ را می پوشانند دیوارهای این راسته بازارها چنان صاف و هموارند و چنان با

۱- سفرنامه الثاریوس، آدام الثاریوس، ص. ۱۶۶.

۲- سفرنامه دیولافوآ، ژان دیولافوآ، ص. ۱۹۵.

مهارت صیقلی شده‌اند که در درخشندگی به مرمر طعنه می‌زنند، زیر این طاقها منافذی تعبیه شده‌است که بی آن که نور آفتاب یا بارش باران موجب زحمت شود، تمامی بنا را روشن می‌کند، کف عمارت با سنگهای مربع شکل بسیار صیقلی از همان جنس که کل بنا با آن ساخته شده است فرش گردیده، در چهار مربع کوچک دیگر که این چهار بازار بزرگ بوجود می‌آورند، چهار چهار سوق کوچک دیگر هم هست که هر کدام بر روی خود گنبدی دارند با پنجره‌هایی همچون گنبد بزرگ زیر هر یک از طاقهای پیوسته بدین گنبدها نیز چهار بازارچه است، چنانکه در این بنای بزرگ مجموعاً بیست بازار و بازارچه، یعنی چهار بازار بزرگ که به چهار در بزرگ ختم می‌شوند و شانزده بازار کوچکتر که به بازارهای بزرگ راه می‌یابند وجود دارد... عرض بازارهایی که به چهار سوق بزرگ می‌پیوند بیست و پهنای آنها که به چهار سوقهای کوچک ختم می‌گردند پانزده یا شانزده پا است.^(۱)

کریم خان زند مؤسس سلسله زندیه شیراز را به عنوان پایتختی برگزید و در دوران کوتاه زمامداری خویش به عمران و آبادانی و ساختن بازارها و مساجد و ابنیه عالی در این شهر همت گماشت، از جمله بناهای زیبایی که در دوره زمامداری حکومت زندیه و توسط این پادشاه رعیت پرور ساخته شد می‌توان از بازار وکیل نام برد که از یادگارهای ارزنده این دوره تاریخی می‌باشد، چنانچه لرد کرزن سیاح انگلیسی در دوران ناصر الدین شاه زیبایی این بازار را بدینگونه وصف نموده است:

«...این بازار که در ایران مقام اول را دارد، راستهٔ سقف دارای است که از آجرهای زردفام ساخته شده و جمع طول آن پانصد یارد است، بازار کوتاه تری آنرا قطع می‌کند، در این نقطه منبع آب و رواقی بر بالای آن است که محل اجتماع و مشاوره تجار است، از بازار دروازه‌های متعدد به کاروانسراهای وسیعی مربوط می‌شود که بزرگترین آنها گمرک خانه ایران است... سبک آرایش در بناهای کریم خانی با طرزهای معهود چندان انطباق ندارد و با سبک مساجد پیشین اسلامی قدری متفاوت، خوشه‌های گل و رنگهای روشن و گوناگون در معماری و ساختمان‌های قرن هجدهم میلادی بکار می‌رفته و غالباً بر نقش و تصویرهای الوان مبتنی است تا به سبک و موازین روحانی.^(۲)»

۱- سفرنامه فیگوتروا، دن گارسیادسیلوا فیگوترا ۸۹-۸۸.

۲- سفرنامه کرزن، جرج ناتانیل کرزن، ص. ۱۲۵-۱۲۴.

شهر تهران که در زمان صفویه و زندیه رونق چندانی نداشت، پس از این دوران و از اواخر زندیه گسترش پیدا نموده و دارای اهمیت بسیار شد و از لحاظ اقتصادی و اجتماعی و سیاسی توسعه سریع پیدا نمود و بنا بر نوشته سیاحان، شاهان قاجار به احداث بناها و بازارهای زیبا و با شکوه در آن پرداختند.

گاسپار دروویل سیاح فرانسوی که در دوران سلطنت فتحعلی شاه قاجار از ایران دیدار نموده درباره شیوه معماری بازار تهران در آن زمان چنین می نویسد:

«...بازارها به شکل دالانهای بزرگ تقریباً شبیه خوابگاههای صومعه‌ها هستند ولی قدری پهن ترند، در هر طرف دالان دکانهای کوچک کم وسعت با سقف کوتاه بنا شده است...هر دالان مختص یک نوع مال التجاره یا پیشه ورانی است که دارای حرفه مشترک هستند...کاروانسرا بنائی است چهارگوش با دکانهای متعدد که سوداگران غریبه کالای خود را در آن می نهند و با پرداخت حقوق معینی به داروغه‌ها (رؤسای پلیس) به خرید و فروش کالا در آن می پردازند، ضمناً هر کاروانسرا اطاقهایی برای سکونت مسافرین، اصطبلهایی برای اسبان و آغلهایی برای جا دادن اشتران دارد، کاروانسرا در میان بازار ساخته شده و خود جزئی از آن به شمار می رود...»^(۱)

اوژن فلاندن از تغییراتی که بازار تهران در زمان محمدشاه قاجار پیدا نموده چنین یاد می کند: «...کشورهای اروپائی هیچیک بازاری مانند بازارهای شرق ندارند، عموم بازارها مطول، پهن و از ۱۲ تا ۱۵ پا پهنای آنهاست، مسقفند و روشنائی از سوراخهاییست که در وسط طاق باز گذاشته اند، در دو طرف پهلوی هم دکان ساخته شده ... بدم هر دکانی که بیش از هفت هشت پا پهناندارد، تجار نشسته مشغول دود کشیدن، حساب کردن، زرع کردن یا قیمت کردن با مشتری هستند... تکه به تکه در این بازارها دری بزرگ دیده می شود که از کاروانسرایست، کاروانسراهای نیز مانند بازارها هر کدام برای کار معین است.»^(۲)

در دوران ناصری بازار تهران به لحاظ زیبایی بافت معماری به اوج جلال و شکوه خود رسیده بود، چنانکه چند تن از سیاحانی که در این زمان به ایران مسافرت کرده انداز زیبایی بازار تهران به خوبی یاد نموده اند از جمله این سیاحان می توان ارنست اورسل، هنریش پروگشن، و بنجامین را نام برد که به ترتیب مشاهدات خود را درباره بازار تهران بدینگونه برشته تحریر در آورده اند:

۱- سفرنامه دروویل، گاسپار دروویل، ص. ۸۹.

۲- سفرنامه فلاندن، اوژن فلاندن، ص. ۲۵۰.

«...کوچه‌ها، راهروها، میدانها، چهارراه‌ها، مهمانخانه‌ها و مساجد مرتبی داشت، راهروهای وسیع و پیچ در پیچ سر پوشیده‌اش زیر گنبدهای آجری روزنه‌داری قرار گرفته بود و این روزنه‌ها طوری تعبیه شده بود که نور و هوا به داخل بازار نفوذ می‌نمود ولی بازاریها و آنهائیکه آنجا کار یا رفت و آمد داشتند از گرمای طاقت فرسای هوا و آفتاب سوزان تهران به هیچ وجه احساس ناراحتی نمی‌کردند...پیش از اینها بازارها و کاروانسراها هم تنگ و هم کوتاه بود تا آنکه در زمان وزارت میرزا تقی خان امیر کبیر، بازار وسیع امیر با کاروانسراهایش ساخته شد، وسایل و اثاث آن مجلل است، حیاطها و باغچه‌ها همه بزرگ و با شکوه ساخته شده و بعد از قصر سلطنتی دیدنی ترین چیز سراسر شهر بشمار می‌رود، بازارهای دیگر که از نظر زیبایی در درجات بعدی قرار دارد در دنبال این بازار ساخته شده است، یا در خیابانهای دورتر واقع است...بازار دارای کاروانسراهای متعددی بود که همه به هم شباهت داشت، یک حیاط چهار گوش با درختان انبوه زیاد، دور حوضی که از آن همیشه آب می‌گذشت، در اطراف این حیاط توی ساختمانهای یک یا دو طبقه مال التجاره‌ها را روی هم انباشته بودند، در بین این کاروانسراها از همه قابل توجه تر کاروانسرای «حاجب الدوله»^(۱) بود که در زمان شاه فعلی ساخته شده است، اینجا جایگاه بزرگی پر از چلچراغها و بلورها و محل تجمع و گردشگاه اشخاص صاحب ذوق بود.^(۲)»

«تقاطع دو بازار (چهار سوق) شکل میدان کوچکی با سقف گنبدی را دارد که زیر گنبد آن، با گچ بری و کارهای هنری تزئین شده است، معمولاً هر صنفی یک بازار مخصوص دارند و در آنجا مجتمع هستند، مثلاً کفاشان یک بازار، فرش فروشها یک بازار، لباس فروشها یک بازار...دارند»^(۳)

دو تن از سیاحان مشهوری که در زمان سلطنت مظفرالدین شاه از ایران دیدار کرده‌اند، هانری رنه دالمانی و آبراهام ویلیامز جکسن می‌باشند که به ترتیب مشاهدات خود را درباره بافت معماری بازار تهران چنین نگاشته‌اند:

«بازار تهران از حیث بنا بسیار عالی است و خالی از تماشا نیست، مدخل اصلی آن در خیابانیست که در زیر شمس العماره واقع است در این خیابان میدان بزرگی دیده می‌شود که به

۱- لقب حاج علی خان فراشبازی ناصرالدین شاه و قاتل امیر کبیر «امیر» در ۱۲۶۵ او را به مقام فراشبازی گری گماشت و عامل ترقی او گردید و حتی از محبت در حق وی دریغ نداشت» پاورقی کتاب امیر کبیر و ایران صفحه

۲- سفرنامه اورسل، ارنست اورسل، صص ۱۳۶-۶۶-۱۲۴.

۳- سفرنامه بنجامین، سیمون گرین ویلر بنجامین، ص ۷۴.

سبزه میدان موسوم است، از این میدان میتوان داخل چند بازار مسقف گردید در مرکز میدان حوض بزرگی است که اطراف آنرا درختان کهنسالی احاطه کرده است، وقتی که در این خیابان سر پوشیده یعنی بازار داخل می شوند به پیچ و خمهایی می رسند که در آنجا میدانهای کوچکی بازارها را از یکدیگر جدا مینمایند، در بازار بزرگ چند کاروانسرای تجارتی بسیار عالی دیده می شود که با نقشه های تازه ای ساخته شده است، کاروانسراها دارای بالکن ها و گالریها و نرده ها و پله های آهنی است...

حیاط آنها بزرگ است، ساختمانهای آجری رنگینی در اطراف آنها دیده می شود که در مرکز آنها سر پوشهای بلند فانوس مانند مدور و یا هشت ضلعی برای روشنائی قرار داده اند، پنجره ها و طاقهای کوچک و تزئیناتی که مانند لانه زنبور است همه در حد خود ممتاز و قابل ملاحظه است، سقف این تجارتخانه ها با خطوط هندسی و نقشه های مطلوبی با آجرهای مینائی زینت یافته و منظره قابل تماشائی دارد...^(۱)

«بازار که مرکز تجارت شهر است، سقف بلندی دارد و بواسطه روزنه هایی که در سقف آن است کمی روشن می شود... امروز در اثنای گردش به کاروانسرائی رفتیم که در آن تجار زیادی مشغول معاملات بودند، در وسط حیاط حوضی به شکل کثیر الاضلاع دیده می شد طبقه تحتانی به انبارهای مال التجاره و طویله اختصاص داشت ولی در طبقه فوقانی حجراتی واقع بود که مردم بوسیله ایوانی در آنها رفت و آمد می کردند، در این حجره ها یکپارچه است که در موقع باز کردن به طرف بالا کشیده میشود و موقع بستن آن را پائین آورده و با قفل بزرگ استوانه ای شکل می بندند و قفل می کنند...»^(۲)

همچنین جکسن درباره شیوه معماری بازار تبریز در آن زمان نیز چنین می نویسد:

«...بازارهای تبریز از نظر شیوه معماری از نوع خاص بناهای شرقی است، از چند جریب زمین که بر روی آن طاقهای ضربی زده اند تشکیل شده است، در ساختن بازار آجر و دیگر مصالح ساختمانی بکار رفته است، بازار سقف دارد و هر قسمت آن بوسیله معبر باریک و درازی از قسمت دیگرش جدا میشود و در دو طرف آن دکانها و شاه نشینها ساخته اند، در فواصل معین درهای بزرگی دیده می شود که مدخل سراهای چهارگوش و سر پوشیده ای را تشکیل می دهد و این سراها جای بار افکندن کاروانها و آرمیدن کاروانیان است...»^(۳)

۱- سفرنامه دالمانی، هانری رنه دالمانی، ص. ۸۱۴-۸۱۳.

۲- سفرنامه جکسن، آبراهام ولنتاین ویلیامز جکسن، ص. ۶۲.

۳- سفرنامه جکسن، آبراهام ولنتاین ویلیامز جکسن، ص. ۹۴.

۲- نقش اقتصادی

الف- کارکرد بازارهای شهرهای بزرگ و تأثیر آن در اقتصاد کشور

در دوران صفویه بازار شهر اصفهان بدلیل رواج صنایع دستی و به عنوان پایتخت صفویان و بازار شهر تبریز و لار به عنوان شهرهای مرزی دارای تجارت پر رونقی بوده و نقش اقتصادی مهمی در کشور به عهده داشته است، آدام الثاریوس در سفرنامه خود درباره اهمیت نقش اقتصادی بازار شهر اصفهان چنین می نویسد:

« در اصفهان ملل و اقوام گوناگونی هستند که به بازرگانی و پيله وری اشتغال دارند و تعدادی از اینها تاجر عمده و دیگران خرده فروشند و در کنار ایرانیها، هندیها، فرانسویها، ایتالیائیها و اسپانیائیها زندگی و کار می کنند- اجناس ابریشمی و کتانی هندی از نوع ایرانی آن برتر است»^(۱)

«شهر تبریز به واسطه تجارت بزرگ یکی از معروفترین شهرهای آسیاست، با عثمانی، عرب و گرجیها و منگولها و هندوستان و دولت مسکوی- تاتارها دائماً تجارت دارد و بازارهای آن که تماماً سر پوشیده است همیشه پر است از امتعه نفیسه و برای ارباب صنایع بازارهای علیحده مخصوص دارد.»^(۲)

«...لار پایگاه تجارت و قرارگاه همیشگی کاروانها و قوافلی است که از فارس و کرمان و دیگر جاها به هرمز می آیند یا از هرمز و عربستان بدان ایالتها می روند، بدین جهت است که گروه زیادی بازرگانان ایرانی و عرب و کافر و یهودی در آن گرد آمده اند و برای جلب بازرگانان خارجی و امتعه آنها کاروانسراهای بزرگ و بسیار دارد، اما آنچه بدین شهر بیشتر قدر و اعتبار می دهد وجود مرکزی تجاری است برای هر گونه داد و ستد نقدی که در زبان عربی عرفاً آن را بازار می نامند، بانی این بازار که بدون شک یکی از زیباترین و فاخر ترین بناهای سراسر قاره آسیاست و می تواند با مجلل ترین فروشگاههای اروپا برابری کند. الله وردیخان سلطان شیراز است.»^(۳)

در طول دوران حکومت قاجار بازار برخی از شهرها مانند تبریز و اصفهان همچنان اهمیت خود را حفظ کرده بودند ولی پاره ای دیگر از بازارهای شهرها که در زمان صفویه از بزرگترین مراکز تجاری کشور به حساب می آمد با گذشت زمان به دلیل نفوذ بیشتر قدرت های خارجی در

۱- سفرنامه الثاریوس، آدام الثاریوس. ص. ۲۴۲.

۲- سفرنامه تاورنیه، ژان باتیست تاورنیه. ص. ۶۷.

۳- سفرنامه فیگوتروا، دن گارسیا دسیلوا فیگوتروا. ص. ۸۸-۸۷.

ایران، اهمیت سابق خود را از دست داده جای خود را به بازارهای شهرهایی که در آن زمان توسعه بیشتری یافته بودند داد، برای مثال بازار لار که در زمان صفویه از بزرگترین مراکز تجاری کشور به حساب می‌آمد و تمام محصولات خارجی از هرمز بدانجا آورده میشد، با گذشت زمان اهمیت سابق خود را از دست داده و جای خود را به بازار اصفهان و کرمان سپرد و از آن پس این بازارها مرکز تجارت جنوب کشور به حساب می‌آمد.

همچنین بازارهای بعضی از شهرها که در گذشته اهمیت چندانی نداشتند، در دوران قاجار به خصوص از نیمه دوم سلطنت ناصرالدین شاه قاجار به دلیل توسعه روابط تجاری با سایر کشورها، تجارت در بازارهای آن رونق گرفت، از آنجمله می‌توان از بازارهای شهرهای بار فروش، همدان و کرمانشاه نام برد، اینک به وصف اهمیت تجاری بازارهای شهرها از ابتدا تا اواخر دوران قاجار از دیدگاه سیاحان خارجی که در آن زمان از بازارهای ایران دیدن کرده اند می‌پردازیم:

«...قسمت عمده سقف بازارها چوبست، خرید و فروش در این بازارها زیاد می‌شود، قطع نظر از اهمیت تبریز به علت حکومت نشینی، کاروانهای متعدد پیوسته کاروانسراهایش را از جمعیت مملو ساخته، محصولات داخلی آسیا و اروپا را بدان آورد و برد می‌کنند، چند حجره تاجر نشین دارد که چیت و ماهوت انگلیسی می‌فروشد و بازارشان منتهای رواج را دارد، چه ارزانتر و مناسب تر از خود ایرانیها که بیافند تمام میشود، این رشته تجارت و ابریشم جات در دست انگلیسی‌هاست که روز بروز بررو نقش افزوده می‌گردد، چندین مغازه از یونانیهای قسطنطنیه دایر است که با مغازه‌های دیگر رقابت می‌کنند... گرجی‌ها نیز امتعه روسیه، چینی جات، ظروف لعابی و بدل چینی و مواد اولیه مانند مس، چرم و غیره را بدین کشور می‌آورند اما در اثر نداشتن ظرافت چندان طالب ندارد...»^(۱)

لرد کرزن از اهمیت تجاری بازار اصفهان و کرمان به لحاظ تجارت جنوب کشور چنین یاد می‌کند:

«در راسته اصلی چندین حیاط یا کاروانسرا هست که پر از جنس است، در آن صدای ترازو و زنگ شتر و قاطر و بانگ فروشندگان بی‌انقطاع به گوش می‌رسد، بازرگانان اروپایی مرکز کارشان در همین جا و یا عمارت کنار بازار است... کرمان وارداتش از انگلستان و هند و چین و همان نوع اجناسی است که یزد هم وارد می‌شود، فرشهای آنجا رنگ عالی و طرح اصیل دارد و بسته به نوع

جنس، قیمت آن متری از ده شیلینگ تا ده لیره است و شال معروف کرمانی که نظیر و رقیب شال‌های کشمیری است و بهای آن منوط به جنس هر طاقه از ۱۶ تا ۲۴ لیره است و از مووکرک نیز بافته می‌شود و جنس اعلی را از پشم بره فراهم می‌سازند که حوالی کرمان به این مناسبت مشهور است و محصول ممتاز آب یا هوا یا گیاه یا هر سه آنهاست کرمان در قرون وسطی به ساختن اسلحه شهرت داشت اما این صنعت محلی نظیر وضع مشهور از خاطرات گذشته‌اند.^(۱) ملکونف سیاح روس اهمیت تجاری بازار بار فروش (بابل) در تجارت با شمال کشور (روسیه) را چنین توصیف می‌نماید:

«در آخر بازار (نزدیک سبزه میدان) کاروانسرای است که کمپانی روس آن را اجاره کرده ولی آنجاست و هر ساله ۳۰۰ نفر (تاجر هشرخانی) و بادکوبه‌ای یا دیگران (از روسیه) می‌آورند، آهن^{*}، فولاد، اشیاء مسی و سماور و چینی و بلور و کمی چیت و ماهوت آورده می‌فروشند. در عوض می‌خرند: فرآورده‌های شاهرودی و طهرانی و همچنین از سواحل گز پنبه پاک نشده مازندرانی، خریدشان را به مشهد سر برده و در آنجا با پرداخت پنج درصد عوارض به هشرخان حمل کنند، قناد خانه‌ای دارد در پشت بازار و کاروانسرا که هشت سال پیش کارخانه‌ای با استادی آوردند، مراجب استاد را ندادند بازگشت^{**}، ضرابخانه‌ای است که از دیوان اجاره است، حالتی غریب و بس عجیب دارد، شخصی را نشسته بینی گویند استاد است، گاوی و مرغی چند در کارخانه بسته دارد، هم در آن حال مفتول سیمین با زرین در آتش است به آذوقه و چینه دان گاوان و مرغان مشغول است، دیگری بی‌آنکه نگاه کند سکه می‌زند، به هر شکل و وضع یک بیرون آید، چپ، راست، شکسته، درست، گرد، دراز، دو نفر دیگر پاسبان اویند که نذرزد دو دستی دیگر است بی‌صاحب که صاحب آنان پیدا نیست، صیقلجی هستند...»^(۲)

بازارهای شهرهای تبریز و اصفهان حتی تا اواخر دوران قاجار (مظفرالدین شاه) همچنان اهمیت تجاری خود را حفظ کرده بودند، چنانکه جکسن و دالمانی دو تن از سیاحان مشهور آن زمان از رونق و آبادانی بازارهای تبریز و اصفهان بسیار سخن گفته‌اند، از جمله جکسن درباره

۱ - سفرنامه کرزن، جرج ناتانیل کرزن، صص ۵۱۰-۱۲۴-۱۲۳.

* - آهن روسی - دربار فروش فروخته می‌شود، یک پوط شش قران و دهشاهی و در سواحل گز ۷ قران، در شاهرو ۷ قران و پنج شاهی، مس پوطی پنج تومان و پنج هزار دینار و سماور فوندی سه قران.
*** - این کارخانه را حاجی زین العابدین و حاجی میرزا محمود از روسیه آورده بود.

۲ - سفرنامه ملکونف، ملکونف، ص ۱۱.

بازار این دو شهر چنین می‌نویسد: «قدیمیترین قسمت شهر «قلعه» نام دارد و اگرچه در واقع دیوارهای آن از میان رفته است و قسمت اعظم خندقها را پر کرده و بر روی آنها بنا ساخته‌اند، در قسمت مرکزی این قلعه کهنه بازار تبریز قرار دارد که اگر بهترین مرکز بازرگانی تمام مشرق زمین نباشد، دست کم بهترین مرکز تجارتی ایران به شمار می‌رود و برای سیاح و مسافر سرچشمه دیدنیهای بی‌پایان است ... تبریز مرکز بازرگانی قسمت شمال غربی ایران و تجارت آن با اروپا روزافزون است ... در بازار واحد پولی که هنگام معامله رد و بدل می‌شود، قران یا سکه‌های دو قرانی است که دومی تقریباً برابر با بیست سنت آمریکایی است، یک قران مرکب از بیست شاهی و هر شاهی معادل نیم سنت است، تومان عبارت از ده قران یا چیزی کمتر از یک دلار، با این همه سکه یک تومانی عملاً وجود ندارد مگر به صورت سکه‌های کمیاب طلا، هر چند بانک شاهنشاهی ایران اسکناسهایی که دارای گراورهای زیباست نشر کرده، اما صرف نظر از تهران و تبریز در سایر شهرهای ایران با تنزیل بسیاری مبادله می‌شود، از اینجاست که مسافر هنگام عزیمت باید کیسه‌های سنگین پر از سکه‌های نقره با خود حمل کند و این بارگران را بر سر بار خود نهد ... داد و ستد و تجارتی که در این بازارها صورت می‌گیرد، دست کم تا حدی حیثیت و اعتباری را که اصفهان به عنوان پایتخت ایران داشته حفظ کرده است، پارچه‌های زربفت، اجناس نمدی، زین و برگ، سلاحهای محلی، ظروف لعابی و آثار نقره کاری و اشیاء فلزی از جمله کالاهایی است که به معرض فروش گذاشته شده است ...»^(۱)

دالمانی نیز رونق تجارت در بازار اصفهان را چنین توصیف می‌کند:

«در این بازارهای متعدد کالاهای اروپایی هم به فروش می‌رسد، اشیاء خرازی ساخت آلمان و انواع بلورهای اطریشی و پارچه‌های پنبه‌ای یا پشمی انگلیسی و روسی و غیره زیاد است، متأسفانه مصنوعات فرانسه بسیار قلیل و به ندرت در میان آنها دیده می‌شود، زیرا که متحدین ما امتیاز صدور مال التجاره خود را از شاه گرفته و مصنوعات کشورهای خود را مانند سیل به ایران وارد می‌نمایند ... باستثنای مال التجاره روسیه که از راه تبریز یا رشت به اصفهان وارد می‌شود، سایر مال التجاره‌های باختری از بندر بوشهر به این شهر وارد می‌گردد.»^(۲)

چنانکه گفته شد در اواخر دوران قاجار تجارت در بازارهای دو شهر همدان و کرمانشاه که

۱ - سفرنامه جکسن، آبراهام ولنتاین ویلیامز جکسن، صص ۶۳-۶۲-۳۱۳.

۲ - سفرنامه دالمانی، هانری رنه دالمانی، ص ۹۴.

قبلاً چندان اهمیتی نداشت رونق گرفت، جکسن درباره وضع تجارت در بازار همدان و کرمانشاه چنین می‌نویسد:

«گشت و گذار در بازارهای همدان از همان نوعد که با آنها آشنا هستیم: دارای سقفند، و بیش از پانصد دکان پر مشتری در آنها قرار دارد، این بازارها البته جالب توجهند، هر چند در مقام قیاس با بازارهایی که در پاره‌ای از شهرهای بزرگ ایران سراغ داریم در درجه دوم اهمیتند، زیرا راه کاروان رو برای مدت اندکی از همدان دور شد و وبا و قحط عده زیادی از مردم همدان را تباه کرد، با این همه در سالیان اخیر تجارت رونق سابق خود را از سر گرفته است و بازرگانان از این شهر به عنوان «انبار ایران» یاد می‌کنند، از جمله کالای بازرگانی اجناس چرمی را باید نام برد، زیرا همدان شهر دباغخانه‌هاست، و همه اینان در ساختن و پرداختن و عمل آوردن پوست گاو و گوسفند و ساختن اشیاء مفید و اجناس تجملی از آنها بهره‌مند، زین و تسمه جامه دان و کفشهای نوک تیز را در غرفه‌های متعدد به معرض فروش نهاده‌اند ...

«شهر کرمانشاه از نظر بازرگانی موقعیت مناسبی دارد، زیرا راه کاروانرو و عمده میان ایران و بین النهرین واقع شده است و مسافت آن از بغداد و تهران تقریباً به یک فاصله است، یعنی سیصد و پنجاه و چهار کیلومتر از بغداد و چهارصد و دو کیلومتر از تهران فاصله دارد، بازار داد و ستد و خرید و فروش آن بسیار گرم است و از این بابت بخصوص از بابت حق العمل کاری فواید زیادی نصیب شهر می‌شود ... در بازارها تجارت و داد و ستد محصولات و فرآورده‌های محلی از قبیل غلات، گندم، جو، میوه، صمغ و تریاق با رونق تمام جریان داشت و علاوه بر آن صدور کالاهایی که از طریق آنجا صادر می‌گردد و مقدار کثیری نیز کالاهای خارجی در زمره آنهاست، بازار گرمی دارد ...»^(۱)

ب - اصناف و مشاغل رایج در بازارهای ایران

بازارهای ذکر شده در هر دوره تاریخی به نسبت اهمیت اقتصادی شهرها و رونق تجارت و آبادانی بازارهای آنها و در ارتباط با نقشی که در اقتصاد کشور به عهده داشته‌اند، دارای اصناف و مشاغل گوناگون بوده بعضی از این مشاغل از دیدگاه سیاحان مظهر زندگی شرقی به حساب آمده است، برای مثال بازار اصفهان و کاشان در هر دو دوره صفویه و قاجار به دلیل رواج صنایع دستی

دارای مشاغل مختلف در ارتباط با هنرهای بومی رایج در منطقه بوده است، چند تن از سیاحان آن دوران مشاغل رایج در بازار اصفهان وکاشان را بدین گونه برشمرده‌اند: «... از طرف شمال مدخل بازار بزرگ قیصریه که از نظر زیبایی دست کم از مسجد شاه ندارد، روبروی آن قرار گرفته است و در دلانهای بیشمار این بازار، پارچه‌های پشمی، زری، منسوجات پنبه‌ای و ابریشمین و انواع و اقسام اجناس خارجی دیگر برای فروش در معرض تماشا قرار گرفته است...»^(۱)

«... در بازارهای مشرق معمول است که اهل یک حرفه در یک محل جمع باشند، مثلاً پارچه فروشان بازاری جداگانه برای خود دارند، بازارها عبارت است از: بازار ماهوت فروشها، خیاطها، قنادها، تفنگ‌سازها و غیره و غیره بویژه بازار قنادها که پیشتر صحبت نموده‌ام که چگونه در هر شهری از ما پذیرایی می‌کردند... اگر مثلاً بازار آهنگرها پا گذارید، جمیع اسلحه‌ها را در مغازه اسلحه فروشان مشاهده خواهید کرد، وقتی اشعه آفتاب به اسلحه‌ها می‌خورد تلالو و جلایی پیدا می‌کنند، کمی دورتر از این محل بازار فرش است که قلمکارها و سجاده‌ها را با هزاران رنگ مختلف آویزان ساخته و به فروش می‌رسانند در مجاورش کوچه آشپزهاست که کلیه فروشندگان به آنجا آمده و ناهار خود را که چلوکباب باشد خریداری می‌کنند، در قسمت دیگر یک نفر قلیانچی است که به مشتریها قلیان و یا تنباکوی شیراز می‌دهد، این قسمت بازار هم دیدنی است و انسان را به تعجب می‌اندازد، در طرف دیگر مقابل بازار آشپزها دکانهای قشنگ میناگران است که با مهارت دکان خود را به شکل پله‌کان درآورده و بر روی پله‌ها، قلیانهای طلا یا نقره میناکاری شده، قوطی‌ها و قلمدانها را می‌سازند و بر روی کار خود بهترین نقش‌ها از قبیل گل، شاخ و برگ و مناظره و غیره در می‌آورند، در این محل است که چشم انسان خیره می‌شود از اینکه می‌بیند آیینیه‌سازها با مهارت نقش و نگارهای خوب و نفیس بر روی آیینیه‌ها می‌سازند، در بعضی ادویه فروشها، دیگران ابریشم فروشها ماهوت فروشها، بلور فروشها و غیره و غیره ساکنند.»^(۲)

«... اصفهان در کارهای دستی، هنری شهرت زیادی دارد و در حقیقت مرکز نقاشان ایران به شمار می‌رود که هنر خود را روی همه چیز و حتی قلمدانهای کوچک عرضه می‌کنند و آثار زیبایی به وجود می‌آورند، به همین جهت در نخستین فرصت به سراغ هنرمندان اصفهانی رفتیم، محل کار این هنرمندان بیشتر در حجره‌های کوچکی بود که در طبقات بالای کاروانسراها قرار

۱ - سفرنامه کمپفر، انگلبرت کمپفر، ص ۱۹۴.

۲ - سفرنامه فلاندن، اوژن فلاندن، صص ۲۵۰-۲۵۱.

داشت، آنها در این مکانهای کوچک و تنگ نشسته و با قلم موهای خود آثار هنری را به وجود می‌آوردند.»^(۱)

شهرکاشان نیز به دلیل رواج صنایع دستی به خصوص صنعت ابریشم‌بافی از دوران صفویه تا قاجار همواره مرکز اشتغالات گوناگون بوده و از این لحاظ دارای اهمیت بخصوصی بوده است - درباره مشاغل رایج در این بازار سیاحان به شرح و بسط پرداخته و از جمله می‌نویسند: «... در کاشان عده کثیری صنعت‌گر و کارگر ابریشم کار هست که خیلی خوب کار می‌کنند، زری‌های خوب از طلا و نقره می‌بافند که بهترین زری‌های ایران است، پول هم در کاشان سکه می‌کنند و ظروف مختلف از مس می‌سازند که خیلی به فروش می‌رسد.»^(۲)

«... در این کاروانسرای نو پارچه‌های ابریشمی و مخمل‌های عالی دست باف که محصول همین شهر است به فروش می‌رسد، مخمل کاشان به واسطه خوبی جنس و رعونت و لطافت مشهور است، کارخانه‌های دستباف قابل ملاحظه است، چون هوا فوق‌العاده خشک و ممکن است نخ ابریشم را بشکند، نساجان مجبورند که در منازل زیرزمینی با روشنایی بکار پردازند، در تمام کارخانه‌ها حوض پر آبی هم هست تا از تبخیر آب مختصر رطوبتی در هوا تولید شود، در مقابل هر دستگاهی یک نفر کارگر نشسته که تا کمر عریان می‌باشد و مشغول بافتن پارچه است، به غیر از پارچه‌های ابریشمی دو رقم پارچه دیگر هم می‌بافند، یک قسم سبک و نازک که برای آستر لباس مصرف می‌شود و قسم دیگر سنگین و ضخیم که برای مخته و رو فرشی به کار می‌رود، پارچه‌های ابریشمی در روی زمینه قرمز با شاخ و برگ و گل‌های رنگارنگ نمایش و جلوه مخصوصی دارند، اما هیچ وقت نمی‌توان دو پارچه بافت که شبیه هم باشند زیرا که کارگران در تناسب و جور کردن رنگها مهارتی ندارند و مقدار ترکیبی آنها را به طور دقیق نمی‌دانند، به هر حال کاروانسرای نو مرکز مهم تجارت پارچه‌ها کاشان است و معاملات عمده‌ای در آنجا انجام می‌گیرد و تجار آن هم عموماً ثروتمند هستند...»^(۳)

شهر تهران که تا قبل از تشکیل حکومت قاجاریان اهمیت چندانی نداشت، پس از انتخاب به عنوان پایتخت سلسله قاجار رفته، رفته رو به توسعه و ترقی گذارد و بخصوص در زمان صدارت

۱ - سفرنامه بروگشن، هنریش بروگشن، ص ۲۷۷.

۲ . سفرنامه ناورنیه، ژان باتیست ناورنیه، ص ۹۷.

۳- سفرنامه دیولافوا، ژان دیولافوا، ص ۱۹۵.

امیرکبیر ابنیه عالی و بازارهای زیبا در این شهر احداث گردید و به تدریج رفت و آمدهای تجار و بازرگانان خارجی باعث رونق روز افزون کسب و کار و ازدیاد مشاغل در این بازارها گردید، به طوری که در زمان سلطنت مظفرالدین شاه قاجار از زیباترین و پررونق‌ترین بازارهای کشور به حساب می‌آمد. دالمانی درباره رونق کسب و کار در بازار تهران در آن زمان چنین می‌نویسد: «... هر صنفی بازار مخصوصی دارد که به همان نام خوانده می‌شود، از قبیل بازار زرگرا، بازار کفاشها، بازار سراج‌ها، بازار نجارها و بازار آهنگران و اسلحه سازان و مسگرا و غیره و کلیه صنعتگران از طلوع آفتاب تا غروب آفتاب در آنجا مشغول کار هستند، پاره‌ای از صنعتگران شب را هم در حجره کوچکی که در بالای دکان آنها قرار دارد بسر می‌برند...»^(۱)

ج - روابط ما بین اصناف و صاحبان مشاغل

روابط مابین کسبه و بازاریان تاثیر مهمی در گردش سرمایه و وضع کسب و کار در بازارها داشته است، معمولا هر راسته از بازار در اختیار صاحبان یکی از مشاغل قرار می‌گرفت بنا بر نوشته سیاحان بازاریان گاه در جهت رفاه حال و آسایش یکدیگر اقدام به ساختن کاروانسرا می‌نمودند و یا با پرداخت وام یکدیگر را یاری می‌کردند، از این گونه نوشته‌ها چنین بر می‌آید که صاحبان مشاغل و اصناف از روابط خوبی با یکدیگر برخوردار بوده‌اند، چند تن از سیاحان در سفرنامه‌های خود در دوره صفویه و قاجاریه به این مطلب اشاره نموده‌اند که به ترتیب آورده می‌شود:

«... در این کاروانسراها علاوه بر حجره یا مغازه منازل پاکیزه و خوب نیز برای تجار فراهم شده که موقع فراغت از کار را در آن بسر می‌برند، خرده فروشها بدین حجره‌ها حجت خرید می‌ایند و هر جنسی را جهت مالیاتی معین می‌دارند، به موجب یک رسم قدیم پیشه‌وران یک رشته خاصی برای خود بازاری در اختیار دارند، همچنین بازرگانان اهل یک شهر معین صنعتی مثلا یزد، کاشان، کرمان و غیره در کاروانسرای معینی سکنی گرفته‌اند، گاهی نیز کسبه متفرقه یک رشته خاص از طرف حکومت به سکونت در یک نقطه مشترک مجبور می‌شوند، مثلا در دوره ما برای رشته کفاشان و کلاه‌دوزان این اتفاق افتاد ... کسبه و تجار نیز در اثر بی‌پولی اجناس خود را مبادله می‌نمایند. مثلاً بزاز به نانوا پارچه می‌دهد و در عوض از او نان می‌گیرد، همین طور با

خیاط و دیگر کسبه معامله به مثل می‌کند برای اینکه بخواهند مبادله نمایند ابتدا مذاکره کرده و قیمت جنس را مثل اینکه بخواهد پولش را رد کند دریافته سپس کالا را رد و بدل می‌نمایند ...»^(۱)

«... احیاناً اگر تاجری در سر موعد موفق به ادای دین و پرداخت قروض خود نشود، تاجر دیگر یا طلبکار متفرقه کمتر اتفاق می‌افتد که درصدد ضبط اموال و دارایی او برآید، زیرا این کار راز نظر شرعی درست نمی‌داند، بلکه مهلتی برای او قایل می‌شود که در فرصت دیگری بتواند قروض خود را بپردازد و یا آنکه امکاناتی در اختیار وی قرار می‌دهد که بتواند با کاسبی و کسب درآمد بدهی خود را مسترد کند، میزان سود و بهره وامها درایران مانند سایر کشورهای مشرق زمین تومانی یک عباسی یعنی ۲۴ درصد است. طبقه دیگر که کسبه باشند وضعشان به خوبی تجار نیست، آنها به اصناف و دسته‌های مختلفی بر حسب کالایی که آماده می‌کنند و می‌فروشند تقسیم می‌شوند و هر صنف یک رئیس بزرگ یا ریش سفید دارد، معمولاً هر یک از اصناف تهران در محله بخصوصی کنار یکدیگر دکان دارند و دکانهای آنها چهار دیواریهایی است که دیواری به طرف کوچه و خیابان ندارد و در آن کاسب به اتفاق فرزندان خود می‌نشیند و کالای خود را می‌فروشد، رئیس یا ریش سفید هر صنف ماهی یکبار اقدام به جمع‌آوری مالیات مقرر از کلیه افراد صنف خود می‌کند و این مالیات را یکجا به دولت می‌پردازد، در میان اصناف البته صنعتگران هم وجود دارند ...»^(۲)

۱ - سفرنامه فلاندن، اوژن فلاندن، ص ۴۲۰.

۲ - سفرنامه بروگشن، هینریش بروگشن، ص ۱۸۴.

۳ - نقش سیاسی - اجتماعی

الف - قدرت حاکم بر بازار و روابط بازاریان با حکومت

اداره امور بازارها تحت نظارت قدرت حاکمه انجام می‌گرفته است و شاه و اطرافیان او در انجام امور مربوط به بازارها دخالت مستقیم داشته‌اند، آنان نمایندگانی از طرف خود انتخاب می‌کردند که عهده‌دار نظارت بر کسب و کار بازاریان و ارسال گزارش‌ها به حکام و شخص شاه بودند، این نمایندگان در بازارها آزادانه رفتار می‌کردند حتی به آزار و اذیت بازاریان می‌پرداختند و خود را در درآمد حاصله از کسب و کار آنان شریک می‌دانستند، نگهداری از بازارها نیز از وظایف قوای حکومتی بود، شخص داروغه برای مجازات مجرمین زندانهای مخصوصی در بازارها در اختیار داشت، سیاحان دربار به طریق اداره بازارها توسط قوای حکومتی در سفرنامه به درج نظریات خویش پرداخته‌اند:

«... اما بازارها در کمال امنیت هستند، تجار شب در دکان خود را می‌بندند و تا صبح مستحفظین از داخل و خارج مشغول حراست و کشیک هستند، اما دکانین کوچک داخل میدان شبها امتعه خود را در صندوقها ریخته درش را قفل می‌کنند و صندوقها را در یک طرف میدان ردیف هم می‌چینند، اما امتعه حجیم از قبیل چادر و طناب و غیره که جای زیاد لازم داشته باشد در کناری ریخته، یک تجیری رویش کشیده، به زمین میخ کوب می‌کنند، در میدان نیز تا صبح مستحفظین به حراست اشتغال دارند...»^(۱)

«... مالیاتی که از کسبه و تجار و صنعتگران گرفته می‌شود از روی اصول و نظم و تربیت نیست و غالباً مودیان با رشوه دادن به تحصیلداران از تأدیه آن معاف می‌گردند، سابقاً قرار بر این بوده که صدی بیست عایدات از تجار و کسبه و صنعتگران گرفته شود ولی امروز قانون معینی در کار نیست و حکام به انواع حیل متوسل می‌گردند تا کمبود مالیات را جبران کنند، مثلاً در بازار نزاعی به راه می‌اندازند و مامورین حکومت اشخاص ثروتمند را دستگیر می‌کنند و با گرفتن مبالغ زیادی آنها را آزاد می‌نمایند و اگر در دادن پول تعلل نشان دهند با چوب و فلک از آنها می‌گیرند ... شبها در بازار بسته می‌شود و گزمه‌ها به کشیک می‌پردازند و از دکانها مواظبت می‌نمایند و به همین جهت دکانها کمتر مورد دستبرد واقع می‌شوند و اگر احياناً سارقى را

دستگیر نمودند پس از شکنجه‌های سخت او را زندانی می‌کنند، در بازار داروغه به محاکمه می‌پردازد و مقصرین را به دلخواه خود مجازات می‌نماید، کسبه گرانفروش را معمولاً به چوب می‌بندند و جریمه نقدی از آنان می‌گیرند و اگر تقصیرشان زیاد باشد مجازاتهای سخت‌تری نسبت به آنها به عمل می‌آید. عموم کسبه اجناس را با ترازوهای بدوی می‌کشند و بسا می‌شود که در توزین ثقل می‌کنند، بنابراین مامورینی هستند که اعمال آنها را تفتیش می‌نمایند و گاهی برای اینکه شناخته نشوند تبدیل لباس می‌نمایند...»^(۱)

ب - سلسله مراتب قدرت در بازارها

از دوران قاجار، اداره امور بازار توسط افراد بخصوصی انجام می‌گرفته که با حکومت مرکزی به طور مستقیم در ارتباط بوده‌اند و انجام امور بازار اعم از گرفتن مالیاتها و رسیدگی به دعاوی و بالاخره نرخ‌گذاری اجناس توسط آنان صورت می‌گرفته است، توصیفی که سیاحان از سلسله مراتب قدرت در بازار در عهد قاجار می‌نمایند به قرار زیر است:

«... هر دالان دو ریش سفید دارد که داروغه‌ها منحصرأً با آنها سر و کار دارند، کلیه حرفه‌ها و نوع کسب و کار مشمول مالیات نقدی است که به حساب شاهزاده یا بیگلر بیگی توسط داروغه‌ها از ریش سفید وصول می‌گردد، ریش سفیدها معمولاً از بین سابقه‌دارترین و امین‌ترین افراد انتخاب می‌شوند، آنها باید حساب مبالغی را که کسبه تحت اداره‌شان می‌پردازند نگاه دارند و اشخاصی هم که ادعاهایی دارند از طریق همین ریش سفیدها می‌توانند به دستگاه حکومتی و حتی به شخص شاهزاده دسترسی پیدا کنند، البته این در صورتی است که موضوع دعاوی از نظر اهمیت ایجاب نماید که به نظر حاکم یا شاهزاده رسانده شود، تعیین نرخ مواد خوراکی و همه اوزان قسمتی از وظایف بی‌شمار داروغه‌ها است که نسبت به اجرای مقررات آن خیلی سختگیر هستند.»^(۲)

«... آزادی کامل کسب و کار وجود دارد و هیچ اجبار صنفی در کار نیست، معهذا استادان هر پیشه‌ای ریسی برای خود بر می‌گزینند که موسوم است به «باشی» و او حفظ منافع عمومی آن صنف را متقبل می‌شود. در رأس بازرگانان هر شهر یک نفر ریسی انتخابی است موسوم به «ملک

۱ - سفرنامه دالمانی، هانری رنه دالمانی، ص ۴۷-۱۰۵.

۲ - سفرنامه دروویل، گاسپار دروویل، ص ۸۸.

التجار» که وظیفه وی حفظ منافع عمومی صنف و همچنین داوری در اختلاف افراد وابسته و رفع و رجوع ناراحتیهاست، او باید کسانی را که در تأدیه قروض خود تعلل نشان می دهند به پرداخت دیونشان ترغیب کند و علل و ورشکستگیها را تعیین و اعلام دارد...»^(۱)

۴ - نقش فرهنگی

الف - آداب و سنن رایج در بازارها

در گذشته بازارها علاوه بر اهمیتی که از جنبه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی داشته است، دارای آیینها و مراسم ویژه‌ای بوده و از مراکز مهم تفریحی در آن زمان به شمار می رفته و به لحاظ غنای فرهنگی مورد توجه بسیار جهانگردان و سیاحان خارجی بوده است، چه ایشان می توانستند با بررسی بازارها به مطالعه گوشه‌هایی از شیوه زندگی اجتماعی مردم آن زمان بپردازند، اینک به ذکر چند نمونه از نوشته‌های سیاحان براساس مشاهدات ایشان در مراسم بازاریان به هنگام جشنها و آداب و سنن معمول در بازارها از دیدگاه ایشان می پردازیم:

«... بازارها را چراغانی و نورباران کرده بودند، زیرا بازاریان انتظار دارند که اعلیحضرت امشب یا فردا آنانرا با حضور خود سرافراز کند، چراغانی را با قرار دادن چراغها و شمعهایی فراوان در چراغدانها و فانوسها انجام داده بودند که صفحه‌ای در داخل آنها می چرخید و این صفحه را با اشکال عجیب و غریب نقاشی کرده و به وسیله هوای گرم به گردش درآورده بودند، بهترین کالاها را به معرض نمایش گذاشته بودند، در حالی که زورقهای طلایی و نقره‌ای که در تابش نور خورشید می درخشید، منظره‌ای خیره کننده داشت، اما بهترین چیز قابل تماشا کاروانسرای متعلق به معتمد بود که آنها را با آئینه‌ها و شمعهایی آراسته بودند که در میان حبابهای دیواری و شمعدانها و جارها قرار داشت، بعضی از آئینه‌ها دارای قابهای متحرک بود و جلو و عقب می رفت و تمام تئاتلو و نور افشانیها را به طرز زیبایی منعکس می کرد و بعضی «اطاق»های بازرگانان را از داخل و خارج با شال و زری پوشانده یعنی از آنها آویخته بودند، نیز نوعی پارچه ابریشمی که سرپای آن پولک دوزی بود به کار برده بودند که بسیار تماشایی بود، این همه را به خاطر اعلیحضرت انجام داده بودند.

ما مدتی در آنجا توقف کردیم تا شیرینی و شربت بخوریم و در بازگشت آتشبازی میدان را

تماشا کردیم که بسیار درخشان بود، فشفشه‌های رنگارنگ از هوا می‌بارید، فواره‌های آتش به رنگهای سرخ و سفید و آبی و زرد دیده می‌شد، آفتاب* مهتابهای بزرگ و تعداد فراوانی از آنچه زنبوره** می‌خوانند چرا؟ زیرا به علت اینکه صدای بزرگی مانند صدای زنبورک دارد، به همین جهت آن را زنبوره خوانده‌اند...»^(۱)

«... صحنه‌های متنوع و عجیبی که در بازار مشاهده می‌شود، موضوع بسیار جالب با جنبه‌های مختلف برای مطالعه آداب و سنن مردم ایران است، مثلاً یک سو، شخصیت معروفی را می‌بینی که به همراه تعداد زیادی فراش در حال حرکت است و «قلیانچی» ها قلیان و سایر قبل منقل او را با خود حمل می‌کنند، چند نفر دیگر مامور حمل قبا و کفشها یا آفتابه هستند، علاوه بر فراشها تعدادی «جلودار» نیز پیاده یا سواره در التزام ارباب خود حرکت می‌کنند، آنها روی دوش چپ‌شان زین پوشهای مليله دوزی شده گرانبهائی انداخته‌اند تا به محض پیاده شده سوار از اسب اسبها را با آنها پوشانند، اهمیت شخصیتها از تعداد فراشها تشخیص داده می‌شود، بدین جهت برای ابراز تشخص سعی می‌کنند، نمایش فراشها چشمگیرتر باشد این نوع حرکت توام با دبدبه و کبکبه سخت مورد تحسین قرار می‌گیرد و مردم با دیدن جلودار فریاد می‌کشند «ماشاءالله ماشاءالله» ... این چنین موکب باشکوهی ... جزو مراسم مهمانی رفتن بزرگان و دیدار آنان از یکدیگر است...»^(۲)

«... طرف ظهر سراها و راهروهای بازار یک دفعه خالی و خلوت می‌شد، چون مشتریها و کسانی که برای گشت و گذار آمده بودند، ولو اینکه دوباره برگردند، برای ناهار به خانه خود می‌رفتند، اما خود بازاریها رو به سوی قبله، در حالیکه پیشانی خود را به مهری که از تربت کربلا یا قم ساخته بودند می‌ساییدند، در دکانهای خود مشغول نماز و عبادت می‌شدند. از غروب آفتاب به بعد، در اغلب بازارچه‌ها، درهای سنگین دکانها را کشیده با قفل‌های زمخت و عجیبی محکم می‌بستند، فقط چند شمع یکی دو بازارچه‌ای را که هنوز دکان‌هایشان باز بود، روشن می‌نمود، ردهای سیاه و بلندی در سایه روشن بازار و تاریکی اوایل شب که به زحمت دیده می‌شد، آرام، آرام در راهروها و چهار سوقها می‌لغزید...»^(۳)

* - قسمتی آتشبازی که به هنگام سوختن به چند رنگ جلوه نماید، (فرهنگ معین). م.

** - زنبوره در لغت به معنی زنبورک آمده است. (رک. لغت نامه دهخدا و فرهنگ معین). م.

۱ - سفرنامه فریزر، جیمز بیلی فریزر، ص ۱۹۶.

۲ - سفرنامه کارلاسرنا، کارلاسرنا، صص ۶۷-۶۸.

۳ - سفرنامه اورسل، ارنست اورسل، صص ۱۴۰-۱۳۹.

نتیجه گیری:

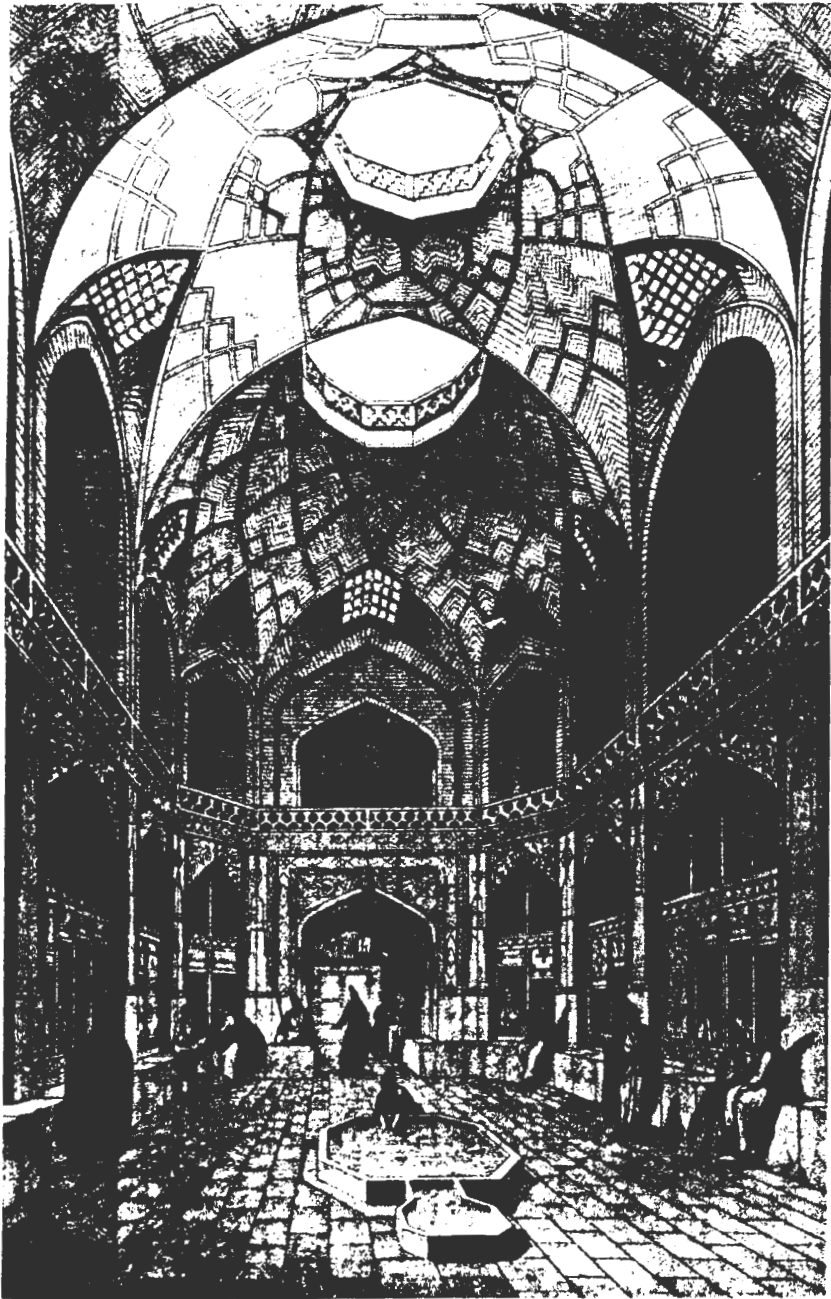
اقتدار و عظمت شاهان مقتدر سلسله صفوی و رفاه و امنیتی که ایجاد نموده بودند، باعث رونق اقتصادی و گسترش شهرها و زیبایی معماری و تزیینات ابنیه و بازارها و در نتیجه ایجاد ارتباط با کشورهای خارجی و جلب نمایندگان و سیاحان خارجی به این کشور گردید، جهانگردانی که در آن دوران به ایران مسافرت کرده‌اند از رونق اقتصادی و اجتماعی شهرهای بزرگ و شیوه معماری ابنیه و تزیینات زیبای آنها و رونق کسب و کار در بازارها مطالب جالب توجهی به رشته تحریر درآورده‌اند، اما پس از سپری شدن دوره زمامداری شاهان صفوی و تشکیل حکومت مرکزی توسط کریمخان زند و تاسیس سلسله زندیه، به دلیل درگیری و کشمکشهای فراوان وی با مدعیان داخلی و خارجی حکومت و دوره زمامداری کوتاه این سلسله، نمایندگان دول خارجی و از جمله سیاحان کمتر به ایران مسافرت نمودند و در نتیجه سفرنامه‌ها به عنوان یکی از منابع مهم تحقیقاتی از این دوره کمتر در دسترس می‌باشد اما عصر قاجار در ایران همزمان بود با عصر تحولات شگرف و عظیم صنعتی، علمی و هنری در اروپا، در این دوران سیاحان و جهانگردان بسیاری چه به عنوان نمایندگان دول خارجی و چه در لباس سیاحت و جهانگردی به ایران مسافرت نمودند و چکیده مشاهدات و نظریات خود را در قالب سفرنامه‌های جذاب و شیرین عرضه داشتند که حاوی مطالب مفیدی از لحاظ مردم شناسی و مطالعات اجتماعی در آن زمان می‌باشد ... فتحعلی شاه در تمام دوره سلطنت خود پیوسته در حرکت و سرگرم کشمکش با مدعیان خصوصی و دشمنان خارجی بود ولی بیشتر پیشرفتهایی که در کارها نصیب وی شد از برکت وجود پسران با کفایت و سرداران لایق اوست و همین جماعتند که در مدت ۳۷ سال پادشاهی فتحعلی شاه، مدعیان عدیده سلطنت را از میان برداشتند و با وجود سیاستهای دشمنانه خارجی و تعرضات ایشان باز ایران را در تحت یک امر و یک حکومت حفظ کردند ... مداخله کشورهای استعماری مخصوصاً سیاست توسعه طلبی روسیه تزاری همواره به زمامداران ایران گوشزد می‌کرد که خود را با تمدن و فرهنگ و سلاحهای جدید هم آهنگ کنند، گام برداشتن در راه توسعه تمدن و فرهنگ و کوششهای که در این زمینه انجام شد باعث ایجاد رفاه و امنیت و در نتیجه بهبود اوضاع اقتصادی و اجتماعی و آسایش نسبی مردم گردید، چنانکه بار دیگر نمایندگان دول خارجی و سیاحان به ایران مسافرت نمودند و یادداشت‌های جالبی از مشاهدات خود درباره مسایل اجتماعی و اقتصادی بر جای گذاردند،

همانگونه که در متن آورده شده از جمله مباحث شیرین و به یاد ماندنی در این سفرنامه‌ها بررسی جنبه‌های مختلف بازار از دیدگاه سیاحانی است که در آن زمان از بازارهای دیدن نموده‌اند، با به سلطنت رسیدن ناصرالدین شاه و با وجود سیاستهای عاقلانه وزیر با تدبیر وی «امیر کبیر» در قبال مسایل داخلی و خارجی مملکت، توجه سیاحان بیش از پیش به این کشور جلب گردید از این زمان تا اواخر قاجار (سلطنت مظفرالدین شاه) نمایندگان دول خارجی و سیاحان بسیاری جهت انجام مطالعات و بررسیهای اقتصادی و اجتماعی به ایران روی آوردند و از خود سفرنامه‌های شیرینی که حاوی مطالب ارزنده از نحوه زندگی و معیشت و چگونگی آداب و سنن و شیوه تفکر و روح ایرانی می‌باشد بر جای نهادند.

فهرست منابع و مآخذ:*

- ۱ - شاردن، ژان، سیاحتنامه شاردن، حسین عریضی، غلامرضا سمیعی، انتشارات نگاه، تهران، ۱۳۴۵.
- ۲ - فیگوئروا، دن گارسیادسیلوا، سفرنامه فیگوئروا، غلامرضا سمیعی، نشر نو، تهران، ۱۳۶۳.
- ۳ - کاتف، فدت آفاناس یویچ، سفرنامه کاتف، محمد صادق همایونفرد، کتابخانه ملی ایران، تهران، ۲۵۳۶.
- ۴ - الثاریوس، آدام، سفرنامه آدام الثاریوس، ج ۲۰، احمد بهپور، سنایی، تهران، ۱۳۶۳.
- ۵ - کمپفر، انگلیرت، سفرنامه کمپفر، کیکاووس جهانداری، خوارزمی، تهران، ۱۳۶۳.
- ۶ - تاورنیه، ژان باتیست، سفرنامه تاورنیه، ابوتراب نوری، سنایی - تایید، تهران، ۱۳۶۳.
- ۷ - کارری، جملی، سفرنامه جملی کارری، عباس نخجوانی، عبدالعلی کارنگ، فرانکلین، تهران، ۱۳۴۸.
- ۸ - درویل، گاسپار، سفرنامه گاسپاردرویل، جواد محبی، گوتنبرگ، تهران، ۱۳۶۴.
- ۹ - فلاندن، اوژن، سفرنامه اوژن فلاندن به ایران، حسین نور صادقی، اشراقی، تهران، ۱۳۵۳.
- ۱۰ - فریزر، جیمز بیلی، سفرنامه فریزر معروف به سفر زمستانی، منوچهر امیری، توس، تهران، ۱۳۶۴.
- ۱۱ - بروگشن، هینریش، سفری به دربار سلطان صاحبقران، مهندس محمد حسین کردبچه، اطلاعات، تهران، ۱۳۶۷.
- ۱۲ - اورسل، ارنست، سفرنامه ارنست اورسل، علی اصغر سعیدی، زوار، تهران، ۱۳۵۳.
- ۱۳ - بنجامین، سیمون گرین ویلر، ایران و ایرانیان در عصر ناصرالدین شاه، مهندس محمد حسین کردبچه، جاویدان، تهران، ۱۳۶۹.
- ۱۴ - ماساهارو، یوشیدا، سفرنامه یوشیدا ماساهارو، محمد صادق همایونفرد، آستان قدس رضوی، تهران، ۱۳۶۷.
- ۱۵ - دیولافوآ، ژان، سفرنامه مادام ژان دیولافوآ، ایرج فره‌وشی، خیام، تهران، ۱۳۶۱.
- ۱۶ - کرزن، جرج ناتانیل، ایران و قضیه ایران، ج ۲۰، غلامعلی وحید مازندرانی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۷.

- ۱۷ - ملکونف، سفر به سواحل جنوبی دریای خزر، دادجو، تهران، ۱۳۶۴.
- ۱۸ - سرنا، کارلا، سفرنامه مادام کارلا سرنا، علی اصغر سعیدی، زوار، تهران، ۱۳۶۷.
- ۱۹ - پولاک، یاکوب ادوارد، سفرنامه پولاک ایران و ایرانیان، کیکاووس جهانداری، خوارزمی، تهران، ۱۳۶۸.
- ۲۰ - دالمانی، هانری رنه، سفرنامه از خراسان تا بختیاری، فریدون فره‌وشی، امیرکبیر، ۱۳۳۵، تهران - ۱۱۷۵ صفحه.
- ۲۱ - جکسن، آبراهام، ولنتاین ویلیامز - سفرنامه جکسن «ایران در گذشته و حال»، فریدون بدره‌ای و منوچهر امیری، خوارزمی - چاپ دوم ۱۳۵۷ - تهران - ۵۴۳ صفحه.



بازار حاجی سید حسین - اصفهان

شیوه معماری در بازار حاجی سید حسین - اصفهان



دو نمونه از مشاغل رایج در بازارها



شیوه معماری بازار

یکی از سراها با حجرات پایین آن مخصوص تجار و طبقات بالا جهت استراحت و اقامت
موقت چارواداران و مکاریان و صاحبان بار

دو نمونه از سکه‌های رایج در دوران سلطان فتحعلی شاه و محمدشاه قاجار

فتح علی شاه (۱۲۱۱-۱۲۵۰ ه. ق - ۱۷۹۷-۱۸۳۴ م.)

جنس: نقره - وزن ۱۰/۱ گرم - قطر: ۲/۵ سانتیمتر

روی سکه، متن: السلطان فتحعلی شاه قاجار

پشت سکه، متن: العزة الله ضرب خوی؟ تزیینات: اسلیمی گلدار



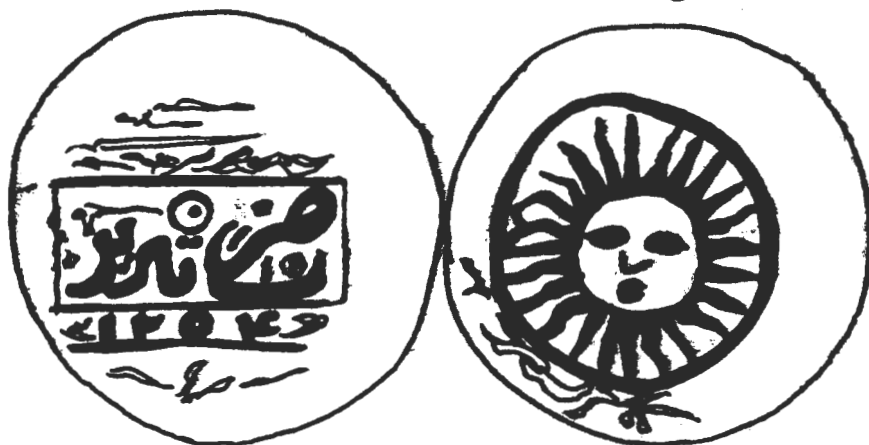
محمد شاه (۱۲۵۰-۱۲۶۴ ه. ق - ۱۸۳۳-۱۸۴۸ م.)

۲۶۲۰۱ ج. ت - جنس: مس - وزن: ۱۱/۱ گرم - قطر ۲/۵ سانتیمتر

روی سکه، متن: تصویر قرص خورشید با چشم و ابرو و اشعه ساطع

حاشیه: برگ‌های اسلیمی و دایره

پشت سکه، متن: داخل مربع: ضرب تبریز برگ دو شاخه



ناصرالدین شاه ۱۲۶۰-۱۳۱۴ ه. ق ۱۸۴۸-۱۸۹۷)

۲۶۳۰۴ ج. ت - جنس: نقره - وزن: ۲۰/۲۸ گرم

روی سکه، متن: نیمرخ ناصرالدین شاه داخل دوترنج در پشت سر و روبروی تصویر السلطان ۱۲۶۷

پشت سکه، متن: ضرب دارالخلافه تهران ۱۲۷۳



ناصرالدین شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۴ ه. ق ۱۸۴۸-۱۸۹۷)

۲۶۳۰۵ ج. ت - جنس: مس - وزن: ۲۰/۷ گرم - قطر: ۲/۷ سانتیمتر

روی سکه، متن: تصویر شیر و خورشید (خوابیده) ۱۲۷۳ تزیینات: شاخه زیتون (با برگ و میوه)

پشت سکه، متن: فلوس ممالک محروسه ایران

حاشیه دایره خطی



بدینوسیله از سرکارخانم خالرخانی و جناب آقای سلیمی که در تهیه طرحهای این گزارش اینجانب را یاری

نموده‌اند، قدردانی می‌شود.

گروه باستان‌شناسی دشت لوت

گزارش دوازدهمین فصل کاوش در محوطه باستانی شهداد

میرعابدین کابلی

سرپرست گروه باستان‌شناسی دشت لوت

خدای را سپاسگزاریم که توفیق را یار کرد و عنایتش را همراه تا دوازدهمین فصل کاوش در محوطه باستانی شهداد را به پایان رسانیم و اینک نیز گزارش عملیات کاوش و نتایج حاصل از آن را ارائه نماییم.

کاوش در محوطه باستانی شهداد در بیست و دوم بهمن ماه ۱۳۷۶ آغاز و به مدت ۳۰ روز ادامه یافت. فعالیت‌های این فصل نیز ادامه کاوشهای دو فصل پیشین بوده است. یعنی ادامه کاوش در آثار معماری و دریافت چگونگی شهرسازی در شهداد هزاره سوم بود.

در بررسی اشیاء و آثار به دست آمده کاوش از گورستانهای یک و دو که در سالهای دهه پنجاه انجام شده بود و با مطالعه اشیاء به دست آمده از آن کاوشها و نیز در مطالعات تطبیقی با محوطه‌های باستانی همجوار یا دور از آن به این نتایج دست یافتیم که براساس مدارک مکتوب سومری، شهداد می‌تواند مرکز ایالت آراتا از امپراتوری ایلام باشد و مقالاتی نیز در این زمینه تالیف و چاپ کردیم. گورستانهای موصوف حکایت از وابستگی آنها به شهری بزرگ و وسیع و گسترده و پرجمعیت داشت. در این سه فصل اخیر (دهم، یازدهم و دوازدهم) تمام هم و تلاش ما بر آن بود و خواهد بود که وضعیت شهرسازی و شهرنشینی صاحبان گورها را مشخص و آشکار سازیم. چون اگر شهداد مرکز ایالت آراتا بوده است؟ پس می‌بایستی از اهمیت و اعتبار خاصی برخوردار باشد. از سویی دیگر مردمان هنرمند و صنعت‌گر و... در این شهر جمع بودند که ما توانستیم به هفده صنف از هر دسته و گروه را مشخص سازیم. در این صورت شهر نمی‌توانسته است به دور از مدنیت باشد که خوشبختانه در چند سال اخیر با کشفیات جدید تا اندازه‌ای به

آنچه می‌اندیشیدیم دست یافتیم.

در دوازدهمین فصل کاوش افراد و عزیزانی همکاری و همراهی داشتند که نتیجه تلاش آنها آن چیزی است که در این صفحات از نظر خواهد گذشت در این جایگاه لازم می‌داند با ذکر نامشان ادای دین کرده و برای همه آنان آرزوی توفیق زندگی فردی و اجتماعی نمایم.

آقای نادرعلی‌دادی سلیمانی

باستان شناس از مدیریت میراث فرهنگی استان کرمان

آقای علی رضایی خواه

مسئول نقلیه و تدارکات از مدیریت میراث فرهنگی استان کرمان

آقای اکبر ایرانمنش

سرکارگر فنی و نگهبان آثار باستانی و پایگاه باستان شناسی دشت لوت (شهادت)

در اجرای این برنامه از همکاری‌های معاونت محترم پژوهشی سازمان، سرپرستی محترم پژوهشکده باستان شناسی و همکارانشان و اداره کل محترم میراث فرهنگی استان تهران و همکاران صمیمی این اداره کل و مدیریت محترم میراث فرهنگی استان کرمان و همکاران گرانقدر این مدیریت که نهایت همکاری را داشته‌اند و با اغتنام از فرصت، از همکاری‌های همه آنها سپاسگزاری می‌شود و توفیق همه آنان را آرزو داریم.

گزارش دوازدهمین فصل کاوش در محوطه باستانی شهداد

۱ - باانجام این فصل کاوش در محوطه باستانی شهداد دوازدهمین فصل کاوش به پایان رسید. این دوازده فصل را می توان به سه مرحله تقسیم کرد که ۸ فصل آن کاوش درگورستان های یک تا سه بوده است. ضمن اینکه در محله صنعتگران و ده خان تپه نیز کاوش هایی صورت گرفت. فصل نهم را شاید بتوان مرحله دوم کار دانست که آن منحصر می شود به تعیین حریم سمت غربی محوطه که این برنامه در سال ۱۳۶۸ به اجراء درآمد. از سال ۱۳۷۳ مرحله سوم کار آغاز می شود که فعلا سه سال است ادامه دارد. آنچنان که در سطور مذکور در فوق آمده است مرحله اول بیشترین فعالیت درگورستانهای سه گانه متمرکز بود و از رهگذر گورها و اشیاء و آثاری که از آن به دست آمده است اطلاعات بسیاری در زمینه های مختلف صنعتی، هنری و فرهنگی بر ما آشکار شد ولی آنچنان که باید از چگونگی ساخت و سازهای معماری و شهرسازی اطلاعاتی نداشتیم. محوطه باستانی شهداد به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی محوطه ایست تک لایه و به همین دلیل هم بسیار پهناور است. تک لایه ای بودن محوطه دارای محاسنی است ولی معایبی نیز دارد. با توجه به اینکه عوامل فرساینده همچون باد و سیل به طور مداوم حادث می شود موجبات نابودی و ویرانی را نیز در بر دارد. از این روی در این گستره محوطه باستانی به سختی می توان تداوم فرهنگ مادی را به دست آورد. از یک سوی بادموجب فرسایش آثار می شود و از دیگر سوی سیل های متعدد بریدگیهایی را باعث می شود یا بریدگی های قبلی را انباشته می سازد. ضمن اینکه رسوباتی را نیز بر جای می گذارد. از این لحاظ به سختی می توان در مورد شهر و شهرسازی اظهار نظر قطعی کرد.

در سال ۱۳۷۳ گروه باستانشناسی دشت لوت در شمال شرق سه گورستان یاد شده، در نقطه ای که سالهای پیش شناسایی شده بود به کاوش پرداخت که به آثار معماری بسیار با ارزشی دست یافت که نتایج حاصل از این عملیات تدوین و به چاپ رسید. (کابلی ۱۳۷۶)

براساس آثار به دست آمده و بررسی آنها اعم از آثار معماری یا مواد فرهنگی بدان رسیدیم که این آثار معماری مربوط به خانواری چند از کشاورزان است بخصوص که آثار معماری، محصور در زمین های زراعتی بوده است.

در سال ۱۳۷۴ در فاصله ۳۵ الی ۴۰ متری جنوب شرقی خانه کشاورزان به آثار معماری دیگری برخورد شد که آن هم مربوط به گروهی دیگر از کشاورزان بوده است که مطالب مربوط به این فصل از کاوش (یازدهمین فصل) و این آثار در نشریه‌ای دیگر در دست چاپ است. در سال ۱۳۷۵ در عملیات کاوش وقفه‌ای ایجاد شد ولی در سال ۱۳۷۶ مجدداً کار از سرگرفته شد.

۲ - عملیات کاوش و پژوهش‌های دیگر

مقدمه:

در گزارش دهمین فصل کاوش آمده بود که در بین کلو تک‌های شمال غرب گورستانهای سه گانه با فاصله حدود یک کیلومتری و کنار جاده ده نو دو فضای مسطح و میدانگاهی قرار دارد که در جنب یکدیگرند و حد فاصل آنها چند رشته کلو تک است. میدانگاهی شرق وسیعتر از آن دیگری است ولی در میدانگاهی غربی آثاری بر ملا بود که همان سبب شد تا گروه کاوش، فعالیت خود را در آن قسمت متمرکز سازد. نتایج حاصله بسیار ارزنده بود. به طوریکه نوشته شد آثار ساختمانی محصور در زمینهای زراعتی است از سوی دیگر در سمت شمال این هر دو محوطه تپه‌ای نسبتاً باریک ولی دراز کشیده شده است که سراسر جبهه شمالی رامی پوشاند. باین وضعیت گروه باستانشناسی دشت لوت برنامه‌ای که تدوین کرده بود آشکار ساختن:

الف - اطراف مجتمع‌های مسکونی دوگانه.

ب - شناسایی میدانگاهی شرق با حفر گمانه‌های آزمایشی.

ج - بررسی دقیق اطراف آثار ساختمانی به منظور دست یابی به وضعیت شهرسازی منطقه.

۳ - کاوش در اطراف مجتمع ساختمانی الف

در سالهای ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ اطراف مجموعه ساختمانی «الف» خاک برداری شد و دریافتیم که زمینهای کشاورزی از هر سو کشیده می‌شود. از سویی مجتمع ساختمانی «ب» که در ۳۵ متری جنوب شرقی مجموعه «الف» قرار دارد خود نیز محصور در زمینهای زراعتی است. از این روی بر آن شدیم وضعیت زمینهای زراعتی و ارتباط دو مجموعه را مشخص سازیم در یازدهمین فصل، کار خاک برداری از زمینهای زراعتی و اطراف مجموعه‌ها را آغاز کرده بودیم در

فصل دوازدهم نیز این فعالیت ادامه یافت.

در سمت شرق مجموعه «الف» و در شمال غرب مجموعه «ب» که شرق مجموعه «الف» با فاصله نسبتاً زیاد از آن دو رشته کلو تک کشیده شده که در موازات یکدیگر ولی با اندکی جلو و عقب قرار دارند و ارتفاع آنها از سطح زمین حدود ۲ متر می شود. از سالهای پیش بر آن بودیم که وضعیت این کلو تک ها و صدها کلو تک دیگر و همچنین تکوین آنها را مشخص سازیم و وجود این دو رشته و زمینهای زراعتی بهترین موقعیتی بود که می توانستیم بدان دست یازیم از این روی و بر همین اساس نیز اقدام کردیم و به طور مرتب و منظم کار خاک برداری را از سمت شرق مجموعه «الف» ادامه دادیم، ضمن اینکه شمال همین مجموعه نیز می بایست خاک برداری می شد. همه این کارها طبق برنامه و اصول مربوط انجام شد.

۳-۱ - خاک برداری شمال مجموعه «الف»:

گوشه شمال غرب این مجموعه در سال ۱۳۷۵ یعنی یازدهمین فصل انجام شده بود که ماحصل آن شناسایی بخش کوچکی از زمینهای کشاورزی به صورت کرت بندی شده بود که از هر لحاظ بر ما و باستانشناسی ایران تازگی داشت گو اینکه براساس یافته های درون قبرها ما پیش بینی کشاورزی کرت بندی شده را کرده بودیم ولی حالا عینیت می یافت. این وضعیت در یک گستره ای به اندازه های حدود ۷ متر تا ۸ متر ادامه یافت. ولی در ادامه خاک برداری در سمت شرق با پدیده دیگری روبرو شدیم که آن هم ادامه زمینهای کشاورزی بود منتهی به روشی دیگر است. بدین سان که کناره شرقی و جنوبی منطقه کرت بندی شده برجسته تر بود. با شیار در وسط این دیواره گلی حاکی از ساخت و سازهای دست بشر بود ارتفاع این دیواره گلی نسبت به سطح زمین کشاورزی حدود ۱۵ سانتیمتر بوده است. در وسط شیار بالای دیواره گلی با فاصله ۲۰ الی ۲۵ سانتیمتر حفره هایی وجود دارد که سوال برانگیز بود که این حفره ها چه می توانست باشد ولی بدان اندازه سخت نبود که بتوان استنباط هایی نداشت چرا که از طریق مردم نگاری می شد پاسخ آن را یافت. بدین ترتیب که امروزه در شهاد زمینهای زراعتی که متعلق به افراد و خانواده های چندی است و در کنار هم قرار دارند به همین طریق عمل می کنند یعنی دیواره ای نسبتاً بلندتر با شیار در وسط و کاشت نهال گز که بدین ترتیب حد و حدود زمینها را از هم تفکیکی می نمایند. آن حفره هایی نیز که در کاوش بر روی دیواره مشاهده می شود احتمالاً

درختچه‌هایی همچون گز یا گیاهی دیگر بوده است.

لذا اگر بخواهیم همین عمل را به آثار به دست آمده تسری دهیم ناچاریم بدین شیوه متوسل شویم. در بخش شمالی از پای دیوار شمالی مجموعه «الف» تا دیوار سیمانی که برای جلوگیری از تخریب باد توسط «گروه باستان شناسی دشت لوت» احداث شده است. ۱۲/۵ متر پهنا دارد که این فضا را به صورت طولی شرق به غرب به سه قسمت می‌توان تقسیم کرد. بخش جنوبی فضای صاف و همواری است که محل تردد و آمد و شد افراد و ساکنان مجموعه «الف» بوده است. پهنای آن بین ۲ تا ۲/۵ متر است. ده متر باقی مانده خود نیز به همین وضعیت شرقی، غربی به دو قسمت تقسیم می‌شود که حد فاصل آن را دیواره‌ای گلی بسیار ناهموار و با یک خط کج کشیده شده است. در سمت شمال این دیواره با زمین کشاورزی روبرو می‌شویم که با بیل شخم خورده است و به راحتی قابل تشخیص است ولی فضای میانی اگر چه زمینی است زراعتی، و شخم خورده نیز هست ولی تفاوت بسیار با بخش شمالی دارد چرا که این زمین با خیش شخم خورده شد و شیارهای موازی شرقی غربی روی سطح مزرعه را به راحتی می‌توان تشخیص داد. حال این خیش خوردگی با انسان بوده است یا چهار پا و از اینکه خیش از چه جنسی بود از فلز یا چوب بحث جداگانه‌ای است که تا شواهد عینی و ملموس به دست نرسد نمی‌توان اظهار نظر صریح کرد.

زمین زراعتی رو به سوی شرق ادامه می‌یابد در فاصله ۸ متری از گوشه شمال شرقی مجموعه «الف» یک رشته کلوتک قرار داشت به طول ۱۲ متر و ارتفاعی حدود ۲ متر. خاک برداری به سمت این کلوتک ادامه یافت. با کمال خوشبختی مشاهده شد که زمینهای زراعتی به زیر این رشته از کلوتک ادامه یافت با این برداشت دقیق وضعیت سراسر چاله تکاب و کل کلوتک‌ها که اگر چه آمارگیری نشده است ولی شاید از هزار بیشتر باشد مشخص شد. آنچه را که طی سی سال در پی آن بودیم بر ما آشکار گردید و اینک با جرات می‌توان گفت نه تنها چگونگی تکوین آنها - البته تا اندازه‌ای مشخص بود - بلکه مهمتر زمان شکل‌پذیری و تکوین آنها آشکار شد.

۲-۳ - لایه‌های تشکیل دهنده کلوتک‌ها

کلوتکی که در شمال شرق مجموعه «الف» قرار دارد نسبتاً کوتاه‌تر و کم وسعت‌تر از بقیه

کلوتک‌هایی است که در اطراف کارگاه کاوش قرار دارد. ارتفاع آن از سطح زمینهای زراعتی تا بالای آن ۱/۹۲ متر است. در قسمت بالا ۵۵ سانتیمتر لایه رسوبی از ذرات بسیار ریز تشکیل یافته است. در زیر آن با یک لایه قطور ماسه نرم (معروف به ماسه بادی) به قطر ۶۵ سانتیمتر قرار دارد و مجدداً یک لایه رسوبی از همان نوع رسوب بالایی است و قطر آن ۳۵ سانتیمتر است. در نهایت با لایه شنی از همان نوع ماسه بادی نرم روبرو هستیم که آثار ساختمانی و زمینهای کشاورزی را در زیر خود نهان کرده و فضاهای درونی ساختمان‌ها را انباشته بود. همین عامل ماسه بادی سبب بقای این آثار بوده است. البته توجه داشته باشیم که در سمت شمال این آثار اعم از زمینهای کشاورزی یا آثار ساختمانی در پناه یک تپه طویل و نسبتاً عریض قرار گرفته است که این تپه در شمال این آثار جای دارند و در بخش شمالی این تپه که هنوز کاری بر روی آن انجام نگرفته است نهر نسبتاً پهنی قرار دارد و موقعیت جغرافیایی تپه و آثار باعث شده است که ماسه‌هایی که بادهای شمالی با خود آورده است در فضاهای درونی و بیرونی مجموعه ساختمانی را انباشته سازد. البته مجتمع «ب» به دلیل آنکه حدود ۲ متر بالاتر از سطح مجموعه «الف» است نتجتاً بیشتر در معرض عوامل فرسایش جوی مخرب همچون باد قرار گرفته و می‌بینیم که نسبت به مجموعه «الف» بیشتر دستخوش ویرانی و فرسایش شده است.

برای نشان دادن شدت تخریب و فرسایش باد به یک نکته اشاره می‌کنیم. گورهای اسلامی حداقل دارای یک متر عمق می‌باشند. در شمال غرب مجموعه ساختمانهای کشاورزان - مجموعه‌های «الف» و «ب» - با فاصله حدود ۵۰۰ متر گورستانی از دوره اسلامی است که احتمالاً مربوط به قرون پنجم و ششم هجری است. در این گورستان به راحتی می‌توان اجساد را مشاهده کرد و چگونگی تدفین آنها را دریافت. حال با این نشانه به راحتی می‌توان شدت فرسایش را تخمین زد.

پس از آنکه فضاهای درونی مجتمع‌های مسکونی از ماسه انباشته شد که می‌بایست زمان نسبتاً طولانی از زمان ترک منطقه گذشته باشد و فضاهای درونی پر شده‌اند و بدیهی است که در طی زمان دستخوش فرسایش نیز بوده است. یک نکته بس مهم در این رهگذر وجود دارد و آن این است که مسلماً بناها ترک شده است و تقریباً مسلم می‌دانیم که چوبهای سقف را با خود برده‌اند ولی دیوارها ظاهراً دست نخورده باقی ماندند و با محاسباتی که انجام شد ارتفاع بناها حداقل ۲ متر است. آنچه که امروز بر جا است حداکثر ۸۶ سانتیمتر است. نکته در خور توجه این

است که فقط دو مورد دیوار افتاده در این کاوش داریم که یک مورد (دیوار ۱۰۳۸) که درکف (۱۰۳۴) فرو ریخته است و دیگری (دیوار ۱۰۱۰ به ۱۱۰۳). غیر از این در هیچ نقطه‌ای هیچگونه آثاری پدیدار نیست مسلماً ارتفاع دیوار در طی زمان دستخوش فرسایش شده است. تمام بحث ما در این است که بتوانیم زمان حدوث نخستین سیل را آشکار سازیم. در هر صورت اگر آثار معماری را مربوط به اواخر هزاره سوم تخمین زنیم با توجه به مدت زمانی که آثار معماری در زیر شن و ماسه دفن شده‌اند حدوث سیل نمی‌تواند زودتر از اوایل هزاره دوم باشد. با توجه به وجود دو لایه رسی و دو لایه شنی از اواخر هزاره سوم به این طرف حداقل دو سیل عمده در این منطقه حادث شده است و این سیل به آن درجه از شدت بوده است که از سیل نخستین ۳۵ سانتیمتر و از دومین ۵۵ سانتیمتر لای برجاست. یادآور می‌شود که در هر دو مورد می‌بایست عامل فرسایش را در نظر داشت. در مورد سیل دوم با توجه به اینکه در دوره پس از دوره سلجوقیان یا اواخر این دوره سیل مهیبی همه آثار دوره سلجوقی را به نابودی کشانده است که در نوشتارهای دیگر بحث‌هایی داشته‌ایم آیا این لایه دوم از بقایای آن سیل بنیان‌کن است یا اینکه با توجه به شواهدی که در همین نوشته آمده است بقایای سیل دوره سلجوقی دستخوش فرسایش شده است؟ تصور بر این داریم که در دوره سلجوقی کلو تک‌ها تکرین یافته و ارتفاعی هم داشته است چون سیل هر چه قدر هم مهیب نمی‌توانسته است بدان اندازه باشد که از روی کلو تک‌ها گذشته و آن را در زیر خود نهان کرده باشد یا لایه‌ای بر لایه‌های پیشین افزوده باشد. بلکه بر این گمانیم که اگر لایه‌ای از رسوبات با خود داشته است که مسلماً چنین است آن لایه‌ها سطح دشت را پوشانیده بوده است که امروزه دستخوش فرسایش شده است از سویی نظرها را بدین نکته مهم جلب می‌نماید که حرکت تمدنی در منطقه شهداد از جنوب به شمال و از شرق به غرب است. بر این اساس در شرق آثار پیش از تاریخی با فاصله بین یک تا دو کیلومتر بقایای خبیص کهنه را داریم که قلعه بزرگی است از دوره ساسانی و آثار دوره سلجوقی در اطراف این قلعه و جنوب آن گسترده بوده است و باز هم نظر را بر این نکته معطوف می‌دارد که همه سیل‌ها از سمت غرب و از کوهستانهای این سوی بوده است اگر لایه بالایی را ما مربوط به دوره سلجوقی و حتی دوره تاریخی و مشخصاً ساسانی بدانیم که این آثار در شرق بقایای ساختمانی قرار دارند در آن صورت می‌بایست لااقل در این لایه عظیم به قطعاتی از مواد فرهنگی مربوط به آن دوره برخورد می‌کردیم. لکن نه در این کلو تک - منظور کلو تکی است که در شرق مجتمع ساختمانی

«الف» قرار دارد و مورد نظر ما است - و نه در هیچ یک از کلو تک‌های دیگر به هیچ قطعه‌ای از مواد فرهنگی با تاکید بر سفال روبرو نشدیم و این حکایت از آن دارد که به هنگام این رخداد عظیم هیچ گونه زندگی در جبهه غرب این آثار وجود نداشته است که سیل موقع برکندن آن آثار مواد مربوط را با خود آورده باشد. از سوی دیگر در این لایه نگاری می‌بینیم که یک لایه ماسه یک لایه رسوب رس سپس ماسه و پس از آن مجدداً رسوب خاک رس را داریم. ماسه را باد می‌تواند از درون کویر با خود آورده باشد و این انباشتگی را ایجاد کرده باشد ولی سیل معمولاً با خود همه چیز می‌آورد و در این لایه نگاری در لایه رسی هیچ گونه طبقه‌بندی مواد طبیعی را نمی‌بینیم در این صورت بایست کوههای اطراف را مورد مذاقه قرار داده تا سر منشاء این لایه‌های عظیم را یافت.

۴ - خاک برداری بخش‌های خاوری و جنوب خاوری مجتمع «الف»

مجموعه ساختمانی «الف» از جهت موقعیت مکانی در نقطه‌ای قرار گرفته است که در سمت شمال پشته‌ای وجود دارد که از سمت شمال خاوری آغاز و به جنوب باختری ادامه می‌یابد. در سمت جنوب هم پشته دیگری بوده است که به دلیل اینکه همه بخش‌های آن خاک‌برداری نشده است شکل و نمای آن بر ما آشکار نیست. ولی مسلماً حدود یک متر از کف اتاقهای کاوش شده بالاتر بوده است و این پشته نیز زمینهای رراعتی را تشکیل می‌داده است. این نکته نیز در خور توجه است که در محوطه‌های باستانی و بخصوص پیش از تاریخ آثار مسکونی عموماً بالاتر از زمینهای زیرکشت برپا می‌شدند و عموماً نیز تپه‌های طبیعی نقاط طرف توجه برای ساخت و ساز بودند ولی در این بخش از شهاد می‌بینیم که آثار ساختمانی پایین‌تر از سطح زیرکشت است. حال در مقام پاسخ‌گویی شاید بتوان نظر داد که موقعیت جغرافیایی ایجاب می‌کرد که چنین باشد زیر منطقه از هر سو بخصوص سمت شمال و باختر در معرض بادهای شدید بودند شاید بدین وسیله در میان دو پشته پناهگاهی امن برای زیست یافته بودند.

برای دریافتن وضعیت فضاها بین دو مجموعه «الف» و «ب» و ارتباط آنها با یک دیگر و یا یافتن آثار ساختمانی احتمالی ناچاریم که این فضای فاصل را خاک‌برداری کنیم. از این روی بدو طریق عمل کردیم:

الف - خالی کردن اطراف مجموعه «الف»

ب - حفر گودهای باریک و دراز که بتوان در فرصت کم به نکات مهم دست یافت
 نتیجتاً اگر نه به طور قاطع بلکه با احتمال زیاد می‌گوییم:
 الف - در این فاصله و در سمت جنوب مجموعه «الف» تا فاصله ۲۵ متر هیچ گونه آثار ساختمانی وجود نداشته است.

ب- کلیه این فضاها را زمین‌های کشاورزی تشکیل می‌داده است منتهی با توجه به وضعیت و موقعیت خاص منطقه‌ای که گفتیم به صورت پشته‌ایست، کشاورز چهار هزار و چند صد سال پیش شهدادی برای زراعت که به احتمال بسیار زیاد از نوع آبی هم بوده است - این خود نیز حایز اهمیت فراوان است و در این مورد در گزارش یازدهمین فصل کاوش فصل ویژه‌ای را به این امر اختصاص دادیم - ناگزیر بوده است شیب تپه را با زدن کرت‌های پله‌ای از بین ببرد و این چنین نیز عمل کرده است. منتهی کرت‌های پله‌ای بسیار خشن و بی‌تناسب است. کرت‌های شمال غربی که در سطحی هموار بوجود آمده است دارای ظرافت و دقت‌های لازم است در این قسمت با شلختگی عمل کرده‌اند. البته ناگفته نماند که در این بخش نیز دقت‌های لازم را از جهت ورود و خروج آب مرعی داشته‌اند. به هر حال در این خاکبرداری‌ها نیز سراسر منطقه جنوبی را زمینهای کشاورزی می‌یابیم و نوع شخم زدن را نیز بایبل یافتیم. این پشته نیز همچون پشته شمالی به صورت شمال باختری و جنوب باختری تقریباً به موازات آن بوده است. هر چند در سمت خاوری کاوش صورت نگرفته است ولی به احتمال زیاد با فاصله‌ای نه چندان زیاد دو رشته پشته بهم دیگر می‌پیوندند. نکته آخر این که مجموعه ساختمانی «الف» و «ب» محصور در زمینهای کشاورزی است. حال با ادامه کاوش می‌بایست راه یا راههای دسترسی و ارتباطی مجتمع‌های فعلاً دوگانه را مشخص ساخت.

۵- گمانه زنی در کارگاه «پ»

در توصیف کلی منطقه مورد کاوش اشاره‌ای داشتیم دال بر اینکه دو میدانگاهی کنار هم هستند که ما بخش باختری را به دلایلی که قبلاً یاد شده مورد کاوش قرار دادیم. در توصیف دیگر باید گفت که این هر دو یک بخش بودند که در سمت شمالی آنها پشته‌ای وجود داشت که سراسر آن جبهه را پوشانیده بود. با توجه به اینکه این پشته شمال خاوری به جنوب باختری است و از سوی دیگر پشته دیگری در سمت جنوب قرار دارد که از میانه پشته شمالی و در

موازات آن با یک فاصله نسبتاً زیاد کشیده شده است. این فضای صاف و مسطح امروزه بوسیله چند کلوتک به دو قسمت تقسیم شده است که بخش باختری کم وسعت تر است که این کمی وسعت هم طولی و هم عرضی است. بدین ترتیب فضای شرقی فضایی گسترده ای جلوی روی ما قرار گرفته که بسیار صاف و همواره است. در سمت شمال پشته ای در جانب خاور و باختر چند رشته کلوتک و جبهه جنوبی نیز کلوتکی مرتفع تر از بقیه کشیده شده است. گروه باستانشناسی دشت لوت برای اطمینان بیشتر ناباورانه در چند نقطه اقدام به حفر گمانه هایی کرد که ماحصل همه آنها هیچ بوده است ولی به هنگام خاک برداری از میدانگاهی غربی مشاهده کردیم که زمینهای کشاورزی رو به سوی شرق دارند و در نهایت به هنگام سطح یابی کف میدانگاهی شرق را پایین تر از کف زمینهای بقایای زراعتی، لکن بر اثر مرور زمان و فرسایش بیش از حد آن آثار محو و نابود شده اند. ناگفته نماند که در دامنه جنوبی پشته شمالی به طور محو آثاری از معماری پدیدار است منتها این آثار در حدی نیست که بتوان برداشتی از چگونگی ساختمانی از آن داشت.

در مجموع می توان گفت بدون تردید این قسمت نیز همزمان با دوره رونق مجموعه «الف» و «ب» دارای فعالیت بوده است. این تلاش ها چگونه بوده است؟ برما مکشوف نیست. مگر اینکه کلوتک بزرگی که در جنوب این بخش وجود دارد را برداریم تا در زیر آن به نشانه هایی از هر نوع فعالیتی دست یابیم.

۶ - بررسی منطقه

در گزارش یازدهمین فصل کاوش آمده بود که در اطراف کارگاه کاوش اقدام به یک بررسی دقیق به روش پیمایش شده بود. هدف از این بررسی را به دو منظور انجام دادیم.

الف - یافتن بقایای ساختمانی احتمالی، مشابه آنچه که کاوش شد.

ب - دست یابی به وضعیت شهرسازی زمان.

در ادامه این برنامه در سال ۱۳۷۶ و در جریان دوازدهمین فصل، برنامه بررسی نیز منظور شده بود. در این قسمت صرف نظر از دگرگونی هایی که بر اثر عوامل جوی مخرب همچون بادهای شمالی و غربی و در مواردی شرقی ایجاد کرده است. سیل و بارانهای شدید نیز عامل دیگری در روند تخریب فرسایشی سطح زمین بوده است. به همین روی جوی هایی پدیدار شد که معلوم

نیست مربوط به چه زمانی است.

پیش از اسکان بشر؟ زمان استقرار یا پس از آن؟ که معتبرترین آنها در جنوب مجموعه «الف» با فاصله حدود پنجاه متر کشیده شده است که مسیر آن باختری / خاوری است که از شهاداد امروزی شروع می شود و به سمت ده نو ادامه می یابد. پهنای آن در همه جا یکسان نیست. ضمن اینکه ژرفای آن نیز در نقاط مختلف متفاوت است ولی عمق آن در فاصله ۷۰۰ متری غرب کارگاه کاوش نسبت به نقاط دیگر بیشتر است (بیش از سه متر) و هر چه به سمت شرق کشیده می شود از عمق آن کاسته می شود و در نهایت با دشت هم سطح می شود. جویهای کوچک و بزرگی از هر سوی به سمت این نهر روان است و بریدگی هایی در رویه زمین بوجود آمده است که این خود سبب از هم گسیختگی محوطه باستانی شده است. لذا در حال حاضر نه با قاطعیت می توان گفت که شهر به هم ناپیوسته بوده است نه می توان ادعا کرد که به هم پیوسته و یکپارچه بوده است ولی به ظن غالب قسمت های مختلف شهر به هم پیوندی نداشته اند. عامل دیگری که موجب این جدایی شده است، عامل انسانی است که آن دو رشته قنات است که یکی از غرب به شرق کشیده شده است که فاصله چندانی با بخش شمالی کارگاه کاوش ندارد. حتی در میدانگاهی شرق به پشته شمالی متصل است و دیگر رشته قناتی است که از شمال به جنوب می گذارد که این دو میدانگاهی را از بقیه بخش های شهر جدا می سازد. عمر این دو رشته هر چه باشد مسلماً به اواخر هزاره سوم نمی رسد و مسلماً مستحدث است.

هر چند این مقدمات مارا از موضوع اصلی اندکی دور ساخته است لکن بیان آن خالی از فایده نیست.

گروه باستانشناسی دشت لوت در سال ۱۳۷۶ با همان اهداف از پیش آمده به بررسی مناطق اطراف بخصوص شرق مجموعه «الف» پرداخت.

در سیصد و پنجاه متری شرق شمالی مجموعه ساختمانی کشاورزان به پشته ای برخورد کرد که از سمت شمال، خاور و باختر ۱/۷۵ متر ارتفاع دارد ولی در سمت جنوب تقریباً با دشت برابر است. ناگفته نماند که در سه جهت مزبور جویهای کوچکی دیده می شود و در سمت شمال یک رشته قنات عبور می کند (باختری / خاوری) بر روی این پشته که حدود ۱۳۰ متر درازا (خاوری / باختری) و کمتر از ۱۰۰ متر پهنا دارد. بخصوص در بالای پشته به مقدار زیاد قطعات کوچک و بزرگ عقیق در رنگها مختلف دیده می شد. به درستی که می نگریستی می توانستی با

سنگ‌های دیگر همچون لاجورد نیز برخورد کنی که البته تعداد آنها کمتر بوده است. صرفنظر از این سنگ‌ها با وسایل کار مانند تیغه‌های سنگی، سرمته در اندازه‌های مختلف و ابزار دیگری نیز برخورد می‌شد. ناگفته نماند که به تعداد زیاد قطعات نیمه تراشیده ولی شکسته مهره‌های عقیق هم وجود داشت. این مهره‌های نیمه تراشیده تعدادی به هنگام تراش یا پرداخت یا به هنگام سوراخ کردن مهره‌ها شکسته شدند. بر روی پشته علاوه بر سنگهای عقیق و لاجورد و سرمته‌ها قطعات سفال نیز یافت می‌شود که سفال‌های خاکستری آن بیشتر در خور توجه است. سفالهای روی پشته عموماً نیمه خشن هستند لکن سفالهای خاکستری بسیار ظریف و خوش نقشند. در سمت شمال بقایای کوره‌ای هویدا است که با توجه به وجود مقدار نسبتاً زیاد سرباره ذوب مس، چنین می‌نماید که می‌بایست کوره ذوب مس باشد ولی متأسفانه بسیار خراب و منهدم شده است. بر روی پشته و مرکز آن چنانچه به دقت می‌نگریستی می‌شد ردیف‌های خشت را ملاحظه کرد. بخصوص که مقدار زیادی شن و همچنین سنگهای عقیق و دیگر مواد روی آن را پوشانیده بود. با توجه به وجود آن مواد فرهنگی و بقایای معماری چنین به نظر می‌رسید که چنانچه کاوشی در این قسمت صورت پذیرد شاید بتوان به بقایای معماری دست یافت و اگر اندکی تعمق می‌کردیم شاید می‌توانستیم بگوییم که احتمالاً یک گروه از «جواهر سازان» عصر دراین بخش مستقر بودند که محل زیست و کارشان در همین نقطه بوده است. بر همین اساس و تفکر بر آن شدیم کارگاه کاوشی دراین قسمت ایجاد نماییم تا به نتایجی ملموس‌تری دست یابیم.

۷- در مرکز پشته جایی که شاید بتوان آن را قله آن نامید و در سمت خاوریش با ردیف‌های خشت و به صورت محور و روبرو شدیم که نیازمند آن بود با دقت کار شود. ناگفته نماند که خاک این پشته بسیار پوک و تا اندازه‌ای ماسه‌ای است. آن قسمتی که تصور آثار معماری داشتیم تقریباً پوشیده از لای بود و خطوط هندسی که حاکی از دیوار و یا ردیف خشت‌ها در آن بوده است تا اندازه‌ای به چشم می‌آمد. بر همین اساس پس از پاک کردن سطح مورد نظر کارگاهی به اندازه ۱۰×۱۰ متر از قله پشته به سمت خاور ایجاد شد. در آن نقاطی که فکر می‌کردیم ممکن است دیواری باشد شروع به کار شد و با دقت هم به کار پرداختیم ولی اشکال در آن بود که بخش‌هایی از دیوارها به درون فرو ریخته بود و تفکیک خشتهای در جا که دیوارها بودند و خشتهای فروریخته هم بس دشوار بود. زیرا خشتها در هر دو حالت پوک و حتی با جارو کردن هم

متلاشی می‌شدند. از سویی به این تصور بودیم شاید در زیر باخشتهای سالم برخورد شود که آن هم مقدور نشد در دو نقطه گمانه‌های کوچکی ایجاد شد که در عمق حدود ۲۰ سانتیمتر با خاک بسیار سختی روبرو شدیم مشابه آنچه که در کف مجموعه ساختمانی کشاورزان دیده شده بود. با این احوال خاکبرداری را تا عمق ۷۰ سانتیمتر ادامه یافت که یک دست لایه‌های رسوبی بسیار سخت و محکم بوده است. پس از دو روز تلاش و کوشش چنین آشکار شد که در این قسمت‌ها فقط یک و حداکثر دو ردیف خشت بر روی هم وجود دارد و دیگر اینکه حد فاصل بین دیوار و خاکهای درون فضاها یا خارج دیوارها یک پوسته بسیار نازکی از ماسه نرم قرار گرفته است که مسلماً به مرور زمان بر اثر وزش باد پدید آمد و این راهنمای بسیار ارزنده‌ای بود برای ادامه کار و با در دست داشتن این سرنخ و با همین شیوه کار ادامه یافت که خوشبختانه به نتایج بسیار سودمندی دست یافتیم.

گودی که ایجاد شده بود ۱۰×۱۰ متر یا صدمترمربع بوده است. در فضای کارگاهی به ده فضای درونی کامل و یک فضای نیمه تمام برخورد شد که دو عدد از آنها اتاقهایی هستند همچون ساختمان کشاورزان دارای بخاری یا وسیله‌ای برای گرمایش و پخت و پز آنچه که تاکنون مشخص شده که از سه سوی شمال، جنوب و خاور مسدود و حد و حدود یک واحد را مشخص می‌کند لکن سمت باختر به دلیل کامل نشدن خاکبرداری فعلاً نامشخص است. از آنچه که تاکنون خاک برداری شد فعلاً می‌توان استنباطهایی داشت که از آن جمله است:

الف - در اصول کلی این معماری با مجموعه کشاورزان تقریباً یکسان است.

ب - جهت جغرافیایی بنا نیز همسان با مجموعه «الف» است. هر چند تاکنون ورودی ساختمان آشکار نشد لکن به نظر می‌رسد که در سمت جنوب باشد.

پ - اتاقهای نشیمن همچون «مجموعه کشاورزان» دارای وسیله گرمایشی دو کاره است. (گرمادهی و پختن).

ت - اگرچه از بخاری‌ها (دو بخاری ۳۰۰۳ و ۳۰۱۰) اندکی بیش بر جای نیست لکن معماری بخاری‌ها دقیقاً آن چیزی است که تاکنون دیده شده بود.

ث - چگونگی ساخت و ساز دیوارها هم یکسان است و به نظر می‌رسد که دیوارهای این مجموعه نیز با رنگ سبز نقاشی شده باشد.

ج - درگاهی‌هایی که تاکنون شناخته شده‌اند به کلی متفاوت است (۳۰۲۳ و ۳۰۳۳).

چ - غیر از دو اتاق نشیمن (۳۰۰۲ و ۳۰۱۱) بقیه فضاها از جهت کاربری نامشخص است اگر چه در یکی دو مورد به دلیل وجود پاره‌ای مواد فرهنگی می‌توان گفت که جنبه کارگاهی داشته است که بعداً به شرح خواهد آمد. تعدادی را نیز شاید بتوان انباری دانست.

یک نکته در خور توجه در این مجموعه ساختمانی که از هر جهت مشابه دیگر بناهای کاوش شده در پیش است. مسدود بودن درگاهی‌ها و ورودی‌ها است که در این کاوشها نیز مشاهده شده است البته این نیز خود می‌تواند بحث‌انگیز باشد. در مورد مجموعه‌های کشاورزی اصل بر آن بود که ممکن است وضعیت آب و هوایی سبب خشک سالی ممتد و در نهایت مهاجرت را موجب شده باشد. اینک با یک فاصله مکانی نسبتاً زیاد ولی از یک دوره با دگرگونی معیشتی روبرو هستیم مجدداً با همان معضل روبرو می‌شویم. در این صورت آیا نمی‌توان گفت که دگرگونی مورد نظر آنچنان شدید بود که دگرگونی اجتماعی را نیز باعث شده است؟ و مهاجرت دسته جمعی را بُعدی گسترده‌تر داده است؟ آنچه که در خور توجه است این است که ترک خانه و مسکن یکباره نبوده است بلکه با یک فرصت معقول انجام شد چرا که از یک سوی صاحب خانه کلیه وسال و لوازم را جمع آوری کرده و با دقت درها را نیز درآورده و در نهایت ورودی‌ها را مسدود ساخته است. اگر چه مهاجرت صورت پذیرفته است ولی آیا کشاورزان به سبب نوع کار و سر و کار داشتن با آب زودتر مبادرت به این کار نکرده‌اند؟

چگونگی معماری

۷-۱

کلیه آثار معماری خاک برداری شده از خشت و ملاط گل است. خشتها عموماً ۳۸×۲۴×۸ سانتیمتر هستند. هر چند قطر دیوارها در همه جا به یک اندازه نیست ولی رسم متعارف ۳۰ سانتیمتر است که خشتها با ملاط گل بر روی هم قرار گرفته‌اند. هم در خمیره خشت هم در ملاط کاه بکار رفته است. هر چند قطر دیوارهای داخلی ۳۸ سانتیمتر است لکن دیوارهای خارجی اندکی بیشتر است. دیوارها پس از ساخته شدن با کاه گل اندود شدند و به نظر می‌رسد که با خاک رس کوه جفتان رنگ آمیزی شده باشد (ته رنگ سبز روشن)

۷-۲

در میان اتاقهایی که خاک برداری و مشخص شدند دو اتاق (۳۰۱۱ و ۳۰۰۲) اتاقهایی هستند که به هم متصل و با یک درگاهی (۳۰۲۳) به هم راه دارند. این دو اتاق به سبب وجود بخاری در هر یک (۳۰۰۳ و ۳۰۱۰) از آنها و با شناختی که نسبت به معماری این زمان داریم می تواند اتاق نشیمن باشد. این اتاقها در میانه به نحوی جای گرفتند که در جوانب آنها فضاهای دیگری نیز طراحی شده است و با درگاههایی به اتاقهای جنبی دیگر راه دارند. جهت این اتاقها شمالی / جنوبی است و بخاری به نحوی است که در اتاق (۳۰۰۲) به دیوار جنوبی تکیه دارد و در اتاق (۳۰۱۱) به دیوار شمالی متصل است. کف هر دو اتاق صاف و هموار و از لایه های رسوبی سیلهای ادوار پیشین است.

در میانه اتاق (۳۰۰۲) یک اجاق کوچک در کف کنده شده است (۳۰۳۲) در گوشه جنوب باختری اتاق (۳۰۱۱) به یک سکوی کوچکی نیز (۳۰۳۵) برخورد می شود.

۷-۳

در اطراف دو اتاق نشیمن اتاقهای دیگری طراحی شده بود که می توان آنها را به سه گروه تقسیم کرد.

۷-۳-۱

دسته نخست فضاهایی هستند که نمی توان آنها را فضایی برای زیست یا کار دانست. بلکه بیشتر شبیه آن چیزی است که امروزه تعبیر صندوق خانه را از آن داریم و شامل دو بخش است و در گوشه جنوب خاوری قرار دارند. این دو اتاق نه به اتاقهای دیگر راه دادند و نه به یکدیگر متصل هستند از این روی شاید بتوان گفت که به هنگام آبادانی با دریچه هایی که در دیوارها ایجاد می شد مورد استفاده قرار می گرفتند، سنتی که امروزه نیز در معماری حاشیه کویر شاید هم نقاط دیگر رایج است.

۷-۳-۲

اتاقهای دیگری هستند که در بخش شرقی و شمالی ساخته شده اند. این اتاقها دارای هیچ

مشخصه‌ای نیستند و در برخی از آنها نتوانستیم در گاهی‌هایشان را مشخص سازیم. (۳۰۲۰ و ۳۰۱۸).

۷-۳-۳

کارگاه‌ها - در شمال باختری دو اتاق قرار دارد که ما از آن تعبیر کارگاه داریم و بدان علت است که در این دو اتاق (۳۰۱۴ و ۳۰۳۱) به مواد فرهنگی چندی برخورد شد که موید این نظریه است. ضمن اینکه با این مواد فرهنگی نوع کارگاه نیز بر ما آشکار شد. در اتاق (۳۰۱۴) با سه اثر برخوردیم که عبارتند از: یک عدد کوزه شکسته (دو سوم یک کوزه) یک عدد تیغه سنگی و یک عدد مادر سنگ (Core). که مشابه آن تاکنون در شهاد دیدن نشده بود در اتاق ۳۰۳۱ در بخش شمالی به تعداد بیش از ۲۰۰ قطعه عقیق برخورد شد که در رنگها و اندازه‌های مختلف بودند که عموماً خام و کار نشده ولی در بین آنها به چند قطعه‌ای نیمه تراشیده صیقل نیافته یا نیمه سوراخ شده ولی شکسته هم برخورد شد. با وجود این قطعات عقیق و ابزار کار به دست آمده از سطح محوطه و حین کار و خاکبرداری گروه باستانشناسی دشت لوت این قسمت را محله جواهر سازان نامیده است.

۸ - نتیجه‌گیری کلی

در مجموع با توجه به نکات نوشته شده و با توصیفات که آمده است بر این باوریم که موقعیت شهرسازی شهاد محله‌هایی بوده است مربوط به یکی از صنفهای موجود یعنی هر صنفی در یک محله زیست می‌کرده است که هر چند به هم وابسته بودند ولی ظاهراً محله‌ها به هم ناپيوسته بودند. براساس آنچه که تاکنون مشخص شده است درازای این شهر بیش از ۵۰۰ متر است و در شهر ظاهراً در سمت شرق گسترش می‌یافت که در فصل‌های آتی می‌بایست با دقت بیشتری به جستجو پرداخت تا به گستره دقیق شهر و محله‌های دیگر مربوط به اصناف دیگر دست یافت.

در نهایت با توجه به کاوشهای انجام شده با این شواهدی که فعلاً در دست داریم وضعیت معماری دو محله کشاورزان و جواهر سازان را با اندکی تفاوت یکسان می‌یابیم. باید گفت که متاسفانه عوامل طبیعی و جوی سطح محوطه را به نحو بسیار شدیدی دگرگون

کرده است و از این رهگذر بسیاری از شواهد ملموس باستانشناسی گم شده است.

میرعابدین کابلی - ۱۳۷۷/۵/۱۸

شماره لوکوس	نوع اثر	جهت جغرافیایی	ژرفا یا بلندا به سانتیمتر	اندازه ها به متر	شرح لوکوس
۳۰۲۶	اتاق	چهارگوش	-۱۵	۲/۳۰×۲/۳۰	در جبهه شرقی قرار دارد و از طریق درگاهی ۳۰۳۳ به ۳۰۰۶ راه می یابد. اتاق مربع کامل نیست بلکه سمت جنوب پهن تر ۲/۳۵ متر و در سمت شمال ۲/۱۰ متر است. فضای کوچکی است در جنوب شرقی مجموعه ساختمان متاسفانه راه ورودی آن نیز مشخص نشده است. دیوار فاصل بین ۳۰۲۸ و ۳۰۰۸ ساخته شده از خشت با پهنای متعارف.
۳۰۲۷	اتاق	چهارگوش	-۱۵	۱/۱۰×۱/۱۰	دیوار شرقی اتاق ۳۰۲۷ ساخته شده از خشت با پهنای متعارف.
۳۰۲۸	دیوار		$\frac{-15}{-15}$	۰/۶۰	دیوار جبهه جنوبی ساختمانی. ارتفاع دیوار در سمت شرق ۱۲ سانتیمتر و در سمت غرب به سبب نزدیکی به قله پشته بلندتر است. دیوار از خشت برپا شده است. اتاقی است متصل به ۳۰۱۱ که با دیوارهای ۳۰۲۵ و ۳۰۳۸ از آن جدا شده است و با درگاهی بهم دیگر راه می یابند. در این اتاق تعداد بیش از ۲۰۰ قطعه سنگ عقیق خام و چند قطعه مهره عقیق و یک قطعه سنگ صابونی به دست آمده است.
۳۰۲۹	دیوار	شمالی / جنوبی	$\frac{-15}{-15}$	۱/۴۰	کوره یا اجاقی است که در میانه اتاق ۳۰۰۲ ساخته شده است. اجاق در کف اتاق کنده شده سپس جداره آن را با کاه گل اندود کردند و نشانه آتش خوردگی در آن مشاهده می شود و انباشته از ذغال بوده است.
۳۰۳۰	دیوار	شرقی / غربی	$\frac{-15}{-15}$	۷/۴۰	درگاهی میان دو اتاق ۳۰۰۶ و ۳۰۲۶
۳۰۳۱	اتاق؟	شمالی / جنوبی	-۴۵	۲/۴۵×۱	درگاهی میان دو اتاق ۳۰۱۱ و ۳۰۱۴ که این دو اتاق را به هم مرتبط می سازد.
۳۰۳۲	کوره	گرد	$\frac{-25}{-55}$	۰/۳۰	سکوئی است واقع در گوشه جنوب غربی اتاق ۳۰۱۱ محل اتصال دو دیوار ۳۰۱۲ و ۳۰۳۸ ساخته شده از خشت. گوشه شمال شرقی سکوگرد شده است.
۳۰۳۳	درگاهی	شرقی / غربی	-۱۵	۰/۵۵	دیوار شمالی اتاق ۳۰۳۱؟ که در سمت غرب به دیوار ۳۰۱۵ متصل می شود و در سمت شرق بدنه غربی درگاهی ۳۰۳۴ را تشکیل می دهد. ساخته شده از خشت.
۳۰۳۴	درگاهی	شرقی / غربی	-۴۰	۰/۵۰	درگاهی حدفاصل ۳۰۳۱ و ۳۰۱۱ دیوار سمت جنوب این درگاهی در کاوش مشخص نشد و عرض آن هم با توجه به
۳۰۳۵	سکو	چهارگوش	$\frac{-15}{-35}$	۰/۴۰×۰/۳۵	
۳۰۳۶	دیوار	شرقی / غربی	$\frac{-15}{-35}$	۱/۴۰	
۳۰۳۷	درگاهی؟	شمالی / جنوبی	-۴۵	-۰/۵۵؟	

شماره لوکوس	نوع اثر	جهت جغرافیایی	ژرفا یا بلندا به سانتیمتر	اندازه‌ها به متر	شرح لوکوس
۳۰۳۸	دیوار		$\frac{+0}{-45}$	۰/۹۰	درگاهی‌های دیگر طراحی شد. دیوار؟ در این قسمت اصل دیوار نامعلوم است. خراب شده است؟ و یا نداشته است لکن بر روی زمین خط‌هایی حاکی از وجود چنین دیوار وجود دارد.

شماره لوکوس	نوع اثر	جهت جغرافیایی	ژرفا یا بلندا به سانتیمتر	اندازه‌ها به متر	شرح لوکوس
۳۰۰۱	کارگاه	چهارگوش	-۰-	۱۰×۱۰	کارگاه کاوش در ۳۵۰ متری شرق شمالی محله کشاورزان
۳۰۰۲	اتاق	شمالی/جنوبی	-۲۵	۳×۲/۳۵	اتاقی است در سمت جنوب و محصور در دیوارهای ۳۰۰۴، ۳۰۳۰، ۳۰۱۲ و ۳۰۰۵ که از طریق ۳۰۲۴ به ۳۰۰۶ و از درگاهی ۳۰۲۳ به ۳۰۱۱ راه می‌یابد و بخاری ۳۰۰۳ در این اتاق ساخته شده است و اجاق ۳۰۳۲ در همین کف وجود دارد.
۳۰۰۳	بخاری	مربع	-۳۵	۱/۱۰×۱/۱۰	بخاری است در کف ۳۰۰۲ و متصل به ۳۰۳۰ مشابه بخاری‌هایی که در مجتمع ساختمانی کشاورزان هم دیده شده بود.
۳۰۰۴	دیوار	شمالی/جنوبی	-۳۵	۳/۵×۰/۳۰	دیوار خشتی، غرب اتاق ۳۰۰۲ با پوشش گلی از دو سوی و رنگ آمیزی‌ها از داخل.
۳۰۰۵	دیوار	شمالی/جنوبی	-۳۰	۵/۱۵×۰/۳۰	دیوار خشتی بین ۳۰۰۲ و ۳۰۰۶ و مشترک بین ۳۰۱۱ و ۳۰۲۶
۳۰۰۶	اتباری	شمال/جنوبی	-۱۵	۳/۱۵×۱/۳۰	اتاق درازی است که به نظر می‌رسد اتباری باشد که هم به کف ۳۰۰۲ و هم به اتاق ۳۰۲۶ راه دارد.
۳۰۰۷	دیوار	شمالی/جنوبی	-۳۵	۳/۱۵×۰/۳۰	دیوار حد فاصل ۳۰۰۶ و ۳۰۰۸ و ۳۰۲۷ دیوار از خشت و دو ردیف خشت بر روی هم.
۳۰۰۸	اتباری	شمالی/جنوبی	-۱۵	۱/۸۰×۰/۶۰	اتباری کوچکی است که در شرق ۳۰۰۶ قرار گرفته است. راه دست پایی به آن هم مشخص نشد.
۳۰۰۹	دیوار	شمالی/جنوبی	-۳۰	۲/۳۰×۹	دیوار شرقی اتباری ۳۰۰۸ دیوار ناراست و از خشت ساخته شده است.
۳۰۱۰	بخاری	چهارگوش	-۳۵	۱/۴۰×۱/۲۰	بخاری واقع در ۳۰۱۱ و چسبیده به دیوار ۳۰۱۳ با مشخصات بخاری‌های دیگر ولی به دلیل فرسایش زیاد فقط قسمت‌های زیرین آن برجاست.
۳۰۱۱	اتاق	چهارگوش	-۳۰	۲/۶۰×۲/۴۵	اتاقی است واقع در شمال ۳۰۰۲ که با درگاهی ۳۰۲۳ به هم راه دارند و از طریق ۳۰۳۴ به ۳۰۱۴ متصل است و بخاری ۳۰۱۰ نیز در شمال همین اتاق ساخته شده است.
۳۰۱۲	دیوار	شرقی/غربی	-۳۵	۱/۱۰	دیوار بین ۳۰۰۲ و ۳۰۱۱ کلفتی دیوار از حد متعارف بیشتر است و در گاهی ۳۰۲۳ نیز در همین دیوار تعبیه شده است. به دلیل قرار گرفتن در نزدیکی قله پشته ارتفاع آن بیشتر است.
۳۰۱۳	دیوار	شرقی/غربی	-۳۵	۵	دیوار شمالی اتاقهای ۳۰۱۱ و ۳۰۲۶ ارتفاع دیوار در سمت غربی به سبب نزدیکی به قله تپه بیشتر است.
۳۰۱۴	اتاق	شرقی/غربی	-۳۸	۲/۴۰×۲	اتاقی است در شمال غرب کارگاه به سبب نزدیکی

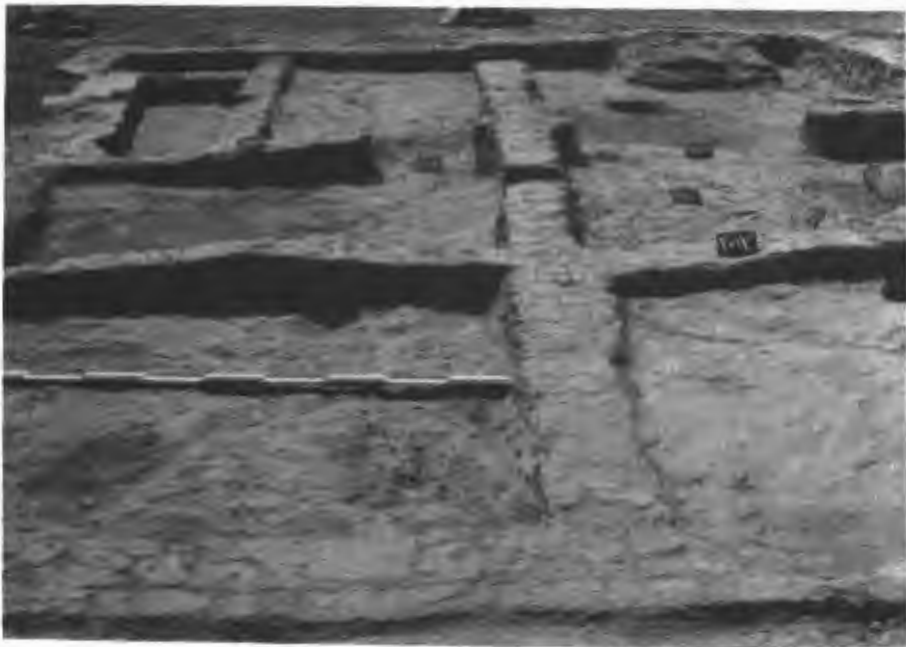
شماره لوکوس	نوع اثر	جهت جغرافیایی	ارتفاع یا بلندا به سانتیمتر	اندازه‌ها به متر	شرح لوکوس
					به قله پشته دیوار سمت غرب بلندتر از بقیه نقاط است. سمت غرب این اتاق هنوز کاوش نشده است. در این اتاق یک قطعه Core و یک تیغه سنگی و بخشی از یک کوزه یافت شد.
۳۰۱۵	دیوار	شمالی/جنوبی	$\frac{-۱۰}{-۳۰}$	۲/۶۰	دیوار جبهه غربی ۳۰۱۴ و ۳۰۳۱ سمت غرب این دیوار هنوز خاکبرداری نشده است ارتفاع دیوار در سمت شمال غرب بلندتر از سمت جنوب غربی است.
۳۰۱۶	دیوار	شمالی/جنوبی	$\frac{-۱۰}{-۳۵}$	۲/۰۵	دیوار بین ۳۰۱۴ و ۳۰۱۸ با کلفتی معمول از خشت ساخته شده است. به نظرمی‌رسد که از دو طرف رنگ آمیزی شده باشد.
۳۰۱۷	دیوار	شرقی/غربی	$\frac{-۱۰}{-۱۳}$	۷/۱۰	دیوار جبهه شمالی مجموعه ساختمانی مورد کاوش، ارتفاع دیوار در سمت غرب به سبب قرار گرفتن در نزدیکی قله پشته بیشتر است.
۳۰۱۸	اتاق	چهارگوش	-۲۲	۱/۷۰×۲/۰۵	اتاقی است در جبهه شمال مجموعه راه ارتباطی آن با بقیه قسمتها مشخص نشده است.
۳۰۱۹	دیوار	شمالی/جنوبی	$\frac{-۱۰}{-۱۵}$	۲/۰۵	دیوار بین ۳۰۱۸، ۳۰۲۰ با کلفتی متعارف این مجموعه از معماری.
۳۰۲۰	اتاق	چهارگوش	-۱۰	۲×۲	اتاق در گوشه شمال شرق قرار گرفته است واتانهای هم جوار هم راهی یافت نشده است. به علت استخراج خاک با دیوار و پرکی بیش از حد خاک.
۳۰۲۱	دیوار	شمالی/جنوبی	$\frac{-۱۰}{-۱۰}$	۲/۶۵	دیوار جبهه شرقی ۳۰۲۰ و ۳۰۲۶ با کلفتی ۲۰ سانتیمتر و از خشت ساخته شده است.
۳۰۲۲	دیوار	شرقی/غربی	$\frac{-۱۰}{-۱۳}$	۱/۵	دیوار فاصل بین ۳۰۲۶ و ۳۰۰۶ و ۳۰۰۸ ساخته شده از خشت با کلفتی متعارف در گاهی ۳۰۳۳ در همین دیوار ایجاد شده است.
۳۰۲۳	درگاهی	شرقی/غربی	-	۱/۰۵	درگاهی بین ۳۰۰۲ و ۳۰۱۱ زائده سمت شرق این درگاهی و درگاهی دیگر این مجموعه با معماری رایج در این مناطق نامتعارف است.
۳۰۲۴	درگاهی	شمالی/جنوبی	-۱۵	۰/۵	درگاهی بین ۳۰۰۲ و ۳۰۰۶
۳۰۲۵	دیوار	شمالی/جنوبی	$\frac{-۱۰}{-۳۵}$	۰/۹۰×۰/۲۰	دیواری است که از ۳۰۲۶ جدا شده و حد فاصل بین ۳۰۱۱ و ۳۰۳۱ است. کلفتی این دیوار نسبت به دیوارهای دیگر این مجموعه بیشتر است دیوار پست استوار و محکم.



نمای زمین زراعتی که در زیر کلو تک قرار گرفته است.



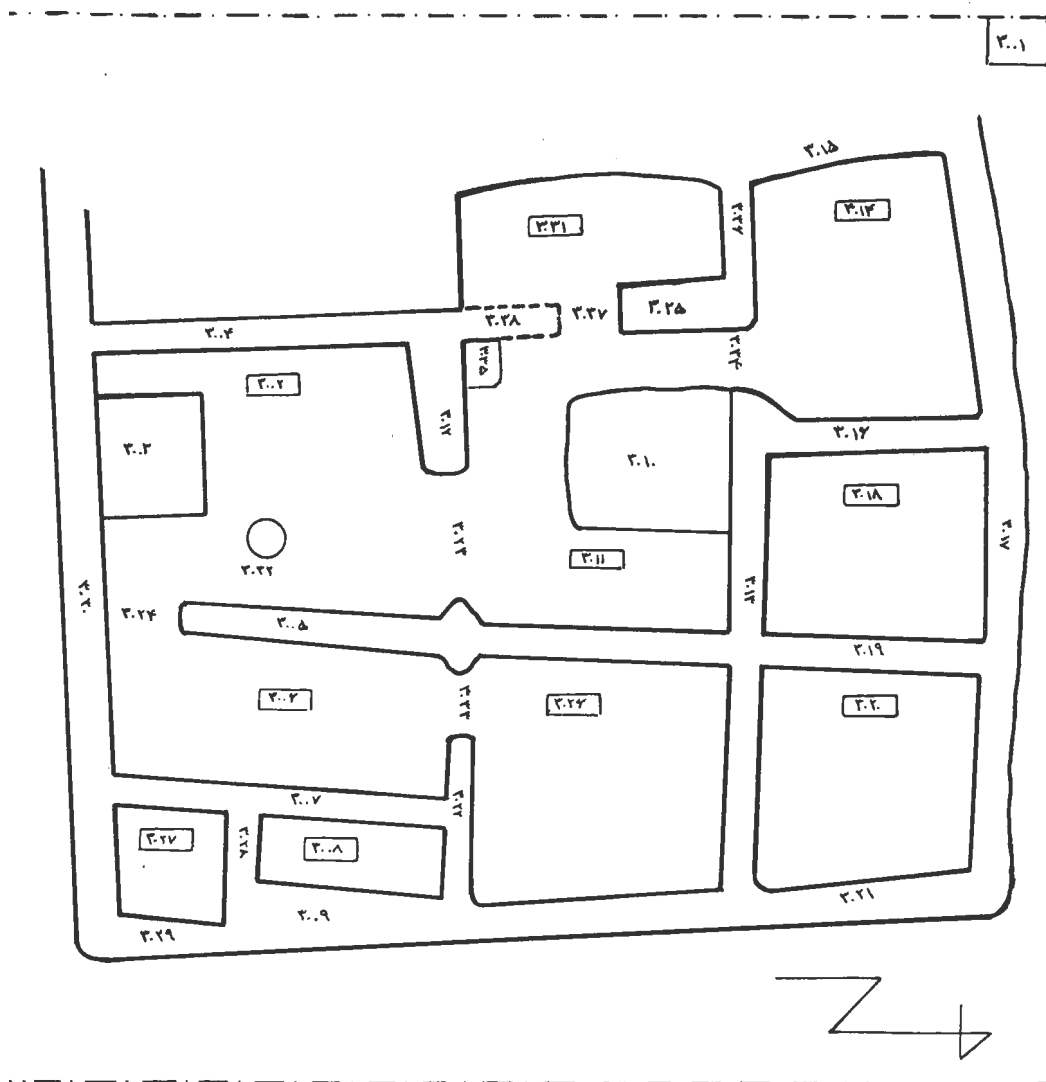
وضعیت کلو تک شمال شرق مجموعه ساختمانی «الف»



بخش باختری آثار ساختمانی کارگاه «ت»



نمای کلی مجموعه ساختمانی کارگاه «ت» مجموعه «پ»



شهداد کارگاه کاوش ت. مجموعه ساختمانی پ

۱ : ۵۰



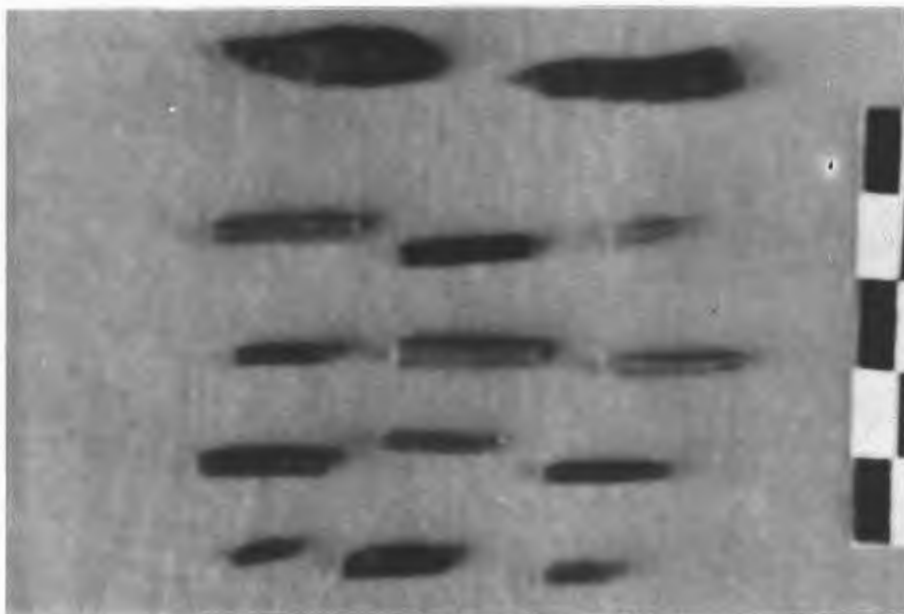
شهداد: نقشه آثار ساختمانی کارگاه «پ»



گوشه شمال غرب مجموعه ساختمانی «الف» نمایش کرت بندی شده زمین



چگونگی شخم خوردگی
زمین به وسیله «خیش»



بخشهایی از مته‌ها و سرمته‌های به دست آمده از عملیات کاوش کارگاه «ت»

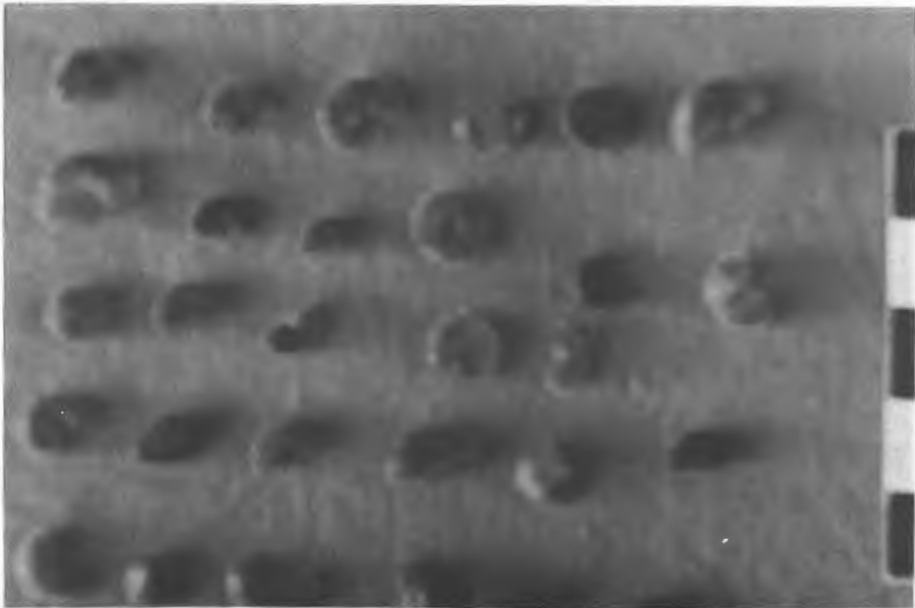


یک عدد سنگ مادر و یک عدد تیغه سنگی به دست آمده از اتاق ۳۰۱۴

کتابخانه تخصصی
پژوهش‌های باستان‌شناختی
دانشگاه تهران



چهار قطعه سنگ لاجورد جمع آوری شده از سطح محوطه کارگاه «ت»



قطعات مهره‌های عقیق سالم و یا شکسته به دست آمده از کارگاه «ت» کاوش.

شرایط چاپ مقالات در پژوهشنامه:

دو فصلنامه پژوهشنامه، شامل مجموعه مقالاتی است که اداره کل میراث فرهنگی استان تهران در زمینه بررسی‌ها، کاوشهای باستان‌شناسی، مطالعات مردم‌شناسی و قوم‌نگاری، گویش و زبان‌شناسی، هنرهای سنتی، هنرهای دستی، انسان‌شناسی، تحقیقات تاریخی، شناسایی و معرفی آثار و بناهای باستانی و تاریخی، مرمت، حفظ و احیاء (ترجیحاً مرتبط با استان تهران) و مقوله‌های مربوط به کلیات علوم مورد اشاره منتشر می‌نماید. دفتر «پژوهشنامه» از عموم نویسندگان، پژوهشگران و مترجمان گرامی با رعایت نکات زیرمقاله برای چاپ در شماره‌های آتی می‌پذیرد:

- ۱ - عنوان مقاله از لحاظ معنایی واضح و دربردارنده موضوع مقاله باشد.
- ۲ - نام نویسنده اول و دوم همراه با عنوان و تخصص ذکر شود.
- ۳ - نوع قلم متن فارسی لو توس نازک ۱۳ و کلمات لاتین Times نازک ۱۰ باشد.
- ۴ - مقالات باید مطابق اصول نگارش، نشانه‌گذاری، ویرایش و در قالب دیسکت یا CD و یا حداقل در یک روی کاغذ A4 نوشته شود.
- ۵ - مقاله شامل اشکال، جداول، منابع و مأخذ و سایر ضمایم باید حداکثر ۲۰ تا ۲۵ صفحه باشد.
- ۶ - مقاله‌های تألیفی باید مطابق شیوه نگارش علمی و به دور از اطناب، مستند با ذکر منابع و مأخذ معتبر باشد.
- ۷ - متن مقاله علاوه بر تیتراژ اصلی و فرعی، واضح و خوانا باشد.
- ۸ - شایسته است مقاله دارای چکیده و حداکثر در یک پاراگراف تنظیم شود.
- ۹ - تصاویر و جداول و طرح‌ها بعد از موضوع داخل متن اصلی و همراه با شرح و توضیح آورده شود.

- ۱۰ - پاورقی‌ها و رفرنس کوتاه منابع، شامل نام منبع، نویسنده و صفحه در زیر هر صفحه درج شوند.
- ۱۱ - معادلهای غیرفارسی و اصطلاحات و مفاهیم غیررایج و اعلام تاریخی و جغرافیایی غیرفارسی در پاورقی باحروف فونتیک ذکر شود.
- ۱۲ - مقاله‌های ترجمه شده باید به همراه اصل مقاله، مشخصات کامل مأخذ و چکیده‌ای از ترجمه فارسی باشد.
- ۱۳ - در آخر هر مقاله ابتدا فهرست فارسی منابع و مأخذ و سپس فهرست خارجی براساس نام خانوادگی نویسنده، نام، عنوان، تاریخ، محل انتشار، ناشر و تعداد صفحات تنظیم شود.
- ۱۴ - در پایان هر مقاله نام و نام خانوادگی، نشانی کامل، شماره تلفن، شغل و عنوان علمی نویسنده یا مترجم ذکر گردد.
- ۱۵ - نویسنده یا مترجم پایان مقاله ارسالی را امضاء نماید.
- ۱۶ - مقالات ارسالی قبلاً در نشریه، روزنامه، کتاب و ... به چاپ نرسیده باشد.
- ۱۷ - مقالات ارسالی به ترتیب تاریخ دریافت، بررسی و پس از تصویب هیات داوران «پژوهشنامه» چاپ می‌شود.
- ۱۸ - درج مقالات در «پژوهشنامه» براساس ترتیب الفبای فارسی نام خانوادگی نویسندگان خواهد بود.
- ۱۹ - «پژوهشنامه» در ویرایش مجدد و یا حذف و اضافه در حد محدود مقاله آزاد است.
- ۲۰ - مقالات دریافت شده مسترد نخواهد شد.
- ۲۱ - استفاده از مطالب، تصاویر، نقشه‌ها و طرح‌های «پژوهشنامه» با ذکر منبع آزاد است.
- ۲۲ - اعتبار علمی محتوای مطالب مندرج در مقالات «پژوهشنامه» لزوماً مبین رأی و نظر اداره کل میراث فرهنگی استان تهران نیست.